



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

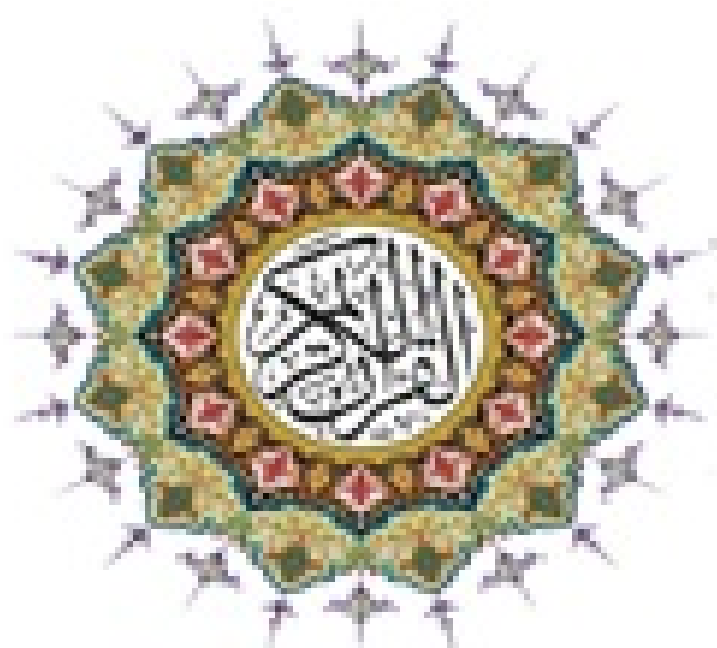
گامی



عزیزان
علیهما الصلوة والسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۱۰۵

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 105

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۶	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۱۰۵
۴۶	مشخصات کتاب
۴۶	۱- مهاجران
۴۶	۱- مهاجران
۴۶	۲- آثار اخلاص مهاجران
۴۶	۳- آموزش مهاجران
۴۸	۴- اذیت مهاجران صدراسلام
۴۸	۵- ارث خویشاوندان مهاجران
۴۸	۶- ارث مهاجران
۴۹	۷- ارزش امداد به مهاجران
۵۰	۸- ارزش پیروی از مهاجران
۵۰	۹- ارزش عمل مهاجران
۵۰	۱۰- ارزش مرگ مهاجران
۵۰	۱۱- استقبال از مهاجران صدراسلام
۵۲	۱۲- استمداد از مهاجران
۵۲	۱۳- امداد به مهاجران
۵۴	۱۴- امیدواری مهاجران
۵۴	۱۵- امیدواری مهاجران فقیر
۵۵	۱۶- اهمیت صبر مهاجران صدراسلام
۵۶	۱۷- ایمان مهاجران صدراسلام
۵۶	۱۸- بشارت به مهاجران
۵۸	۱۹- بی تقوایان از مهاجران صدراسلام
۵۸	۲۰- پاداش اخروی مهاجران

۵۹	۲۱- پاداش دنیوی مهاجران
۶۰	۲۲- پاداش مهاجران
۶۰	۲۳- پناه به مهاجران
۶۲	۲۴- پناهگاه مهاجران صدراسلام
۶۲	۲۵- تأمین نیازهای مهاجران
۶۲	۲۶- تأمین نیازهای مهاجران صدراسلام
۶۲	۲۷- تأمین نیازهای مهاجران فقیر
۶۴	۲۸- ترک امداد به مهاجران
۶۴	۲۹- ترک انفاق به مهاجران
۶۵	۳۰- توصیه به مهاجران صدراسلام
۶۶	۳۱- توکل مهاجران
۶۶	۳۲- جهل مهاجران
۶۸	۳۳- حقوق مهاجران
۶۸	۳۴- حمایت از مهاجران
۶۸	۳۵- خانواده مهاجران به مکه
۶۸	۳۶- دوستی مهاجران صدراسلام
۷۰	۳۷- دینداری مهاجران
۷۰	۳۸- دینداری مهاجران صدراسلام
۷۰	۳۹- رحمت خدا بر مهاجران
۷۱	۴۰- رستگاری مهاجران
۷۲	۴۱- رضایت از مهاجران
۷۲	۴۲- رضایت مهاجران
۷۲	۴۳- روزی اخروی مهاجران
۷۴	۴۴- روزی نیکوی مهاجران
۷۴	۴۵- سعادت مهاجران
۷۴	۴۶- شهادت مهاجران صدراسلام

۷۵	۴۷- صبر مهاجران
۷۶	۴۸- صبر مهاجران صدراسلام
۷۶	۴۹- صفات مهاجران
۷۶	۵۰- عفو مهاجران گناهکار
۷۷	۵۱- عوامل سعادت اخروی مهاجران
۷۸	۵۲- عوامل سعادت دنیوی مهاجران
۷۸	۵۳- فضایل مهاجران
۸۲	۵۴- فضایل مهاجران صدر اسلام
۸۲	۵۵- فیء به مهاجران
۸۲	۵۶- فیء به مهاجران صدراسلام
۸۴	۵۷- فیء به مهاجران فقیر
۸۴	۵۸- محدوده علم مهاجران صدراسلام
۸۴	۵۹- محدوده مسؤولیت مهاجران
۸۶	۶۰- مدح مهاجران
۸۶	۶۱- مراتب ایمان مهاجران
۸۶	۶۲- مراتب مهاجران
۸۶	۶۳- مرگ مهاجران صدراسلام
۸۷	۶۴- مسکن اخروی مهاجران
۸۸	۶۵- مسؤولیت مهاجران
۸۸	۶۶- مسؤولیت مهاجران نخستین
۹۰	۶۷- مقابله به مثل مهاجران صدراسلام
۹۰	۶۸- مقامات اخروی مهاجران
۹۰	۶۹- مقامات مهاجران
۹۲	۷۰- مقامات مهاجران نخستین
۹۴	۷۱- ممنوعیت ترک انفاق به مهاجران
۹۴	۷۲- منشأ پاداش مهاجران

۹۴	۷۳- موقعیت اقتصادی مهاجران صدراسلام
۹۴	۷۴- مهاجران در غزوه تبوک
۹۶	۷۵- مهاجران صابر
۹۶	۷۶- مهاجران صدر اسلام
۹۶	۷۷- مهاجران صدراسلام در بهشت
۹۶	۷۸- مهاجران و مؤمنان غیر مهاجر
۹۸	۷۹- نیازهای معنوی مهاجران صدراسلام
۹۸	۸۰- ولایت در مهاجران
۱۰۰	۸۱- ویژگیهای مهاجران صدراسلام
۱۰۱	۲- مهتدین
۱۰۱	۱- مهتدین
۱۱۵	۲- آثار عمل مهتدین
۱۱۶	۳- آرامش مهتدین
۱۱۷	۴- آزادی بیان مهتدین
۱۱۷	۵- ازدیاد هدایت مهتدین
۱۱۷	۶- استغفار مهتدین
۱۱۷	۷- استقامت مهتدین
۱۱۷	۸- اضلال مهتدین
۱۱۹	۹- اطاعت از مهتدین
۱۱۹	۱۰- امنیت اخروی مهتدین
۱۲۰	۱۱- انقیاد مهتدین
۱۲۱	۱۲- اهتمام مهتدین به نماز
۱۲۱	۱۳- ایمان مهتدین
۱۲۱	۱۴- بشارت به مهتدین
۱۲۱	۱۵- پاداش اخروی مهتدین
۱۲۳	۱۶- پاداش مهتدین

- ۱۲۳ ۱۷- پیروی از مهتدین
- ۱۲۳ ۱۸- تبلیغ مهتدین
- ۱۲۳ ۱۹- تشبیه به مهتدین
- ۱۲۴ ۲۰- تشخیص مهتدین
- ۱۲۵ ۲۱- تعبد مهتدین
- ۱۲۵ ۲۲- تقرب مهتدین
- ۱۲۶ ۲۳- تقلید از مهتدین
- ۱۲۷ ۲۴- تلاش مهتدین
- ۱۲۷ ۲۵- حتمیت سعادت اخروی مهتدین
- ۱۲۷ ۲۶- حق پذیری مهتدین
- ۱۲۹ ۲۷- خضوع مهتدین
- ۱۲۹ ۲۸- خطر گمراهی مهتدین
- ۱۲۹ ۲۹- در قیامت
- ۱۳۰ ۳۰- دعوت‌های مهتدین
- ۱۳۱ ۳۱- روحیه مهتدین
- ۱۳۱ ۳۲- رهبری مهتدین
- ۱۳۱ ۳۳- زندگی اخروی مهتدین
- ۱۳۱ ۳۴- سجده مهتدین
- ۱۳۳ ۳۵- سرور اخروی مهتدین
- ۱۳۳ ۳۶- سعادت اخروی مهتدین
- ۱۳۳ ۳۷- شخصیت مهتدین
- ۱۳۴ ۳۸- شکرگزاری مهتدین
- ۱۳۵ ۳۹- صفات مهتدین
- ۱۳۵ ۴۰- صورت اخروی مهتدین
- ۱۳۵ ۴۱- طغیانگران و مهتدین
- ۱۳۷ ۴۲- عجز از گمراهگری مهتدین

- ۴۳- علم به مهتدين ۱۳۷
- ۴۴- علم خدا به مهتدين ۱۳۷
- ۴۵- عوامل اميدوارى مهتدين ۱۳۷
- ۴۶- فضائل مهتدين ۱۳۹
- ۴۷- قرآن و مهتدين ۱۳۹
- ۴۸- قياس گمراهان با مهتدين ۱۴۱
- ۴۹- قياس مهتدين با گمراهان ۱۴۱
- ۵۰- كمى مهتدين امت هاى پيشين ۱۴۱
- ۵۱- گريه مهتدين ۱۴۱
- ۵۲- مسؤليت مهتدين ۱۴۳
- ۵۳- مقامات مهتدين ۱۴۳
- ۵۴- ممانعت از مهتدين ۱۴۳
- ۵۵- مهتدين در بهشت ۱۴۵
- ۵۶- مهتدين در دارالسلام ۱۴۵
- ۵۷- مهتدين در قيامت ۱۴۵
- ۵۸- مهتدين فقير ۱۴۶
- ۵۹- مهتدين و تغيير قبله ۱۴۷
- ۶۰- مهتدين و قبله شدن بيت المقدس ۱۴۷
- ۶۱- مهتدين هنگام استماع آيات خدا ۱۴۷
- ۶۲- نجات مهتدين ۱۴۷
- ۶۳- نشانه هاى مهتدين ۱۴۹
- ۶۴- نعمتهاى مهتدين ۱۴۹
- ۶۵- نورانيت اخروى مهتدين ۱۴۹
- ۶۶- نيازهاى معنوى مهتدين ۱۴۹
- ۶۷- وعده به مهتدين ۱۵۱
- ۶۸- ويژگيهاى مهتدين ۱۵۱

- ۶۹- هدایت مهتدین ۱۵۱
- ۷۰- هشدار به مهتدین ۱۵۳
- ۷۱- هشیاری مهتدین ۱۵۳
- ۷۲- یاور مهتدین ۱۵۳
- ۳- مهربانی ۱۵۵
- ۱- مهربانی ۱۵۵
- ۲- آثار اجتماعی مهربانی ۱۵۵
- ۳- آثار مهربانی ۱۵۷
- ۴- آثار مهربانی انبیا ۱۵۸
- ۵- آثار مهربانی با مؤمنان ۱۵۹
- ۶- آثار مهربانی خدا ۱۵۹
- ۷- آثار مهربانی محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۶۱
- ۸- ارزش مهربانی ۱۶۱
- ۹- ارزش مهربانی با والدین ۱۶۳
- ۱۰- اعلام مهربانی خدا ۱۶۳
- ۱۱- اهمیت تشویق به مهربانی ۱۶۳
- ۱۲- اهمیت توصیه به مهربانی ۱۶۳
- ۱۳- اهمیت مهربانی ۱۶۴
- ۱۴- اهمیت مهربانی در انفاق ۱۶۵
- ۱۵- اهمیت مهربانی مؤمنان ۱۶۶
- ۱۶- سوء استفاده از مهربانی محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۶۷
- ۱۷- سوء استفاده از مهربانی انبیا ۱۶۷
- ۱۸- محرومان از مهربانی ۱۶۷
- ۱۹- معرضان از مهربانی ۱۶۷
- ۲۰- منشأ مهربانی ۱۶۸
- ۲۱- مهربانی ابراهیم(ع) ۱۶۹

- ۱۷۱ ۲۲- مهربانی انبیا
- ۱۷۱ ۲۳- مهربانی با برده
- ۱۷۱ ۲۴- مهربانی با پدر
- ۱۷۳ ۲۵- مهربانی با خویشاوندان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۱۷۳ ۲۶- مهربانی با مساکین
- ۱۷۳ ۲۷- مهربانی با موسی(ع)
- ۱۷۴ ۲۸- مهربانی با مؤمنان
- ۱۷۶ ۲۹- مهربانی با والدین
- ۱۷۷ ۳۰- مهربانی با یتیم
- ۱۷۸ ۳۱- مهربانی برگزیدگان خدا
- ۱۷۹ ۳۲- مهربانی حبیب نجار
- ۱۷۹ ۳۳- مهربانی خدا
- ۱۸۹ ۳۴- مهربانی در انداز
- ۱۹۰ ۳۵- مهربانی در تبلیغ
- ۱۹۲ ۳۶- مهربانی در تدبیر خدا
- ۱۹۳ ۳۷- مهربانی در تربیت
- ۱۹۳ ۳۸- مهربانی در تربیت فرزند
- ۱۹۳ ۳۹- مهربانی در مدیریت
- ۱۹۵ ۴۰- مهربانی در موعظه
- ۱۹۵ ۴۱- مهربانی در ولایت
- ۱۹۵ ۴۲- مهربانی در شفا بخشی قرآن
- ۱۹۵ ۴۳- مهربانی رهبران دینی
- ۱۹۷ ۴۴- مهربانی رهبری
- ۱۹۷ ۴۵- مهربانی شعیب(ع)
- ۱۹۸ ۴۶- مهربانی صالح(ع)
- ۱۹۹ ۴۷- مهربانی صحابه

- ۴۸- مهربانی فرزند صالح ۱۹۹
- ۴۹- مهربانی لوط(ع) ۲۰۰
- ۵۰- مهربانی مبلغان ۲۰۱
- ۵۱- مهربانی محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۰۱
- ۵۲- مهربانی مسیحیان ۲۰۵
- ۵۳- مهربانی موسی(ع) ۲۰۵
- ۵۴- مهربانی مؤمنان ۲۰۵
- ۵۵- مهربانی نوح(ع) ۲۰۶
- ۵۶- مهربانی والدین ۲۰۹
- ۵۷- مهربانی هارون(ع) ۲۰۹
- ۵۸- مهربانی هود(ع) ۲۰۹
- ۵۹- مهربانی یحیی(ع) ۲۱۱
- ۶۰- مهربانی یوسف(ع) ۲۱۱
- ۶۱- نشانه های مهربانی خدا ۲۱۱
- ۴- مهریه ۲۱۴
- ۱- آثار مهریه ۲۱۴
- ۲- احکام مهریه ۲۱۴
- ۳- استرداد مهریه ۲۲۴
- ۴- تعیین مهریه ۲۲۶
- ۵- جبران مهریه زنان کافر ۲۲۶
- ۶- جبران مهریه همسر کافر ۲۲۶
- ۷- حد اقل مهریه دختر شعیب(ع) ۲۲۸
- ۸- حد اکثر مهریه دختر شعیب(ع) ۲۲۸
- ۹- حقیقت مهریه ۲۲۸
- ۱۰- خدمت در مهریه ۲۳۰
- ۱۱- رد مهریه زنان مهاجر ۲۳۰

- ۱۲- شرایط استرداد مهریه ۲۳۰
- ۱۳- عفو مهریه ۲۳۱
- ۱۴- مالک مهریه ۲۳۲
- ۱۵- مهریه در ازدواج ۲۳۴
- ۱۶- مهریه در جاهلیت ۲۳۴
- ۱۷- مهریه در شریعت شعیب(ع) ۲۳۵
- ۱۸- مهریه زن ۲۳۶
- ۱۹- مهریه زنان کافر ۲۳۶
- ۲۰- مهریه زنان مهاجر ۲۳۶
- ۲۱- مهریه کنیز ۲۳۸
- ۲۲- مهریه همسر ۲۳۸
- ۲۳- مهریه همسر در صدراسلام ۲۴۰
- ۲۴- مهریه همسر کافر ۲۴۰
- ۲۵- مهریه همسر مؤمن ۲۴۰
- ۲۶- مهریه همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۴۰
- ۲۷- نقش مهریه ۲۴۲
- ۲۸- وجوب ادای مهریه ۲۴۲
- ۲۹- هبه مهریه ۲۴۲
- ۵- مهلت ۲۴۴
- ۱- آثار مهلت های خدا ۲۴۴
- ۲- آخرین مهلت کافران ۲۴۴
- ۳- امتحان با مهلت ۲۴۵
- ۴- بی تأثیری مهلت به ظالمان ۲۴۵
- ۵- پایان مهلت گمراهان ۲۴۵
- ۶- تبیین سنت مهلت ۲۴۵
- ۷- دلایل مهلت به مشرکان ۲۴۶

- ۸- سنت مهلت ۲۴۷
- ۹- عوامل مهلت به کافران ۲۵۳
- ۱۰- غفلت از مهلت های خدا ۲۵۳
- ۱۱- فلسفه مهلت ۲۵۳
- ۱۲- فلسفه مهلت به ابلیس ۲۵۵
- ۱۳- فلسفه مهلت به اقوام پیشین ۲۵۵
- ۱۴- فلسفه مهلت به حق ستیزان ۲۵۷
- ۱۵- فلسفه مهلت به حق ناپذیران ۲۵۷
- ۱۶- فلسفه مهلت به ظالمان ۲۵۷
- ۱۷- فلسفه مهلت به کافران ۲۵۹
- ۱۸- فلسفه مهلت به کافران صدراسلام ۲۶۱
- ۱۹- فلسفه مهلت به کافران مکه ۲۶۱
- ۲۰- فلسفه مهلت به گمراهان ۲۶۱
- ۲۱- فلسفه مهلت به گناهکاران ۲۶۳
- ۲۲- فلسفه مهلت به مشرکان ۲۶۳
- ۲۳- فلسفه مهلت به مشرکان صدراسلام ۲۶۳
- ۲۴- فلسفه مهلت به مکذبان انبیا ۲۶۳
- ۲۵- فلسفه مهلت به مکذبان قرآن ۲۶۵
- ۲۶- فلسفه مهلت به مکذبان معاد ۲۶۵
- ۲۷- فلسفه مهلت های خدا ۲۶۵
- ۲۸- کمی مهلت به مشرکان ۲۶۷
- ۲۹- ماههای مهلت به مشرکان مکه ۲۶۷
- ۳۰- محدوده مهلت به کافران ۲۶۸
- ۳۱- مدت مهلت به ابلیس ۲۶۹
- ۳۲- مدت مهلت به مشرکان مکه ۲۶۹
- ۳۳- منشأ مهلت به حق ستیزان ۲۶۹

- ۲۷۲ ۳۴- منشأ مهلت به حق ستیزان صدراسلام
- ۲۷۳ ۳۵- منشأ مهلت به کافران
- ۲۷۵ ۳۶- منشأ مهلت به کافران صدر اسلام
- ۲۷۷ ۳۷- منشأ مهلت به مجرمان
- ۲۷۷ ۳۸- منشأ مهلت به مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۷۷ ۳۹- مهلت از مؤمنان
- ۲۷۹ ۴۰- مهلت به اختلاف افکنان
- ۲۷۹ ۴۱- مهلت به استهزاگران انبیا
- ۲۷۹ ۴۲- مهلت به امت های پیشین
- ۲۸۰ ۴۳- مهلت به امت های کافر
- ۲۸۱ ۴۴- مهلت به بدگویان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۸۱ ۴۵- مهلت به حق ستیزان
- ۲۸۱ ۴۶- مهلت به خطاکاران
- ۲۸۲ ۴۷- مهلت به دشمنان
- ۲۸۳ ۴۸- مهلت به دشمنان دین
- ۲۸۳ ۴۹- مهلت به دین ستیزان
- ۲۸۳ ۵۰- مهلت به طغیانگران
- ۲۸۳ ۵۱- مهلت به ظالمان
- ۲۸۵ ۵۲- مهلت به فراموشکاران
- ۲۸۵ ۵۳- مهلت به فرعونیان
- ۲۸۷ ۵۴- مهلت به قوم ثمود
- ۲۸۸ ۵۵- مهلت به کافران
- ۲۹۸ ۵۶- مهلت به کافران صدراسلام
- ۲۹۹ ۵۷- مهلت به کافران مقارن بعثت
- ۲۹۹ ۵۸- مهلت به کافران مکه
- ۲۹۹ ۵۹- مهلت به گمراهان

- ۳۰۱ - مهلت به گمراهان صدراسلام - ۶۰
- ۳۰۲ - مهلت به گناهکاران - ۶۱
- ۳۰۳ - مهلت به متخلفان - ۶۲
- ۳۰۴ - مهلت به مجرمان - ۶۳
- ۳۰۵ - مهلت به مشرکان - ۶۴
- ۳۰۷ - مهلت به مشرکان صدر اسلام - ۶۵
- ۳۰۹ - مهلت به مشرکان مکه - ۶۶
- ۳۰۹ - مهلت به مفلس - ۶۷
- ۳۱۰ - مهلت به مکذبان - ۶۸
- ۳۱۱ - مهلت به مکذبان آیات خدا - ۶۹
- ۳۱۱ - مهلت به مکذبان تورات - ۷۰
- ۳۱۱ - مهلت به مکذبان قرآن - ۷۱
- ۳۱۳ - مهلت به مکذبان قیامت - ۷۲
- ۳۱۳ - مهلت به مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله) - ۷۳
- ۳۱۳ - مهلت به مکذبان معاد - ۷۴
- ۳۱۴ - مهلت به منافقان - ۷۵
- ۳۱۵ - مهلت به موسی(ع) - ۷۶
- ۳۱۶ - مهلت به هارون(ع) - ۷۷
- ۳۱۷ - مهلت به هود(ع) - ۷۸
- ۳۱۷ - مهلت خدا - ۷۹
- ۳۲۰ - مهلت در عذاب - ۸۰
- ۳۲۱ - مهلت در کیفر - ۸۱
- ۳۲۱ - مهلت دنیوی به کافران - ۸۲
- ۳۲۳ - مهلت های خدا - ۸۳
- ۳۳۳ - مهمان - ۶
- ۳۳۳ - ۱- آثار اهانت به مهمان - ۱

- ۲- آداب مهمان نوازی ۳۳۳
- ۳- احترام به مهمان ۳۳۵
- ۴- احترام مهمان ۳۳۵
- ۵- ارزش مهمان نوازی ۳۳۶
- ۶- امتناع مهمان از غذا ۳۳۷
- ۷- اهمیت احترام به مهمان ۳۳۷
- ۸- اهمیت احترام مهمان ۳۳۷
- ۹- اهمیت دفاع از مهمان ۳۳۷
- ۱۰- اهمیت مهمان نوازی ۳۳۹
- ۱۱- پذیرایی از مهمان ۳۴۱
- ۱۲- تشبیه به مهمان ۳۴۲
- ۱۳- جواز رد مهمان ۳۴۳
- ۱۴- دفاع از مهمان ۳۴۳
- ۱۵- سرزنش اهانت به مهمان ۳۴۴
- ۱۶- قوم لوط و مهمان ۳۴۵
- ۱۷- مهمان نوازی ابراهیم(ع) ۳۴۶
- ۱۸- مهمان نوازی خدا ۳۴۹
- ۱۹- مهمان نوازی ساره ۳۴۹
- ۲۰- مهمان نوازی لوط(ع) ۳۵۰
- ۲۱- مهمان نوازی یوسف(ع) ۳۵۳
- ۲۲- آداب مهمان نوازی ۳۵۵
- ۲۳- ارزش مهمان نوازی ۳۵۶
- ۲۴- اهمیت مهمان نوازی ۳۵۷
- ۲۵- مهمان نوازی خدا ۳۶۰
- ۲۶- مهمان نوازی ساره ۳۶۱
- ۲۷- مهمان نوازی لوط(ع) ۳۶۱

- ۳۶۵ ----- ۲۸- مهمان نوازی یوسف(ع) -----
- ۳۶۵ ----- ۲۹- آداب مهمانی -----
- ۳۶۵ ----- ۳۰- آداب مهمانی محمد(صلی الله علیه و آله) -----
- ۳۶۷ ----- ۳۱- استفاده از کارد در مهمانی زلیخا -----
- ۳۶۸ ----- ۳۲- حضور در مهمانی محمد(صلی الله علیه و آله) -----
- ۳۶۹ ----- ۳۳- مجلس مهمانی زلیخا -----
- ۳۷۰ ----- ۳۴- مکان مهمانی خدا -----
- ۳۷۱ ----- ۳۵- مهمانی از زنان اشراف مصر -----
- ۳۷۱ ----- ۳۶- مهمانی خدا -----
- ۳۷۲ ----- ۳۷- مهمانی در بهشت -----
- ۳۷۳ ----- ۳۸- مهمانی زلیخا -----
- ۳۷۳ ----- ۳۹- مهمانی محمد(صلی الله علیه و آله) -----
- ۳۷۴ ----- ۴۰- یوسف(ع) در مهمانی زلیخا -----
- ۳۷۵ ----- ۴۱- اهانت به میزبان -----
- ۳۷۵ ----- ۴۲- بهترین میزبان -----
- ۳۷۷ ----- ۴۳- مسؤولیت میزبان -----
- ۳۷۷ ----- ۴۴- میزبان متقین -----
- ۳۷۷ ----- ۴۵- میزبان موحدان -----
- ۳۷۸ ----- ۷- میت -----
- ۳۷۸ ----- ۱- آثار ذکر دفن میت -----
- ۳۷۸ ----- ۲- احکام نماز میت -----
- ۳۷۸ ----- ۳- اهمیت دفن میت -----
- ۳۷۸ ----- ۴- بدهی میت -----
- ۳۸۱ ----- ۵- برادر میت -----
- ۳۸۲ ----- ۶- تاریخ دفن میت -----
- ۳۸۲ ----- ۷- خواهر میت -----

- ۳۸۴ ۸- دفن میت در جاهلیت
- ۳۸۴ ۹- منشأ دفن میت
- ۳۸۴ ۱۰- نعمت دفن میت
- ۳۸۴ ۱۱- نماز میت بر منافقان
- ۳۸۶ ۱۲- نماز میت در صدر اسلام
- ۳۸۶ ۱۳- وارث میت
- ۳۸۷ ۱۴- وصیت میت
- ۳۸۸ ۱۵- استفاده از میته
- ۳۸۹ ۱۶- اقسام میته
- ۳۹۰ ۱۷- حرمت میته
- ۳۹۲ ۸- میزان
- ۳۹۲ ۱- برپایی میزان
- ۳۹۲ ۲- تعدد میزان در قیامت
- ۳۹۲ ۳- تفاوت میزان در قیامت
- ۳۹۴ ۴- سبکی میزان در قیامت
- ۳۹۴ ۵- سنگینی میزان در قیامت
- ۳۹۴ ۶- عوامل سبکی میزان در قیامت
- ۳۹۶ ۷- عوامل سنگینی میزان در قیامت
- ۳۹۶ ۸- مراد از سبکی میزان
- ۳۹۶ ۹- مراد از سنگینی میزان
- ۳۹۶ ۱۰- منشأ میزان در آفرینش
- ۳۹۸ ۱۱- میزان در ترازو
- ۳۹۸ ۱۲- میزان در عمل
- ۳۹۸ ۱۳- میزان در قیامت
- ۴۰۱ ۱۴- میزان عمل
- ۴۰۲ ۹- میوه

- ۱- آثار تنوع میوه ها ۴۰۲
- ۲- ارزش میوه ۴۰۲
- ۳- استفاده از میوه ها ۴۰۲
- ۴- استفاده از میوه های بهشت ۴۰۲
- ۵- اهمیت میوه ۴۰۴
- ۶- اهمیت میوه ها ۴۰۴
- ۷- اهمیت میوه های بهشت ۴۰۶
- ۸- برتری برخی میوه ها ۴۰۶
- ۹- برداشت میوه باغ سوخته ۴۰۶
- ۱۰- تداوم وفور میوه های بهشت ۴۰۶
- ۱۱- تشابه میوه ۴۰۷
- ۱۲- تشابه میوه ها ۴۰۸
- ۱۳- تشبیه میوه درخت زقوم ۴۰۸
- ۱۴- تعقل در پیدایش میوه ها ۴۰۸
- ۱۵- تغذیه از میوه ۴۰۹
- ۱۶- تفاوت طعم میوه ها ۴۱۰
- ۱۷- تفاوت میوه ۴۱۰
- ۱۸- تفاوت میوه ها ۴۱۰
- ۱۹- تنوع رنگ میوه ۴۱۲
- ۲۰- تنوع مزه میوه ۴۱۲
- ۲۱- تنوع میوه ۴۱۲
- ۲۲- تنوع میوه ها ۴۱۳
- ۲۳- تنوع میوه های بهشت ۴۱۴
- ۲۴- جاودانگی میوه های بهشت ۴۱۸
- ۲۵- خالق میوه ها ۴۱۸
- ۲۶- درختان میوه ۴۱۹

- ۴۲۰ ۲۷- درخواست میوه های بهشت
- ۴۲۰ ۲۸- رویش میوه
- ۴۲۰ ۲۹- زشتی میوه درخت زقوم
- ۴۲۰ ۳۰- زمینه پیدایش میوه ها
- ۴۲۲ ۳۱- زوجیت میوه ها
- ۴۲۲ ۳۲- علم به رویش میوه
- ۴۲۲ ۳۳- عوامل پیدایش میوه
- ۴۲۲ ۳۴- عوامل رویش میوه ها
- ۴۲۳ ۳۵- فلسفه رویش میوه ها
- ۴۲۴ ۳۶- فواید میوه
- ۴۲۴ ۳۷- مطالعه تنوع میوه
- ۴۲۴ ۳۸- منشأ پیدایش میوه
- ۴۲۵ ۳۹- منشأ تنوع میوه ها
- ۴۲۶ ۴۰- میوه چینی اصحاب الجنه
- ۴۲۷ ۴۱- میوه در مکه
- ۴۲۸ ۴۲- میوه درخت زقوم
- ۴۲۸ ۴۳- میوه درختان
- ۴۲۸ ۴۴- میوه های باغ سوخته
- ۴۳۰ ۴۵- میوه های بهشت
- ۴۳۴ ۴۶- نابودی میوه های باغ سوخته
- ۴۳۴ ۴۷- نزدیکی میوه های بهشت
- ۴۳۶ ۴۸- نعمت تنوع میوه ها
- ۴۳۶ ۴۹- نعمت میوه ها
- ۴۳۸ ۵۰- نقش تنوع میوه
- ۴۳۸ ۵۱- نقش رویش میوه ها
- ۴۳۸ ۵۲- نقش میوه ها

- ۴۳۸ ۵۳- نیاز به تنوع میوه ها
- ۴۳۹ ۵۴- وعده میوه های بهشت
- ۴۴۰ ۵۵- وفور میوه های بهشت
- ۴۴۱ ۵۶- وقت میوه چینی اصحاب الجنه
- ۴۴۲ ۵۷- ویژگیهای میوه درخت زقوم
- ۴۴۲ ۵۸- ویژگیهای میوه های بهشت
- ۴۴۴ ۵۹- همانندی میوه های بهشت
- ۴۴۴ ۶۰- آثار تنوع میوه ها
- ۴۴۴ ۶۱- استفاده از میوه ها
- ۴۴۵ ۶۲- اهمیت میوه ها
- ۴۴۶ ۶۳- برتری برخی میوه ها
- ۴۴۶ ۶۴- تشابه میوه ها
- ۴۴۶ ۶۵- تعقل در پیدایش میوه ها
- ۴۴۸ ۶۶- تفاوت طعم میوه ها
- ۴۴۸ ۶۷- تفاوت میوه ها
- ۴۴۸ ۶۸- تنوع میوه ها
- ۴۵۰ ۶۹- خالق میوه ها
- ۴۵۰ ۷۰- زمینه پیدایش میوه ها
- ۴۵۱ ۷۱- زوجیت میوه ها
- ۴۵۲ ۷۲- عوامل رویش میوه ها
- ۴۵۲ ۷۳- فلسفه رویش میوه ها
- ۴۵۲ ۷۴- منشأ تنوع میوه ها
- ۴۵۲ ۷۵- نعمت تنوع میوه ها
- ۴۵۴ ۷۶- نعمت میوه ها
- ۴۵۴ ۷۷- نقش رویش میوه ها
- ۴۵۵ ۷۸- نقش میوه ها

- ۴۵۶ - ۷۹- نیاز به تنوع میوه ها
- ۴۵۷ - ۱۰- میکائیل
- ۴۵۷ - ۱- برتری انبیا از میکائیل
- ۴۵۷ - ۲- دشمنان میکائیل
- ۴۵۷ - ۳- کفر دشمنان میکائیل
- ۴۵۷ - ۴- مقامات میکائیل
- ۴۵۹ - ۵- نجات میکائیل
- ۴۶۰ - ۱۱- نا امنی
- ۴۶۰ - ۱- احساس ناامنی موسی(ع)
- ۴۶۰ - ۲- بلای ناامنی
- ۴۶۰ - ۳- پهان ناامنی
- ۴۶۰ - ۴- حدّ ناامنی
- ۴۶۲ - ۵- زمینه ناامنی اجتماعی
- ۴۶۲ - ۶- زمینه ناامنی موسی(ع)
- ۴۶۲ - ۷- عوامل ناامنی
- ۴۶۴ - ۸- عوامل ناامنی اجتماعی
- ۴۶۴ - ۹- عوامل ناامنی در مکه
- ۴۶۵ - ۱۰- کیفر ناامنی
- ۴۶۷ - ۱۱- ناامنی اخروی دنیاطلبان
- ۴۶۷ - ۱۲- ناامنی بنی اسرائیل
- ۴۶۸ - ۱۳- ناامنی تهمت زندگان به مریم(س)
- ۴۶۸ - ۱۴- ناامنی جادوگران
- ۴۶۸ - ۱۵- ناامنی در اطراف مکه
- ۴۶۸ - ۱۶- ناامنی دنیا
- ۴۷۰ - ۱۷- ناامنی مؤمنان
- ۴۷۰ - ۱۸- ناامنی مؤمنان صدراسلام

- ۴۷۰ ۱۹- ناپسندی نامنی
- ۴۷۲ ۱۲- ناسخ و منسوخ
- ۴۷۲ ۱- ناسخ و منسوخ
- ۴۷۲ ۲- آیات ناسخ
- ۴۷۴ ۳- حقانیت آیات ناسخ
- ۴۷۴ ۴- مراد از ناسخ
- ۴۷۶ ۵- ناسخ بودن اسلام
- ۴۷۶ ۶- {نسخ}
- ۴۷۷ ۷- آثار نسخ آیات قرآن
- ۴۷۸ ۸- آثار نسخ احکام
- ۴۷۸ ۹- آثار نسخ ادیان
- ۴۷۸ ۱۰- آثار نسخ در قرآن
- ۴۷۹ ۱۱- اعتراض به نسخ
- ۴۸۰ ۱۲- حقیقت نسخ در قرآن
- ۴۸۰ ۱۳- درخواست نسخ احکام
- ۴۸۰ ۱۴- رد شبهات نسخ
- ۴۸۲ ۱۵- زمینه نسخ احکام
- ۴۸۲ ۱۶- فلسفه نسخ ادیان
- ۴۸۲ ۱۷- فلسفه نسخ در قرآن
- ۴۸۳ ۱۸- منشأ نسخ
- ۴۸۴ ۱۹- منشأ نسخ احکام
- ۴۸۴ ۲۰- منشأ نسخ قوانین
- ۴۸۵ ۲۱- نسخ آیات قرآن
- ۴۸۶ ۲۲- نسخ احکام
- ۴۹۰ ۲۳- نسخ احکام اسلام
- ۴۹۲ ۲۴- نسخ احکام تورات

۴۹۲	۲۵- نسخ ادیان
۴۹۴	۲۶- نسخ در حکم جهاد
۴۹۶	۲۷- نسخ در قرآن
۴۹۸	۲۸- نسخ صدقه نجوا
۴۹۸	۲۹- نسخ قبله بودن بیت المقدس
۴۹۹	۱۳- ناصره
۴۹۹	۱- خضر(ع) در ناصره
۴۹۹	۲- صفات اهل ناصره
۴۹۹	۳- ملاقات خضر(ع) با اهل ناصره
۴۹۹	۴- ملاقات موسی(ع) با اهل ناصره
۵۰۱	۵- موسی(ع) در ناصره
۵۰۲	۱۴- نافله
۵۰۲	۱- اهمیت نافله صبح
۵۰۲	۲- اهمیت نماز نافله
۵۰۴	۳- دعا در نماز نافله
۵۰۴	۴- قضای نماز نافله
۵۰۴	۵- مراد از نافله
۵۰۴	۶- نافله مغرب
۵۰۷	۱۵- نام
۵۰۷	۱- آثار ذکر نام خدا
۵۰۷	۲- آداب تفسیر نام خدا
۵۰۹	۳- آداب ذکر نام خدا
۵۰۹	۴- ابداع نام یحیی
۵۰۹	۵- اهمیت ذکر نام خدا
۵۰۹	۶- اهمیت نام
۵۱۱	۷- اهمیت نام خدا

- ۵۱۱ ----- ۸- بهترین نام ها
- ۵۱۳ ----- ۹- تبرک از نام خدا
- ۵۱۳ ----- ۱۰- تعظیم ذکر نام خدا
- ۵۱۳ ----- ۱۱- تنزیه نام خدا
- ۵۱۵ ----- ۱۲- توقیفیت نام خدا
- ۵۱۵ ----- ۱۳- ذکر نام خدا
- ۵۱۵ ----- ۱۴- زمینه تنزیه نام خدا
- ۵۱۷ ----- ۱۵- عظمت نام خدا
- ۵۱۷ ----- ۱۶- مبارکی نام خدا
- ۵۱۷ ----- ۱۷- موجبات ذکر نام خدا
- ۵۱۸ ----- ۱۸- نام پیشین مدینه
- ۵۱۹ ----- ۱۹- نام خدا
- ۵۲۳ ----- ۲۰- نام خدا قبل از نماز
- ۵۲۳ ----- ۲۱- نام دین محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۵۲۳ ----- ۲۲- نام ذوالقرنین
- ۵۲۳ ----- ۲۳- نام عبادتگاه زکریا(ع)
- ۵۲۵ ----- ۲۴- نام عیسی(ع)
- ۵۲۵ ----- ۲۵- نام معبود راستین
- ۵۲۵ ----- ۲۶- نام یحیی در دوران زکریا(ع)
- ۵۲۵ ----- ۲۷- نامگذاری با نام خدا
- ۵۲۷ ----- ۲۸- نقش نام موجودات
- ۵۲۷ ----- ۲۹- نقش نام ها
- ۵۲۷ ----- ۳۰- احکام نامگذاری
- ۵۲۸ ----- ۳۱- شرایط نامگذاری خدا
- ۵۲۹ ----- ۳۲- فلسفه نامگذاری طارق
- ۵۲۹ ----- ۳۳- فلسفه نامگذاری قرآن

- ۳۴- فلسفه نامگذاری کعبه - - - - - ۵۳۰
- ۳۵- فلسفه نامگذاری محمد(صلی الله علیه و آله) - - - - - ۵۳۱
- ۳۶- فلسفه نامگذاری نوح(ع) - - - - - ۵۳۱
- ۳۷- مناققان مدینه و نامگذاری مدینه - - - - - ۵۳۱
- ۳۸- منشأ نامگذاری - - - - - ۵۳۳
- ۳۹- منشأ نامگذاری آیات قرآن - - - - - ۵۳۳
- ۴۰- منشأ نامگذاری آیه - - - - - ۵۳۳
- ۴۱- منشأ نامگذاری اصطلاح آیه - - - - - ۵۳۵
- ۴۲- منشأ نامگذاری اصطلاح سوره - - - - - ۵۳۵
- ۴۳- منشأ نامگذاری مسلمان - - - - - ۵۳۵
- ۴۴- منشأ نامگذاری یحیی(ع) - - - - - ۵۳۵
- ۴۵- نامگذاری اسحاق(ع) - - - - - ۵۳۵
- ۴۶- نامگذاری انسان - - - - - ۵۳۷
- ۴۷- نامگذاری با اسما و صفات - - - - - ۵۳۷
- ۴۸- نامگذاری با نام خدا - - - - - ۵۳۷
- ۴۹- نامگذاری پسر زکریا(ع) - - - - - ۵۳۸
- ۵۰- نامگذاری عرفات - - - - - ۵۳۹
- ۵۱- نامگذاری عیسی(ع) - - - - - ۵۳۹
- ۵۲- نامگذاری قرآن - - - - - ۵۳۹
- ۵۳- نامگذاری کعبه - - - - - ۵۳۹
- ۵۴- نامگذاری مریم(س) - - - - - ۵۴۱
- ۵۵- نامگذاری مکه - - - - - ۵۴۱
- ۵۶- نامگذاری ملائکه - - - - - ۵۴۱
- ۵۷- نامگذاری نامناسب خدا - - - - - ۵۴۲
- ۵۸- نامگذاری یحیی(ع) - - - - - ۵۴۲
- ۵۹- نامگذاری یعقوب(ع) - - - - - ۵۴۲

- ۵۴۴ ۱۶- نامحرم
- ۵۴۴ ۱- آثار تماس با نامحرم
- ۵۴۴ ۲- آثار خلوت با نامحرم
- ۵۴۴ ۳- آثار نگاه به نامحرم
- ۵۴۶ ۴- اجتناب از اختلاط با نامحرم
- ۵۴۶ ۵- اجتناب از جلب توجه نامحرم
- ۵۴۶ ۶- اجتناب از خلوت با نامحرم
- ۵۴۸ ۷- اجتناب از نامحرم
- ۵۴۸ ۸- اجتناب از نگاه به نامحرم
- ۵۵۰ ۹- احکام نامحرم
- ۵۵۲ ۱۰- جواز گفتگو با نامحرم
- ۵۵۲ ۱۱- حرمت نگاه به نامحرم
- ۵۵۲ ۱۲- رابطه با نامحرم
- ۵۵۲ ۱۳- زینت در برابر نامحرم
- ۵۵۴ ۱۴- شرایط گفتگو با نامحرم
- ۵۵۴ ۱۵- عوامل تمایل به نامحرم
- ۵۵۴ ۱۶- کیفر نگاه به نامحرم
- ۵۵۴ ۱۷- گفتگو با نامحرم
- ۵۵۶ ۱۸- گفتگو با نامحرم در یهودیت
- ۵۵۷ ۱۹- محدوده گفتگو با نامحرم
- ۵۵۸ ۲۰- مدح نامحرم
- ۵۵۸ ۲۱- نگاه به نامحرم
- ۵۵۹ ۱۷- نامشروع
- ۵۵۹ ۱- نامشروع
- ۵۵۹ ۲- ارضای نامشروع غریزه جنسی
- ۵۵۹ ۳- حرمت کسب نامشروع

- ۴- حکومت نامشروع ۵۶۱
- ۵- روابط نامشروع در تاریخ ۵۶۱
- ۶- زشتی روابط نامشروع ۵۶۱
- ۷- کیفر کسب نامشروع ۵۶۱
- ۸- موانع روابط نامشروع ۵۶۲
- ۱۸- نامه ۵۶۴
- ۱- آثار رؤیت نامه عمل ۵۶۴
- ۲- آثار علم به نامه عمل ۵۶۴
- ۳- آداب نامه نگاری ۵۶۴
- ۴- آورنده نامه سلیمان(ع) ۵۶۶
- ۵- اختفای نامه عمل ۵۶۶
- ۶- ارائه نامه عمل ۵۶۶
- ۷- استنساخ نامه عمل ۵۶۹
- ۸- اهمیت نامه سلیمان(ع) ۵۷۰
- ۹- بسمله در صلح نامه حدیبیه ۵۷۰
- ۱۰- بسمله نامه سلیمان(ع) ۵۷۰
- ۱۱- بی منطقی درخواست نامه سرگشاده ۵۷۲
- ۱۲- تاریخ نامه رسانی ۵۷۲
- ۱۳- تشخیص نامه عمل محسنان ۵۷۲
- ۱۴- تشخیص نامه عمل ناپسند ۵۷۲
- ۱۵- تعالیم نامه سلیمان(ع) ۵۷۳
- ۱۶- تکریمهای کارگزاران نامه عمل ۵۷۴
- ۱۷- ثبت نامه عمل ۵۷۴
- ۱۸- جامعیت نامه عمل ۵۷۴
- ۱۹- جایگاه نامه عمل محسنان ۵۷۶
- ۲۰- حتمیت نامه عمل ۵۷۶

- ۵۷۸ ----- ۲۱- حقانیت نامه عمل -----
- ۵۷۸ ----- ۲۲- درخواست رؤیت نامه عمل -----
- ۵۷۸ ----- ۲۳- درخواست قرائت نامه عمل -----
- ۵۷۸ ----- ۲۴- درخواست نامه آسمانی -----
- ۵۸۰ ----- ۲۵- درخواست نامه سرگشاده -----
- ۵۸۱ ----- ۲۶- دریافت نامه عمل از پشت -----
- ۵۸۵ ----- ۲۷- دلایل حقانیت نامه عمل -----
- ۵۸۶ ----- ۲۸- رسول الله در صلح نامه حدیبیه -----
- ۵۸۶ ----- ۲۹- رضایت از نامه عمل -----
- ۵۸۶ ----- ۳۰- روش برخورد کارگزاران نامه عمل -----
- ۵۸۶ ----- ۳۱- رؤیت نامه عمل -----
- ۵۸۸ ----- ۳۲- زمان دریافت نامه عمل -----
- ۵۸۸ ----- ۳۳- سرزنشهای کارگزاران نامه عمل -----
- ۵۸۸ ----- ۳۴- سوگند به نامه عمل -----
- ۵۹۰ ----- ۳۵- عظمت نامه سلیمان(ع) -----
- ۵۹۰ ----- ۳۶- علم به نامه عمل -----
- ۵۹۰ ----- ۳۷- علم توزیع کنندگان نامه عمل -----
- ۵۹۰ ----- ۳۸- عمومیت نامه عمل -----
- ۵۹۱ ----- ۳۹- فلسفه نامه نگاری سلیمان(ع) -----
- ۵۹۲ ----- ۴۰- قرائت نامه عمل -----
- ۵۹۲ ----- ۴۱- محافظت از نامه عمل فاسقان -----
- ۵۹۲ ----- ۴۲- محافظت از نامه عمل کم فروشان -----
- ۵۹۳ ----- ۴۳- محافظت از نامه عمل محسنان -----
- ۵۹۴ ----- ۴۴- مشاوره درباره نامه سلیمان(ع) -----
- ۵۹۴ ----- ۴۵- مطالعه نامه عمل -----
- ۵۹۴ ----- ۴۶- مکان نامه عمل کم فروشان -----

- ۴۷- ملکه سبأ و نامه سلیمان(ع) ۵۹۶
- ۴۸- نامه به ملکه سبأ ۵۹۶
- ۴۹- نامه رسانی در دوران سلیمان(ع) ۵۹۷
- ۵۰- نامه سلیمان(ع) ۵۹۸
- ۵۱- نامه عمل ۶۰۰
- ۵۲- نامه عمل اصحاب شمال ۶۰۰
- ۵۳- نامه عمل اصحاب یمین ۶۰۲
- ۵۴- نامه عمل امت ها ۶۰۴
- ۵۵- نامه عمل انسان ها ۶۰۵
- ۵۶- نامه عمل بهشتیان ۶۰۶
- ۵۷- نامه عمل بی ایمانان ۶۰۶
- ۵۸- نامه عمل جهنمیان ۶۰۶
- ۵۹- نامه عمل در دست چپ ۶۰۸
- ۶۰- نامه عمل در دست راست ۶۰۹
- ۶۱- نامه عمل در قیامت ۶۱۴
- ۶۲- نامه عمل سعادت‌مندان ۶۲۲
- ۶۳- نامه عمل فاسقان ۶۲۲
- ۶۴- نامه عمل فاسقان در سجین ۶۲۳
- ۶۵- نامه عمل کافران ۶۲۴
- ۶۶- نامه عمل گناهکاران ۶۲۶
- ۶۷- نامه عمل متقین ۶۲۶
- ۶۸- نامه عمل محسنان ۶۲۸
- ۶۹- نامه عمل مشرکان ۶۲۸
- ۷۰- نامه عمل مکذبان قرآن ۶۳۰
- ۷۱- نامه عمل مکذبان قیامت ۶۳۰
- ۷۲- نامه عمل مکذبان معاد ۶۳۰

- ۶۳۲- ۷۳- نامه عمل مؤمنان
- ۶۳۴- ۷۴- نشانه های نامه عمل محسنان
- ۶۳۴- ۷۵- نظارت بر نامه عمل محسنان
- ۶۳۴- ۷۶- نقش نامه عمل
- ۶۳۶- ۷۷- وضوح نامه عمل
- ۶۳۷- ۷۸- وضوح نامه عمل فاسقان
- ۶۳۸- ۷۹- ویژگیهای مکان نامه عمل فاسقان
- ۶۳۸- ۸۰- ویژگیهای نامه عمل
- ۶۳۸- ۸۱- ویژگیهای نامه عمل فاسقان
- ۶۴۰- ۸۲- ویژگیهای نامه عمل محسنان
- ۶۴۰- ۸۳- درخواست نامه آسمانی
- ۶۴۰- ۸۴- تاریخ نامه رسانی
- ۶۴۲- ۸۵- نامه رسانی در دوران سلیمان(ع)
- ۶۴۲- ۸۶- نامه رسانی هدهد
- ۶۴۶- ۸۷- آثار رؤیت نامه عمل
- ۶۴۷- ۸۸- آثار علم به نامه عمل
- ۶۴۸- ۸۹- اختفای نامه عمل
- ۶۴۸- ۹۰- ارائه نامه عمل
- ۶۵۰- ۹۱- استنساخ نامه عمل
- ۶۵۱- ۹۲- تشخیص نامه عمل محسنان
- ۶۵۲- ۹۳- تشخیص نامه عمل ناپسند
- ۶۵۲- ۹۴- تکریمهای کارگزاران نامه عمل
- ۶۵۲- ۹۵- ثبت نامه عمل
- ۶۵۲- ۹۶- جامعیت نامه عمل
- ۶۵۴- ۹۷- جایگاه نامه عمل محسنان
- ۶۵۴- ۹۸- حتمیت نامه عمل

- ۶۵۶ ۹۹- حقانیت نامه عمل
- ۶۵۶ ۱۰۰- درخواست رؤیت نامه عمل
- ۶۵۶ ۱۰۱- درخواست قرائت نامه عمل
- ۶۵۶ ۱۰۲- دریافت نامه عمل از پشت
- ۶۶۰ ۱۰۳- دلایل حقانیت نامه عمل
- ۶۶۱ ۱۰۴- رضایت از نامه عمل
- ۶۶۲ ۱۰۵- روش برخورد کارگزاران نامه عمل
- ۶۶۲ ۱۰۶- رؤیت نامه عمل
- ۶۶۳ ۱۰۷- زمان دریافت نامه عمل
- ۶۶۴ ۱۰۸- سرزنشهای کارگزاران نامه عمل
- ۶۶۴ ۱۰۹- سوگند به نامه عمل
- ۶۶۴ ۱۱۰- علم به نامه عمل
- ۶۶۴ ۱۱۱- علم توزیع کنندگان نامه عمل
- ۶۶۶ ۱۱۲- عمومیت نامه عمل
- ۶۶۶ ۱۱۳- قرائت نامه عمل
- ۶۶۶ ۱۱۴- محافظت از نامه عمل فاسقان
- ۶۶۶ ۱۱۵- محافظت از نامه عمل کم فروشان
- ۶۶۸ ۱۱۶- محافظت از نامه عمل محسنان
- ۶۶۸ ۱۱۷- مطالعه نامه عمل
- ۶۶۸ ۱۱۸- مکان نامه عمل کم فروشان
- ۶۶۸ ۱۱۹- نامه عمل
- ۶۷۰ ۱۲۰- نامه عمل اصحاب شمال
- ۶۷۰ ۱۲۱- نامه عمل اصحاب یمین
- ۶۷۲ ۱۲۲- نامه عمل امت ها
- ۶۷۴ ۱۲۳- نامه عمل انسان ها
- ۶۷۴ ۱۲۴- نامه عمل بهشتیان

- ۱۲۵- نامه عمل بی ایمانان ۶۷۵
- ۱۲۶- نامه عمل جهنمیان ۶۷۶
- ۱۲۷- نامه عمل در دست چپ ۶۷۶
- ۱۲۸- نامه عمل در دست راست ۶۷۸
- ۱۲۹- نامه عمل در قیامت ۶۸۲
- ۱۳۰- نامه عمل سعادت‌مندان ۶۹۰
- ۱۳۱- نامه عمل فاسقان ۶۹۱
- ۱۳۲- نامه عمل فاسقان در سجین ۶۹۲
- ۱۳۳- نامه عمل کافران ۶۹۲
- ۱۳۴- نامه عمل گناهکاران ۶۹۴
- ۱۳۵- نامه عمل متقین ۶۹۶
- ۱۳۶- نامه عمل محسنان ۶۹۶
- ۱۳۷- نامه عمل مشرکان ۶۹۷
- ۱۳۸- نامه عمل مکذبان قرآن ۶۹۸
- ۱۳۹- نامه عمل مکذبان قیامت ۶۹۸
- ۱۴۰- نامه عمل مکذبان معاد ۷۰۰
- ۱۴۱- نامه عمل مؤمنان ۷۰۰
- ۱۴۲- نشانه‌های نامه عمل محسنان ۷۰۲
- ۱۴۳- نظارت بر نامه عمل محسنان ۷۰۲
- ۱۴۴- نقش نامه عمل ۷۰۳
- ۱۴۵- وضوح نامه عمل ۷۰۵
- ۱۴۶- وضوح نامه عمل فاسقان ۷۰۶
- ۱۴۷- ویژگیهای مکان نامه عمل فاسقان ۷۰۶
- ۱۴۸- ویژگیهای نامه عمل ۷۰۶
- ۱۴۹- ویژگیهای نامه عمل فاسقان ۷۰۸
- ۱۵۰- ویژگیهای نامه عمل محسنان ۷۰۸

- ۱۵۱- آداب نامه نگاری ----- ۷۰۸
- ۱۹- نان ----- ۷۱۱
- ۱- تعبیر رؤیای حمل نان ----- ۷۱۱
- ۲- رؤیای حمل نان ----- ۷۱۱
- ۳- نزول نان ----- ۷۱۱
- ۲۰- ناهیان از منکر ----- ۷۱۳
- ۱- عذر ناهیان از منکر ----- ۷۱۳
- ۲- ناهیان از منکر ایله ----- ۷۱۳
- ۳- نجات ناهیان از منکر ----- ۷۱۵
- ۴- نجات ناهیان از منکر ایله ----- ۷۱۵
- ۲۱- نبوت ----- ۷۱۶
- ۱- نبوت ----- ۷۱۶
- ۲- آثار تکذیب نبوت هود(ع) ----- ۷۲۰
- ۳- آثار شک در نبوت ----- ۷۲۰
- ۴- آثار نبوت ----- ۷۲۰
- ۵- آثار نبوت ابراهیم(ع) ----- ۷۲۲
- ۶- آثار نبوت ادریس(ع) ----- ۷۲۲
- ۷- آثار نبوت در بنی اسرائیل ----- ۷۲۲
- ۸- آثار نبوت شعیب(ع) ----- ۷۲۳
- ۹- آثار نبوت صالح(ع) ----- ۷۲۴
- ۱۰- آثار نبوت لوط(ع) ----- ۷۲۴
- ۱۱- آثار نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۷۲۵
- ۱۲- آثار نبوت موسی(ع) ----- ۷۲۸
- ۱۳- آثار نبوت نوح(ع) ----- ۷۲۸
- ۱۴- آثار نبوت هود(ع) ----- ۷۲۹
- ۱۵- آدم(ع) قیل از نبوت ----- ۷۳۰

- ۱۶- اتمام حجت بر مکذبان نبوت - ۷۳۰
- ۱۷- ادعای نبوت انبیا - ۷۳۰
- ۱۸- ارزش مقام نبوت - ۷۳۰
- ۱۹- ارزش نبوت - ۷۳۲
- ۲۰- استبعاد نبوت انسان - ۷۳۲
- ۲۱- استحاله نبوت ملائکه - ۷۳۲
- ۲۲- استمرار نبوت - ۷۳۴
- ۲۳- اشراف قوم نوح و نبوت - ۷۳۴
- ۲۴- اشراف قوم نوح و نبوت بشر - ۷۳۴
- ۲۵- اشراف و نبوت نوح(ع) - ۷۳۴
- ۲۶- اعطای نبوت - ۷۳۶
- ۲۷- اقرار به نبوت انبیا - ۷۳۶
- ۲۸- اقرار به نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) - ۷۳۶
- ۲۹- اقرار به نبوت موسی(ع) - ۷۳۶
- ۳۰- اقرار به نبوت هارون(ع) - ۷۳۸
- ۳۱- انبیا قبل از نبوت - ۷۳۸
- ۳۲- انبیا و بررسی مشکلات نبوت - ۷۳۹
- ۳۳- اهداف نبوت موسی(ع) - ۷۴۰
- ۳۴- اهداف نبوت هارون(ع) - ۷۴۰
- ۳۵- اهل کتاب و نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) - ۷۴۲
- ۳۶- اهمیت نبوت - ۷۴۲
- ۳۷- اهمیت نبوت انبیا - ۷۴۵
- ۳۸- اهمیت نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) - ۷۴۶
- ۳۹- اهمیت نبوت موسی(ع) - ۷۴۷
- ۴۰- ایمان به نبوت - ۷۴۸
- ۴۱- ایمان به نبوت شعیب(ع) - ۷۵۰

- ۴۲- ایمان به نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۵۰
- ۴۳- برادران یوسف و نبوت ۷۵۰
- ۴۴- بشارت نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۵۲
- ۴۵- بهانه جوئی مکذبان نبوت ۷۵۲
- ۴۶- بی منطقی مخالفان نبوت ۷۵۲
- ۴۷- تاریخ نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۵۳
- ۴۸- تبیین تاریخ نبوت ۷۵۴
- ۴۹- تداوم نبوت ۷۵۴
- ۵۰- تداوم نبوت انبیا ۷۵۴
- ۵۱- تصدیق نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۵۵
- ۵۲- تعجب از نبوت موسی(ع) ۷۵۶
- ۵۳- تفاوت نبوت با رسالت ۷۵۶
- ۵۴- تکذیب نبوت ۷۵۶
- ۵۵- تکذیب نبوت بشر ۷۵۶
- ۵۶- تکذیب نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۵۸
- ۵۷- تکذیب نبوت نوح(ع) ۷۶۰
- ۵۸- توطنه علیه نبوت ۷۶۱
- ۵۹- توقع نبوت اشراف طائف ۷۶۲
- ۶۰- توقع نبوت اشراف مکه ۷۶۲
- ۶۱- حق ناپذیری مکذبان نبوت ۷۶۲
- ۶۲- حقانیت نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۶۲
- ۶۳- حقانیت نبوت موسی(ع) ۷۶۶
- ۶۴- ختم نبوت ۷۶۶
- ۶۵- درخواست نبوت ملانکه ۷۶۶
- ۶۶- دلایل حقانیت نبوت نوح(ع) ۷۶۶
- ۶۷- دلایل نبوت ۷۶۸

- ۶۸- دلایل نبوت انبیا ۷۷۰
- ۶۹- دلایل نبوت داود(ع) ۷۷۲
- ۷۰- دلایل نبوت سلیمان(ع) ۷۷۳
- ۷۱- دلایل نبوت شعیب(ع) ۷۷۴
- ۷۲- دلایل نبوت صالح(ع) ۷۷۴
- ۷۳- دلایل نبوت عیسی(ع) ۷۷۶
- ۷۴- دلایل نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۷۶
- ۷۵- دلایل نبوت موسی(ع) ۷۸۳
- ۷۶- دلایل نبوت نوح(ع) ۷۸۷
- ۷۷- دلایل نبوت هارون(ع) ۷۸۸
- ۷۸- دلایل نبوت یوسف(ع) ۷۸۸
- ۷۹- دوران نبوت موسی(ع) ۷۸۸
- ۸۰- رحمت نبوت ۷۸۹
- ۸۱- رد نبوت مریم(س) ۷۹۰
- ۸۲- رهبران شرک و نبوت ۷۹۰
- ۸۳- رهبران کفر و نبوت ۷۹۱
- ۸۴- زمینه نبوت ۷۹۲
- ۸۵- زمینه نبوت انبیا ۷۹۲
- ۸۶- زمینه نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۹۲
- ۸۷- زمینه نبوت موسی(ع) ۷۹۴
- ۸۸- زمینه نبوت هارون(ع) ۷۹۶
- ۸۹- سختی نبوت ۷۹۶
- ۹۰- سختی نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۹۶
- ۹۱- سختیهای نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۹۶
- ۹۲- سرزنش شک در نبوت یوسف(ع) ۷۹۸
- ۹۳- سنگینی نبوت ۷۹۸

- ۹۴- سهولت نبوت ملائکه ----- ۷۹۸
- ۹۵- شرایط ادعای نبوت ----- ۷۹۸
- ۹۶- شرایط نبوت ----- ۸۰۰
- ۹۷- شعیب(ع) قبل از نبوت ----- ۸۰۶
- ۹۸- شک در نبوت ----- ۸۰۶
- ۹۹- شک در نبوت صالح(ع) ----- ۸۰۶
- ۱۰۰- شک در نبوت یوسف(ع) ----- ۸۰۶
- ۱۰۱- شگفتی نبوت بشر ----- ۸۰۸
- ۱۰۲- صالح(ع) قبل از نبوت ----- ۸۰۸
- ۱۰۳- عظمت نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۸۰۹
- ۱۰۴- عوامل تکذیب نبوت بشر ----- ۸۱۰
- ۱۰۵- عوامل تکذیب نبوت هود(ع) ----- ۸۱۰
- ۱۰۶- فترت در نبوت ----- ۸۱۰
- ۱۰۷- فرعون و نبوت موسی(ع) ----- ۸۱۱
- ۱۰۸- فضیلت مقام نبوت ----- ۸۱۲
- ۱۰۹- فضیلت نبوت ----- ۸۱۲
- ۱۱۰- فلسفه نبوت ----- ۸۱۴
- ۱۱۱- فلسفه نبوت انبیا ----- ۸۱۴
- ۱۱۲- فلسفه نبوت لوط(ع) ----- ۸۱۷
- ۱۱۳- فلسفه نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۸۱۸
- ۱۱۴- فلسفه نبوت نوح(ع) ----- ۸۲۲
- ۱۱۵- قوم ثمود و نبوت انسان ----- ۸۲۲
- ۱۱۶- قوم ثمود و نبوت بشر ----- ۸۲۲
- ۱۱۷- قوم ثمود و نبوت صالح(ع) ----- ۸۲۴
- ۱۱۸- قوم عاد و نبوت بشر ----- ۸۲۴
- ۱۱۹- قوم عاد و نبوت هود(ع) ----- ۸۲۴

- ۱۲۰- قوم نوح و ادعای نبوت ۸۲۶
- ۱۲۱- قوم نوح و نبوت بشر ۸۲۶
- ۱۲۲- قوم نوح و نبوت نوح(ع) ۸۲۶
- ۱۲۳- کافران مکه و نبوت بشر ۸۲۸
- ۱۲۴- کافران و نبوت ۸۲۸
- ۱۲۵- کافران و نبوت بشر ۸۲۸
- ۱۲۶- کافران و نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۲۸
- ۱۲۷- کافران و نبوت ملائکه ۸۳۰
- ۱۲۸- کفر به نبوت صالح(ع) ۸۳۰
- ۱۲۹- کیفر ادعای دروغین نبوت ۸۳۰
- ۱۳۰- گواهان نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۳۰
- ۱۳۱- مدت نبوت نوح(ع) ۸۳۳
- ۱۳۲- مدعیان دروغین نبوت ۸۳۴
- ۱۳۳- مردم صدر اسلام و نبوت ۸۳۴
- ۱۳۴- مردم صدر اسلام و نبوت بشر ۸۳۴
- ۱۳۵- مشرکان مکه و نبوت ۸۳۶
- ۱۳۶- مشرکان مکه و نبوت بشر ۸۳۶
- ۱۳۷- مشرکان و نبوت ۸۳۶
- ۱۳۸- مغالطه در نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۳۶
- ۱۳۹- مقام نبوت ۸۳۸
- ۱۴۰- مقام نبوت و آیات خدا ۸۴۰
- ۱۴۱- مکذبان نبوت ۸۴۰
- ۱۴۲- مکذبان نبوت بشر ۸۴۴
- ۱۴۳- مکذبان نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۴۸
- ۱۴۴- مکذبان نبوت موسی(ع) ۸۴۸
- ۱۴۵- ملاک نبوت ۸۴۸

- ۱۴۶- ملانکه و نبوت - ۸۵۰
- ۱۴۷- منشأ نبوت - ۸۵۱
- ۱۴۸- منشأ نبوت ابراهیم(ع) - ۸۵۴
- ۱۴۹- منشأ نبوت انبیا - ۸۵۴
- ۱۵۰- منشأ نبوت بشر - ۸۵۶
- ۱۵۱- منشأ نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) - ۸۵۷
- ۱۵۲- منکران نبوت هود(ع) - ۸۵۸
- ۱۵۳- موانع شک به نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) - ۸۵۸
- ۱۵۴- موانع قبول ادعای نبوت - ۸۵۸
- ۱۵۵- موجبات نبوت یوسف(ع) - ۸۶۰
- ۱۵۶- موسی(ع) قبل از نبوت - ۸۶۰
- ۱۵۷- نبوت آل عمران - ۸۶۰
- ۱۵۸- نبوت ابراهیم(ع) - ۸۶۰
- ۱۵۹- نبوت ادریس(ع) - ۸۶۴
- ۱۶۰- نبوت اسحاق(ع) - ۸۶۵
- ۱۶۱- نبوت اسماعیل(ع) - ۸۶۸
- ۱۶۲- نبوت الیاس(ع) - ۸۶۹
- ۱۶۳- نبوت الیسع(ع) - ۸۷۰
- ۱۶۴- نبوت انبیا - ۸۷۰
- ۱۶۵- نبوت برادران انبیا - ۸۷۶
- ۱۶۶- نبوت بشر - ۸۷۶
- ۱۶۷- نبوت پدران انبیا - ۸۷۸
- ۱۶۸- نبوت خضر(ع) - ۸۷۸
- ۱۶۹- نبوت خویشاوندان انبیا - ۸۷۹
- ۱۷۰- نبوت داود(ع) - ۸۸۰
- ۱۷۱- نبوت در بنی اسرائیل - ۸۸۱

- ۸۸۲ ۱۷۲- نبوت در جزیره العرب
- ۸۸۲ ۱۷۳- نبوت در جوانی
- ۸۸۲ ۱۷۴- نبوت در کودکی
- ۸۸۴ ۱۷۵- نبوت در نسل نوح(ع)
- ۸۸۴ ۱۷۶- نبوت در نوزادی
- ۸۸۴ ۱۷۷- نبوت ذوالقرنین
- ۸۸۶ ۱۷۸- نبوت زکریا(ع)
- ۸۸۸ ۱۷۹- نبوت سلیمان(ع)
- ۸۸۸ ۱۸۰- نبوت شعیب(ع)
- ۸۹۱ ۱۸۱- نبوت صالح(ع)
- ۸۹۴ ۱۸۲- نبوت عیسی(ع)
- ۹۰۰ ۱۸۳- نبوت فرزندان انبیا
- ۹۰۰ ۱۸۴- نبوت لوط(ع)
- ۹۰۲ ۱۸۵- نبوت محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۹۱۶ ۱۸۶- نبوت ملائکه
- ۹۱۸ ۱۸۷- نبوت موسی(ع)
- ۹۲۹ ۱۸۸- نبوت نسل ابراهیم(ع)
- ۹۳۰ ۱۸۹- نبوت نسل نوح(ع)
- ۹۳۰ ۱۹۰- نبوت نوح(ع)
- ۹۳۶ ۱۹۱- نبوت و اشرافیت
- ۹۳۶ ۱۹۲- نبوت و امکانات مادی
- ۹۳۸ ۱۹۳- نبوت و اندوه بر فراق محبوبان
- ۹۳۸ ۱۹۴- نبوت و ترس
- ۹۳۸ ۱۹۵- نبوت و جهل به مقدرات
- ۹۳۸ ۱۹۶- نبوت و عزت دنیوی
- ۹۴۰ ۱۹۷- نبوت و علم غیب

- ۱۹۸- نبوت و قتل ۹۴۰
- ۱۹۹- نبوت و قدرت ۹۴۰
- ۲۰۰- نبوت و کفران نعمت ۹۴۰
- ۲۰۱- نبوت و گریه بر فراق محبوبان ۹۴۲
- ۲۰۲- نبوت و معجزه ۹۴۲
- ۲۰۳- نبوت هارون(ع) ۹۴۲
- ۲۰۴- نبوت هود(ع) ۹۴۶
- ۲۰۵- نبوت یحیی(ع) ۹۴۸
- ۲۰۶- نبوت یعقوب(ع) ۹۵۰
- ۲۰۷- نبوت یوسف(ع) ۹۵۲
- ۲۰۸- نبوت یونس(ع) ۹۵۴
- ۲۰۹- نشانه های نبوت ۹۵۶
- ۲۱۰- نشانه های نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۵۶
- ۲۱۱- نعمت نبوت ۹۵۶
- ۲۱۲- نعمت نبوت نوح(ع) ۹۶۱
- ۲۱۳- نفرت از نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۶۲
- ۲۱۴- نقش نبوت ۹۶۲
- ۲۱۵- وحی و نبوت ۹۶۲
- ۲۱۶- وضوح دلایل نبوت ۹۶۲
- ۲۱۷- وضوح دلایل نبوت موسی(ع) ۹۶۳
- ۲۱۸- وضوح نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۶۴
- ۲۱۹- وعده نبوت موسی(ع) ۹۶۴
- ۲۲۰- ویژگیهای نبوت عیسی(ع) ۹۶۴
- ۲۲۱- یهود و نبوت بشر ۹۶۶
- ۲۲۲- یهود و نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۶۶
- ۲۲۳- یهود و نبوت موسی(ع) ۹۶۶

۹۶۸ ----- ۲۲- نبی

۹۶۸ ----- ۱- آخرین نبی

۹۶۸ ----- ۲- اولین نبی

۹۶۸ ----- ۳- اولین نبی در مکه

۹۶۸ ----- ۴- اولین نبی سرزمین مکه

۹۷۰ ----- ۵- مراد از نبی

۹۷۱ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 105

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- مهاجران

1- مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 12

12 - عبدالله بن جحش و همراهان او، از زُمره مؤمنان و مهاجرانِ مجاهد در راه خدا

ان الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّٰه

مفسّرین، عبدالله بن جحش و همراهان او را - که از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور شدند تا به محلی به نام نخله هجرت کنند و اخبار و اطلاعاتی از دشمن برای آن حضرت بفرستند - مورد نزول آیه می دانند.

2- آثار اخلاص مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 41 - 1

1- خداوند، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند.

و الذین هاجروا فی اللّٰه من بعد ما ظلموا لنبوتّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الآخره أ

«فی» در «فی الله» به معنای «لام» و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت «هجرت برای کسب رضای خداوند» است.

3- آموزش مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 6.9

6 - مؤمنان و مهاجران مجاهد ، مشمول آمرزش الهی و رحمت او

الذین امنوا و الذین هاجروا .. و اللّٰه غفور رحیم

9 - مؤمنان و مهاجران مجاهد در راه خدا نیز ، نیازمند غفران و رحمت حق هستند .

ان الذّٰین امنوا و الذّٰین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّٰه .. و اللّٰه غفور رحیم

ص: 1

4- اذیت مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 4

4 - توصیه خداوند به مؤمنان و مهاجران صدراسلام ، مبنی بر اینکه در برابر فشارها و آزارهای کافران ، بردبار باشند و خویشتن داری را از دست ندهند .

و الذین هاجروا .. ثم قتلوا ... و إنَّ اللهَ لعليمٌ حلیم

متعلق «علیم» در جمله «و إنَّ اللهَ لعليمٌ حلیم» محذوف است و تقدیر آن به قرینه مقام چنین می باشد: «إنَّ اللهَ لعليمٌ بما فعل المشركون بالمؤمنين من إخراجهم من ديارهم و قتلهم المهاجرين حلیم یمهلهم و لا ینتقم منهم إلی حین؛ خدا به آنچه که مشرکان علیه مؤمنان انجام دادند، آگاه است و چون حلیم و بردبار است، به آنان فرصت می دهد». گفتنی است که جمله فوق، در واقع توصیه ای است از جانب خداوند به مؤمنان صدراسلام که فشارهای کافران آنان را بی حوصله نکند؛ بلکه همان طور که خدا حلیم و بردبار است، بردباری کنند و خویشتن داری را از دست ندهند.

5- ارث خویشاوندان مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 16

16 - خویشاوندان مؤمنان و مهاجران ، به ارث بردن از آنها نسبت به دیگران ، اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض .. من المؤمنین و المهاجرین

برداشت بالا، بنابراین است که «من المؤمنین» متعلق به عامل مقدر و وصف «أولوا الأرحام» باشد.

6- ارث مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 13

13 - مهاجران و برادران دینی (انصار) در صدراسلام ، از هم ارث می بردند .

و أولوا الأرحام .. أولى ... من المؤمنین و المهاجرین

ذکر مفضلٌ علیه «المؤمنین» و «المهاجرین» نشان دهنده این است که مؤمنان به عنوان برادران دینی و مهاجران هجرت کرده از مکه، از

هم ارث می بردند.

7- ارزش امداد به مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 74 - 6

6 - هجرت و جهاد در راه خدا، یاری کردن دین او، پناه دادن به مهاجران مجاهد، از ارزش های متعالی اسلام و تعیین کننده مرز ایمان حقیقی از غیر آن

ص: 2

و الذین ءامنوا .. أولئک هم المؤمنون حقا

مفعول «نصروا» هم می تواند کلمه ای همانند «دین الله» باشد و هم می تواند ضمیری محذوف باشد که به «الذین ءامنوا ..» برمیگردد؛ یعنی: نص --- روا المؤمن --- نین المهاجرین المجاهدین مآل هر دو معنا یکی است؛ زیرا یاری کردن مهاجران مجاهد نیز یاری دین خداست.

8- ارزش پیروی از مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 4

4- پیروی از مهاجران و انصار، تنها در طریق نیکی و درستی ستوده و ارزشمند است نه به طور مطلق.

و السبقون .. و الذین اتبعوهم یاحسن

9- ارزش عمل مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 5

5- ارجمندی مهاجران و انصار، مستلزم نفی صدور عمل غیر نیک از آنان نیست.

و الذین اتبعوهم یاحسن

خداوند، ارجمندی تابعان را بدان مشروط کرده که تنها بر اساس نیکی و در زمینه نیکیها از مهاجران و انصار تبعیت کنند نه در هر گونه عمل و به هر انگیزه ای و این معنا نشان می دهد که مهاجران و انصار مبرا از عمل غیر نیک نبودند.

10- ارزش مرگ مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 3

3- مرگ مهاجران در دیار هجرت، هم سنگ شهادت آنان در آن دیار

و الذین هاجروا .. ثم قتلوا أو ماتوا ... رزقاً حسناً

11- استقبال از مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 9 - 4,5

4 - استقبال انصار از مهاجران ، با ایمان و امکانات خویش

و الذین تبوءوا الدار و الإیمن من قبلهم

ص: 3

چنانچه «تبوء الدار» به معنای مهیا ساختن منزل باشد، آماده کردن آن از سوی انصار، می تواند به هدف استقبال از مهاجران صورت گرفته باشد.

5- انصار ، مورد تمجید خداوند ، به خاطر محبت بی دریغشان نسبت به مؤمنان مهاجر

يحبون من هاجر إليهم

12- استمداد از مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 13

13 - وجوب یاری رسانی مهاجران و انصار به غیر مهاجران مشروط به درخواست یاری از سوی غیر مهاجران است .

وإن استنصروكم فى الدين فعليكم النصر

برداشت فوق با توجه به شرط «إن استنصروكم . . .» (اگر از شما یاری خواستند ...) استفاده شده است.

13- امداد به مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 2,3,4

2 - شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذين آمنوا وهاجروا .. أولياء بعض

مشارالیه «أولئك» و مرجع ضمیر در «بعضهم»، «الذين» اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر - مثلا - اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

3 - یاری رسانی و پناه دادن به مهاجران راه خدا ، وظیفه ای بر عهده اهل ایمان

و الذين ءاؤوا و نصرؤا

4 - تصمیم گیری درباره جهاد ، مسؤولیت مهاجران و یاری رسانی به مهاجران ، وظیفه و مسؤولیت گروه انصار در صدر اسلام

و الذين ءاؤوا و نصرؤا

توصیف مهاجران به اینکه در راه خدا جهاد کنند، در مقابل انصار که به این امر توصیف نشده اند، با اینکه جهاد در راه خدا یک وظیفه ایمانی است، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که در صدر اسلام جهاد و تصمیم گیری درباره آن بر عهده مهاجران بود و انصار باید آنان را در این امر یاری دهند، ولی تصمیم گیرنده نباشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 74 - 4

4 - پناه دادن و یاری کردن مهاجران و مجاهدان راه خدا، دارای ارزشی چون هجرت و جهاد

و الذین آمنوا .. و الذین ءاؤوا و نصرؤا

ص: 4

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 11

11 - خداوند ، همواره یار و یاور مؤمنان مجاهد و مهاجر است .

لاتحزن إن الله معنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 110 - 9

9- هجرت کنندگان رنج دیده ، جهادگر و مقاوم ، مورد عنایت خاص خداوند و برخوردار از نصرت او *

ثم إن ربك للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جهدوا وصبروا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «ربک» اسم «إن» بوده و لام حرف جر و «الذین» متعلق به خبر محذوفی مانند «هو ناصر لهم» باشد.

14- امیدواری مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 13، 1

1 - امیدواری مؤمنان و مهاجران مجاهد در راه خداوند ، به رحمت او

ان الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّٰه اولئک یرجون رحمت اللّٰه

13 - مؤمنان و مهاجران مجاهد ، امیدواران واقعی به رحمت خداوند هستند .

الذین امنوا .. اولئک یرجون رحمت اللّٰه

15- امیدواری مهاجران فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 11

11 - مهاجران تهی دست ، چشم انتظار بهبود وضع اقتصادی خویش همراه با رضایت خداوند

يبتغون فضلاً من الله ورضوناً

«فضلاً من الله»، می تواند اشاره به مسائل مادی و اقتصادی داشته باشد.

16- اهمیت صبر مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 60 - 1

1 - بردباری و خویشتن داری مؤمنان و مهاجران ، در برابر فشارها و آزارهای مشرکان و پرهیز از انتقام گیری ، امری مهم ، سرنوشت ساز و مورد توصیه مؤکد خداوند (در اوایل هجرت از مکه به مدینه)

ص: 5

و الذین هاجروا .. و إنَّ اللهَ لعَليمٌ حلیمٌ . ذلک

«ذلک» خبر برای مبتدای محذوف و اشاره است به توصیه خدا به مؤمنان و مهاجران صدراسلام مبنی بر این که در برابر فشارها و آزارهای مشرکان، خویشتن داری کنند و بردباری را از دست ندهند. گفتنی است که در چنین مواردی معمولاً از کلمه «هذا» استفاده می کنند. بنابراین به کارگیری «ذلک» - که برای اشاره به دور است - بیانگر اهمیت خویشتن داری در برابر آزارهای مشرکان صدراسلام در آن مقطع خاص می باشد؛ مقطعی که ظاهراً هنوز مؤمنان از نیروی کافی برای برخورد قهرآمیز با دشمن، برخوردار نبودند.

17- ایمان مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 12، 8

8 - روحیه خداجویی و دین یآوری ، از ویژگی های بارز مهاجران صدراسلام

المهجرین الذین .. یتغون فضلاً من الله و رضوناً و ینصرون الله و رسوله

12 - مهاجران خداجو و دین باور صدراسلام ، نمونه مؤمنان راستین

المهجرین الذین .. أولئک هم الصدقون

18- بشارت به مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 74 - 7

7 - خداوند ، مهاجران و انصار را به مغفرت و روزی با کرامت نوید داد .

لهم مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 11

11 - بشارت خداوند به مهاجران و انصار و تابعان نیک کردار ، به مهیّا بودن بهشت برای آنان

أعد لهم جنت تجری تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- هجرت کنندگان مجاهد و صابر، بشارت داده شده به مغفرت و رحمت گسترده الهی

ثمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا... إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

ص: 6

19- بی تقویان از مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 14

14 - وجود عناصری ناخالص ، در میان مهاجران صدر اسلام *

المهجرین الذین ... یتغون فضلاً من اللّٰه و رضوناً و ینصرون اللّٰه و رسوله اُول-

برداشت یادشده بدان احتمال است که فعل های «یتغون..» و «ینصرون...» قیدهای احترازی باشد؛ نه توضیحی.

20- پاداش اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 41 - 1، 12

1- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی اللّٰه من بعد ما ظلموا لنبوئنهم فی الدنیا حسنه و لأجر الآخره أ

«فی» در «فی اللّٰه» به معنای «لام» و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت «هجرت برای کسب رضای خداوند» است.

12- مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الذین هاجروا .. لأجر الآخره أكبر لو كانوا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 5

5- رزق نیکو ، پاداش اخروی خدا به مؤمنان مهاجر

و الذین هاجروا .. لیرزقنهم اللّٰه رزقاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 1

1 - خدا، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الذین هاجروا .. لیدخلنهم مدخلاً یرضونه

21- پاداش دنیوی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 41 - 1، 12

1- خداوند، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم فی الدنیا حسنه و لأجر الآخره أ

«فی» در «فی الله» به معنای «لام» و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت «هجرت برای کسب رضای خداوند» است.

ص: 7

12- مهاجران، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی‌خبرند.

والذین هاجروا... لأجر الآخرة أكبر لو كانوا يعلمون

22- پاداش مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 21

21- پاداش مهاجران، آوارگان، آزاردیدگان در راه خدا، مجاهدان و شهیدان، تضمین شده از سوی خداوند

انّی لا اضع عمل عامل منکم... فالذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اودوا فی سبّی

لام قسم و نون تأکید در «لا کفرن» و در «لادخلن» دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 22 - 3,4,6

3- نعمت های جاودان اخروی، اجرت و مزدی است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد.

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا... جنت لهم... خلدین فیها أبداً إن الله عنده أج

«أجر» اجرت و مزد در برابر عمل است.

4- پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد، پاداشی بزرگ است.

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا... إن الله عنده أجر عظیم

6- مؤمنان مهاجر و مجاهد، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند.

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا... و جنت... إن الله عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله «إن الله عنده أجر عظیم» - که دارای معنایی عام و کلی است - پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنان مهاجر و مجاهد، می‌تواند گویای برداشت فوق باشد.

23- پناه به مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - مؤمنانی که مهاجران را در مدینه پناه دادند و از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهاجران حمایت کرده و دین خدا را یاری دادند ، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند .

و الذین ءاؤوا و نصرؤا أولئک هم المؤمنون حقا

4 - پناه دادن و یاری کردن مهاجران و مجاهدان راه خدا ، دارای ارزشی چون هجرت و جهاد

و الذین ءامنؤا .. و الذین ءاؤوا و نصرؤوا

6 - هجرت و جهاد در راه خدا ، یاری کردن دین او ، پناه دادن به مهاجران مجاهد ، از ارزش های متعالی اسلام و تعیین کننده مرز ایمان حقیقی از غیر آن

و الذین ءامنؤا .. أولئک هم المؤمنون حقا

ص: 8

مفعول «نصروا» هم می تواند کلمه ای همانند «دین الله» باشد و هم می تواند ضمیری محذوف باشد که به «الذین ءامنوا . . .» برم-ی گردد؛ یعنی: نص---روا المؤمن---نین المهاجرین المجاهدین . . . مآل هر دو معنا یکی است؛ زیرا یاری کردن مهاجران مجاهد نیز یاری دین خداست.

24- پناهگاه مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 7

7 - شهر مدینه در صدراسلام، مآمن و پناهگاه مهاجران مسلمان بود .

و لایاتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا . . . و المهجرین

25- تأمین نیازهای مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 5

5 - تأمین نیازمند های خویشاوندان، بینوایان و مهاجران، بر اغنیا و ثروتمندان واجب است .

و لایاتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولى القربى و المسکین و المهجرى

26- تأمین نیازهای مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 6

6 - تأمین نیازمندی های مهاجران مسلمان صدراسلام، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران بود .

و لایاتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا . . . المهجرین

27- تأمین نیازهای مهاجران فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 9

9 - دستگیری از بینوایان و خویشاوندان و مهاجران نیازمند، نشانگر فضیلت و کرامت آدمی است .

و لا يأتل أولوا الفضل منكم و السعه أن يؤتوا أولى القربى و المسكين و المهجرى

برداشت براساس این است که مقصود از فضل در «أولوا الفضل» فضیلت معنوی و انسانی باشد.

ص: 9

28- ترک امداد به مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 74 - 3

3 - مسلمانانی که از هجرت به مدینه سر باز زدند و یا در راه خدا جهاد نکردند و یا مهاجران و دین خدا را یاری ندادند ، از دایره مؤمنان راستین خارج هستند .

و الذین ءامنوا و هاجروا .. أولئک هم المؤمنون حقا

«أولئک» اشاره است به هر یک از «الذین» اول و دوم با ویژگیهایی که در توصیف آنها آمده است. با توجه به این معنا و دلالت ضمیر فصل (هم) بر حصر معلوم می شود کسانی که مجموع صفات یاد شده را نداشته، اگر چه برخی از آنها را دارا باشند مؤمن حقیقی نیستند.

29- ترک انفاق به مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 2، 1

1 - خداوند ، توانگران صدراسلام را از سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینویان و مهاجران به صرف گناه گذشته آنان ، بر حذر داشت

ولا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی و المسکین و المهجرین

«إیتلاء» (مصدر «یأتلی») می تواند مشتق از «الو» به معنای «تقصیر و منع» باشد. هم چنین می تواند از «الیّه» به معنای «حلف» و سوگند خوردن باشد. در صورتی که به معنای «حلف» باشد، «یؤتوا» منفی به «لا» ی محذوف است؛ یعنی، «لا یحلفوا أن لا یؤتوا...» درباره شأن نزول آیه شریفه دو نظر وجود دارد: 1- آیه درباره کسانی نازل شد که پس از ماجرای «افک»، سوگند یاد کردند که از انفاق به گروهی که در این ماجرا دست داشتند خودداری کنند. 2- در خصوص ابوبکر نازل شد که او پس از ماجرای «افک»، از انفاق به «مسطح بن اثاثه» - که پسرخاله یا پسر خواهر وی بود - امتناع ورزید.

2 - سوگند بر ترک نیکی و انفاق به خویشاوندان ، مستمندان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، نشانه تأثیر پذیری از وسوسه شیطان و پیروی از او است .

لا تتبعوا خطوت الشیطن .. و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی

جمله «و لا یأتل ..» می تواند عطف بر «و لا تتبعوا خطوات الشیطان...» - از نوع عطف خاص بر عام - باشد که حاکی از اهمیت موضوع مورد بحث خاص است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین خواهد شد: «ای مؤمنان! از گام های شیطان، بویژه اگر شما را به ترک انفاق خویشاوندان و ... فرا بخواند پیروی نکنید».

30- توصیه به مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 4

4 - توصیه خداوند به مؤمنان و مهاجران صدراسلام ، مبنی بر اینکه در برابر فشار ها و آزار های کافران ، بردبار باشند و خویشتن داری را از دست ندهند .

ص: 10

و الذین هاجروا .. ثم قتلوا ... و إن الله لعليم حلیم

متعلق «علیم» در جمله «و إن الله لعليم حلیم» محذوف است و تقدیر آن به قرینه مقام چنین می باشد: «إن الله لعليم بما فعل المشركون بالمؤمنين من إخراجهم من ديارهم و قتلهم المهاجرين حلیم یمهلهم و لا ینتقم منهم إلی حین؛ خدا به آنچه که مشرکان علیه مؤمنان انجام دادند، آگاه است و چون حلیم و بردبار است، به آنان فرصت می دهد». گفتمی است که جمله فوق، در واقع توصیه ای است از جانب خداوند به مؤمنان صدراسلام که فشارهای کافران آنان را بی حوصله نکنند؛ بلکه همان طور که خدا حلیم و بردبار است، بردباری کنند و خویشتن داری را از دست ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 60 - 1

1 - بردباری و خویشتن داری مؤمنان و مهاجران ، در برابر فشارها و آزارهای مشرکان و پرهیز از انتقام گیری ، امری مهم ، سرنوشت ساز و مورد توصیه مؤکد خداوند (در اوایل هجرت از مکه به مدینه)

و الذین هاجروا .. و إن الله لعليم حلیم . ذلک

«ذلک» خبر برای مبتدای محذوف و اشاره است به توصیه خدا به مؤمنان و مهاجران صدراسلام مبنی بر این که در برابر فشارها و آزارهای مشرکان، خویشتن داری کنند و بردباری را از دست ندهند. گفتمی است که در چنین مواردی معمولاً از کلمه «هذا» استفاده می کنند. بنابراین به کارگیری «ذلک» - که برای اشاره به دور است - بیانگر اهمیت خویشتن داری در برابر آزارهای مشرکان صدراسلام در آن مقطع خاص می باشد؛ مقطعی که ظاهراً هنوز مؤمنان از نیروی کافی برای برخورد قهرآمیز با دشمن، برخوردار نبودند.

31- توکل مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 42 - 5

5- مهاجران در راه خدا ، همواره و در همه چیز تنها بر پروردگار خویش متکی هستند .

و الذین هاجروا فی الله .. و علی ربهم یتوکلون

تقدیم «علی ربهم» می تواند برای حصر باشد و مضارع آوردن فعل «یتوکلون» و حذف متعلق آن، می تواند دلالت بر استمرار و مشعر به این باشد که مهاجران در همه چیز توکل می کنند.

32- جهل مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- مهاجران، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی‌خبرند.

والذین هاجروا... لأجر الآخرة أكبر لو كانوا يعلمون

ص: 11

33- حقوق مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 1

1 - خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند ، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند .

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إليه کلمه «بعد»، کلمه «ایمانکم» و یا «الهجره الاولى» است. جمله «فأولئک منکم» اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

34- حمایت از مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 74 - 2

2 - مؤمنانی که مهاجران را در مدینه پناه دادند و از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهاجران حمایت کرده و دین خدا را یاری دادند ، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند .

و الذین ءاؤوا و نصرؤا أولئک هم المؤمنون حقا

35- خانواده مهاجران به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 3

3 - رفع نگرانی از مؤمنان مدینه از سوی خداوند ، نسبت به آینده بازماندگان ایشان در مکه

عسى الله . . . موّده

با توجه به این که شأن نزول آیات پیشین، حرکتی بود که از حاطب بن ابی بلتعه - به انگیزه مصونیت دادن خانواده اش در مکه - صورت گرفته بود؛ خداوند پس از نفی شیوه وی، با این نوید به او و امثالش، نوعی اطمینان بخشیده است.

36- دوستی مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 17

17 - اقدام برخی از مهاجران ، به برقراری رابطه سرّی و دوستانه با مشرکان مکه

تسرون إلیهم بالموّده

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 12

37- دینداری مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 110 - 2

2- خداوند، نسبت به مهاجرانی که با هجرت، جهاد و صبر، دین خود را حفظ کردند، بسیار بخشنده و مهربان است.

ثم إن ربك للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جهدوا وصبروا

خبر «إن ربك للذین...» محذوف است که «لغفور رحیم» بر آن دلالت دارد.

38- دینداری مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 12، 8

8 - روحیه خداجویی و دین یآوری، از ویژگی های بارز مهاجران صدراسلام

المهجرین الذین... یتغون فضلاً من الله ورضوناً وینصرون الله ورسوله

12 - مهاجران خداجو و دین باور صدراسلام، نمونه مؤمنان راستین

المهجرین الذین... أولئك هم الصدقون

39- رحمت خدا بر مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 117 - 1

1 - شمول رأفت و رحمت خاص الهی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهاجران و انصاری که آن حضرت را در لحظه های دشوار، همراهی کردند.

لقد تاب الله علی النبی و المهجرین و الانصار

«توبه» به معنای رجوع و روی کردن است. روی کرد خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهاجر و انصار - به قرینه ذیل آیه شریفه - کنایه از این است که خداوند آنان را به خاطر یاری رساندن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در لحظه های سخت و دشوار، مورد رأفت و رحمت ویژه قرار داده است.

40- رستگاری مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 20 - 7

7 - سعادت و رستگاری حقیقی ، از آن مؤمنان مهاجر و مجاهد در راه خداست .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. أولئک هم الفائزون

ص: 13

41- رضایت از مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 8

8 - اعلام رضایت برتر خداوند ، از اولین و برترین مؤمنان از مهاجران و انصار

و السابقون الأولون من المهاجرين . . . رضی اللہ عنہم

قید «الأولون» می تواند قید توضیحی نباشد بلکه «السابقون» را به دو دسته تقسیم کند که در این صورت استفاده می شود که در میان مهاجران و انصار پیشتاز، دو گروه وجود داشته اند: برخی «الأولون» و برخی غیر آن؛ گفتنی است که علاوه بر نکته فوق، واژه «السابقون» و «الأولون» ممکن است تنها نظر به سبقت زمانی نداشته باشد؛ بلکه سبقت و اولویت معنوی را هم برساند.

42- رضایت مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 1،8

1 - خدا از نخستین پیشگامان از مهاجران و انصار و نیز دنبال کنندگان راه آنان ، راضی و ایشان نیز از خدا راضی اند .

و السابقون الأولون من المهاجرين و الأنصار و الذين اتبعوهم یاحسن رضی اللہ عنہم و

8 - اعلام رضایت برتر خداوند ، از اولین و برترین مؤمنان از مهاجران و انصار

و السابقون الأولون من المهاجرين . . . رضی اللہ عنہم

قید «الأولون» می تواند قید توضیحی نباشد بلکه «السابقون» را به دو دسته تقسیم کند که در این صورت استفاده می شود که در میان مهاجران و انصار پیشتاز، دو گروه وجود داشته اند: برخی «الأولون» و برخی غیر آن؛ گفتنی است که علاوه بر نکته فوق، واژه «السابقون» و «الأولون» ممکن است تنها نظر به سبقت زمانی نداشته باشد؛ بلکه سبقت و اولویت معنوی را هم برساند.

43- روزی اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 5

5 - رزق نیکو ، پاداش اخروی خدا به مؤمنان مهاجر

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا... لِيَرْزُقْتَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا

ص: 14

44- روزی نیکوی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 5

5- رزق نیکو، پاداش اخروی خدا به مؤمنان مهاجر

و الذین هاجروا... لیرزقنهم الله رزقاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 3

3- مسکن و جایگاه دلپذیر، از برجسته ترین مصداق های روزی نیکوی خدا به مؤمنان مهاجر در سرای آخرت

لیرزقنهم الله رزقاً حسناً... لیدخلنهم مدخلاً یرضونه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «لیدخلنهم» بدل اشمال و به تعبیر دیگر از مصداق های رزق نیکو (لیرزقنهم الله رزقاً حسناً) می باشد.

45- سعادت مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 20 - 7

7- سعادت و رستگاری حقیقی، از آن مؤمنان مهاجر و مجاهد در راه خداست.

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا... أولئک هم الفائزون

46- شهادت مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 4

4- تضمین بهشت از سوی خدا، برای آن دسته از مهاجران صدر اسلام که تا آن زمان (زمان نزول آیه فوق) با مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به دست دشمن کشته شده بودند.

و الذین هاجروا فی سبیل الله ثم... لیرزقنهم الله رزقاً حسناً

47- صبر مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 42 - 1

1- مسلمانان مهاجر از ستم مشرکان مکه ، مردمانی صبور بودند که در برابر ستم ظالمان شکیبایی پیشه کردند .

والذین هاجروا فی الله .. الذین صبروا

«الذین» عطف بیان برای «الذین» در آیه سابق است.

ص: 15

48- صبر مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 4

4 - توصیه خداوند به مؤمنان و مهاجران صدراسلام ، مبنی بر اینکه در برابر فشارها و آزارهای کافران ، بردبار باشند و خویشتن داری را از دست ندهند .

و الذین هاجروا ... ثم قتلوا ... وإن الله لعليم حلیم

متعلق «علیم» در جمله «وإن الله لعليم حلیم» محذوف است و تقدیر آن به قرینه مقام چنین می باشد: «إن الله لعليم بما فعل المشركون بالمؤمنين من إخراجهم من ديارهم و قتلهم المهاجرين حلیم یمهلهم و لا ینتقم منهم إلی حین؛ خدا به آنچه که مشرکان علیه مؤمنان انجام دادند، آگاه است و چون حلیم و بردبار است، به آنان فرصت می دهد». گفتنی است که جمله فوق، در واقع توصیه ای است از جانب خداوند به مؤمنان صدراسلام که فشارهای کافران آنان را بی حوصله نکند؛ بلکه همان طور که خدا حلیم و بردبار است، بردباری کنند و خویشتن داری را از دست ندهند.

49- صفات مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 2

2 - امید داشتن به رحمت الهی - نه خود را مستحق آن شمردن - ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجران مجاهد

ان الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله

50- عفو مهاجران گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 12

12 - گذشت از لغزش های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران راه خدا و برخورد کریمانه با آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولى القربی ... و لیعفوا و لیصفحوا

«عفو» در لغت به معنای گذشت است و «صفح» به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

51- عوامل سعادت اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 16

3- صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

و الذین هاجروا فی الله... لنبوئنهم فی الدنیا... ولأجر الآخره أكبر... الذی

52- عوامل سعادت دنیوی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

و الذین هاجروا فی الله... لنبوئنهم فی الدنیا... ولأجر الآخره أكبر... الذی

53- فضایل مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اهمیّت و ارزش هجرت و جهاد در راه خدا ، و برتری مهاجران مجاهد بر سایر مؤمنان

ان الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله

به نظر می رسد تکرار موصول، دلالت بر ارزشمندی ایمان داشته باشد؛ اگر چه همراه با جهاد و هجرت نباشد؛ اما آنگاه که توأم با هجرت و جهاد باشد، ارزش و اهمیّتی برتر می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

22 - مهاجر آواره و آزار دیده در راه خدا ، و جهادگر و جان باخته ، مصداق مؤمن خردمند

لایات لاولی الالباب... فالذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم... وقاتلوا وقاتلوا

اجابت دعای خردمندان به دلیل اعمال آنان است. «اَئِیْ لَا اَضِیْعُ...» و جمله «فالذین» به دلیل «فا»، بیانگر آن اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مهاجران به سوى خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)، مشمول غفران و رحمت خاصّ الهی هستند .

و من يهاجر . . . فقد وقع اجره على الله و كان الله غفوراً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 21 - 2

2 - مهاجران و مجاهدان راه خدا، مشمول رحمت و ویژه الهی اند .

هاجروا و جهدوا فى سبيل الله . . . يبشرهم ربهم برحمه منه

ص: 17

نکره آوردن کلمه «رحمه» حاکی از این است که: مؤمنان مهاجر و مجاهد راه خدا، برخوردار از رحمتی خاص و ویژه خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 22 - 2

2- مؤمنان هجرت کننده و مجاهد، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا... و جنت لهم فیها نعیم مقیم. خلدین فیها ابدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 117 - 1

1 - شمول رأفت و رحمت خاص الهی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهاجران و انصاری که آن حضرت را در لحظه های دشوار، همراهی کردند.

لقد تاب الله علی النبی و المهاجرین و الانصار

«توبه» به معنای رجوع و روی کردن است. روی کرد خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهاجر و انصار - به قرینه ذیل آیه شریفه - کنایه از این است که خداوند آنان را به خاطر یاری رساندن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در لحظه های سخت و دشوار، مورد رأفت و رحمت ویژه قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 42 - 5

5- مهاجران در راه خدا، همواره و در همه چیز تنها بر پروردگار خویش متکی هستند.

و الذین هاجروا فی الله... و علی ربهم یتوکلون

تقدیم «علی ربهم» می تواند برای حصر باشد و مضارع آوردن فعل «یتوکلون» و حذف متعلق آن، می تواند دلالت بر استمرار و مشعر به این باشد که مهاجران در همه چیز توکل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 110 - 2،9

2- خداوند، نسبت به مهاجرانی که با هجرت، جهاد و صبر، دین خود را حفظ کردند، بسیار بخشنده و مهربان است.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا

خبر «إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ...» محذوف است که «لغفور رحيم» بر آن دلالت دارد.

9- هجرت کنندگان رنج دیده، جهادگر و مقاوم، مورد عنایت خاص خداوند و برخوردار از نصرت او*

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «رَبَّكَ» اسم «إِنَّ» بوده و لام حرف جر و «الَّذِينَ» متعلق به خبر محذوفی مانند «هُوَ نَاصِرٌ لَهُمْ» باشد.

ص: 18

54- فضایل مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 20 - 1

1 - تقدیر و تمجید خداوند از مؤمنان مهاجر و مجاهد صدر اسلام

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . . . أعظم درجه عند الله

55- فیء به مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 16

16 - « عن الصادق (ع) : . . . ثم قال [الله تعالى] : « للفقراء المهاجرين الذين أخرجوا . . . » فجعلها الله لمن هاجر من قريش مع النبي (صلى الله عليه وآله) . . . و أخرج . . . عنهم المهاجرين مع رسول الله من العرب لقوله « الذين أخرجوا من ديارهم و أموالهم » لأن قريشاً كانت تأخذ ديار من هاجر منها و أموالهم و لم تكن العرب تفعل ذلك بمن هاجر منها . . . »

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . . خدا فرموده [اموالی که بدون جنگ به دست آمده] از آن فقرای مهاجر است که از خانه ها و اموال خود اخراج شده اند. [باین دستور] خدا آن اموال را برای مهاجران قریش - که در معیت پیامبر(صلى الله عليه وآله) بوده اند - قرار داده و مهاجران عرب را که - همراه آن حضرت بوده اند - از [شمول حکم] آنان خارج کرده است؛ زیرا فرموده: «الذین أُخرجوا من ديارهم و أموالهم» قریش خانه ها و اموال مهاجران خود را تصاحب می کرده؛ ولی عرب با مهاجران خود این کار را نمی کرده [و اموال را برای خود آنان باقی می گذاشته است].

56- فیء به مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 9 - 7

7 - انصار ، به دور از کمترین حسد و چشمداشت نسبت به اموال عطا شده به مهاجران از « فیء »

و لایجدون فی صدورهم حاجه ممّا أوتوا

با توجه به این که حسد مسبوق به چشمداشت است و انصار هیچ گونه چشمداشتی نسبت به اموال عطا شده به مهاجران نداشتند؛ از آیه شریفه نفی هرگونه حسادت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 10 - 2

2- مهاجران پس از غزوه بنی نضیر، دارای سهم از «فیء» *

والذین جاءو من بعدهم

برداشت بالا، بر این احتمال است که مراد از «الذین جاءو» خصوص مهاجرانی باشد که پس از مهاجران نخستین، به مدینه هجرت کردند.

ص: 19

57- فیء به مهاجران فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 2, 1

1 - مهاجران نیازمند و تنگدست ، از جمله سهم بران « فیء »

للفقراء المهاجرین

در مورد کلمه «للفقراء» دو احتمال وجود دارد: 1- بدل از «لله» که مقصود فی سبیل الله است؛ 2- بدل از «ذی القربی» و ما بعد آن. در هر دو صورت، برداشت یاد شده به دست می آید.

2- مهاجران فقیر ، از موارد مصرف سهم خدا در فیء *

ما أفاء الله .. فلله ... للفقراء المهاجرین

عبارت «للفقراء المهاجرین» می تواند بیان مصداقی از سهم خداوند در «فیء» باشد؛ زیرا روشن است که سهم رسول و ذی القربی، مصرف خاص دارد. اما «سهم الله» مصارف عامی دارد که خداوند در این آیه، به مصداقی از آن اشاره کرده است.

58- محدوده علم مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 9

9- بی اطلاعی مهاجران و انصار ، از وجود مردان و زنانی مؤمن در میان مکیان؛ قبل از صلح حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت لم تعلموهم

59- محدوده مسؤولیت مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 14

14 - کافرانی که با مسلمانان پیمان عدم تعرض دارند ، هر چند به انگیزه مبارزه با اسلام به غیر مهاجران هجوم برند ، مهاجران و انصار موظف به یاری آنان نیستند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

مراد از میثاق به قرینه مقام، پیمان عدم تعرض و متارکه جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 4

4 - حق تصمیم گیری درباره جهاد از آن مهاجران نخستین بود .

جهدوا معکم

کلمه «معکم» در «جهدوا معکم» (در کنار شما جهاد کنند) می تواند ناظر به برداشت فوق باشد. چنانچه مخاطبان «معکم» خصوص مهاجران باشند، برداشت فوق از اتقان بیشتری برخوردار است.

ص: 20

60- مدح مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 110 - 1

1- تمجید خداوند از مؤمنانی که در کوران مشکلات، از ایمان نبریدند و با هجرت و جهاد، صبر پیشه کردند.

ثم إن ربك للذین هاجروا من بعد ما فتنوا

61- مراتب ایمان مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 117 - 8

8 - تفاوت درجات ایمان مسلمانان صدر اسلام (مهاجران و انصار)

المهجرین و الانصار .. بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

با توجه به اینکه تزلزل قلبی، تنها برای برخی از آنان پدید آمده بود و دیگران ثابت قدم بودند، مطلب فوق به دست می آید.

62- مراتب مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 9

9- وجود تقدم و تأخر و تفاوت در فضل و کمال حتی در میان پیشتازان از مهاجران و انصار

و السبقون الأولون من المهجرین و الأنصار

برداشت فوق بر این اساس است که «الأولون» قید احترازی باشد که در این صورت «سابقون» را به دو گروه تقسیم می کند.

63- مرگ مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 4

4 - تضمین بهشت از سوی خدا، برای آن دسته از مهاجران صدر اسلام که تا آن زمان (زمان نزول آیه فوق) با مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا

به دست دشمن کشته شده بودند .

و الذين هاجروا في سبيل الله ثم .. ليرزقنهم الله رزقاً حسناً

64- مسکن اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 3

ص: 21

3 - مسکن و جایگاه دلپذیر ، از برجسته ترین مصداق های روزی نیکوی خدا به مؤمنان مهاجر در سرای آخرت

لیرزقنهم الله رزقاً حسناً . . لیدخلنهم مدخلاً یرضونه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «لیدخلنهم» بدل اشمال و به تعبیر دیگر از مصداق های رزق نیکو (لیرزقنهم الله رزقاً حسناً) می باشد.

65- مسؤولیت مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 13، 12، 4

4 - تصمیم گیری درباره جهاد ، مسؤولیت مهاجران و یاری رسانی به مهاجران ، وظیفه و مسؤولیت گروه انصار در صدر اسلام

و الذین ءاؤوا و نصرؤا

توصیف مهاجران به اینکه در راه خدا جهاد کنند، در مقابل انصار که به این امر توصیف نشده اند، با اینکه جهاد در راه خدا یک وظیفه ایمانی است، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که در صدر اسلام جهاد و تصمیم گیری درباره آن بر عهده مهاجران بود و انصار باید آنان را در این امر یاری دهند، ولی تصمیم گیرنده نباشند.

12 - وجود درگیری بین مؤمنان غیر مهاجر با کافران ، به خاطر دین و دینداری ، تنها موردی است که مهاجران و انصار موظف به یاری غیر مهاجران هستند .

و إن استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر

قید «فی الدین» بیانگر این است که اگر کافران به انگیزه مبارزه با اسلام و دینداری غیر مهاجران به آنان هجوم بردند، باید سایر مسلمانان از آنان حمایت کنند و اگر درگیری بدین انگیزه نباشد، حمایت از آنان ضرورت ندارد. قابل ذکر است که «ال» در «النصر» جانشین مضاف الیه است ؛ یعنی «فعلیکم نصرهم».

13 - وجوب یاری رسانی مهاجران و انصار به غیر مهاجران مشروط به درخواست یاری از سوی غیر مهاجران است .

و إن استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر

برداشت فوق با توجه به شرط «إن استنصروکم . . .» (اگر از شما یاری خواستند ...) استفاده شده است.

66- مسؤولیت مهاجران نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند.

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إليه کلمه «بعد»، کلمه «ایمانکم» و یا «الهجرة الاولى» است. جمله «فأولئک منکم» اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

ص: 22

67- مقابله به مثل مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 60 - 2

2 - مقابله به مثل یکی از مؤمنان صدر اسلام ، در پی عقوبتی که از سوی مشرکان بر او رفته بود .

و من عاقب بمثل ما عوقب به

از ظاهر آیه، چنین استفاده می شود که یکی از مؤمنان، در پی عقوبتی که از سوی مشرکان بر او رفته بود، دست به انتقام زد و مقابله به مثل کرد. سپس دوباره از سوی آنها مورد تجاوز و ستم قرار گرفت. خداوند در پی این تجاوز، به او وعده اکید داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقام خود را بگیرد. اما در عین حال، با تذکر به این حقیقت که خداوند بخشنده و غفور است، توصیه نمود که اگر که از آن تجاوز درگذرد و متجاوز را مورد عفو و آمرزش قرار دهد، مناسب تر و پسندیده تر خواهد بود.

68- مقامات اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 41 - 1

1- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوتنهم فی الدنيا حسنه و لأجر الأخره أ

«فی» در «فی الله» به معنای «لام» و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت «هجرت برای کسب رضای خداوند» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 2

2 - مؤمنان مهاجر ، برخوردار از جایگاهی مطلوب و دلپذیر در جهان آخرت

و الذین هاجروا .. لیدخلنهم مدخلاً یرضونه

69- مقامات مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - مؤمنان غیر مهاجر در صورت هجرت ، همسان با دیگر مهاجران در برخورداری از حقوق ولایت و حمایت مقرر شده در میان مؤمنان

ما لکم من ولیتهم من شیء حتی یهاجروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 20 - 6

6 - مؤمنان مهاجر و مجاهد در راه خدا ، دارای برترین مرتبه و بزرگترین درجه در پیشگاه خداوند

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . . . أعظم درجه عند الله

ص: 23

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 21 - 3,6

3 - برخورداری از مقام رضوان (رضایت کامل خدا از انسان) از موهبت های خاص خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد

هاجر و جاهدوا فی سبیل اللّٰه ... یبشّروهم ربهم ... ورضون

6 - برخورداری مؤمنان مهاجر و مجاهد از رحمت ویژه خدا و مقام رضوان، نعمتی است بسیار ارجمندتر از دستیابی آنان به باغ ها و بوستان های بهشت .

هاجر و جاهدوا فی سبیل اللّٰه ... یبشّروهم ربهم برحمة منه ورضون و جنت

تقدیم «رحمة» و «رضوان» بر «جنات» رساننده برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 20

20 - عن ابی عبداللّٰه (ع) [فی قوله تعالی : « و السّٰبِقون الأوّلون من المهاجرین و الانصار و الذین اتّبعوهم باحسان ... » : فبدء بالمهاجرین الأوّلین علی درجه سبقهم ثم ثنی بالانصار ثم ثلث بالتابعین لهم باحسان فوضع کل قوم علی قدر درجاتهم و منازلهم عنده]

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای تعالی: «پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند . . .» روایت شده که فرمود: پس خدای عز و جل مهاجران نخستین را بر اساس سابقه ایمانی آنان، در آغاز ذکر فرمود؛ سپس انصار را در رتبه دوم و تابعین به احسان را در رتبه سوم یاد نمود. بدین ترتیب هر گروه را بر مبنای درجه و منزلتی که نزد او داشتند [در کلام خود] جای داد.»

70- مقامات مهاجران نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 3,4,2

2 - کسانی که در آینده ایمان آورند، هجرت کنند و در صف مجاهدان به جهاد پردازند، همانند مؤمنان و مهاجران نخستین، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند .

أولئک هم المؤمنون حقاً . . و الذین ءامنوا من بعد ... فأولئک منکم

3 - کسانی که پس از مؤمنان و مهاجران نخستین ایمان آورند ، همانند مؤمنان نخستین از مغفرت خدا و روزی های با کرامت او بهره مند خواهند شد .

لهم مغفره و رزق کریم. و الذین ءامنوا من بعد ... فأولئک منکم

4 - حق تصمیم گیری درباره جهاد از آن مهاجران نخستین بود .

جهدوا معکم

کلمه «معکم» در «جهدوا معکم» (در کنار شما جهاد کنند) می تواند ناظر به برداشت فوق باشد. چنانچه مخاطبان «معکم» خصوص مهاجران باشند، برداشت فوق از اتقان بیشتری برخوردار است.

ص: 24

71- ممنوعیت ترک انفاق به مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 4

4- کوتاهی در تأمین نیاز خویشاوندان، بینوایان و مهاجران، به خاطر لغزش های گذشته آنان، ممنوع است.

و لا یأتل أولوا الفضل منکم والسعه أن یؤتوا أولى القربى و المسکین و المهجرى

72- منشأ پاداش مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 2

2 - خدا، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر

و الذین هاجروا فی سبیل اللّٰه .. لیرزقنهم اللّٰه رزقاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 1

1 - خدا، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الذین هاجروا .. لیدخلنهم مدخلاً یرضونه

73- موقعیت اقتصادی مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 4

4- وضع اقتصادی مهاجران، دشوارتر از انصار به هنگام غزوه بنی نضیر

للفقراء المهجرین

از اختصایص به ذکر یافتن فقرای مهاجر، دشواری فزون تر وضع اقتصادی آنان استفاده می شود.

74- مهاجران در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9- 117- 6

6- نیروهای رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

ص: 25

75- مهاجران صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 110 - 9

9- هجرت کنندگان رنج دیده، جهادگر و مقاوم، مورد عنایت خاص خداوند و برخوردار از نصرت او*

ثم إن ربك للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جهدوا وصبروا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «ربک» اسم «ان» بوده و لام حرف جر و «الذین» متعلق به خبر محذوفی مانند «هو ناصر لهم» باشد.

76- مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 117 - 1

1 - شمول رأفت و رحمت خاص الهی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهاجران و انصاری که آن حضرت را در لحظه های دشوار، همراهی کردند.

لقد تاب الله على النبي والمهجرین والانصار

«توبه» به معنای رجوع و روی کردن است. روی کرد خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهاجر و انصار - به قرینه ذیل آیه شریفه - کنایه از این است که خداوند آنان را به خاطر یاری رساندن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در لحظه های سخت و دشوار، مورد رأفت و رحمت ویژه قرار داده است.

77- مهاجران صدر اسلام در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 4

4 - تضمین بهشت از سوی خدا، برای آن دسته از مهاجران صدر اسلام که تا آن زمان (زمان نزول آیه فوق) با مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به دست دشمن کشته شده بودند.

والذین هاجروا فی سبیل الله ثم .. لیرزقنهم الله رزقاً حسناً

78- مهاجران و مؤمنان غیر مهاجر

8 - مهاجران و انصار نباید از مؤمنان غیر مهاجر یاری طلبند و از آنان انتظار حمایت داشته باشند . *

ما لکم من ولیّتهم من شیء

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «ولیتهم» فاعل باشد. بنابراین جمله «ما لکم ...» به این معناست که برای شما نیست که از پشتیبانی آنان برخوردار شوید. یعنی نباید آنان را به نصرت خویش بخوانید و حمایت آنان را طلب کنید.

ص: 26

79- نیازهای معنوی مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 10 - 7

7 - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا و لإخواننا الذین سبقونا بالإیمان

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

80- ولایت در مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 7، 2، 1

1 - خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولیّ دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند .

إن الذین ءامنوا و هاجروا .. أولیاء بعض

جمله «أولئک بعضهم أولیاء بعض» جمله ای خبری است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

2 - شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذین ءامنوا و هاجروا .. أولیاء بعض

مشارالیه «أولئک» و مرجع ضمیر در «بعضهم»، «الذین» اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر - مثلا - اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

7 - خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر ، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد .

و الذین ءامنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیتهم من شیء

«ولایت» به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه «شیء» مبتدا و «من» در آن زایده می باشد. «من» در «من ولایتهم» بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای «من شیء» می باشد. گفتنی است در برداشت فوق ضمیر در «ولایتهم» مفعول گرفته شده و فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

13 - حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن الله بكل شيء عليم

جمله «إن الله . . .» پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

ص: 27

81- ویژگیهای مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 8

8- روحیه خداجویی و دین یاوری ، از ویژگی های بارز مهاجران صدراسلام

المهجرین الذین ... یتغون فضلاً من اللّٰه ورضوناً وینصرون اللّٰه ورسوله

ص: 28

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 7 - 2

2 - گروهی از انسان ها برخوردار از هدایت های ویژه الهی و بهره مند از مراحل والای آن هستند .

صرط الذین انعمت علیهم

چنانچه گذشت مراد از «نعمت» نعمت هدایت است، و چون درخواست کنندگان این نعمت خود از هدایت یافتگان هستند، مقصود از آن، هدایتی ویژه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 5 - 3, 1

1 - تنها اهل تقوا مردمی هدایت یافته اند .

هدی للمتقین . . . أولئك علی هدی من ربهم

3 - مؤمنان به غیب (خدا و . . .) و معتقدان به رسالت و باورداران به آخرت ، هدایت یافتگانند .

الذین یؤمنون . . . أولئك علی هدی من ربهم

مشارالیه «أولئك» (اهل تقوا) ممکن است به صورت اجمالی ملاحظه شود. در این صورت کلمه «المتقین» مشارالیه خواهد بود. و ممکن است جنبه تفصیلی آن در نظر گرفته شود؛ در این لحاظ، صفات بیان شده برای «متقین» مشارالیه «أولئك» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 4, 8

4 - مؤمنانی که در مصیبت های راه ایمان صابرند ، به هدایت واقعی نایل خواهند شد .

قالوا إنا لله و إنا إلیه راجعون . . . و أولئك هم المهتدون

8 - مؤمنانی که در مصیبت ها و سختی ها صابر و تسلیم قضای الهی باشند ، تنها کسانی هستند که به هدایت دست یافته اند .

و بشر الصبرین. الذین . . . و أولئك هم المهتدون

ضمیمہ فصل (ہم) و معرفہ بودن خیر (المہتدون) حاکی از حصر است.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 17، 16

ص: 29

16 - مؤمنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بینا و راه یافته و تکذیب کنندگان او کور و گمراه هستند.

فمن آمن . . . والذین کذبوا . . . قل هل یتوی الأعمی و البصیر

چون موضوع آیات اثبات رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، می توان گفت مراد از «البصیر» مؤمنان به آن حضرت و مراد از «الأعمی» تکذیب کنندگان آن حضرت هستند.

17 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بینا و راه یافته، و مشرکان، کور و گمراه هستند.*

فمن آمن . . . والذین کذبوا . . . قل هل یتوی الأعمی و البصیر

ظاهراً مراد از «البصیر»، پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مراد از «الأعمی»، مشرکان هستند. و چون موضوع آیه، ایمان به پیامبر است، گویا آیه در صدد بیان فلسفه لزوم ایمان به آن حضرت است. یعنی از آنجا که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بصیر است، دیگران باید از او تبعیت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 7

7 - انبیا از هدایت ویژه خداوند برخوردارند.

و كذلك نری إبرهیم ملکوت . . . و لیکون من الموقنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 82 - 8

8 - مؤمنانی که ایمان خویش را به هیچگونه شرک و ظلمی نیامیزند، برخوردار از هدایت کاملند.

الذین ءامنوا و لم یلبسوا . . . أولئک لهم الأمن و هم مهتدون

در آیه شریفه، مؤمنانی که ایمانشان خالی از هرگونه ظلم باشد، هدایت یافته شمرده شده اند. با توجه به اینکه مؤمن در هر مرتبه ای که باشد، از هدایتی نسبی برخوردار است، به نظر می رسد مراد از «هم مهتدون» هدایت کامل این گروه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 84 - 3,6,7

3 - نوح(ع) هدایت یافته به توحید و برهانهای آن و دارای مرتبه ای بلند بود.

6- داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در «ذریته» به «ابراهیم» برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

7- داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . . و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت «نوحا» مرجع ضمیر در «ذریته» است: «نوحا» نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 85 - 4

4 - زکریا، یحیی، عیسی و الیاس (ع) از هدایت خاص خداوند بهره مند بودند.

و کلا هدینا .. و من ذریته ... و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 87 - 1,4

1 - خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب (ع) و ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم و اجتبینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

4 - پیامبران، برگزیدگان خداوند و رهیافتگان به صراط مستقیم هستند.

و اجتبینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 117 - 1

1 - تنها خداوند آگاهترین فرد به گمراهان و هدایت یافتگان است.

إن ربک هو أعلم .. بالمهتدین

ضمیر «هو»، که بین اسم و خبر «إن» قرار گرفته، ضمیر فصل است و نقش آن در جمله حصر و تأکید می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 161 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) هدایت یافته به صراط مستقیم

إنی هدینی ربی إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 15

15 - گروهی از انسان ها با شکست در آزمون های الهی به گمراهی کشانده می شوند و گروهی با موفقیت به هدایت بایسته می رسند .

إن هی إلا فتنتک تضل بها من تشاء و تهدی من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 178 - 2,4,6

2 - هدایت یافته واقعی کسی است که خدا او را هدایت کند .

من یهد الله فهو المهتدی

4 - تصدیق کنندگان آیات الهی ، هدایت یافتگان ، و تکذیب کنندگان آیات الهی ، ضلالت پیشگانند .

الذین کذبوا بآیتنا . . . من یهد الله فهو المهتدی و من یضلل

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مصداق مورد نظر برای ضلالت، تکذیب آیات خداوند است و مصداق هدایت، تصدیق آیات و ایمان به آنهاست.

ص: 31

6- هدایت یافتگان عمر خویش را تباه نکرده و از آن بهره مند بوده اند .

من يهد الله فهو المهتدي

از جمله «فأولئك هم الخسرون» - که درباره گمراهان بیان شد - می توان فهمید که جمله ای مانند «و أولئك هم الرابحون برای هدایت یافتگان در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 18 - 9

9- ایمان به خدا و روز رستاخیز ، اقامه نماز و پرداخت زکات و نترسیدن از غیر خدا ، زمینه ساز ره یابی به صراط مستقیم و قرار گرفتن در زمره ره یافتگان

من آمن بالله و اليوم الآخر .. فعسى أولئك أن يكونوا من المهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 28 - 1

1- آنان که ایمان آورده و دلپایشان به یاد خدا آرامش می یابد ، از کسانی اند که خداوند آنها را به سوی خویش هدایت کرده است .

و يهدى إليه من أناب. الذين آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 121 - 4

4- خداوند ، حضرت ابراهیم (ع) را به « صراط مستقیم » هدایت کرد .

هده إلى صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- اسراء - 17 - 2 - 6

6- انسان مؤحد و متکی به خداوند ، انسانی هدایت یافته است .

و جعلنه هدى .. ألا تتخذوا من دوني وكيلاً

«أن» در «الأتخذوا» برای تفسیر عبارت «جعلناه هدی لبنی اسرائیل» است و توحید و عدم اتکا به غیر خدا را مظهر و مصداق هدایت معرفی می کند. بنابراین مؤحد، شخص هدایت یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 97 - 1

1- بهره مندان از هدایت الهی ، راه یافتگان واقعی اند .

و من یهد الله فهو المهتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 13 - 7

7- اصحاب كهف ، جوانمردانی مؤمن به پروردگار خویش و بهره مند از هدایت افزون الهی بودند .

ص: 32

انّهم فتية آمنوا بربهم وزدّهم هدى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 17 - 12

12- اصحاب كهف ، گروهى بهره مند از هدايت خداونو بودند .

فأووا إلى الكهف ينشر لكم ربكم من رحمته .. من يهد الله فهو المهتد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 43 - 5

5- ابراهيم (ع) ، پيش از مناظره اش با آزر ، موحدى هدايت يافته و آگاه بود .

يأتى إتي قد جاءنى من العلم ما لم يأتك فاتبعنى أهدك صراطاً سوياً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 58 - 14

14- حضرت مريم (س) ، برخوردار از هدايت ويژه الهى و انسانى برگزيده در پيشگاه خداوند

و ممّن هدينا واجتبتينا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 122 - 7

7- آدم (ع) ، درپى برگزىدگى و آمرزيده شدن ، از هدايت الهى نيز برخوردار گرديد .

ثمّ اجتبه ربّه فتاب عليه و هدى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 135 - 11

11- اسلام ، راه اعتدال است و مسلمانان ، رهرو آن و هدايت يافته اند .

فستعلمون من أصحاب الصراط السويّ و من اهتدى

«سوی» بر وزن فعیل به معنای اسم فاعل است؛ یعنی، مستوی و معتدل (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 48 - 8

8- تقوایندگان ، برخوردار از نور ، روشنایی و هدایت ویژه الهی در زندگی

و ضیاء و ذکرًا للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 67 - 10

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شخصیتی ره یافته به صراط مستقیم

إِنِّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مَّسْتَقِيمٍ

ص: 33

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 37 - 5

5 - مردمان تسبیح گو، ذاکر، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، از هدایت خاص خداوند به نور خویش برخوردارند.

یهدی الله لنوره من یشاء... فی بیوت اذن الله... یسبح له فیها... رجال لاتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 56 - 6

6 - تنها زمینه داران هدایت، شایسته دریافت آن از سوی خداوند

ولکن الله یهدی من یشاء و هو أعلم بالمهتدین

قید «هو أعلم بالمهتدین» بیانگر آن است که خداوند هدایت خویش را تنها به کسانی می دهد که قابلیت آن را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 69 - 1

1 - تلاش کنندگان در راه خدا، قطعاً، مشمول هدایت خاص خداوندند.

والذین جهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 5 - 2, 1

1 - تنها برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و اهل یقین به آخرت، مشمول هدایت ویژه پروردگار خویش اند.

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم بالأخره هم یوقنون . أولئک علی هدی من

2 - تنها محسنان، از هدایت ویژه الهی برخوردارند.

للمحسنین... أولئک علی هدی من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 24 - 11

11 - مؤمنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچون خود آن حضرت ، در مسیر هدایت اند .

وإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

آوردن ضمیر جمع «نا» به جای «أنا» - که با کلمه «قل» دارای سیاق واحدی است - می تواند بیانگر این نکته باشد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صدد همسو جلوه دادن مؤمنان با خودش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 118 - 1

1 - موسی و هارون (علیهما السلام) بر صراط مستقیم در پرتو هدایت خداوند

و هدیٰ لهما الصراط المستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 34

16 - زمر - 39 - 18 - 13

13 - تنها ، برگزیدگان و پیروی کنندگان بهترین سخن ، از هدایت الهی برخوردارند .

الذین یستمعون القول فیَتَّبِعُونَ أحسنه أولئک الذین هدیهم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 6

6 - مؤمنان ، برخوردار از معرفت و نور هدایت الهی

فهو علی نور من ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 23 - 17

17 - اهل خشیت و خداترسان ، بهره مند از هدایت الهی

کتبًا .. تقشعرّ منه جلود الذین یخشون ربّهم ... ذلک هدی اللّٰه یهدی به من یشاء

از این که خداوند اهل خشیت را، کسانی معرفی کرد که تحت تأثیر قرآن قرار می گیرند، به دست می آید که یکی از مصادیق مورد نظر از «یهدی به من یشاء» همین گروه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 37 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برخوردارند از هدایت استوار و پایدار الهی

و من یهد اللّٰه فما له من مضلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 21 - 8

8 - مؤمنان نیک کردار ، بهره مند از رحمت و هدایت الهی در دنیا و گناه پیشگان محروم از آیند .

و هدّی و رحمه لقوم یوقنون .. أن نجعلهم کالذین ءامنوا و عملوا الصلحت

منظور از تفاوت مؤمنان صالح با گناه پیشگان در دنیا - به قرینه آیه قبل - ممکن است تمایزشان در بهره‌وری از رحمت و هدایت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 2 - 15

15- اندیشه و قلب مؤمنان راستین ، تحت تربیت و هدایت ویژه پروردگار

و الذین ءامنوا .. و أصلح بالهم

چنانچه واژه «بال» در «أصلح بالهم» به معنای قلب و فکر باشد؛ از این که خداوند اصلاح قلب و اندیشه مؤمنان را به خود نسبت داده است، تربیت و هدایت ویژه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 5 - 1

ص: 35

1- شهیدان در همه مراحل پس از شهادت ، برخوردار از هدایت و حمایت خداوند

سپه‌دیم و یصلح بالهم

ضمیر «هم» به «الذین قتلوا فی سبیل الله» بازمی‌گردد. «بال» در «بالهم» یا به معنای شأن و امر (مفرد امور) و یا قلب است. برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 10

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در مراحل مختلف زندگی خویش ، بهره مند از هدایت های الهی به سوی راستی و درستی

و یهدیک صراطًا مستقیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 26 - 9

9 - تاریخ بشر در طول بعثت پیامبران ، شاهد هدایت پذیری دسته ای و بیراهه رفتن دسته ای دیگر بوده است .

و لقد أرسلنا نوحًا . . . فمنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 3 - 2

2 - انسان ها در برابر هدایت الهی دو دسته اند : سپاس گزار و هدایت یافته و یا ناسپاس و هدایت ناپذیر .

إمّا شاکرًا و إمّا کفورًا

2- آثار عمل مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 105 - 18

18 - اعمال و رفتار هر یک از گمراهان و هدایت یافتگان دارای بازتاب و سزایی مناسب در قیامت

فینبئکم بما کنتم تعملون

هدف از جمله «فینبئکم بما ..» ترغیب مردمان به هدایت و پذیرش تعالیم قرآن و تهدید کفرپیشگان و منحرفان به عذاب است و چون مجرد آگاه سازی به اعمال و کردار برای تهدید و ترغیب کافی نیست بنابراین جمله «فینبئکم» کنایه از پاداش دهی و به کیفرسانی خواهد بود.

3- آرامش مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 1

1 - هدایت یافتگان و یادکنندگان آیات و معارف الهی از جایگاهی آکنده از آرامش در نزد خداوند برخوردارند.

فمن یرد الله أن یهدیه .. قد فصلنا الأیت لقوم یدکرون. لهم دارالسلام عند ربهم

ص: 36

4- آزادی بیان مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 14 - 6

6- کسانی که خداوند را ناظر خویش می دانند، از تبلیغات هدایت پیشگان و دعوت کنندگان به تقوا جلوگیری نمی کنند.

أرءیت إن كان علی الهدی . أو أمر بالتقوی ... ألم یعلم بأنّ اللّٰه یری

5- ازدیاد هدایت مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 76 - 1

1- هدایت یافتگان، مشمول فزونی مستمر هدایت از جانب خداوند

و یزید اللّٰه الذین اهتدوا هدّی

6- استغفار مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 55 - 7

7- ایمان و استغفار، از نشانه های هدایت یافتگان است.

أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی و یتستغفروا ربّهم

7- استقامت مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 37 - 1

1 - هدایت کسانی که با لطف الهی ارشاد شده اند، استوار و پایدار است.

و من یهد اللّٰه فما له من مضلّ

8- اضلال مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 115 - 12، 1

ص: 37

1 - به گمراهی کشاندن اهل هدایت، قبل از بیان راه های تقوایبشگی، در شأن خداوند نیست.

و ما كان الله ليضل قوماً بعد إذ هدبهم حتى يببب لهم ما يتقون

12 - از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: «ان الامام الفرض عليه و الواجب من الله إذا خاف الفوت على نفسه أن يحتج في الامام من بعده بحجه معروفه مبينه ان الله تبارك و تعالى يقول في كتابه: «و ما كان ليضل قوماً بعد إذ هدبهم حتى يببب لهم ما يتقون . . .» ;

... تکلیف واجب امام از طرف خدا این است که: هرگاه خوف فوت برای او پیش آید، با دلیل روشن و شناخته شده درباره امام بعد از خود، حجت را بر مردم تمام کند؛ زیرا خدای تبارک و تعالى در کتاب خود می فرماید: چنین نبوده که خداوند، قومی را پس از آنکه هدایت کرد، گمراه کند مگر آن که چیزی را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید ...».

9- اطاعت از مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 90 - 5,6

5 - تقلید از هدایت شدگان ضروری است.

أولئك الذين هدى الله فبهدبهم اقتده

6 - پیروی از کسانی شایسته است که خداوند آنان را هدایت کرده باشد.

أولئك الذين هدى الله فبهدبهم اقتده

توصیف انبیای سلف با جمله «هدی الله» تمهیدی برای فرمان به اقتداست. لذا خداوند معیاری را برای تبعیت تبیین کرده و آن معیار هدایت شدن از جانب اوست.

10- امنیت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 6

6 - پیروی کنندگان از رهنمود ها و هدایت های الهی، هیچ ترس و اندوهی در قیامت نخواهند داشت.

فمن تبع هداى فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون

کلمه «خوف» (ترس و نگرانی) نکره است و چون پس از حرف نفی واقع شده، معنای شمول را می رساند؛ یعنی: هیچ خوف و ترسی بر آنان نیست. همچنین فعل، آن گاه که منفی شود، دلالت بر نبود همه مصداقها دارد. بنابراین «ولا هم يحزنون» یعنی هیچ حزن و اندوهی ندارند.

11- انقیاد مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 18

18 - هدایت یافتگان ، دارای روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا و احکام الهی

ص: 38

وإن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

12- اهتمام مهتدين به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 59 - 7

7- به پاداشتن نماز و اهتمام به آن ، و دوری جستن از خواسته های نفسانی و شهوات ، دو ویژگی مهم و برجسته پیامبران و هدایت یافتگان است .

فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت

13- ایمان مهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 55 - 7

7- ایمان و استغفار ، از نشانه های هدایت یافتگان است .

أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدى ويستغفروا ربهم

14- بشارت به مهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 2 - 7

7- قرآن ، کتاب مؤده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلک ءایة الکتب .. أن أنذر الناس و بشر الذین ءامنوا

15- پاداش اخروی مهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 3

3- پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

ص: 39

16- پاداش مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 6,7,8

6 - پاداش هدایت یافتگان در نزد پروردگارشان تضمین شده است.

و من یرد الله .. لهم دارالسلام عند ربهم

7 - پاداش دادن به هدایت یافتگان هشیار و متذکر، از شوون ربوبیت خداوند است.

لهم دارالسلام عند ربهم

8 - دارالسلام (بهشت و جایگاه امن الهی) پاداش کردار مستمر هدایت یافتگان است.

لهم دارالسلام .. بما كانوا يعملون

17- پیروی از مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 21 - 9

9 - تنها انسان های با اخلاص و به دور از چشم داشت مادی و ره یافته، شایسته رهبری و پیروی اند.

اتَّبِعُوا مِنْ لَایْسَتَلِكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مَهْتَدُونَ

18- تبلیغ مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 14 - 6

6 - کسانی که خداوند را ناظر خویش می دانند، از تبلیغات هدایت پیشگان و دعوت کنندگان به تقوا جلوگیری نمی کنند.

أَرَعَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَی الْهَدَى . أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى ... أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ یَرِی

19- تشبیه به مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - انسان در این جهان ، همچون رونده ای گم کرده راه و دین راهی است درست ، و دینداران مردمی راه یافته اند .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

20- تشخیص مہتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 40

5- انعام - 6 - 117 - 2

2- شناخت عمیق و گسترده راه هدایت و ضلالت و راهیان آن با راهنمایی خداوند میسر است.

إن ربك هو أعلم من يضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 84 - 9

9- ربوبیت الهی ، مقتضی آگاهی عمیق او به هدایت پیشگان و تمایز آنان با دیگران

فربکم أعلم بمن هو أهدى سبيلاً

ذکر صفت «رب» به جای اسم «الله» و یا صفات دیگر برای بیان آگاهی خداوند از گروههای انسانی، مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 56 - 7

7- آگاهی کامل به هدایت پذیری انسان ها ، از دسترس بشر دور است .

و هو أعلم بالمهتدين

تصریح خداوند به آگاه بودنش از افراد قابل هدایت، می تواند اشاره باشد به این که دیگران - حتی پیامبر(صلی الله علیه و آله) که دوست دار هدایت همه انسان ها است - قادر به دست یافتن به این آگاهی نیستند.

21- تعبد مهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 18

18 - هدایت یافتگان ، دارای روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا و احکام الهی

وإن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

22- تقرب مهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- هدایت یافتگان هشیار و متذکر، مقرب درگاه پروردگار و در پرتوی ولایت او قرار دارند.

فمن یرد الله . . . لقوم یذکرون. لهم دارالسلام عند ربهم و هو ولیهم

23- تقلید از مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 41

18 - تقلید و پیروی از هدایت یافتگان و اندیشمندان ، ناروا نیست .

أولو کان ءاباؤهم لایعقلون شیئاً و لایهتدون

جمله «أولو کان . . .» گویای این است که: مجرد تقلید مورد رد و انکار قرار نگرفته است؛ بلکه آن تقلیدی مذمت شده که تقلید شونده خود اهل فهم و خرد نبوده و هدایت یافته نیست.

24- تلاش مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 18 - 15

15 - بهره مندی از هدایت خاص خداوند ، در گرو تلاش و کوشش مناسب برای دریافت حقایق

الذین یستمعون القول . . . أولئک الذین هدیهم الله

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند انسان هایی که به تلاش برای شنیدن و برگزیدن بهترین سخنان می پردازند، هدایت یافتگان خود شمرده است. گفتنی است مقصود از هدایت در آیه شریفه، هدایت خاص الهی است؛ نه هدایت عام که برای همه انسان ها خواهد بود.

25- حتمیت سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 4

4 - دستیابی ره یافتگان به سعادت اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر از سوی خداوند

وعدنه وعداً حسناً فهو لقیه

قید «هو لاقیه» بیانگر آن است که خدا هرگز از وعده ای که به هدایت یافتگان داده است، تخلف نخواهد کرد.

26- حق پذیری مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 18 - 15

الذین یستمعون القول . . أولئک الذین هدیهم اللّٰه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند انسان هایی که به تلاش برای شنیدن و برگزیدن بهترین سخنان می پردازند، هدایت یافتگان خود شمرده است. گفتنی است مقصود از هدایت در آیه شریفه، هدایت خاص الهی است؛ نه هدایت عام که برای همه انسان ها خواهد بود.

ص: 42

27- خضوع مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 19

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و مَنَّ هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

28- خطر گمراهی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 7 - 4,5

4- گروهی از هدایت یافتگان، بر طریق هدایت ثابت قدم نماندند و در زمره غضب شدگان و یا گمراهان قرار گرفتند.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

برداشت فوق بر این اساس است که «غیر المغضوب» صفت احترازی برای «الذین انعمت» باشد. بر این مبنا نعمت داده شدگان یعنی، هدایت یافتگان سه گروه می شوند: 1- راه یافتگانی که دست از هدایت شسته و از «مغضوبین» می شوند. 2- هدایت یافتگانی که در بین راه گمراه شده و از «ضالین» می گردند. 3- هدایت پیشگانی که تا آخر بر صراط مستقیم پایدار می مانند.

5- هدایت یافتگان نیز در خطر قرار گرفتن در زمره غضب شدگان و یا گمراهان هستند.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

29- در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 6

6- پیروی کنندگان از رهنمودها و هدایت های الهی، هیچ ترس و اندوهی در قیامت نخواهند داشت.

فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

کلمه «خوف» (ترس و نگرانی) نکره است و چون پس از حرف نفی واقع شده، معنای شمول را می رساند؛ یعنی: هیچ خوف و ترسی بر آنان نیست. همچنین فعل، آن گاه که منفی شود، دلالت بر نبود همه مصداقها دارد. بنابراین «ولا هم یحزنون» یعنی هیچ حزن و اندوهی ندارند.

30- دعوت‌های مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 76 - 10

10- تنها انسان درست کردار و ایستاده بر صراط مستقیم ، شایستگی دعوت دیگران به عدل را دارد .

و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم

ص: 43

توصیف امر کننده به عدل به اینکه خود در صراط مستقیم باشد، در حقیقت بیان شرط شایستگی برای چنین مسؤلیت است.

31- روحیه مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 18

18 - هدایت یافتگان ، دارای روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا و احکام الهی

وإن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

32- رهبری مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 21 - 9

9 - تنها انسان های با اخلاص و به دور از چشم داشت مادی و ره یافته ، شایسته رهبری و پیروی اند .

اتَّبِعُوا مِنْ لَإِيسْئَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مَهْتَدُونَ

33- زندگی اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 6

6 - زندگی هدایت یافتگان در جهان آخرت ، زندگی در جوار لطف و رحمت بیکران خداوند است .

و ما عند الله خير و أبقى

با توجه به قید «عندالله» (نزد خدا) - که می تواند کنایه از لطف و رحمت واسعه او باشد - برداشت یاد شده به دست می آید.

34- سجده مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 19، 15

15- پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده ، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

من النبيّن . . . و ممّن هدینا واجتبیّنا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّداً و

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا واجتبیّنا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّداً و بکّیّاً

ص: 44

35- سرور اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 6

6 - پیروی کنندگان از رهنمودها و هدایت های الهی ، هیچ ترس و اندوهی در قیامت نخواهند داشت .

فمن تبع هدای فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

کلمه «خوف» (ترس و نگرانی) نکره است و چون پس از حرف نفی واقع شده، معنای شمول را می رساند؛ یعنی: هیچ خوف و ترسی بر آنان نیست. همچنین فعل، آن گاه که منفی شود، دلالت بر نبود همه مصداقها دارد. بنابراین «ولاهم یحزنون» یعنی هیچ حزن و اندوهی ندارند.

36- سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 2

2 - هدایت یافتگان ، برخوردار از سعادت اخروی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا فهو لقیه

مقصود از وعده نیکو، پاداش های الهی در سرای آخرت است.

37- شخصیت مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 1

1 - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 5

5 - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حقّ دستور دادن به نمازگزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ينهي . عبداً اذا صلّى ... كذب و تولّى ... كلاً لاتطعه

38- شکرگذاری مہتدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 37 - 11

ص: 45

11 - کسانی که به پاس نعمت هدایت ، به درگاه خدا سپاس می گزارند و او را به بزرگی یاد می کنند ، در زمره محسنان و نیکو کاران اند .

و بشر المحسنين

39- صفات مهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 5 - 4

4 - برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، هدایت یافتگانند .

يقيمون الصلوه .. أولئك على هدى من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 18

18 - هدایت یافتگان ، دارای روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا و احکام الهی

و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 55 - 7

7 - ایمان و استغفار ، از نشانه های هدایت یافتگان است .

أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدى ويستغفروا ربهم

40- صورت اخروی مهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 2

2 - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه يزكى . أويذكر ... جاءك يسعي . و هو يخشى ... وجوه يومئذ مسفرة

41- طغیانگران و مهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 11 - 6

6 - طغیان گران ، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أرءیت إن كان علی الهدی

ص: 46

42- عجز از گمراهگری مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 37 - 2

2 - ناتوانی همگان ، از گمراه کردن هدایت یافته الهی

و من یهد الله فما له من مضلّ

43- علم به مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 125 - 18

18 - خداوند ، نسبت به گمراهان و هدایت یافتگان ، برترین آگاهی را دارد .

إن ربك هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله و هو أعلم بالمهتدین

44- علم خدا به مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 30 - 6

6 - هدایت یافتگان و گمراهان ، تحت احاطه علمی کامل خداوند

إن ربك هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله و هو أعلم بمن اهتدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 7 - 2

2 - آگاهی همه جانبه و برتر خداوند ، از انسان های هدایت یافته و مؤمن

و هو أعلم بالمهتدین

45- عوامل امیدواری مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - نظارت بیوقفه و فراگیر خداوند نسبت به کردار بندگان ، تهدیدی برای گمراهان و مایه دلگرمی هدایت یافتگان است .

فمن اهتدی . . . و من ضلّ . . . و ما ربّک بغفل عمّا تعملون

با توجه به آیات پیشین که در آن سخن از هدایت یافتگان و گمراهان به میان آمده است، تأکید بر غافل نبودن خدا از عملکرد مردمان، دلگرم کننده هدایت یافتگان از یکسو و مایه تشویش خاطر گمراهان از سوی دیگر است.

ص: 47

46- فضایل مہتدین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - مائدہ - 5 - 104 - 16

16 - تنها عالمان و ہدایت یافتگان ، سزاوار پیروی و اطاعت اند

او لو کان ءاباؤہم لایعلمون شیئاً و لایہتدون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

9 - نحل - 16 - 37 - 10

10- ہدایت شدگان ، از عنایت خداوند و از مددکار و یاورانی برخوردار خواهند بود .

فمنہم من ہدی اللہ و منہم من حقت علیہ الضللہ .. فإن اللہ لایہدی من یضلّ و ما

از آن جایی کہ خداوند مردم را دو گروہ ہدایت پذیر و گمراہ معرفی کردہ و گمراہان را محروم از ہدایت خدا و یار و یاور دانستہ است، بہ قرینہ مقابلہ می توان نکتہ یاد شدہ را بہ دست آورد.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 12

12- خداوند بہ افرادی دیگر غیر از پیامبران نیز ، نعمت هایی ویژہ دادہ است .

الذین أنعم اللہ علیہم من النبیین .. و ممّن ہدینا واجتبینا

«من ہدینا ..» عطف بر «النبیین» است و می فہماند: کسانی کہ خداوند بہ آنها نعمت داد عبادتند از: پیامبران و کسانی کہ از افراد ہدایت یافتہ و منتخب بودند.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

19 - انسان - 76 - 31 - 4

4 - رہ پویان راہ خدا ، بہرہ مند از رحمت او

فمن شاء اتّخذ إلی ربّہ سبیلاً .. یدخل من یشاء فی رحمته

47- قرآن و مہتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 2 - 7

7 - قرآن ، کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلک ءایت الکتب .. أن أنذر الناس و بشر الذین ءامنوا

ص: 48

48- قیاس گمراهان با مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 1

1 - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

ولا الظلمت ولا النور

49- قیاس مهتدین با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 1

1 - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی) قیاسی
نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. کمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند
و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع
ورزیدند.

50- کمی مهتدین امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 71 - 3

3 - وجود عده اندکی هدایت یافته و سعادت مند ، در میان امت های پیشین

ولقد ضلّ قبلهم أكثر الأولین

تعبیر گمراه شدن اکثریت مردم، می رساند که عده ای هرچند در اقلیت، از میان مردم به راه هدایت و سعادت دست یافته اند.

51- گریه مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند.

من النبیین . . . و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و بکیّاً

52- مسؤولیت مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 67 - 11

11 - دعوت گمراهان به راه هدایت و صراط مستقیم ، وظیفه الهی تمامی ره یافتگان به آن

و ادع إلى ربك إنيك لعلی هدی مستقیم

جمله «إنيك لعلی هدی مستقیم» تعلیل برای «و ادع إلى ربك» است؛ یعنی، چون تو بر طریق هدایت و در صراط مستقیم هستی، آن گمراهان شرک پیشه را به سوی پروردگارت دعوت کن، تا شاید از ضلالت و گمراهی نجات یابند و به راه تو باز گردند.

53- مقامات مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 39 - 9

9 - عنایت ویژه الهی به برخی هدایت یافتگان یا مستقر ساختن آنان بر راه مستقیم

يجعله علی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 1،4

1 - هدایت یافتگان و یادکنندگان آیات و معارف الهی از جایگاهی آکنده از آرامش در نزد خداوند برخوردارند.

فمن یرد الله أن یهدیه .. قد فصلنا الأیت لقوم یدکرون. لهم دارالسلام عند ربهم

4 - هدایت یافتگان هشیار و متذکر، مقرب درگاه پروردگار و در پرتوی ولایت او قرار دارند.

فمن یرد الله .. لقوم یدکرون. لهم دارالسلام عند ربهم و هو ولیهم

54- ممانعت از مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 11 - 5

5 - ایجاد مزاحمت برای هدایت یافتگان ، شگفت آور و نمونه ای از طغیان است .

لیطغی . . . ینهی ... أراءیت إن کان علی الهدی

تکرار «أراءیت» تأکید بر شگفتی است. «إن» حرف شرط است و جزای شرط یا آیه «ألم یعلم بأنّ اللّٰه یری» است و یا جمله ای محذوف نظیر «کیف یکون حال من ینهاه عن الصلاه» و یا «فما أعجب هذا» می باشد. اظهار شگفتی در صورت دوم بارزتر است. ارتباط این آیه با آیات پیشین، مصداق های طغیان را نمودارتر ساخته است.

ص: 50

55- مهتدین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 8

8 - دارالسلام (بهشت و جایگاه امن الهی) پاداش کردار مستمر هدایت یافتگان است.

لهم دارالسلام .. بما كانوا يعملون

56- مهتدین در دارالسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 5,8

5 - خداوند خود امور ره یافتگان به دارالسلام را بر عهده خواهد داشت.

لهم دارالسلام عند ربهم و هو ولیهم

8 - دارالسلام (بهشت و جایگاه امن الهی) پاداش کردار مستمر هدایت یافتگان است.

لهم دارالسلام .. بما كانوا يعملون

57- مهتدین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 30 - 1

1 - حضور انسانها در قیامت، مانند آفرینش نخستینشان، در دو گروه هدایت یافته و گمراه گشته

فریقا هدی

جمله «فریقا هدی ..» حال برای فاعل «بدأکم» و بیانگر وجه مشابهت مطرح شده در جمله «كما بدأکم تعودون» است و حاصل معنی چنین می شود: خداوند شما را آفرید در حالی که شایستگان هدایت را هدایت کرد و مستحقان گمراهی را به گمراهی کشاند و به همین صورت (دو جناح بودن) به سوی او باز خواهید گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 2

2- انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَرْكَبُ . أُوَيْدُّكَر ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... وَ جَوَّهْ يَوْمئِذٍ مَسْفَرَه

58- مهتدین فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 1

1 - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی

ص: 51

(قیاسی نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. كمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

59- مهتدین و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 23

23 - تنها هدایت یافتگان و پیروان واقعی پیامبر ، تغییر قبله را پذیرفته و آن را امری دشوار نمی شمردند .

وإن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

60- مهتدین و قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 12

12 - تنها هدایت یافتگان ، بیت المقدس را به عنوان قبله پذیرفته و آن را تکلیفی سنگین نمی شمردند .

وإن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

61- مهتدین هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 15

15 - پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده ، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

من النبيّن . . . و ممّن هدينا واجتبيينا إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّدًا و

62- نجات مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- تنها پیروان راه اعتدال و هدایت یافتگان به حقیقت ، از عذاب رهایی خواهند یافت .

ولو آتاهم بعذاب... فستعلمون من أصحاب الصراط السوی و من اهتدی

ص: 52

63- نشانه های مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 19

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و مَمَّنْ هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَتَلَى عَلَيْهِمْ ءَايَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

64- نعمتهای مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 12

12- خداوند به افرادی دیگر غیر از پیامبران نیز ، نعمت هایی ویژه داده است .

الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ .. وَ مَمَّنْ هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا

«من هدینا. ..» عطف بر «النَّبِيِّينَ» است و می فهماند: کسانی که خداوند به آنها نعمت داد عبادتند از: پیامبران و کسانی که از افراد هدایت یافته و منتخب بودند.

65- نورانیت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 2

2- انسان های پاک ، تذکرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّهُ يَرْكَبُ . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... وَجْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفُورَةٍ

66- نیازهای معنوی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 23 - 7

7- تمامی ره پویان مسیر هدایت ، حتی بندگان مقرب الهی ، نیازمند بشارت های پیوسته و مستمر خدا هستند .

برداشت یاد شده باتوجه به دومطلب است: الف) بندگان مقرب الهی از «عباده الذین ءامنوا» استفاده می شود. ب) با توجه به واژه «یَبْشِرُ» - که از باب تفعیل و مفید تکرار است - این نکته بر می آید که مؤمنان صالح، نیازمند بشارت های مداوم خداوند هستند.

67- وعده به مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 3

3 - پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

68- ویژگیهای مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 7 - 9

9 - نعمت داده شدگان (هدایت یافتگان) ، کسانی هستند که مورد غضب خدا واقع نشده و به گمراهی گرایش نداشته باشند .

صرط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالّین

برداشت فوق بر این مبناست که «غیر المغضوب» صفت توضیحی یا بدل و عطف بیان برای «الذین» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 59 - 7

7- به پاداشتن نماز و اهتمام به آن ، و دوری جستن از خواسته های نفسانی و شهوات ، دو ویژگی مهم و برجسته پیامبران و هدایت یافتگان است .

فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت

69- هدایت مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 30 - 2

2 - هدایتیابی هدایت یافتگان و گمراهی گمراه پیشگان، به دست خدا و در اختیار اوست.

فریقا هدی و فریقا حق علیهم الضلله

کلمه «فريقا» در «فريقا حق . . .» مفعول به برای عاملی محذوف است، و جمله «حق عليهم الضلاله» دلالت می کند بر این که آن عامل محذوف فعل «أضل» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 115 - 12

12 - از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: «ان الامام الفرض عليه والواجب من الله إذا خاف الفوت على نفسه أن يحتج في الامام من بعده بحجه معروفه مبينه ان الله تبارك و تعالی يقول في كتابه: «و ما كان ليضل قوماً بعد إذ هديهم حتى يبين لهم ما يتقون . . .» ;

. . . تکلیف واجب امام از طرف خدا این است که: هرگاه خوف فوت برای او پیش آید، با دلیل روشن و شناخته شده درباره امام

ص: 54

بعد از خود، حجت را بر مردم تمام کند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی در کتاب خود می فرماید: چنین نبوده که خداوند، قومی را پس از آنکه هدایت کرد، گمراه کند مگر آن که چیزی را که باید از آن بهره‌یزند، برای آنان بیان نماید ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 108 - 6

6 - منفعت و بهره هدایت ، تنها متوجه خود هدایت یافتگان است .

فمن اهتدی فانما یهتدی لفسه

70- هشدار به مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 88 - 6

6 - پیامبران و رهنوردان صراط مستقیم نیز اگر شرک بورزند، اعمال آنان تباه و فاسد می شود.

ذلک هدی الله یهدی ... و لو أشركوا لحبط عنهم ما كانوا یعملون

71- هشیار مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 4,7

4 - هدایت یافتگان هشیار و متذکر، مقرب درگاه پروردگار و در پرتوی ولایت او قرار دارند.

فمن یرد الله ... لقوم یدکرون. لهم دارالسلام عند ربهم و هو ولیهم

7 - پاداش دادن به هدایت یافتگان هشیار و متذکر، از شوون ربوبیت خداوند است.

لهم دارالسلام عند ربهم

72- یاور مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 37 - 10

10- هدایت شدگان ، از عنایت خداوند و از مددکار و یاورانی برخوردار خواهند بود .

فمنهم من هدى الله و منهم من حقت عليه الضلله .. فإن الله لا يهدى من يضلّ و ما

از آن جایی که خداوند مردم را دو گروه هدایت پذیر و گمراه معرفی کرده و گمراهان را محروم از هدایت خدا و یار و یاور دانسته است، به قرینه مقابله می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

ص: 55

3- مهربانی

1- مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 6,9,13

6 - مدارا، خوش خُلقی و مهربانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مردم، از عوامل گرایش آنان به جانب آن حضرت

و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

9 - گرایش مردم به رهبران دینی، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

13 - گذشت از خطای مردم و طلب آموزش برای آنان و نیز مشورت با مسلمانان در مسائل اجتماعی، نمودی از مهربانی و خُلق خوش پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لو كنت فظًا غليظ القلب... فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

تفريع جمله «فاعف عنهم و...» بر جمله های پیشین، که بیانگر خُلق خوش پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، در حقیقت اشاره به مصادیق و نمونه هایی از خوی نیکوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد. گفتمی است که امر به عفو و... به معنای ادامه دادن آن است.

2- آثار اجتماعی مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 20

20 - صلابت در برابر کافران، مهرورزی با مؤمنان و استمرار بر عبادت، زمینه برخوردارى جامعه اسلامى از فضل و رضای الهی

أشداء... رحماء... ركَعًا سَجْدًا يَبْتَغُونَ

می توان گفت: «بیتغون...» نتیجه و حاصل سه برنامه مؤمنان (1- أشدّاء، 2- رحماء، 3- ركَعًا سَجْدًا) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 2 - 2

2 - دعوت و برخورد از سر مهربانی و شفقت، مؤثر در هدایت و اصلاح جامعه

قال يقوم

ص: 56

3- آثار مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 10

10 - نقش ویژه خوش خلقی و مهربانی رهبران الهی با امت خویش ، به هنگامه های دشوار

فبما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك

قرار گرفتن این آیه در ضمن آیات مربوط به نبرد احد و مشکلات ناشی از آن، اشاره به این حقیقت دارد که خوش خلقی و مهربانی رهبران به هنگام رخ نمودن سختیها و مشکلات برای مردم، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 91 - 12،14

12 - اتحاد و روابط عاطفی در جامعه ایمانی ، زمینه ساز ذکر خدا و برپایی نماز

انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة .. و يصدكم عن ذكرالله و عن الصلوه

14 - یاد خدا ، برپایی نماز ، الفت و مهربانی بین افراد جامعه ، از نشانه های جامعه رستگار

لعلكم تفلحون. انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة و ... و عن الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 14

14- امانت داری انسان ها و تعهدشان بر حفاظت از امانت ، به ترحم و دلسوزی آنان بستگی دارد .

فالله خير حفظا و هو ارحم الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 12

12- حفظ صلابت و استحکام در برابر کافران ، نیازمند حاکمیت روح رحمت و مودت میان مؤمنان

أشداء على الكفار رحماء بينهم

میان «أشداء على الكفار» و «رحماء بينهم»، نوعی تعامل و تأثیر متقابل وجود دارد؛ یعنی، سستی در هر زمینه، موجب خدشه دار شدن موقعیت مؤمنان در زمینه دیگر می شود.

4- آثار مهربانی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 21 - 8

8- اندازگری پیامبران ، دارای ریشه در محبت عمیق آنان به خلق

و اذکر أخوا عاد إذ أنذر قومه

از ارتباط واژه «أخ» و «إنذار»، می توان استفاده کرد که هر چند اندازگری پیامبران به دستور خداوند است؛ اما آنان این کار را همراه با انگیزه های عمیق انسانی و عاطفی صورت می دهند.

ص: 57

5- آثار مهربانی با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 20,42

20- صلابت در برابر کافران ، مهرورزی با مؤمنان و استمرار بر عبادت ، زمینه برخوردارى جامعه اسلامى از فضل و رضای الهی

أشداء . . . رحماء ... رگعاً سجّداً یتغون

می توان گفت: «یتغون...» نتیجه و حاصل سه برنامه مؤمنان (1- أشداء، 2- رحماء، 3- رگعاً سجّداً) است.

42- صلابت و استقلال امت اسلامی ، در پرتو نفوذناپذیری در برابر کافران و انعطاف پذیری در برابر اهل ایمان و برخوردارى از روح عبودیت *

أشداء . . . رحماء ... تریهم رگعاً سجّداً ... کزرع أخرج شطه

چنانچه «کزرع أخرج...» بیان دیگری از «أشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رگعاً سجّداً» باشد؛ یعنی، همان کفرستیزی، رحمت بر مؤمنان و روحیه بندگی است که زمینه صلابت و استقلال جامعه اسلامی را فراهم می کند.

6- آثار مهربانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 151 - 11

11 - غفران خداوند ، نشأت گرفته از رحمت و مهربانترین اوست .

رب اغفر لی ولأخی . . . وأنت أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 99 - 18

18 - برخوردارى مؤمنان انفاقگر از رحمت خداوند ، مقتضای غفران و مهر بی پایان اوست .

ومن الأعراب من یؤمن . . . ویتخذ ما ینفق قربت ... سیدخلهم الله فی رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 10

10- آفرینش جهان و انسان و برآوردن نیاز های او ، مقتضای رأفت و رحمت پروردگار است .

خلق السموت . . . تعلی عمّا یشرکون ... خلق الإنسن ... إن ربکم لرءوف رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 16 - 5

5 - بخشودن گناه گناه کاران ، مقتضای آمرزش گری و مهرورزی خدا نسبت به بندگان

فغفر له إته هو الغفور الرحیم

ص: 58

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 58 - 36 - 5

5 - سلام و تحیت خداوند به بهشتیان ، برخاسته از ربوبیت و مهربانی او به خلق است .

سلم قولاً من ربّ رحيم

برداشت یاد شده، از بیان دو صفتِ «ربّ» و «رحيم» برای خداوند (در این آیه شریفه) به دست می آید.

7- آثار مهربانی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 129 - 5

5 - اشتیاق شدید پیامبر (صلی الله علیه و آله) به هدایت مردم ، نشأت یافته از رحمت و رأفت آن حضرت بود ، نه معلول نیاز او به آنان .

حريص عليكم .. . فإن تولوا فقل حسبي الله ... عليه توكلت

در آیه قبل سخن از اشتیاق شدید پیامبر(صلی الله علیه و آله) به میان آمد و خداوند برای نفی پندار غلط گمراهان - که ممکن بود تلاش پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ناشی از احتیاج به مردم تلقی کنند - در این آیه می فرماید: روی گردانی گمراهان، زیانی به پیامبر(صلی الله علیه و آله) نمی رساند، چه اینکه او متکی به خداست.

8- ارزش مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 25

25 - الفت و مهربانی بین افراد یک جامعه ، کمال و ارزشی والا برای آنان

و القينا بينهم العداوة والبغضاء إلى يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 7

7 - هم دردی با انسان ها و اشتیاق به سعادت مند شدن آنان و داشتن رأفت و محبت ، از خصلت های والا و ارزشمند

عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 13 - 3

3- ارزش والای برخورداری انسان از روحیه عطوفت و دل سوزی

و حناناً من لدنا

ص: 59

9- ارزش مهربانی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 24 - 4

4- تواضع دلسوزانه و از سر مهربانی برای پدر و مادر، دارای ارزش است نه تواضع به انگیزه های دیگر .

و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه

10- اعلام مهربانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 49 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) وظیفه دار باخبر ساختن بندگان از غفران، آمرزش، رحمت و مهربانی خداوند

تبیء عبادی انی أنا الغفور الرحیم

11- اهمیت تشویق به مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 3

3- ایمان آوردن و تشویق یکدیگر به صبر و ترحم، برتر از اقدام به آزادسازی بردگان و تغذیه یتیمان و مساکین است .

ثم کان من الذین

حرف «ثم» برای تراخی رتبی است و دلالت دارد که آنچه بعد از آن آمده، در مرتبه ای بالاتر از کارهای قبل است.

12- اهمیت توصیه به مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 18 - 1

1- آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أولئك أصحاب الميمنه

«يُمن» و «ميمنه» به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

13- اهمیت مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 3 - 6

ص: 60

6- تدبیر و تربیت باید همراه با مهربانی و عطفوت باشد .

رب العلمین. الرحمن الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 286 - 21

21- عفو و عطفوت از وظایف مدیران و والیان جامعه

و اعف عَنَّا و اغفر لنا و ارحمنا و انت مولینا

چون جمله «انت مولینا» به منزله علت برای جمله سابق است، می توان نتیجه گرفت که هر کس نسبت به دیگری نحوی از ولایت را به اذن خداوند دارا باشد، باید عفو و .. را نسبت به او اعمال کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 91 - 5

5- الفت و مهربانی مؤمنان با یکدیگر ، و پرهیز از دشمنی ، مورد عنایت و خواست الهی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

نهی مؤکد خداوند از شرابخواری و قماربازی و معرفی شراب و قمار به عنوان عوامل تفرقه و دشمنی حکایت از آن دارد که الفت و مهربانی بین اهل ایمان مورد عنایت خاص خداوند است.

14- اهمیت مهربانی در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 2

2- مؤمنان ، تنها در صورتی دشوارترین راه های انفاق را می پیمایند که یکدیگر را به شکیبایی و مهرورزی سفارش کنند .

ثم کان من الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمة

«مرحمه»، مصدر میمی و به معنای «رحمت» (رقت، مغفرت و عطفوت داشتن) است (قاموس). تکرار «تواصوا» برای تأکید بوده و ممکن است اشاره به این نکته باشد که سفارش به صبر و توصیه به محبت، دو وظیفه مستقل و در عرض هم است و با ترک یکی، زمینه دیگری از بین نرفته و تکلیف ساقط نمی شود.

15- اهمیت مهربانی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 16

16 - پاسداری از روابط عاطفی اهل ایمان نسبت به یکدیگر و نیز حفظ روابط عبادی آنان با خدا، ملاک و حکمتی برای جعل احکام دین

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه .. و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه

ص: 61

16- سوء استفاده از مهربانی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 61 - 4

4 - سوء استفاده منافقان از عطوفت و سعه صدر پیامبر (صلی الله علیه و آله) (گوش فرادادن آن حضرت به سخنان مردم)

الذین یؤذون النبی و یقولون هو أذن

17- سوء استفاده از مهربانی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 24 - 8

8 - اصرار و پافشاری مرفهان خوش گذران بر کفر، در برابر پیام ملاطفت آمیز و توحیدی پیامبران

قال مترفوها .. قل أو لو ... قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

18- محرومان از مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 5

5 - کافران، از حالت شکیبایی، مهرورزی و عطوفت، محروم بوده و از توصیه یکدیگر به آن خصلت ها خاموش اند.

الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمة

این آیه تعریض به کفرانی دارد که در آیات آغاز و پایان سوره، از آنان سخن به میان آمده است.

19- معرضان از مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 5

5 - کافران، از حالت شکیبایی، مهرورزی و عطوفت، محروم بوده و از توصیه یکدیگر به آن خصلت ها خاموش اند.

الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمة

این آیه تعریض به کافرانی دارد که در آیات آغاز و پایان سوره، از آنان سخن به میان آمده است.

20- منشأ مهربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 13 - 2

2- خداوند ، منبع مهر و شفقت و عطاکننده آن به برخی از بندگان برگزیده خود

ص: 62

«من لدنا» بیانگر این است که عطوفت عطا شده به یحیی برگرفته از ترحم و عطوفت ذات اقدس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 13

13 - دل های مردمان ، در اختیار خداوند است و او دل ها را رؤوف و مهربان می گرداند .

و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفه و رحمه

21- مهربانی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 114 - 17

17 - ابراهیم (ع) دارای رحمت فراوان نسبت به مردم و متأسف از هدایت ناپذیری مشرکان

إن ابرهیم لأوه حلیم

یکی دیگر از معانی که اهل لغت برای «أواه» نوشته اند، رقت و رحمت است. یعنی ابراهیم (ع) بسیار رقیق القلب و نسبت به مردم، بسیار مهربان بود. برداشت فوق بر این اساس است که جمله «إن ابراهیم لأواه» بیانگر علت وعده ابراهیم (ع) به آزر باشد؛ یعنی، شدت رحمت ابراهیم (ع) سبب گردید، برای جذب آزر به ایمان، وعده استغفار به وی بدهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 75 - 2

2- ابراهیم (ع) ، از گرفتار شدن مردمان به مشکلات ، متأثر می شد و بر آنان دل می سوزاند .

إن ابرهیم .. أوه

«أواه» به کسی گفته می شود که بسیار آه می کشد و متأسف می شود. توصیف ابراهیم (ع) به «أواه» پس از جمله «یجادلنا» می رساند که: تأسف و تأثر ابراهیم (ع) به خاطر مشکلات و گرفتاریهای مردمان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 6

6- راهنمایی ها و هدایت های حضرت ابراهیم (ع) به آزر، همراه با لطف و مهربانی بوده است.

يَأْتِ . . . فَاتَّبَعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

خطاب «یا اَبْت» حاکی از اظهار شفقت ابراهیم(ع) به آزر است. علاوه بر این که او آزر را جاهل نخواند و بر محدودیت آگاهی خود نیز تصریح کرد (من العلم)؛ این روش، سرشار از عطف و به مخاطب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 8

8- حضرت ابراهیم (ع) با برخوردی عاطفی و مؤدبانه سعی در ارشاد و هدایت آزر داشت.

يَأْتِ إِيَّيْ أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ

ص: 63

خطاب «یاأبت» گویای عطفوت ابراهیم(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 2

2- حضرت ابراهیم (ع) با وجود برخورد خشن و تهدید های آزر، با او گفتاری ملایم و برخوردی مهربانانه داشت .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

22- مهربانی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 21 - 5

5- پیامبران، رهبرانی دلسوز برای امت های خویش

و اذکر أبا عاد إذ أنذر قومه

با الغای خصوصیت از مورد آیه، برداشت بالا به دست می آید؛ زیرا هود(ع) در دلسوزی برای امت، با سایر پیامبران تمایزی نداشته است.

23- مهربانی با برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 4

4 - ایمان به آیات الهی، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان، یتیمان و تنگدستان، قدردانی از نعمت های بینایی، گویایی و هدایت است .

ألم نجعل له عینین . و لساناً و شفقتین . و هدینه النجدین ... ثمّ کان من الذین ءام

«الذین آمنوا» گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها - به قرینه «و الذین کفروا بآیاتنا» در آیات بعد - مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین - که بعضی از تکالیف را «عقبه» نامیده بود - قرینه بر مراد از «صبر» است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از «مرحمه»، ترحم بر «رقبه»، «یتیم» و «مسکین» است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین - که نعمت های الهی را برشمرده - گویای برداشت یاد شده است؛ زیرا «بینایی و بصیرت»، زمینه ساز «ایمان» و «داشتن زبان و لب»، زمینه ساز توصیه است.

24- مهربانی با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 10

10- لزوم رعایت ادب و ملاحظت در گفتار با پدر ، اگر چه مشرک باشد . *

يَأْتِ . . . يَأْتِ إِيَّيْهِ أَخَافُ أَنْ يَمْسُكَ

ص: 64

25- مهربانی با خویشاوندان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 215 - 7

7 - توصیه الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر گسترانیدن بال های مهر و عطوفت برای کسان و خویشاوندان مؤمن خویش

و أنذر عشیرتک الأقربین . و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

تقدیر «من المؤمنین» به قرینه آیه پیش، می تواند «من المؤمنین من عشیرتک» باشد.

26- مهربانی با مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 4

4 - ایمان به آیات الهی، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان، یتیمان و تنگدستان، قدردانی از نعمت های بینایی، گویایی و هدایت است.

ألم نجعل له عینین . و لساناً و شفقتین . و هدینه النجدین ... ثمّ کان من الذین ءام

«الذین آمنوا» گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها - به قرینه «و الذین کفروا بآیاتنا» در آیات بعد - مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین - که بعضی از تکالیف را «عقبه» نامیده بود - قرینه بر مراد از «صبر» است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از «مرحمه»، ترحم بر «رقبه»، «یتیم» و «مسکین» است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین - که نعمت های الهی را برشمرده - گویای برداشت یاد شده است؛ زیرا «بینایی و بصیرت»، زمینه ساز «ایمان» و «داشتن زبان و لب»، زمینه ساز توصیه است.

27- مهربانی با موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 41

41 - خداوند در کوه طور، با ملاحظت و مهربانی با موسی (ع) سخن گفت.

یموسی

تصریح مکرر نام موسی (ع) در مقاطع مختلف خطاب الهی، گویای عنایت خداوند به او است.

28- مهربانی با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 215 - 1،7

ص: 65

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به فروتنی و گسترانیدن بال های لطف و محبت برای پیروان مؤمن خویش

و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

7 - توصیه الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر گسترانیدن بال های مهر و عطوفت برای کسان و خویشاوندان مؤمن خویش

و أنذر عشیرتک الأقربین . و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

تقدیر «من المؤمنین» به قرینه آیه پیش، می تواند «من المؤمنین من عشیرتک» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 20، 12، 10، 9، 2

2- انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان ، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

9- شدت با دشمنان دین و عطوفت با خداجویان ، از برجسته ترین مبانی رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

محمّد رسول الله و الذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آیه با وصف رسالت معرفی گردیده و در واقع روی وصف رسالت، تکیه شده است و بر این وصف دو خصلت مهم «أشدّاء علی الکفّار» و «رحماء بینهم» مترتب گشته است.

10- مؤمنان راستین ، دارای مهر به یکدیگر ، در عین انعطاف ناپذیری در برابر کافران

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

12- حفظ صلابت و استحکام در برابر کافران ، نیازمند حاکمیت روح رحمت و مودت میان مؤمنان

أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

میان «أشدّاء علی الکفّار» و «رحماء بینهم»، نوعی تعامل و تأثیر متقابل وجود دارد؛ یعنی، سستی در هر زمینه، موجب خدشه دار شدن موقعیت مؤمنان در زمینه دیگر می شود.

20- صلابت در برابر کافران ، مهرورزی با مؤمنان و استمرار بر عبادت ، زمینه برخورداری جامعه اسلامی از فضل و رضای الهی

أشدّاء ... رحماء ... رگّعاً سجّداً یتتغون

می توان گفت: «بیتغون..» نتیجه و حاصل سه برنامه مؤمنان (1- اشداء، 2- رحماء، 3- رکعاً سجّداً) است.

47- قاطعیت با کافران و رأفت با مؤمنان و رکوع و سجود در برابر خداوند ، نمود های آشکار عمل صالح

اشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم تریهم رکعاً سجّداً .. وعد الله الذین ءامنوا و

29- مهربانی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 24 - 14، 3، 1

1- فرزندان در برابر والدین خویش باید از سر مهربانی و ترحم ، تواضع و فروتنی کامل بکنند .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

«من» در «من الرحمه» نشویه است؛ یعنی، خفض جناح و تواضع، باید ناشی از رحمت و مهربانی به آنان باشد.

3- ترحم و مهربانی به پدر و مادر ، از وظایف فرزند است .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

ص: 66

14- « عن أبي ولاد الحناط قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل : . . . « و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة » قال : لاتملأ عينيك من النظر إليهما إلا برحمه ورقه و لاترفع صوتك فوق أصواتهما و لا يدك فوق أيديهما و لاتقدم قدامهما ;

ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزوجل . . « و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة» سؤال کردم، حضرت فرمود: به پدر و مادر نگاه مکن مگر با رأفت و مهربانی و صدایت را بیش از صدای آنان بالا مبر و دست خودت را بالای دست آنان قرار مده و [در راه رفتن و...از آنان پیشی مگیر].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 25 - 7

7- خداوند خواهان تواضع و رحمت قلبی فرزندان به پدر و مادر است و نه صرفاً خدمات ظاهری به آنان

و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة . . ربکم أعلم بما فی نفوسکم

خداوند در آیات قبل دستور به احسان به والدین و فروتنی از سر رحمت در برابر آنها را داده است و در این آیه می فرماید: «به نیات درونی شما آگاهی دارد». ذکر آگاهی به نیات پس از دستور یاد شده، می تواند به این منظور باشد که: فروتنی باید خالصانه و قلبی باشد و نه ظاهری.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 81 - 6

6- پاک و صالح بودن و نیز مهرورزی فزون تر نسبت به والدین ، از ویژگی های فرزند شایسته است .

یبدلھما ربّھما خیراً منہ زکوه و أقرب رحمًا

30- مهربانی با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 4

4 - ایمان به آیات الهی ، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان ، یتیمان و تنگدستان ، قدردانی از نعمت های بینایی ، گویایی و هدایت است .

ألم نجعل له عینین . و لساناً و شفقتین . و هدینہ النجدین ... ثمّ کان من الذین ءام

«الذین آمنوا» گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها - به قرینه «و الذین کفروا بآیاتنا» در آیات بعد - مؤمنان به آیات الهی است و آیات

پیشین - که بعضی از تکالیف را «عقبه» نامیده بود - قرینه بر مراد از «صبر» است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از «مرحمه»، ترحم بر «رقبه»، «یتیم» و «مسکین» است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین - که نعمت های الهی را برشمرده - گویای برداشت یاد شده است؛ زیرا «بینایی و بصیرت»، زمینه ساز «ایمان» و «داشتن زبان و لب»، زمینه ساز توصیه است.

31- مهربانی برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 13 - 2

ص: 67

2- خداوند ، منبع مهر و شفقت و عطاکننده آن به برخی از بندگان برگزیده خود

و حناناً من لدنا

«من لدنا» بیانگر این است که عطوفت عطا شده به یحیی برگرفته از ترحم و عطوفت ذات اقدس است.

32- مهربانی حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 12 - 36 - 20 - 12

12 - دعوت حبیب نجار به پیروی از انبیا ، همراه با ملاحظت و اظهار محبت به مردم بود .

قال يقوم اتبعوا المرسلین

برداشت یاد شده از تعبیر «یا قوم» (ای قوم من) - که معمولاً برای اظهار محبت و ابراز نزدیکی به کار می رود- استفاده شده است.

33- مهربانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 1 - 6

6 - خداوند به بندگان خویش مهربان است .

بسم الله .. الرحیم

در این که چرا دو صفت رحمانیت و رحیمیت در پی یکدیگر آمده اند - در حالی که هر دو حکایت از رحمت الهی دارند - چند نظر ابراز شده است. آنچه از کاربرد آن دو صفت در قرآن به دست می آید این است که رحمانیت در رابطه با همه مخلوقات است و رحیمیت تنها در ارتباط با انسان و دیگر مکلفان می باشد. بنابراین رحیمیت خدا به رحمت ویژه الهی به انسانها و سایر مکلفان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 3 - 1,3

1 - خداوند رحمان (دارای رحمت گسترده) و رحیم (مهربان) است .

الرحمن الرحیم

3 - خداوند به همه بندگان مهربان است .

الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - حمد - 1 - 5 - 2

2 - ربوبيت خدا بر هستي ، رحمانيت و رحيميت او و مالکيتش بر روز قيامت ، دليل شايستگي او براي پرستش

رب العلمين. الرحمن الرحيم. ملك يوم الدين. اياك نعبد

ص: 68

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 27

27 - خداوند با مردمان رؤف و مهربان است .

إن الله بالناس لرؤوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 24

24 - لطف و مهربانی خدا با بندگان خویش

يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 14

14 - خداوند ، همواره به بندگان مؤمن ، مهربان است .

إن الله كان بكم رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 17

17 - خداوند ، تواب (توبه پذیر) و رحيم (مهربان) است .

لوجدوا الله تواباً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 100 - 16

16 - خداوند ، بخشنده ای مهربان است .

و كان الله غفوراً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 106 - 8، 6

6 - خداوند آمرزنده ای مهربان است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً

8 - آمرزش الهی نسبت بندگان ، آمیخته با مهر و محبت است .

و استغفر الله إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 110 - 12

12 - خداوند ، آمرزنده ای مهربان است .

يَجِدُ اللَّهَ غَفُوراً رَحِيماً

بنابر اینکه «رحیم»، صفت «غفور» باشد.

ص: 69

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 47,48

47 - خداوند ، غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (مهربان) است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

48 - بخشایش گناه بندگان از سوی خدا همراه با لطف و مهربانی بر ایشان است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

در برداشت فوق «رحیم»، صفت برای «غفور» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 34 - 10,11

10 - خداوند ، آمرزنده و مهربان است .

فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

11 - مغفرت و آمرزندگی خداوند همواره قرین رحمت و مهر اوست .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

برداشت فوق مبتنی بر این است که «رحیم» صفت برای «غفور» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 39 - 9

9 - خداوند ، آمرزنده گناه تائبان و رحیم و مهربان نسبت به آنان

فَمَنْ تَابَ . . . إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 74 - 5

5 - خدا ، غفور (بسیار آمرزنده) و رحیم (بسیار مهربان) است .

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 54 - 27، 28

27 - خداوند غفور (بسیار آمرزنده) و رحيم (مهربان) است.

فأنه غفور رحيم

28 - مغفرت خداوند آميخته با مهر و محبت اوست.

فأنه غفور رحيم

از نظر ادبی در کلمه «رحيم» دو احتمال وجود دارد. یکی آنکه خبر دوم برای «ان» باشد، و دیگر آنکه صفت برای «غفور». برداشت فوق مستفاد از ترکیب دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 70

5 - انعام - 6 - 165 - 11

11 - خداوند غفور (آمرزنده گناهان) و رحيم (مهربان به بندگان) است.

لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 151 - 8

8 - خداوند ، مهربانترين مهربانان است .

و أنت أرحم الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 153 - 3

3 - خداوند ، آمرزنده بندگان توبه كار خویش و مهربان با ایشان است .

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 167 - 8

8 - خداوند ، پروردگاری آمرزنده گناهان و مهربان با بندگان خویش

و إنه لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - انفال - 8 - 69 - 9

9 - خداوند ، آمرزنده گناهان و با بندگان خویش مهربان است .

إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - انفال - 8 - 70 - 10

10 - خداوند ، آمرزنده گناهان و با بندگان خویش مهربان است .

والله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 19

19 - آمرزش الهی ، آمیخته با رحمت و مهربانی است .

إن الله غفور رحيم

برداشت فوق بر این اساس است که «رحیم» صفت «غفور» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 90 - 8

ص: 71

8- معرفی خداوند به رحیم بودن و دوست داشتن بندگان ، از تعالیم شعیب (ع)

إن ربی رحیم ودود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 36 - 18

18- غفران و آمرزندگی خداوند ، آمیخته با مهربانی است .

فإنک غفور رحیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که «رحیم» در این آیه صفت برای «غفور» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 7 - 6

6- رأفت و رحمت خداوند ، جلوه ای از مقام ربوبیت اوست .

إن ربکم لرءوف رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 119 - 12

12- بخشش خداوند ، آمیخته با مهربانی است .

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «رحیم» صفت برای «غفور» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 41

41 - خداوند در کوه طور ، با ملاحظت و مهربانی با موسی (ع) سخن گفت .

یموسی

تصريح مکرر نام موسی (ع) در مقاطع مختلف خطاب الهی، گویای عنایت خداوند به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 122 - 5

5 - خداوند با عطف و مهربانی توبه آدم را پذیرفت و گناه او را بخشید .

ثم اجتبه ربّه فتاب علیه

«تاب»؛ یعنی، رجوع کرد و به دلیل حرف «علی» در آن معنای عطف و ترحم تضمین شده است؛ یعنی، خداوند در حالی به آدم توجه و عنایت کرد، که بر او عطف و مهربان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 107 - 3

3- مجموعه تعالیم اسلام، براساس رحمت و مهربانی ویژه خداوند به انسان است .

و ما أرسلنک إلاّ رحمه للعلمین

ص: 72

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 109 - 11

11 - خدا، بهترین و مهربان ترین مهربانان

و أنت خير الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 118 - 8

8 - خدا، بهترین رحمت کنندگان و مهربانان است .

و أنت خير الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 43

43 - گذشت خداوند از خطاهای بندگانش، توأم با مهربانی او است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 14 - 2

2 - خداوند، مؤمنان نیکوکار را از گرفتاری به عذاب مصون داشته و با آنان مهربان است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. وَ هُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ

«غفر» (ریشه «غفور»); یعنی، پوشاندن لباسی که شخص را از آلودگی ها محفوظ دارد و غفران خداوند، ایجاد مصونیت از عذاب برای بندگان است (مفردات راغب). جمله «هو الغفور» در ارتباط با «إِنَّ بَطْشَ...» - که تهدید کافران بود - نویدی به مؤمنان و بیانگر مصونیت آنان، از گرفتاری به دام عذاب است.

34- مهربانی در انذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 16 - 15

15 - اخطار و بیم دادن، باید از سر لطف و شفقت باشد .

ذلك يخوِّف الله به عباده يعباد فاتقون

35- مهربانی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 84 - 2

2- برخورد عاطفی با مردم در دعوت به حق و تبلیغ، امری پسندیده است .

ص: 73

وقال موسى يقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 5

5- مبلغان دینی ، باید از سر مهربانی و با ملاحظت ، مردمان را به دین فراخوانند .

یص-حبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 10

10- لزوم به کارگیری ملاحظت و رعایت ادب همراه با استدلال های منطقی در گفتگو های عقیدتی و دعوت به توحید

يَأْت لِمَ تَعْبُد مَا لَا يَسْمَعُ

حضرت ابراهیم(ع) آزر را با تعبیر (ای پدر من) مورد خطاب قرار داد که در آن ملاحظت و مهرورزی وجود دارد. جملات بعدی نیز که در مقام استدلال بیان گردیده، همگی دارای مقدمات روشن و نتایج منطقی است. از روش برخورد ابراهیم(ع) می توان نتیجه گرفت که در برخوردهای عقیدتی، این دو رکن باید ملاحظه گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 9

9- لزوم برخورد محبت آمیز و مؤدبانه در مقام ارشاد و تبلیغ

يَأْت إِيَّيْ أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 20 - 13

13 - داشتن ملاحظت و برخورد محبت آمیز ، روشی پسندیده و بایسته در تبلیغ دین و برخورد با افراد خاطی و گناه کار

قال يقوم اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - دعوت و برخورد از سر مهربانی و شفقت ، مؤثر در هدایت و اصلاح جامعه

قال یقوم

36- مهربانی در تدبیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 37 - 9

9 - تدبیر امور آسمان ها و زمین و موجودات بین آنها از سوی خداوند ، بر پایه رحمت و عطف است .

لا یملکون منه خطاباً

ص: 74

توصیف «ربّ» به «رحمان»، حاکی از نقش رحمت در تدبیر نظام هستی است.

37- مهربانی در تربیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 3 - 6

6 - تدبیر و تربیت باید همراه با مهربانی و عطوفت باشد .

رب العلمین. الرحمن الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 90 - 10

10- مهربانی و محبت ، دارای نقشی بسزا در تربیت و اصلاح خطاکاران

واستغفروا ربکم . . . إن ربی رحیم ودود

توصیف خداوند به مهربانی و محبت داشتن به بندگان ، پس از توصیه به استغفار از گناهان ، می تواند به برداشت فوق اشاره داشته باشد.

38- مهربانی در تربیت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 24 - 6

6- تربیت اولاد توسط پدر و مادر ، بر اساس رحمت و محبت است .

ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

«کما ربّیانی» صفت برای مصدر مقدر (رحمت) است. بنابراین، عبارت چنین می شود: «رب ارحمهما مثل رحمتها و تربیتها لی» (خداوندا! همان گونه که آنان به من ترحم کردند تو بر آنان ترحم کن).

39- مهربانی در مدیریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 3 - 6

6- تدبير و تربيت بايد همراه با مهربانى و عطوفت باشد .

رب العلمين. الرحمن الرحيم

ص: 75

40- مهربانی در موعظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 11

11 - اظهار مهربانی و عطوفت ، پیش از انتقاد و نصیحت ، امری شایسته و نیکوست .

يقوم انکم ظلمتم انفسکم

41- مهربانی در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 25

25- محبت و دل سوzy ، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أفتتخذونه و ذرّيته أولياء من دوني و هم لكم عدوّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این است که رهبری ولایت، باید از کینه‌وزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

42- مهربانی در شفا بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 8

8- شفا بخشی قرآن نسبت به بیماری های روحی ، فکری و اخلاقی توأم با رحمت ، شفقت و مهربانی است .

و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين

ذکر دو صفت «شفاء» و «رحمت» برای قرآن، در کنار یکدیگر، می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

43- مهربانی رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 13 - 6

6- محبت و دل سوزی عمیق نسبت به دیگران ، از ضروری ترین و مطلوب ترین صفات رهبران الهی است .

و حناناً من لدنا

با توجه به این که «حناناً» اولین صفتی است که پس از «آئیناه الحکم» ذکر شده است، مطلب فوق از آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 23 - 8

8 - مهربانی و برخورد مشفقانه با مردم ، وظیفه ای بر عهده رهبران و مبلغان دینی

فقال يقوم اعبدوا الله

ص: 76

44- مهربانی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 9,10

9- گرایش مردم به رهبران دینی، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

10 - نقش ویژه خوش خلقی و مهربانی رهبران الهی با امت خویش، به هنگامه های دشوار

فبما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

قرار گرفتن این آیه در ضمن آیات مربوط به نبرد احد و مشکلات ناشی از آن، اشاره به این حقیقت دارد که خوش خلقی و مهربانی رهبران به هنگام رخ نمودن سختیها و مشکلات برای مردم، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 8

8 - لزوم برخورداری رهبران از احساس هم دردی نسبت به انسان ها و سعادت خواهی برای آنان و داشتن رأفت و رحمت عمیق

رسول من أنفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

برداشت فوق به دلیل این است که خداوند پیامبر(صلی الله علیه و آله) را به عنوان یک رهبر الهی به داشتن این صفات تمجید کرده است.

45- مهربانی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 4

4- شعیب(ع) حتی پیش از رسیدن به مقام رسالت، فردی دلسوز و دوستدار مردم مدین بود.

وإلی مدین أأخاهم شعیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 5

5- برخورد حضرت شعیب (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أريتم

تعبیر «یا قوم» (ای مردم من) حکایت از شفقت و مهربانی شعیب(ع) دارد.

46- مهربانی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 77

4- صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

وإلی ثمود أخواهم صلحًا

مراد از اخوت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أريتم

تعبیر «یا قوم» (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- صالح (ع) با برخوردی عاطفی ، قوم خویش را با خصوصیات معجزه خویش آشنا ساخت .

و يقوم هذه ناقة الله

تعبیر «یا قوم» (ای مردم من) حکایت از مهربانی و عطوفت دارد.

47- مهربانی صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان ، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

و الذين معه أشداء على الكفار رحماء بينهم

48- مهربانی فرزند صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- پاک و صالح بودن و نیز مهرورزی فزون تر نسبت به والدین ، از ویژگی های فرزند شایسته است .

يبدلهما ربّهما خيراً منه زكوه و أقرب رحمًا

49- مهربانی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 12،13

ص: 78

12- لوط (ع)، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان، درصدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد.

قال يقوم .. فاتقوا الله ولا تخزون في ضيفي أليس منكم رجل رشيد

13- ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود.

قال هذا يوم عصيب .. قال يقوم هؤلاء بناتي

لوط با گفتن «یا قوم» (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می‌دارد و این در زمانی است که حضرت لوط (ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

50- مهربانی مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 23 - 8

8 - مهربانی و برخورد مشفقانه با مردم، وظیفه‌ای بر عهده رهبران و مبلغان دینی

فقال يقوم اعبدوا الله

51- مهربانی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 6, 13

6 - مدارا، خوش خُلقی و مهربانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مردم، از عوامل گرایش آنان به جانب آن حضرت

و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

13 - گذشت از خطای مردم و طلب آموزش برای آنان و نیز مشورت با مسلمانان در مسائل اجتماعی، نمودی از مهربانی و خُلق خوش پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لو كنت فظًا غليظ القلب .. فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم في الامر

تفریع جمله «فاعف عنهم و ..» بر جمله‌های پیشین، که بیانگر خُلق خوش پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، در حقیقت اشاره به مصادیق و نمونه‌هایی از خوی نیکوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد. گفتنی است که امر به عفو و ... به معنای ادامه دادن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- رأفت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به همه مردم و تلاش آن حضرت برای هدایت همگان

إن تستغفر لهم سبعین مره فلن یغفر الله لهم

لحن سخن الهی، حاکی از تمایل آن حضرت به استغفار برای منافقان است. استغفار برای مردمانی چون منافقان، نشانگر رأفت و رحمت گسترده آن حضرت نسبت به عموم مردم و تلاش او برای هدایت همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 3,6,12

ص: 79

3 - امتنان الهی بر مؤمنان به خاطر انتخاب فردی دلسوز، رؤوف و مهربان از میان آنان برای پیامبری

لقد جاءكم رسول من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به مؤمنان، بسیار رؤوف و مهربان بود.

رسول من أنفسکم . . . بالمؤمنین رؤوف رحيم

12 - از علی (ع) روایت شده که در ضمن ادله اثبات افضلیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر سایر انبیا فرمود: « . . . و لقد کان ارحم الناس و أرفهم فقال الله تبارک و تعالی: « لقد جائکم رسول من أنفسکم . . . بالمؤمنین رؤوف رحيم » ;

به تحقیق رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دلسوزترین و مهربانترین مردم بود. پس خدای تبارک و تعالی فرمود: برای شما پیغمبری از خودتان آمد که . . . با مؤمنان دلسوز و مهربان بود.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 17

17 - محمد (صلی الله علیه و آله)، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران از آینده ای ناگوار برای مشرکان و گنه کاران

فإني أخاف عليكم عذاب يوم كبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 215 - 3، 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به فروتنی و گسترانیدن بال های لطف و محبت برای پیروان مؤمن خویش

و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

3 - اندازگری و رحمت گستری، دو بعد شخصیت الهی و پیامبری حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

و أنذر عشیرتک . . . و اخفض جناحک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 50 - 11

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در ابلاغ تعالیم آسمانی با ملایمت و مدارا عمل می کرد و در مخاطبانش حساسیت واکنش آمیز ایجاد نمی کرد.

قل إن ضللت فإتّما أضلّ علی نفسی وإن اهتدیت فبما یوحی الّی ربّی

این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مقام ابلاغ پیام خداوند به مشرکان، از بازگشت گمراهی فرضی خود سخن به میان می آورد و منشأ هدایتش را خداوند معرفی می کند و به گمراهی مشرکان نمی پردازد؛ حاکی از مدارای او در امر تبلیغ است تا به این صورت، واکنش منفی مشرکان را برنینگیزاند و بتواند به هدفش نایل شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 39 - 10

10 - رفتار محبت آمیز و با شفقت، در عین برخورد قاطع و دلیرانه، شیوه مبارزاتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

قل یقوم اعملوا... فسوف تعلمون

برداشت یاد شده از تعبیر «یاقوم» - که در موارد اظهار محبت به کار می رود - به دست می آید.

ص: 80

52- مهربانی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 10

10 - پیروان عیسی (ع)، انسان هایی رؤوف و مهربان بودند .

و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفه و رحمه

53- مهربانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 26 - 16

16 - رأفت و مهربانی موسی (ع) نسبت به قوم خود ، علی رغم نافرمانی و گناه آنان

فلاتأس علی القوم الفسقین

«فلاتأس» از ماده «اسی» به معنای حزن و اندوه است. بر حذر داشتن موسی(ع) از تأسف بر بنی اسرائیل، دلالت بر وقوع تأسف و یا انتظار وقوع آن دارد و در هر حال، نشانه عطوفت موسی(ع) نسبت به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 84 - 1

1 - موسی (ع) ، نسبت به قوم خود ، رهبری مهربان و راهنمایی دلسوز بود .

و قال موسی یقوم

برداشت فوق از اضافه «قوم» به یای متکلم به دست آمده است.

54- مهربانی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 10

10- مؤمنان راستین ، دارای مهر به یکدیگر ، در عین انعطاف ناپذیری در برابر کافران

و الذين معه أشدّاء على الكفّار رحماء بينهم

55- مهربانی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 61 - 1

1 - نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشتن را از هر گونه گمراهی مبرا دانست .

قال يقوم ليس بي ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با «یا قوم» (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد. نکره بودن کلمه

ص: 81

«ضلله» پس از نفی دلالت بر عموم دارد. بنابراین «لیس بی ضلله» یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 71 - 2

2- برخورد حضرت نوح (ع) با قومش برخوردی عاطفی، ترحم آمیز و مشفقانه بود.

إذ قال لقومه یقوم

از اینکه حضرت نوح به جای الفاظی مانند «ای مشرکان»، «ای مردم» و «ای...» فرمود: «ای قوم من» برداشت فوق استفاده می شود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 26 - 12

12- نوح (ع)، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و کافران قوم خویش بود.

إنی أخاف علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 7

7- برخورد حضرت نوح (ع) با سران و اشراف کافر، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود.

یقوم أریتم

تعبیر «یا قوم» (ای مردم من!) حکایت از شفقت و ترحم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 34 - 8

8- نوح (ع) پیامبری خیرخواه و دلسوز مردم

لاینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 23 - 7

7- نوح (ع)، پیامبری مهربان و دلسوز مردم

فقال یقوم

«یا قوم» (ای قوم من)، خطابی مهرآمیز و از سر دلسوزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 2 - 1

1 - برخورد حضرت نوح (ع) با قومش، برخوردی مشفقانه و ترحّم آمیز بود.

قال یقوم

حضرت نوح(ع) به جای الفاظی مانند «ای مشرکان»، «ای مردم» و «ای...» فرمود: «ای قوم من». از این نکته می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

ص: 82

56- مهربانی والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 24 - 6

6- تربیت اولاد توسط پدر و مادر ، بر اساس رحمت و محبت است .

ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

«کما ربیانی» صفت برای مصدر مقلّد (رحمت) است. بنابراین، عبارت چنین می شود: «رب ارحمهما مثل رحمتهما و تربیتهما لی» (خداوندا! همان گونه که آنان به من ترحم کردند تو بر آنان ترحم کن).

57- مهربانی هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 11

11 - سخنان هارون به گوساله پرستان بنی اسرائیل ، گفتاری محبت آمیز و همراه با توجیه و ارشاد بود .

يقوم إنّما فتنتم به

انتساب بنی اسرائیل به خود، با گفتن «ای قوم من» ابراز محبت است و ریشه یابی ماجرای سامری با فتنه خواندن آن، روشن گری و ارشاد است.

58- مهربانی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 67 - 1

1 - هود با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه سفاهت و دروغگویی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 50 - 4

4- هود (ع) ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری ، فردی دلسوز قوم خویش و با محبت نسبت به آنان بود .

وإلى عاد أخاهم هودًا قال يقوم

برخی برآنند که «أخوت» در این جا کنایه از محبت و دلسوزی است. بر این اساس جمله و «إلى عاد أخاهم هودًا» حاکی از آن است که: هود(ع) پیش از رسالتش نیز دلسوز قومش بوده است. تعبیر «یا قوم» (ای مردم من!) نیز حکایت از مهربانی و عطف دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 83

4- هود (ع) ، برادری دلسوز و خیرخواه برای قوم عاد

و اذکر أخوا عاد

واژه «أخ» چه اشاره به روابط عاطفی خویشاوندی داشته باشد و چه اشاره به اخوت معنوی؛ به هر حال پیامدار دلسوزی و محبت عمیق است.

59- مهربانی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 13 - 1

1- خداوند ، روحیه رحمت و عطوفتی ژرف به یحیی عطا نمود .

ءاتینه . . . و حناناً من لدنا

«حنان» مصدر و به معنای شفقت و مهربانی است (مصباح). تنوین آن برای تفضیم است. این کلمه عطف بر «الحکم» - در آیه قبل - است.

60- مهربانی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 1

1- یوسف (ع) با اظهار مهربانی و ملاحظت به هم بندگان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

یص- حبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

61- نشانه های مهربانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 27 - 6

6 - پذیرش توبه گنهکاران ، جلوه خطاپوشی و مهربانی خداوند

ثم یتوب الله . . . و الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 90 - 9

9- آمرزش گناه استغفارکنندگان و باریافتن سالکان به درگاه الهی ، پرتوی از رحمت ، مهربانی و محبت خداوند به بندگان است .

واستغفروا ربکم ثم توبوا الیه ان ربی رحیم ودود

ص: 84

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 12

12- مغفرت و آمرزش بندگان خطاکار، پرتوی از رحمت و مهربانی خداوند است .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 7

7- آفرینش دام ها، در جهت منافع و بهره‌وری انسان، نشانه‌ای از رأفت و رحمت خداست .

والأنعم خلقها لکم... و لکم فیها جمال... و تحمل أثقالکم... إن ربکم لرهوف ر

ص: 85

4- مهریه

1- آثار مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 4

4 - ازدواج با زن در صورت پرداخت مهریه ، حلال است .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ

2- احکام مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 13، 12

12 - هنگام طلاق ، حرام است مالی را که شوهر به زن داده (مهریه و . . .) بازپس گیرد .

و لا يحل لكم أن تأخذوا مما آتيتموهن شيئاً

13 - در صورت ترس از عدم اقامه حدود الهی در زندگی ، مرد می تواند مالی را که به زن داده است ، بازپس بگیرد و او را طلاق دهد .

و لا يحل لكم ان تأخذوا . . . الا ان يخافا الا يقيما حدود الله

چنانچه حرمت بازپس گیری مهریه مانع طلاق میان زن و شوهر شود و در عین حال زندگی آن دو به نحوی است که حدود و احکام الهی بواسطه آن پایمال شود، پرداخت و گرفتن مهریه تجویز می شود تا طلاق صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 236 - 2، 4، 6، 7، 8، 10، 13

2 - جواز طلاق زنان ، در صورت قرار ندادن مهریه

لا جناح عليكم ان طلقتم النساء ما لم تمسوهن او تفرضا لهن فريضة

مراد از فرض «فريضة» تعیین مهر است و جمله «او تفرضا» .. « عطف است بر جمله «ما لم تمسوهن»؛ یعنی طلاق زانی که برای آنان مهریه تعیین نشده، بی اشکال است.

4 - پرداخت مهریه زانی که قبل از آمیزش جنسی و تعیین مهر ، طلاق داده شوند ، واجب نیست . *

برداشت فوق بر این میناست که «لا جناح» به معنای نفی هر گونه وظیفه باشد و «او» به معنای واو جمع.

6- لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنان مُطلّقه ای که برای آنان مهریه تعیین نشده است .

و متّعوهنّ . . . متاعاً بالمعروف

ظاهر این است که ضمیر در «متّعوهنّ»، به طایفه دوّم از زنان مُطلّقه برگردد؛ یعنی زنانی که مهر برای آنان تعیین نشده است.

7- لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران، به زنانی که قبل از آمیزش با آنان، طلاق داده شوند.

ان طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . و متّعوهنّ . . . بالمعروف

بنابراین احتمال که ضمیر در «متّعوهنّ»، علاوه بر اینکه به طایفه دوّم ارجاع شود، شامل طایفه اوّل (یعنی زنانی که با آنان آمیزش نشده) نیز شود.

8- مقدار متاع و کالای مناسب و پسندیده برای پرداخت به زن مُطلّقه، باید متناسب با توان مالی شوهر باشد.

و متّعوهنّ علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعاً بالمعروف

10- لزوم تناسب کالای پرداختی به زنان مُطلّقه، با شؤونات اجتماعی زن و مرد

متّعوهنّ . . . متاعاً بالمعروف

در آیه مزبور توصیه شده که «متاع»، پسندیده باشد؛ و متاع آنگاه پسندیده است که نه خارج از شؤونات اجتماعی شوهر و نه خارج از شؤونات اجتماعی همسر باشد.

13- ضرورت پرهیز از افراط (اسراف) و تقریط، در کالای پرداختی به زنان مُطلّقه *

متّعوهنّ . . . بالمعروف

افراط و تقریط، خارج از حدّ متعارف است؛ لذا کلمه «بالمعروف» آن دو را نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 237 - 1,3,4,6,10,11

1- وجوب پرداخت نصف مهریه تعیین شده به زن مُطلّقه از سوی شوهر، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَمْسُوهُنَّ و قد فرضتم لهنّ فریضه فنصف ما فرضتم

مفسران بر آنند که جمله «ان تمسوهنّ»، کنایه از آمیزش جنسی است؛ نه مُجرّد لمس.

3- سقوط وظیفه شوهران از پرداخت مهر به همسرانی که قبل از آمیزش طلاق داده می شوند، در صورت عفو و گذشت زنان از آن

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ . . . إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ

4 - عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر، در صورت گذشتن ولی زن از حق وی

او يعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلّقه است، ظاهر این است که «الّا»، بیانگر موارد استثناء و سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که «الذی . . .» حمل بر ولی زن شود؛ نه شوهر.

6 - پرداخت تمامی مهر به زن، در صورتی که پیش از آمیزش جنسی طلاق داده شود، به تقوا نزدیکتر است.

الا ان يعفون او يعفوا . . . و ان تعفوا اقرب للتقوى

ظاهر این است که مخاطب در «ان تعفوا . . .» به قرینه خطابهای گذشته شوهران باشند. بنابراین جمله «ان تعفوا . . .» توصیه ای است به شوهران که در فرض مذکور، تمامی مهر تعیین شده را به همسران بپردازند و اگر پرداخته اند، چیزی از آن باز پس نگیرند.

10 - استحباب پرداخت تمامی مهریه معین شده به زنی که قبل از آمیزش طلاق داده شود.

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ . . . و ان تعفوا اقرب للتقوى

11 - ولی زن مُطلّقه می تواند از حق وی (نصف مهر)، صرفنظر کند.

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآنند که مراد از «الذی . . .» ولیّ زن است؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولیّ شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 1,4,6,7,8,9,10,16

1 - وجوب پرداخت مهریه زنان

و اتوا النساء صدقاتهنّ

کلمه «صدقات» جمع «صدقه»، به معنای مهریه است.

4 - لزوم پرداخت مهریه به خود زنان، نه به فردی دیگر

و اتوا النساء صدقاتهنّ

از اینکه فرمود: «و اتوا النساء صدقاتهنّ» و فرمود: «اتوا صدقات النساء»، معلوم می شود که مهریه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر یا برادر و . . .، بر خلاف آنچه در جاهلیت مرسوم بوده است.

6 - مهریه، دینی است برای زنان بر عهده مردان

و اتوا النساء صدقاتهنّ نحله

«نحله» بنا بر گفته برخی از مفسران به معنای فریضه است که در برداشت فوق از آن تعبیر به دین شده است؛ زیرا فریضه مالی در حقیقت دین است.

7 - لزوم پرداخت مهریه، با رغبت و به دور از هر گونه منت و چشمداشت.

و اتوا النساء صدقاتهنّ نحله

در برداشت فوق، کلمه «نحله» صفت برای مفعول مطلق محذوف گرفته شده است: «اتوهنّ ایتاء نحله». یعنی پرداخت باید به دور از چشمداشت و منت باشد.

8 - زن می تواند بخشی از مهریه خویش را به همسرش ببخشد.

فان طبن لکم عن شیء منه نفساً

9 - حرمت تصرف شوهران در مهریه زنان، بدون جلب رضایت کامل آنان

و اتوا النساء .. فان طبن لكم عن شيء منه نفساً فكلوه

از مفهوم جمله «فان طبن لكم ..» (اگر رضایت داشتند از مهریه بخورید و در آن تصرف کنید)، حرمت تصرف بدون رضایت به دست می آید.

10 - تعیین مهریه در عقد ازدواج ، از اسباب ملکیت

و اتوا النساء صدقاتهنّ

16 - سرپرست زن ، ممنوع از گرفتن مهریه وی ، برای خویش

و اتوا النساء صدقاتهنّ

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذا خطاب للاولياء لانّ الرجل منهم كان اذا زوج ائمه اخذ صدقاتها دونها فنهاهم الله عن ذلك.

تفسیر تبیان، ج 3، ص 110 ; مجمع البیان، ج 3، ص 12.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 8,9

ص: 88

8 - حرمت سختگیری مرد بر همسر خویش به انگیزه پس گیری حتی بخشی از مهریه

و لا تعضلوهنّ لتذهبوا ببعض ما اتيتموهنّ

«لا تعضلوهنّ» از «عضل» به معنای سختگیری است. مراد از «ما اتيتموهنّ»، مهریه ای است که مردان به همسران خویش می دهند.

9 - ارتکاب زن به فحشای آشکار (زنا و . . .) ، مجوّز سختگیری شوهرش برای پس گیری برخی از مهریه او به هنگام طلاق

و لا تعضلوهنّ . . . الا ان يأتين بفاحشه مبينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 20 - 8, 7, 6, 5, 3

3 - عدم محدودیت میزان مهریه

و اتيتم احديهنّ قنطاراً فلا تأخذوا منه شيئاً

چون «قنطار» به معنای مال کثیر است و این مقدار مهریه مورد تأیید قرآن قرار گرفته است و اگر مورد تأیید نبود، پس گیری آن حرمتی نداشت.

5 - کراهت مرد از همسر خویش و علاقه به ازدواجی دیگر ، مجوّز پس گیری حتی اندکی از مهریه به هنگام طلاق نمی شود .

فان کرهتموهنّ . . . و ان اردتم استبدال . . . فلا تأخذوا منه شيئاً

جمله «ان اردتم» پس از جمله «فان کرهتموهنّ»، اشاره به این دارد که هر چند دلیل «استبدال» ناخوشایندی از همسر موجود و علاقه به ازدواجی دیگر باشد، این امر، مجوّز پس گیری مهریه نمی تواند باشد.

6 - پس گیری مهریه از سوی شوهران ، کاری باطل و گناهی آشکار است .

فلا تاخذوا منه شيئاً تاخذونه بهتانا و ائماً مييناً

در برداشت فوق، «بهتانا» و «ائماً»، حال برای «أخذ» (که از «تأخذونه» استفاده می شود) گرفته شده است.

7 - حرمت پس گیری مهریه همسر ، حتی اگر ثروت کلانی (مثل پوست گاوی پر از طلا) باشد .

و اتيتم احديهنّ قنطاراً فلا تأخذوا منه شيئاً

امام باقر و صادق (ع) درباره «قنطار» فرمودند: . . . هو ملاء مسك ثور ذهباً.

مجمع البيان، ج 2، ص 712؛ نورالثقلین، ج 1، ص 459، ح 139.

8 - مقدار افزون بر مهر السنّه در مهریه زن، در حکم بخشش به اوست و پس گرفتن آن جایز نیست.

و ایتیم احدیهنّ قنطاراً

امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال از حکم مهریه بیش از مهر السنّه فرمود: اذا جاوز مهر السنّه فلیس هذا مهراً اّما هو نحلّ لانّ الله یقول: «و ایتیم احدیهنّ قنطاراً...» اّما عنی النحلّ ولم یعنی المهر.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 229، ح 67؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 355، ح 9.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 21 - 2، 1

1 - بازپس گیری مهریه زنان، دور از انسانیّت و خلاف انصاف است.

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

در آیه قبل، بازپس گیری مهریه، ظلم و گناه شمرده شد و این آیه با طرح سؤال، وجدان انسانی را به قضاوت برمی انگیزاند.

2 - حرمت بازپس گیری حتی اندکی از مهریه زنان، پس از آمیزش

ص: 89

و كيف تأخذونه وقد افضى بعضكم الى بعض

بنابر اینکه «وقد افضى»، کنایه از آمیزش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 12، 13، 14، 16

12 - وجوب تعیین مقدار مهر در ازدواج موقت

فما استمتعتم به منهنَّ فاتوهنَّ اجورهنَّ فریضه . . . من بعد الفریضه

«فریضه»، که فعلیل به معنای مفعول است؛ حال برای «اجور» می باشد. یعنی: اجرت معین شده.

13 - وجوب پرداخت اجرت (مهریه) در مقابل بهره گیری جنسی از زنان در ازدواج موقت

فما استمتعتم به منهنَّ فاتوهنَّ اجورهنَّ فریضه

14 - تعیین مقدار مهر در ازدواج موقت، شرط صحت عقد

فما استمتعتم به منهنَّ فاتوهنَّ اجورهنَّ فریضه

لزوم تعیین مقدار مهر در عقد، حکایت از مشروطیت صحت عقد به آن مهر دارد.

16 - جواز تغییر مقدار مهر (کم یا زیاد کردن) و یا بخشیدن آن با رضایت طرفین

ولا جناح علیکم فیما تراضیتنَّ به من بعد الفریضه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 14

14 - وجوب پرداخت اجرت (مهریه) به کنیزان بر طبق معیارهای متعارف جامعه

واتوهنَّ اجورهنَّ بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 21

21 - وجوب پرداخت مهریه زنان به خود آنان

و المحصنت من المؤمنت . . إذا أتیتموهن اجورهن

«هن» در «اتیتموهن»، بیانگر آن است که مهریه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر و برادر و . . آنان اگر این معنا مراد نبود می فرمود: «إذا أتیتم اجورهن»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 23

23 - مرد مؤمن ، دارای حق مطالبه مهر همسرش از کافران ، در صورت پیوستن همسرش به جمع کافران

و سنلوا ما أنفقتم

چنان که از سیاق آیه استفاده می شود، مؤمن در صورتی مهریه همسر خویش را از کافران طلب می کند که همسر وی به جمع آنان پیوسته و در جامعه آنان پذیرفته شده باشد.

ص: 90

3- استرداد مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 8

8 - حرمت سختگیری مرد بر همسر خویش به انگیزه پس گیری حتی بخشی از مهریه

و لا تعضلوهنّ لتذهبوا ببعض ما ایتموهنّ

«لا تعضلوهنّ» از «عضل» به معنای سختگیری است. مراد از «ما ایتموهنّ»، مهریه ای است که مردان به همسران خویش می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 20 - 5,6,7,8

5 - کراهت مرد از همسر خویش و علاقه به ازدواجی دیگر، مجوّز پس گیری حتی اندکی از مهریه به هنگام طلاق نمی شود.

فان کرهتموهنّ .. و ان اردتم استبدال ... فلا تأخذوا منه شیئاً

جمله «ان اردتم» پس از جمله «فان کرهتموهنّ»، اشاره به این دارد که هر چند دلیل «استبدال» ناخوشایندی از همسر موجود و علاقه به ازدواجی دیگر باشد، این امر، مجوّز پس گیری مهریه نمی تواند باشد.

6 - پس گیری مهریه از سوی شوهران، کاری باطل و گناهی آشکار است.

فلا تاخذوا منه شیئاً تاخذونه بهتاناً و اثمّاً مبیناً

در برداشت فوق، «بهتاناً» و «اثمّاً»، حال برای «أخذ» (که از «تأخذونه» استفاده می شود) گرفته شده است.

7 - حرمت پس گیری مهریه همسر، حتی اگر ثروت کلانی (مثل پوست گاوی پر از طلا) باشد.

و ایتیم احدیهنّ قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً

امام باقر و صادق (ع) درباره «قنطار» فرمودند: .. هو ملاً مسک ثور ذهباً.

مجمع البیان، ج 2، ص 712؛ نورالثقلین، ج 1، ص 459، ح 139.

8 - مقدار افزون بر مهر السنّه در مهریه زن، در حکم بخشش به اوست و پس گرفتن آن جایز نیست.

امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال از حکم مهریه بیش از مهر السنّه فرمود: اذا جاوز مهر السنّه فلیس هذا مهراً اّما هو نحل لانّ الله یقول: «و اتیتم احدیهنّ قنطاراً. . .» اّما عنی النحل ولم یعنی المهر.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 229، ح 67؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 355، ح 9.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 21 - 3، 2، 1

1 - بازپس گیری مهریه زنان، دور از انسانیّت و خلاف انصاف است.

و کیف تأخذونه و قد افضى بعضکم الی بعض

در آیه قبل، بازپس گیری مهریه، ظلم و گناه شمرده شد و این آیه با طرح سؤال، وجدان انسانی را به قضاوت بر می انگیزاند.

2 - حرمت بازپس گیری حتی اندکی از مهریه زنان، پس از آمیزش

و کیف تأخذونه و قد افضى بعضکم الی بعض

بنابر اینکه «وقد افضى»، کنایه از آمیزش باشد.

3 - توجّه به پیوند زناشویی و اتحاد و یگانگی حاصل از آن، مانعی برای اجحاف به همسر و بازپس گیری مهریه

و کیف تأخذونه و قد افضى بعضکم الی بعض

«افضى» از مصدر «افضاء» به معنای اتصال است و در آیه می تواند کنایه از اتحاد و یگانگی زوجین باشد، نه کنایه از خصوص آمیزش؛ و گر نه می فرمود: «وقد افضیتم الیهن».

9- باز پس گیری مهریه زنان، شکستن پیمان محکمی است که همسران با شوهران خویش بسته اند.

و کیف تأخذونه و قد افضى بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً

4- تعیین مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 8

8 - تعیین مهریه در ازدواج، بهتر از عدم تعیین آن است.*

أزوجک الّتی ءاتیت أجورهنّ

«آیت» شامل بر عهده گرفتن نیز می شود و از به کار گیری چنین تعبیری برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دست می آید که مناسب است مهریه زن، یا پرداخت شود و یا تعیین گردد و بر عهده باشد.

5- جبران مهریه زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 11 - 8

8 - «عن یونس عن أصحابه عن أبی جعفر (ع) و أبی عبد الله (ع) قال: قلت: . . . و قد قال الله عزّوجلّ فی کتابه «و إن فاتکم شیء من أزواجکم الی الکفار فعاقبتهم . . .» ما معنی العقوبه هانها؟ قال: إنّ الذی ذهب إمرأه فعاقب علی إمرأه أخرى غیرها یعنی تزوّجها [بعقب [. . . فعلى الإمام أن يعطيه مهر إمرأه الذاهبه ;

از یونس از اصحابش از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت شده که گفت: به امام (ع) عرض کردم: . . . خداوند عزّوجلّ فرموده است: «و إن فاتکم شیء من أزواجکم الی الکفار فعاقبتهم» مراد از این عقوبت در این جا چیست؟ امام فرمود: مردی که همسرش از دست او رفته [و به کفار ملحق شده] و در پی آن همسر دیگری اختیار کرده . . . بر عهده امام است که مهر زنی را که رفته به آن مرد بپردازد [و معنای [«عاقبتهم» یعنی پس از رفتن آن زن، همسر دیگری گرفته باشد»].

6- جبران مهریه همسر کافر

2 - مخارج و مهریه ای که مرد مؤمن برای همسر کافر خویش، صرف کرده و اکنون به حکم اسلام از او جدا شده است، باید از بیت المال و غنایم جنگی، به مرد مؤمن پرداخت شود.

وإن فاتكم شيء من أزواجكم إلى الكفار فعاقبتم

واژه «عاقبتم»، به معنای «اصبتم منهم غنیمه» دانسته شده است.

3 - جبران مخارج مردان مؤمن ، به مقدار اموالی که برای همسر کافر خود صرف کرده اند ؛ نه کمتر و نه فزون تر .

وإن فاتکم .. فأتوا ... مثل ما أنفقوا

7- حد اقل مهریه دختر شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 13

13 - آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (ده سال کار)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

8- حد اکثر مهریه دختر شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 13

13 - آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (ده سال کار)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

9- حقیقت مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 5

5 - مهریه ، هدیه ای است از سوی مردان به همسران خویش

وأتوا النساء صدقاتهنّ نحله

کلمه «نحله» حال است برای «صدقاتهن» و به معنای عطیّه و هبه بدون عوض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 22

22 - مهریه از آن خود زن و اجرتی در قبال ازدواج با اوست .

ءاتتموهن اجورهن

ص: 93

10- خدمت در مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 4,8

4 - شعيب (ع)، خواستار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شبانى گوسفندان)، از موسى در قبال ازدواج با يکى از دخترانش بود.

قال إني أريد أن أنكحك... على أن تأجرني ثمنى حجج فإن أتممت عشرًا فمّن عندك

«حجج» جمع «حجه» است و مراد از آن «سنين» مى باشد؛ يعنى، «على أن تأجرني ثمانى سنين».

8 - جواز تعيين منفعت (کار و خدمات) به عنوان مهریه، در شريعت مورد اعتقاد شعيب (ع)

على أن تأجرني ثمنى حجج

11- رد مهریه زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 13

13 - جامعه ايمانى، پس از پناه دادن به زنان مهاجر، موظف به پرداخت مهریه آنان به همسرشان

و ءاتوهم ما أنفقوا

آيه شريفه بيانگر اين نکته است که پس از آزمون ايمان زنان مهاجر، بايد به ايشان پناه داد؛ ولى از سوى ديگر خرج هاى را که مرد کافر پيش از اين براى آن زن متحمل شده است (مهریه)، بايد به وى بازگرداند.

12- شرايط استرداد مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 23,24

23 - مرد مؤمن، داراى حق مطالبه مهر همسرش از کافران، در صورت پيوستن همسرش به جمع کافران

و سئلوا ما أنفقتم

چنان که از سياق آيه استفاده مى شود، مؤمن در صورتى مهریه همسر خویش را از کافران طلب مى کند که همسر وى به جمع آنان پيوسته

و در جامعه آنان پذیرفته شده باشد.

24 - کافران ، دارای حق مطالبه مهریه همسر خود ، در صورت پیوستن همسر ایشان به جمع مؤمنان

و لیستلوا ما أنفقوا

13- عفو مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 3,4,7,11

3 - سقوط وظیفه شوهران از پرداخت مهر به همسرانی که قبل از آمیزش طلاق داده می شوند ، در صورت عفو و گذشت زنان

ص: 94

از آن

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ . . . إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ

4- عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر، در صورت گذشتن ولیّ زن از حقّ وی

او يعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلّقه است، ظاهر این است که «الّا»، بیانگر موارد استثناء و سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که «الذی . . .» حمل بر ولیّ زن شود؛ نه شوهر.

7- چشمپوشی زن، شوهر و ولیّ زن از حقوق خویش (مهریه)، به تقوا نزدیکتر است.

و ان تعفوا اقرب للتقوی

در صورتی که خطاب «ان تعفوا» به کلیّه افراد - اعم از زن و مرد و ولیّ - باشد.

11 - ولیّ زن مُطلّقه می تواند از حقّ وی (نصف مهر)، صرفنظر کند.

او يعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران بر آنند که مراد از «الذی . . .» ولیّ زن است؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولیّ شرعی داشته باشد.

14- مالک مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 2

2 - زنان، مالک مهریه خویش هستند.

و اتوا النساء صدقاتهنّ

مهریه دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 21، 4

4 - شعیب (ع)، خواستار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شبانای گوسفندان)، از موسی در قبال ازدواج با یکی از دخترانش

قال إني أريد أن أنكحك . . . علي أن تأجرني ثمنى حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

«حجج» جمع «حجه» است و مراد از آن «سنین» می باشد؛ یعنی، «علی أن تأجرني ثمانی سنین».

21 - «عن أبي ذر قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): إذا سألت أي الأجلين قضى موسى (ع)؟ فقل خيرهما وأبرهما وإذا سئل أي المرأتين تزوج، فقل الصغرى منهما . . .»

از ابوذر روایت شده که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر از تو سؤال شود که موسی (ع) کدام یک از دو زمان مورد قرارداد با شعیب را تمام نمود؛ بگو بهترین و نیکوترین آن دورا و اگر سؤال شود با کدام یک از آن دو دختر ازدواج کرد؛ بگو با کوچک ترین آن دو. «..»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 1

ص: 95

1 - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إني أريد . . . أيما الأجلين قضيت فلا عدون عليّ

15- مهریه در ازدواج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 8

8 - تعیین مقداری از مال به عنوان مهریه ، از شرایط عقد ازدواج و زناشویی

ان تبتغوا باموالکم محصنین

«باموالکم»، اشاره به این است که انتخاب همسر برای ازدواج و زناشویی، باید به همراه تعیین مهریه باشد. گفتنی است که مفعولُ به «ان تبتغوا» حذف شده و آن، زنان غیر محارم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 11

11 - لزوم تعیین مهر زن پیش از عقد ازدواج

قال إني أريد أن أنكحک . . . علی أن تأجرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 8

8 - تعیین مهریه در ازدواج ، بهتر از عدم تعیین آن است . *

أزوجک الّ-تی ءاتیت أجورهنّ

«آیت» شامل بر عهده گرفتن نیز می شود و از به کار گیری چنین تعبیری برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دست می آید که مناسب است مهریه زن، یا پرداخت شود و یا تعیین گردد و بر عهده باشد.

16- مهریه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 17

17 - قرار دادن مهریه برای زنان ، از آداب همسری در میان عرب قبل از اسلام

و ءاتوهم ما أنفقوا

بیشتر مفسران مسأله انفاق در آیه شریفه را، به «مهریه» تفسیر کرده اند.

17- مهریه در شریعت شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 96

7- تعیین مهریه ازدواج ، امری لازم در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

8- جواز تعیین منفعت (کار و خدمات) به عنوان مهریه ، در شریعت مورد اعتقاد شعیب (ع)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

9- جواز بهره گیری پدر از مهریه دختر ، در جهت مصالح و منافع خانواده در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

18- مهریه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 20,22

20 - حلیت ازدواج با زنان ، در صورت پرداخت مهریه آنان

الیوم احل ... و المحصنت من الذین اتوا الکتب من قبلکم إذا ءاتیتموهن اجورهن

22 - مهریه از آن خود زن و اجرتی در قبال ازدواج با اوست .

ءاتیتموهن اجورهن

19- مهریه زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 11 - 7

7- « عن أبی جعفر (ع) فی قوله : « و إن فاتکم شیء من أزواجکم . . . » فلیحق بالکفار من أهل عهدکم فاسألوهم صداقها و إن لحقن بکم من نسائهم شیء فأعطوهم صداقها ;

از امام باقر(ع) در توضیح قول خدا «وإن فاتکم شیء من أزواجکم. . .» روایت شده: هرگاه [برخی از] زنان شما به کفاری که با آنها معاهده دارید ملحق شدند، مهر او را از آنان مطالبه کنید و اگر زنانی از آن کفار به شما ملحق شدند، مهر او را به آنان بپردازید».

20- مهریه زنان مهاجر

19 - ازدواج با زنان مؤمن مهاجر ، مشروط به قرار دادن مهریه برای ایشان

و لاجنّاح علیکم أنّ تنکحوهنّ إذا آتیتموهنّ أجورهنّ

جمله «إذا آتیتموهنّ أجورهنّ» در صدد بیان این نکته است که بازگرداندن مهریه زنان مهاجر به شوهران کافرشان، کافی برای ازدواج با آنان نیست؛ بلکه نیازمند مهر مجدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 11 - 7

7- «عن أبي جعفر (ع) في قوله: «وإن فاتكم شيء من أزواجكم...» فالحق بالكفار من أهل عهدكم فاسألوهم صدقها وإن لحقن بكم من نسائهم شيء فأعطوهم صدقها»؛

از امام باقر(ع) در توضیح قول خدا «وإن فاتكم شيء من أزواجكم...» روایت شده: هرگاه [برخی از] زنان شما به کفاری که با آنها معاهده دارید ملحق شدند، مهر او را از آنان مطالبه کنید و اگر زنانی از آن کفار به شما ملحق شدند، مهر او را به آنان بپردازید».

21- مهریه کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 14, 15, 22

14 - وجوب پرداخت اجرت (مهریه) به کنیزان بر طبق معیارهای متعارف جامعه

و اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف

15 - کنیز، مالک مهریه خویش

فمن ما ملکت ایمانکم... و اتوهنّ اجورهنّ

از اینکه خداوند تصریح می کند که مهریه کنیز را به خود او بدهید (اتوهنّ اجورهنّ) و نفرمود که: اتوا اجورهنّ، معلوم می شود مالک مهریه، خود کنیز است نه مالک او.

22 - پاکدامنی کنیز پس از ازدواج، شرط لزوم پرداخت اجرت (مهریه) متعارف به وی*

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیر مسافحات و لا متخذات اخدان

بنابر اینکه «محصنات غیر مسافحات»، حال برای مفعول اول «اتوهنّ» باشد که در این صورت «محصنات» قید برای «اتوا» می شود.

22- مهریه همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 4, 5

4 - ازدواج با زن در صورت پرداخت مهریه، حلال است.

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ

5- مهریه زنان ، به منزله پاداشی برای آنان است .

ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ

مراد از «أُجُور» طبق گفته مفسران، مهریه های زنان است. تعبیر از «صداق» به «أُجُور» نکته یاد شده را می رساند.

ص: 98

23- مهریه همسر در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 3

3 - پرداخت مهریه به همسر ، در صدراسلام ، امری رایج و لازم بوده است .

أزوجهك الّ-تی ءاتیت أجورهنّ

24- مهریه همسر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 23

23 - مرد مؤمن ، دارای حق مطالبه مهر همسرش از کافران ، در صورت پیوستن همسرش به جمع کافران

و سئلوا ما أنفقتم

چنان که از سیاق آیه استفاده می شود، مؤمن در صورتی مهریه همسر خویش را از کافران طلب می کند که همسر وی به جمع آنان پیوسته و در جامعه آنان پذیرفته شده باشد.

25- مهریه همسر مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 24

24 - کافران ، دارای حق مطالبه مهریه همسر خود ، در صورت پیوستن همسر ایشان به جمع مؤمنان

و لیسنلوا ما أنفقوا

26- مهریه همسران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 7، 6، 1

1 - زنانی که به ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) درآمده اند و آن حضرت ، مهریه آنان را پرداخته (و یا برعهده گرفته) بر او حلال اند .

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي -تِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ

6 - حَلَّتْ هَمْسِرَانِ بِبِامْبِرٍ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِاِطْرَاحْتِ مَهْرِيَهٗ اَنَانِ ، حَكْمِي الٰهِي اِسْتِ .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي -تِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ

7 - بِبِامْبِرٍ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نِيْزِ مَوْظِفٍ بُوْدُ كِهٖ مَهْرٍ هَمْسِرَانِ خُوْدِ رَا بِبِرْدَاِزْدِ .

أَزْوَاجَكَ الَّتِي -تِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ

ص: 99

27- نقش مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 21 - 11

11 - مهریه ، حقی برای زن در قبال آمیزش و پیمان زناشویی

و کیف تأخذونه و قد افضى

جمله «وقد افضى»، که کنایه از آمیزش است، و جمله «اخذن منکم»، که دلالت بر عقد زناشویی می کند، بیانگر این است که زن در قبال آن دو، مالک مهریه است.

28- وجوب ادای مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 21

21 - وجوب پرداخت مهریه زنان به خود آنان

و المحصنت من المؤمنت . . . إذا ءاتیتموهن اجورهن

«هن» در «ءاتیتموهن»، بیانگر آن است که مهریه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر و برادر و . . . آنان اگر این معنا مراد نبود می فرمود: «إذا ءاتیتم اجورهن»

29- هبه مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 13، 14

13 - مالی که زن از مهریه خویش به شوهر می بخشد ، برای او حلال و گواراست .

فان طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه هنیئاً مریناً

14 - توصیه خداوند به زنان بر عدم بخشش تمامی مهریه خویش به همسران خود

فان طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه

با توجه به «من» تبعیضیه، به نظر می رسد مطرح ساختن بخشش برخی از مهریه و تصریح به آن، اشاره به این دارد که سزاوار نیست زنان

تمامی مهریه خویش را هبه کنند.

ص: 100

1- آثار مهلت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 84 - 3

3- تأثیر فزون تر وسوسه های شیطانی در مشرکان و افزایش گمراهی آنان بر اثر مهلت های الهی ، دلیل شتاب نورزیدن خداوند در عذاب آنان

فلا تعجل علیهم

«لا تعجل» به وسیله «فاء» بر آیات پیشین (نظیر «فلیمدد له الرحمن مدّاً» و «تَوَزَّهْمُ أَزًّا») تفریع شده است؛ یعنی، حال که تأخیر عذاب مایه افزایش گمراهی مشرکان و فزونی فریب های شیطانی است، چه ضرورتی در تعجیل عذاب است؟ جمله «إِنَّمَا . . .» نیز که تعلیل برای «فلا تعجل علیهم» است، همین نکته را تأکید می کند؛ زیرا بر انبوه تر شدن مدارک عذاب مشرکان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 45 - 13

13 - سنت امهال الهی ، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا کلمه سبقت من ربک لقصی بینهم

2- آخرین مهلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 84 - 9

9- برانگیخته شدن شاهدان در قیامت ، پایان فرصت کافران برای دفاع از خویش است . *

و یوم نبعث من کلّ أُمَّةٍ شهیداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

واژه «ثمّ» که برای ترتیب است، ممکن است بدین نکته اشاره داشته باشد که پس از اقامه شهود - و نه قبل از آن - دیگر کافران رخصت نمی یابند.

3- امتحان با مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 111 - 4

4- مهلت ها و امکانات دنیوی ، در جهت آزمایش انسان ها است .

وإن أدرى لعلّه فتنه لكم و متع إلى حين

4- بی تأثیری مهلت به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 59 - 9

9- هلاکت جوامع ، نتیجه تداوم یافتن ستم پیشگی آنان و سود نبردن از مُهلت ها است .

تلك القرى أهلكنهم لما ظلموا و جعلنا لمهلكهم موعدًا

5- پایان مهلت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 10

10- عذاب الهی در دنیا و یا فرارسیدن مرگ و قیامت ، پایان مهلت خداوند به گمراهان

حتّٰی إذا رأوا ما یوعدون إِمَّا العذاب و إِمَّا الساعه

«الساعه» در اغلب موارد استعمال در قرآن، به معنای «قیامت» است؛ ولی در این آیه چون سخن از پایان مهلت است و پایان مهلت نیز همان مرگ است، مراد از «الساعه» قیامت با تمام مقدمات آن خواهد بود.

6- تبیین سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 3

3- بیان سنت « استدراج » و « امهال » خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

قل من كان في الضلله

فعل «كان» - که برای دلالت بر استمرار است - حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

7- دلایل مهلت به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 102

3- تأثیر فزون تر وسوسه های شیطانی در مشرکان و افزایش گمراهی آنان بر اثر مهلت های الهی ، دلیل شتاب نورزیدن خداوند در عذاب آنان

فلا تعجل علیهم

«لا تعجل» به وسیله «فاء» بر آیات پیشین (نظیر «فلیمدد له الرحمن مدّاً» و «تؤزّهم أژاً») تفریع شده است؛ یعنی، حال که تأخیر عذاب مایه افزایش گمراهی مشرکان و فزونی فریب های شیطانی است، چه ضرورتی در تعجیل عذاب است؟ جمله «إنّما ..» نیز که تعلیل برای «فلا تعجل علیهم» است، همین نکته را تأکید می کند؛ زیرا بر انبوه تر شدن مدارک عذاب مشرکان دلالت دارد.

8- سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 183 - 1

1 - سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر املی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 7

7 - مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: «مدّ» (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: «مدّه فی غیه یعنی، امهله (او را مهلت داد).»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 4، 1

1 - امهال کفرمداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است .

و لو يعجل الله للناس الشر .. فنذر الذين لا يرجون لقاءنا

4- سنت خدا در رساندن خیر به مردم « تسریع » و در مجازات کردن آنان « امهال » است .

و لو يعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخير

برداشت فوق بر این اساس است که « هم » مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به « الله » و به تقدیر « مثل استعجاله لهم بالخير » باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 6

ص: 103

6- امهال جوامع شرک پیشه و تأخیر افتادن کیفر آنان به جهان آخرت، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا

و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

خداوند هنگام هبوط آدم و حوا به زمین، فرمود: «و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین؛ شما - خطاب به عموم انسانها و از جمله آدم و حواست - تا مدتی معین در زمین خواهید ماند و از نعمتهای آن بهره خواهید گرفت» (بقره / 36)؛ یعنی، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا این است که هر جامعه ای دارای مدت و زمانی معین است و پیش از فرارسیدن اجل، از میان نمی رود. جمله «و لولا کلمه سبقت من ربک» اشاره به این قانون دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 11

11- مهلت دادن به متخلفان از حق، از سنت های خداوند است .

و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 110 - 5

5- مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان، از سنت های خداوند است .

حتی إذا استئیس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امتهای و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده - زیرا «رسل» جمع و دارای الف و لام می باشد و شامل همه رسولان است - استفاده می شود که: مهلت دادن به تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای مستمر و از سنتهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 32 - 6

6- تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسل من قبلک فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده، از آن «سنت الهی بودن» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است .

ولا تحسبنّ الله غفلاً عمّا يعمل الظلمون إنما يؤخّره لهم ليوم تشخص فيه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

من كان في الضلله فليمدد له الرحمن مدياً

به کارگیری فعل امر (فليمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند؛ چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 24 - 5

5 - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمَتَّعَهُمْ قَلِيلاً ثُمَّ نَضَّزَّهُمْ

احتمال دارد «قلیلاً» صفت برای مفعول به «نمَّتَّعَ» باشد که «زماناً» است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: «به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 45 - 3

3 - مهلت خداوند به بندگان گنه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت ، از سنت های او است .

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهورها من دابة و لكن يؤخرهم إلى آج

مقصود از «أجل مسمی»، زمان مرگ انسان ها و آغاز عالم پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 45 - 13، 8

8 - سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم

13 - سنت امهال الهی ، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 14 - 13، 11

11 - مهلت خداوند ، به عوامل اختلاف و دسته بندی های دینی ، سنت الهی است .

و لولا كلمة سبقت من ربك ... لقضى بينهم

13 - سنت مهلت دادن خداوند به تفرقه افکنان در دین ، فلسفه تأخیر عذاب آنان

و لولا کلمه سبقت من ربک إلى أجل مسمی لقضی بینهم

14 - سنت امهال به کافران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 21 - 7

7 - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا کلمه الفصل لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 45 - 4

ص: 105

4- سنت الهی، بر عدم تعجیل، در کیفر کافران

فذرهم حتی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 1

1 - مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان، سنت الهی

سنستدرجهم... و املی لهم

9- عوامل مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 17 - 3

3 - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و اکید کیداً . فمهّل

برداشت یاد شده، از حرف «فاء» در «فمهّل» استفاده شده است؛ یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده؛ زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

10- غفلت از مهلت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 73 - 9

9 - بیشتر تبه کاران، غافل از مهلت های خداوند و روی گردان از هشدار های او

و یقولون متی هذا الوعد... قل عسی أن یکون ردف لکم... و لکن أكثرهم لایشکرون

با توجه به این که فضل الهی در آیه مورد بحث، ناظر به تأخیر عذاب مجرمان و مهلت دادن به آنان است، جمله «أكثرهم لایشکرون» بدین معنا خواهد بود که: بیشتر آنان از این لطف الهی، عبرت نمی گیرند و به حق روی نمی آورند.

11- فلسفه مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 178 - 5

5 - مهلت دادن خداوند به کافران ، تنها به جهت افزایش یافتن گناه آنان است .

اِنَّمَا نَمْلِيْ لَهُمْ لِيْزِدُوْا اٰثِمًا

ص: 106

12- فلسفه مهلت به ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 37 - 6

6- « و من خطبه له عليه السلام : . . . فقال سبحانه : اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبليس . . . فأعطاه الله النظره إستحقاقاً للسخطه و إستشماماً للبلية وإنجازاً للعهده فقال : « إنك من المنظرين إلى يوم الوقت المعلوم » . . . ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که ضمن خطبه ای فرمود: خدای سبحان فرمود: بر آدم سجده کنید؛ پس ملائکه سجده کردند مگر ابلیس . . . پس خدا به او مهلت عطا کرد تا استحقاق بیشتری برای سخط پیدا کند و آزمایش او تکمیل گردد و خدا به وعده خود وفا کند. پس فرمود: «إنک من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 38 - 6

6- « عن الحسن بن عطيه قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : ان إبليس عَبَدَ الله في السماء الرابعه في ركعتين سته آلاف سنه و كان من انظار الله إياه إلى يوم الوقت المعلوم بما سبق من تلك العباده ;

حسن بن عطیه گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: همانا ابلیس در آسمان چهارم با دو رکعت [نماز] شش هزار سال خدا را عبادت کرد و به خاطر همین عبادت، خدا او را تا روز وقت معین مهلت داد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 81 - 38 - 8

8- « و من خطبه له عليه السلام : . . . فقال سبحانه : اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبليس . . . فأعطاه الله النظره إستحقاقاً للسخطه و استتماماً للبلية وإنجازاً للعهده فقال : « إنك من المنظرين إلى يوم الوقت المعلوم » . . . ;

[در نهج البلاغه آمده است:] خدای سبحان فرمود: بر آدم (ع) سجده کنید: . . . پس ملائکه سجده کردند؛ مگر ابلیس . . . پس خدا به او مهلت داد تا استحقاق بیشتری برای سخط پیدا کند و آزمایش او تکمیل گردد و خدا به وعده خود وفا کند؛ پس فرمود: «إنک من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم».

13- فلسفه مهلت به اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 44 - 4

4 - خداوند ، به همه اقوام کافر و تکذیب گر ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت بردارند .

فَأَمَلِيتَ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ

«إملاء» (مصدر «أملیت») از «مَلُو» و به معنای فرصت دادن است؛ یعنی، آن اقوام تکذیب گر و کافر را فرصت دادم تا به خود بیایند و دست از مخالفت بردارند. آن گاه چون آنان از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و تکذیب خود اصرار ورزیدند، آنان را از میان برداشتم و نابودشان ساختم.

ص: 107

14- فلسفه مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 15

15 - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم آیته .. و ما ربک بغفل عمّا تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر «سیریکم آیاته» و «ما ربک بغافل..» می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

15- فلسفه مهلت به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 42 - 4

4 - تأخیر خداوند در انتقام گرفتن از حق گریزان ، مهلتی به ایشان و احترامی به وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فإنا نذهبنّ بک .. فإنا علیهم مقتدرون

از آیه قبل استفاده شد که اگر پیامبر رحلت کند، خداوند از مخالفان حق ستیز او انتقام خواهد گرفت. مفهوم این سخن آن است که حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) مانع تسریع در انتقام است؛ ولی این مانع، قطعی نیست و خداوند می تواند حتی در زمان حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مخالفان دین را مجازات کند.

16- فلسفه مهلت به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 61 - 12، 3

3- در صورت مورد مؤاخذه دنیوی قرار گرفتن ظالمان از سوی خداوند ، هیچ جنبنده ای بر روی زمین باقی نخواهد ماند .

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابّه

12- اجل مقرر داشتن انسان های ظالم ، دلیل به تعویق افتادن مؤاخذه و عقوبت آنان

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم... و لكن يؤخّرهم إلى أجل مسمّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 88 - 2

2- تعجیل نکردن ذوالقرنین در کیفر ظالمان کافر، مهلتی برای گرایش آنان به ایمان بود.*

أما من ظلم فسوف نعذبه... و أما من ءامن و عمل صالحاً فله جزاء الحسنی

مراد از «من ءامن و...» (هرکس ایمان بیاورد و...) کسانی اند که از ظلم و کفر، دست برداشته و ایمان آورند، نه آنان که هنگام ورود ذوالقرنین مؤمن بودند؛ زیرا، معنا ندارد که او، بین عذاب و یا رفتار نیک با مؤمنان مخیر باشد! بنابراین، درنگ ذوالقرنین در عذاب ظالمان (سوف نعذبه) ایجاد فرصتی برای تغییر رویه آنان بوده است.

ص: 108

17- فلسفه مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 88 - 2

2- تعجیل نکردن ذوالقرنین در کیفر ظالمان کافر ، مهلتی برای گرایش آنان به ایمان بود . *

أما من ظلم فسوف نعذبه . . . و أما من ءامن وعمل صالحاً فله جزاء الحسنی

مراد از «من ءامن و . . .» (هرکس ایمان بیاورد و . . .) کسانی اند که از ظلم و کفر، دست برداشته و ایمان آورند، نه آنان که هنگام ورود ذوالقرنین مؤمن بودند؛ زیرا، معنا ندارد که او، بین عذاب و یا رفتار نیک با مؤمنان مخیر باشد! بنابراین، درنگ ذوالقرنین در عذاب ظالمان (سوف نعذبه) ایجاد فرصتی برای تغییر رویه آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 4

4 - نزول آیات در باره فلسفه مهلت دهی به کافران ، موجب تسلی خاطر و صبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر فشار های تبلیغاتی کافران

و لولا کلمه سبقت . . فاصبر علی ما یقولون

«فاصبر» عطف و تفریع بر آیه قبل است؛ یعنی، حال که تأخیر عذاب از سر اهمال نیست بلکه امری قانون مند است، بنابراین تحمل کن. در این مجموعه، خداوند با بیان فلسفه امهال و سنت های حاکم بر تاریخ، زمینه تسلی خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان را فراهم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 44 - 4

4 - خداوند ، به همه اقوام کافر و تکذیب گر ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت بردارند .

فأملیت للكفرین ثم أخذتهم

«إملاء» (مصدر «أملیت») از «ملو» و به معنای فرصت دادن است؛ یعنی، آن اقوام تکذیب گر و کافر را فرصت دادم تا به خود بیایند و دست از مخالفت بردارند. آن گاه چون آنان از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و تکذیب خود اصرار ورزیدند، آنان را از میان برداشتم و نابودشان ساختم.

6 - بقای نسل انسان و تداوم حیات زندگان در کره زمین ، فلسفه به تأخیر افتادن کیفر گناه کاران و کافران تا قیامت

و لو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخرهم إلی آج

11 - مهلت دادن به کافران و گنه کاران و به تأخیر انداختن مجازات آنان ، کاری عالمانه و برخاسته از آگاهی دقیق خداوند به احوال و مصالح بندگان

و لکن یؤخرهم إلی أجل مسمّی فإذا جاء أجلهم فإنّ الله کان بعباده بصیراً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که «فإنّ الله کان..» در مقام تعلیل برای جمله پیش (و لکن یؤخرهم...) می باشد؛ یعنی، چون خداوند به احوال بندگان آگاه است؛ از این رو مجازات آنان را تا زمان معین به تأخیر انداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 5

5 - مهلت الهی به کافران و مشرکان ، برای اتمام حجت بر آنان

بل متعت هؤلاء و ابااءهم حتی جاءهم الحق

18- فلسفه مهلت به کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 159 - 5

5 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام ، معلول لطف و رحمت او بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما كان اكثرهم مؤمنين . و إنّ ربك لهُو العزيز الرحيم

یادآوری سرگذشت ثمودیان، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و از سوی دیگر هشدار به اکثریت مشرکان لجوج و مصمم بر کفر است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

19- فلسفه مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 4 - 3

3- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ؛ بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما یوّد الذین کفروا لو كانوا مسلمین. ذرهم ... فسوف یعلمون. و ما أهلکنا من قریه

ذکر این آیه، پس از تهدید «فسوف یعلمون» احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر «ذرهم یا کفروا...» چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

20- فلسفه مهلت به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- هدف از مهلت به گمراهان و ترک عذاب دنیوی آنان ، افزایش ضلالت آنها است .

من كان في الضلله فليمدد له الرحمن مدًّا

تقابل این آیه با آیه بعد - که در باره هدایت یافتگان است - گویای برداشت یاد شده است. در آن آیه آمده که «هدایت افزایش می یابد» و در این آیه آمده است که «به گمراهان مهلت می دهیم». قرینه بودن هر آیه برای دیگری، نتیجه می دهد که به هر دو فرقه فرصت داده می شود تا هدایت راه یافتگان و ضلالت گمراهان افزایش یابد. این گونه بیان را «فن

ص: 110

21- فلسفه مهلت به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 45 - 11، 6

6 - بقای نسل انسان و تداوم حیات زندگان در کره زمین ، فلسفه به تأخیر افتادن کیفر گناه کاران و کافران تا قیامت

و لو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهام إلی أّج

11 - مهلت دادن به کافران و گنه کاران و به تأخیر انداختن مجازات آنان ، کاری عالمانه و برخاسته از آگاهی دقیق خداوند به احوال و مصالح بندگان

و لکن یؤخّرهام إلی أّجل مسمّی فاذا جاء أّجلهم فإنّ الله کان بعباده بصیراً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که «فإنّ الله کان..» در مقام تعلیل برای جمله پیش (و لکن یؤخّرهام...) می باشد؛ یعنی، چون خداوند به احوال بندگان آگاه است؛ از این رو مجازات آنان را تا زمان معین به تأخیر انداخته است.

22- فلسفه مهلت به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 5

5 - مهلت الهی به کافران و مشرکان ، برای اتمام حجت بر آنان

بل متّعت هؤلاء وءاباءهم حتّی جاءهم الحقّ

23- فلسفه مهلت به مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 48 - 4

4 - تأخیر در عذابِ شرک پیشگان عصر بعثت ، فرصتی بود تا شاید آنان بیدار شوند و به اسلام بگردند .

و یستعجلونک بالعذاب . . . و کأّین من قریه أّملیت لها

24- فلسفه مهلت به مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 44 - 4

4 - خداوند ، به همه اقوام کافر و تکذیب گر ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت بردارند .

فَأَمَلِيتَ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ

ص: 111

«إملاء» (مصدر «أملیت») از «مَلُو» و به معنای فرصت دادن است؛ یعنی، آن اقوام تکذیب گر و کافر را فرصت دادم تا به خود بیایند و دست از مخالفت بردارند. آن گاه چون آنان از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و تکذیب خود اصرار ورزیدند، آنان را از میان برداشتم و نابودشان ساختم.

25- فلسفه مهلت به مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 2

2 - مهلت دادن به تکذیب گران ، در راستای سقوط تدریجی آنان است ؛ نه در جهت منافع آنان

سنستدرجهم... و اُملی لهم

عبارت «اُملی لهم» تأکید و بیان دیگری برای مسأله سقوط تدریجی کافران است؛ یعنی، ما به آنان مهلت دادیم تا سقوط تدریجی آنان تحقق یابد.

26- فلسفه مهلت به مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 2

2 - مهلت دادن به تکذیب گران ، در راستای سقوط تدریجی آنان است ؛ نه در جهت منافع آنان

سنستدرجهم... و اُملی لهم

عبارت «اُملی لهم» تأکید و بیان دیگری برای مسأله سقوط تدریجی کافران است؛ یعنی، ما به آنان مهلت دادیم تا سقوط تدریجی آنان تحقق یابد.

27- فلسفه مهلت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 61 - 3

3- در صورت مورد مؤاخذه دنیوی قرار گرفتن ظالمان از سوی خداوند ، هیچ جنبنده ای بر روی زمین باقی نخواهد ماند .

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك علیها من دابة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 48 - 3

3 - خداوند ، به هر جامعه بی دادگری ، پیش از نزول عذاب ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت و مبارزه با پیامبرشان بردارند .

و کأین من قریه أملیت لها و هی ظالمة ثم أخذتها

ص: 112

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 45 - 2, 1

1 - در صورت مؤاخذه شدن مردم در دنیا از سوی خداوند ، هیچ جنبنده ای در سطح زمین باقی نخواهد ماند .

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهرها من دابة

2 - در صورت مؤاخذه شدن مردم در دنیا از سوی خداوند ، هیچ انسانی - چه خوب و چه بد - در سطح زمین باقی نخواهد ماند .

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهرها من دابة

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از «دابه» انسان ها باشد؛ زیرا مجازات و کیفر مربوط به آنان است. گفتنی است جمله «و لكن يؤخّرهم...» - که در آن ضمیر جمع به «الناس» بازمی گردد - تأییدکننده همین مطلب است.

28- کمی مهلت به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 84 - 6

6- مهلت خداوند به مشرکان ، - هرچند طولانی باشد - مهلتی اندک و ناچیز است .

إِنَّمَا نَعِدُّ لَهُمْ عَذَابًا

فعل «نعدّ» (شمارش می کنیم) حاوی معنای تقلیل است ؛ زیرا نوعاً چیز اندک قابل شمارش است. این تعبیر پس از آن که جمله «فلیمدد له الرحمن مدداً» (در آیات پیشین) بر طولانی ساختن مدت دلالت داشت؛ حاکی از اندک بودن تمام عمر، در مقایسه با عاقبت انسان و جهان آخرت است.

29- ماههای مهلت به مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 14

14 - از امیرالمؤمنین (ع) درباره قول خدای عز و جل «فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر» روایت شده است : «هی عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الاول و عشر من ربیع الآخر ...» ؛

آن چهار ماه، بیست روز از آخر ذیحجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز اول ربیع الآخر است . . .» .

30- محدوده مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 32 - 10

10- مهلت الهی به کافران ستیزه جوی ، مهلتی محدود و زودگذر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ... سَيَحْبُطُ أَعْمَلَهُمْ

در صورتی که حبط عمل به معنای خنثی سازی توطئه ها باشد؛ سین در «سیحبط» زودرسی این وعده را افاده می کند.

ص: 113

31- مدت مهلت به ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 81 - 1,3,9

1 - مهلت خواهی ابلیس برای تداوم حیانتش تا روز رستاخیز ، تنها تا روز معین و مشخصی ، مورد اجابت قرار گرفت .

من المنظرین . إلى يوم الوقت المعلوم

3 - خداوند ، به ابلیس تا پایان عمر جهان و انسان ، مهلت داد و به او عمر طولانی بخشید .

من المنظرین . إلى يوم الوقت المعلوم

بسیاری از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از «یوم» مطلق زمان است - نه روز - و مراد از «الوقت المعلوم» نفخه اولی می باشد که با آن عمر جهان و انسان به سر می رسد. بر پایه این دیدگاه نام گذاری آن به «وقت معلوم»، برای این است که تنها خدا زمان دقیق آن را می داند.

9 - « یحیی بن ابی العلاء . . . ان رجلاً دخل علی ابی عبدالله (ع) فقال : أخبرنی عن قول اللّٰه عزّوجلّ لابلیس «فإنّک من المنظرین . إلى يوم الوقت المعلوم» قال : . . . و يوم الوقت المعلوم یوم ینفخ فی الصور نفخه واحده فیموت ابلیس ما بین النفخه الأولى و الثانیه ;

یحیی بن ابی العلاء روایت کرده است: شخصی بر امام صادق(ع) وارد شد و گفت: مرا از سخن خدای عزّوجلّ که به ابلیس فرمود: «فإنّک من المنظرین . إلى يوم الوقت المعلوم» خبر ده؛ حضرت فرمود: مراد از وقت معلوم، روزی است که یک بار در صور دمیده می شود، پس ابلیس بین دمیدن اول و دوم می میرد...».

32- مدت مهلت به مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 15

15 - از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: « خطب علی (ع) الناس . . . فقال : . . . من کانت له مده فهو إلى مدته و من لم یکن له مده فمدته أربعة أشهر و کان خطب یوم النحر . . . ;

علی (ع) [هنگام اعلام براءت] برای مردم سخنرانی کرد. .. و فرمود: ... هر کس برای او مدت تعیین شده تا همان مدت، و کسی که برای او مدت تعیین نشده تا چهار ماه مهلت دارد و این سخنرانی روز عید قربان بود ... ».

33- منشأ مهلت به حق ستیزان

5 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام ، به خاطر رحمت و لطف او بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلّی بخش خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نیز هشدار است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب

بر

آنان، نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 140 - 5

5 - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ، معلول رحمت و لطف او است ؛ نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) و از سوی دیگر هشدار است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 175 - 4

4 - مهلت خدا به کافران و حق ستیزان صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او بود ؛ نه برخاسته از ناتوانی .

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یاد آوری سرگذشت قوم لوط، از یک سو تسلی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) است و از سوی دیگر هشدار است به شرک پیشگان صدر اسلام است که اگر بر آنان عذاب نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 191 - 4

4 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او است ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یادکرد سرگذشت شعیب(ع) و مردم ایکه، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) می باشد و از سوی دیگر هشدار است به شرک پیشگان حق ستیز مکه است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

34- منشأ مهلت به حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 122 - 5

5 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام، معلول رحمت و لطف وی بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او.

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهُوَ العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از سوی دیگر هشدار بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده؛ نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد،

ص: 115

عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

35- منشأ مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 6

6 - مهلت یافتن کافران در دنیا، ناشی از رحمت خدا است و نه معلول عجز او از مکافات .

فسیأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون . . . و إن ربك لهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

تأکید بر شکست ناپذیری و رحمت خدا، پس از تهدید کافران به عذاب اخروی (فسیأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون) می تواند بیانگر این حقیقت باشد که تأخیر عذاب کافران در دنیا، به خاطر ناتوانی خدا نیست؛ بلکه رحمت و مهر او سبب شده است تا آنان را مهلت دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 140 - 5

5 - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان، معلول رحمت و لطف او است؛ نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إن ربك لهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از سوی دیگر هشدار است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 191 - 4

4 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام و تأخیر در مجازات آنان، معلول رحمت او است؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إن ربك لهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یادکرد سرگذشت شعیب (ع) و مردم ایکه، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد و از سوی دیگر هشدار به شرک پیشگان حق ستیز مکه است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - تأخیر عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان ، ناشی از فضل و رحمت الهی

و يقولون متى هذا الوعد . . . و إن ربك لذو فضل على الناس

این آیه در ادامه آیات قبل و بیانگر حکمت تأخیر انداخته شدن عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 116

7- مهلت یافتن کافران در دنیا، معلول حکمت و مصلحت سنجی خداوند است؛ نه عجز و ناتوانی او.

وهو العزيز الحكيم... ولولا أن كتب الله عليهم الجلاء لعذبهم في الدنيا

36- منشأ مهلت به کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 68 - 5

5- مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام، به خاطر رحمت و لطف او بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی.

وما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلّی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) و نیز هشدار است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان، نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریز ناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 104 - 5

5- مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام، ناشی از رحمت و لطف او بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی وی.

وما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و فرجام اخروی مشرکان، هشدار است به شرک پیشگان صدر اسلام که اگر بر آنان عذاب نازل نمی شود، نه از ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمت او بر مردمان است و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریز ناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 122 - 5

5- مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام، معلول رحمت و لطف وی بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او.

وما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) و از سوی دیگر هشدار بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده؛ نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 175 - 4

4 - مهلت خدا به کافران و حق ستیزان صدر اسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او بود ؛ نه برخاسته از ناتوانی .

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهُوَ العزیز الرحیم

یاد آوری سرگذشت قوم لوط، از یک سو تسلی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) است و از سوی دیگر هشدار به شرک پیشگان صدر اسلام است که اگر بر آنان عذاب نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون

ص: 117

زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

37- منشأ مهلت به مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 74 - 2

2 - تأخیر کیفر مجرمان و اعطای مهلت به آنان، ناشی از فضل و رحمت الهی است نه معلول نا آگاهی او به اسرار و اعمال زشت آنها.

و يقولون متى هذا الوعد. .. وإن ربك لذو فضل... وإن ربك ليعلم

از ارتباط این آیه با دو آیه پیشین، استفاده می شود که نازل نشدن عذاب بر کافران، نتیجه فضل خدا است؛ نه این که او از سخنان گستاخانه و تعجیل آنان در عذاب بی اطلاع بوده است.

38- منشأ مهلت به مکذبان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 48 - 7

7 - موضع گیری تکذیب گران در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهلت دهی خداوند به آنان و تأخیر در مجازات آنان، قضای الهی و مقتضای ربوبیت او است.

و اصبر لحکم ربک

«حکم» به معنای قضا است. مفسران با توجه به ارتباط آیه با آیات پیشین، بر آنند که مراد از «لحکم ربک» قضای الهی درباره تکذیب کنندگان و افعال آنان است.

39- مهلت از مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 13 - 10، 8

8 - مهلت خواهی منافقان از مؤمنان در قیامت، برای برگرفتن مقداری از نور ایشان

یوم یقول المنفقون .. انظرونا نقتبس من نورکم

ماده «نظر» هرگاه بدون واسطه متعدی شود، به معنای انتظار کشیدن و مهلت دادن خواهد بود. بنابراین «انظرونا»؛ یعنی، انتظار ما را بکشید

و ما را مهلت دهید. «قبس» (مبدأ اشتقاق «نقتبس») به شعله ای از یک آتش گفته می شود. بنابراین «نقتبس من نورکم»؛ یعنی، تا شعله ای از نور شما برگیریم.

10 - پاسخ استهزاآمیز فرشتگان به منافقان در قیامت، در قبال مهلت خواهی آنان از مؤمنان برای کسب نور

یوم یقول المنفقون .. نقتبس من نورکم قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

امر در «ارجعوا ورائکم» امر تهکمی و استهزایی است؛ زیرا در پشت سر منافقان نوری وجود ندارد تا آنان برگردند و از آن بگیرند. گفتنی است که در این که گوینده «ارجعوا ورائکم» کیست، چند دیدگاه وجود دارد. آنچه در برداشت بالا آمده،

ص: 118

منطبق با یکی از آنها است.

40- مهلت به اختلاف افکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 14 - 13، 11

11 - مهلت خداوند ، به عوامل اختلاف و دسته بندی های دینی ، سنت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربک . . . لقضی بینهم

13 - سنت مهلت دادن خداوند به تفرقه افکنان در دین ، فلسفه تأخیر عذاب آنان

و لولا کلمه سبقت من ربک إلى أجل مسمی لقضی بینهم

41- مهلت به استهزاگران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 32 - 5، 4

4- خداوند کفرپیشگان و استهزا کنندگان پیامبران را مهلت می داد و فوراً آنان را عذاب نمی کرد .

فأملیت للذین کفروا

املاء (مصدر أملیت) به معنای مهلت دادن ، به تأخیر انداختن و طولانی کردن عمر است.

5- خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی ، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت .

فأملیت . . . ثم أخذتهم فکیف کان عقاب

42- مهلت به امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 48 - 3

3 - خداوند ، به هر جامعه بی دادگری ، پیش از نزول عذاب ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت و مبارزه با پیامبرشان

بردارند .

و کأئن من قریه أملت لها و هی ظالمه ثم أخذتها

43- مهلت به امت های کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 110 - 5

5- مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان ، از سنت های خداوند است .

ص: 119

حتیٰ إذا استئیس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امته‌ها و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده - زیرا «رسل» جمع و دارای الف و لام می باشد و شامل همه رسولان است - استفاده می شود که: مهلت دادن به تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای مستمر و از سنتهای خداوند است.

44- مهلت به بدگویان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 11 - 6

6 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز رسالت ، مبنی بر دادن مهلتی اندک به تکذیب گران و بدگویان دین ستیز

و اصبر علی ما یقولون . . . و ذرنی و المکذبین . . . و مهلهم قلیلاً

45- مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 77 - 6

6 - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإنما نرینک بعض الذی نعدهم أو تتوفینک فإلینا یرجعون

46- مهلت به خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 76 - 3

3- مهلت دادن به خطاکاران و فراموش کاران تا سه مرتبه ، امری روا است .

قال إن سألتک عن شیء بعدها فلا تصحبنی

موسی(ع) در صورت تکرار ناشکیبایی برای بار سوم و عمل بر خلاف توصیه خضر، خود را مستحق جدایی و محرومیت از مصاحبت خضر(ع) دانست. بنابراین، می توان گفت که تا سه مرتبه مهلت دادن به افراد، کاری قابل قبول است.

47- مهلت به دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 2

2 - لزوم دادن فرصت مناسب به دشمنان پیمان شکن ، برای توبه و بازگشت به دامن اسلام ، پیش از جنگ با آنان

ص: 120

براه من الله ورسوله... فسيحوا في الارض اربعة أشهر

48- مهلت به دشمنان دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 46 - 3

3 - مشركان ، كافران و دين ستيزان ، چون از بازگشت به سوي خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم مفری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نبايد نگران کننده باشد .

وإما نرينك بعض الذي نعدهم أو نتوفينك فإلينا مرجعهم

49- مهلت به دين ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - مزمل - 73 - 11 - 6

6 - توصيه خداوند به پيامبر (صلى الله عليه و آله) در آغاز رسالت ، مبنی بر دادن مهلتی اندک به تکذيب گران و بدگويان دين ستيز

و اصبر على ما يقولون... و ذرى و المكدنين... و مهلهم قليلاً

50- مهلت به طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 15 - 7

7 - مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغيانگران از سنت های الهی است .

و يمدهم في طغيانهم يعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: «مدّ» (مصدر يمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: «مدّه في غيه يعنى، امهله (او را مهلت داد).»

51- مهلت به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 133 - 11

11 - بی نیازی و رحمت خداوند موجب امهال به جوامع کفر و ستم پیشه و نابود ساختن آنان است.

و ربک الغنی ذو الرحمه إن یشأ یدهبکم و یتخلف من بعدکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 121

5- تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است .

و لا تحسبنّ الله غفلاً عمّا يعمل الظلمون إنما يؤخّرهام لیوم تشخص فیہ الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 61 - 14، 9، 1

1- خداوند ، به انسان های ظالم مهلت می دهد و آنها را در قبال کار خلافشان بلافاصله به هلاکت نمی رساند .

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابّه و لکن یؤخّرهام إلى أجل مسمّی

مراد از «ظلم» با توجه به معنای آن - که قرار دادن اشیاء در غیر جایگاه مناسب خود است - هر عمل خطا و ناشایستی می باشد.

9- عفو موقت و تأخیر در مؤاخذة و عقوبت ظالمان ، به معنای رها کردن همیشگی آنان نیست .

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابّه و لکن یؤخّرهام إلى أجل مسمّی

14- مصلحت بقای حیات در زمین ، مهمتر از مصلحت عقوبت دنیوی ظالمان

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابّه و لکن یؤخّرهام إلى أجل مسمّی

52- مهلت به فراموشکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 76 - 3

3- مهلت دادن به خطاکاران و فراموش کاران تا سه مرتبه ، امری روا است .

قال إن سألتک عن شیء بعدھا فلا تصحبنی

موسی(ع) در صورت تکرار ناشکیبایی برای بار سوم و عمل بر خلاف توصیه خضر، خود را مستحق جدایی و محرومیت از مصاحبت خضر(ع) دانست. بنابراین، می توان گفت که تا سه مرتبه مهلت دادن به افراد، کاری قابل قبول است.

53- مهلت به فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - خداوند با برطرف سازی عذاب از فرعونیان برای وفای آنان به عهد های خویش مهلتی را تعیین کرد .

فلما كشفنا عنهم الرجز إلى أجل

«إلى أجل» متعلق به «كشفنا» است ؛ یعنی ما عذاب را برطرف کردیم، ولی نه برای همیشه، بلکه برای مدتی محدود. گفتنی است که متعلق شدن «إلى أجل» به «كشفنا» به اعتبار استمرار کشف است نه تحقق آن ؛ زیرا تحقق کشف عذاب دارای مهلت نبوده است.

7 - مهلت مقرر شده برای فرعونیان ، مهلتی محدود که عموم آنان به پایان آن مهلت می رسیدند .

فلما كشفنا عنهم الرجز إلى أجل هم بلغوه

جمله «هم بلغوه» (آنان به پایان آن مهلت می رسیدند)، توصیفی است برای «أجل» و دلالت می کند که آن مهلت تعیین

شده آن مقدار بود که فرعونیان (همه و یا عموم آنان) تا پایان آن مهلت زنده می ماندند. یعنی آنقدر طولانی نبود که نسل موجود با مرگ طبیعی بمیرند.

54- مهلت به قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 65 - 3

3- قوم ثمود، پس از کشتن ناقه صالح، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند.

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه ایام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 66 - 1

1- قوم ثمود، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند.

فلما جاء امرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 43 - 2,3

2- اتمام حجت خداوند بر قوم ثمود، با اعطای مهلتی محدود به ایشان

قیل لهم تمتعوا حتی حین

3 - ثمودیان، مجاز به بهره برداری از امکانات زندگی در مدت مهلت داده شده

قیل لهم تمتعوا حتی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 26 - 3

3- مجازات الهی برای قوم ثمود، از پی اعطای فرصت به ایشان

مراد از «غداً»، آینده و فرصتی است که به ثمودیان داده شده است؛ نه روزی که از پس امروز می آید.

55- مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 178 - 16، 13، 11، 5، 2، 1

1 - هشدار خداوند به کافران، بر اینکه مهلت یافتن آنان به سودشان نیست.

و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم نملي لهم خيراً لانفسهم

«املاء» از ماده «ملو»، به معنای مهلت دادن است و مراد از آن، تأخیر در عذاب کافران با طولانی شدن مدت عمر و بهره

ص: 123

گیریشان از مواهب دنیا است.

2- کافران، مهلت یافتن در دنیا را، خیر و نیک و به سود خویش می پندارند.

و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يفتنوا ولا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يفتنوا ولا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يفتنوا ولا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يفتنوا

5- مهلت دادن خداوند به کافران، تنها به جهت افزایش یافتن گناه آنان است.

انّما نملى لهم ليزدادوا اثماً

11- مهلت خداوند به کافران، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يفتنوا ولا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يفتنوا ولا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يفتنوا

«اثم»، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت بازمی دارد. (مفردات راغب).

13- مهلت یافتن کافران در دنیا (امهال)، زمینه ساز خواری و ذلت آنها در آخرت

انّما نملى لهم ليزدادوا اثماً و لهم عذاب مهين

16- مهلت یافتن و عمر طولانی کافران، گویای عزت و قرب آنان در نزد خدا نیست.

انّما نملى لهم ليزدادوا اثماً و لهم عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 133 - 3

3- مهلت دهی خداوند به کافران، ناشی از مشیت وی و نه ناتوانی و عجز او

ان يشأ يذهبكم . . . و كان الله على ذلك قديراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 8 - 3,5

3- هلاکت فوری کافران و پایان مهلت آنان، در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لو أنزلنا ملكاً لقضى الأمر ثم لا ينظرون

5- پایان یافتن مهلت کافران در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ولو أنزلنا ملكا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

قطع مهلت کافران با نزول محسوس فرشته که مفاد جمله «لقضى الأمر» و «ثم لا ينظرون» است، بر این نکته دلالت دارد که تا قبل از نزول چنین آیاتی، کفار از مهلت الهی برخوردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 6

6 - خداوند در عین قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، به آنان مهلت می دهد.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم

چون در آیات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشرکان در این زمینه بود، این آیه با بیان قدرت خداوند بر عذاب به طور ضمنی دلالت بر مهلت دادن به مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 133 - 11

11 - بی نیازی و رحمت خداوند موجب امهال به جوامع کفر و ستم پیشه و نابود ساختن آنان است.

ص: 124

و ربك الغنى ذو الرحمه إن يشأ يذهبكم و يستخلف من بعدكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 183 - 5,1

1 - سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر أملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

5 - امهال خداوند به کفرپیشگان تکذیب کننده ، زمینه ساز افزایش عذاب آنان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

چون امهال به عنوان «کید» مطرح شده است، معلوم می شود مهلت دادن در اینجا برای افزون شدن عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 1

1 - امهال کفرمداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است .

و لو یعجل الله للناس الشر . . . فنذر الذین لایرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 46 - 3

3 - مشرکان ، کافران و دین ستیزان ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم مفری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نباید نگران کننده باشد .

و إما نرینک بعض الذی نعدهم أو نتوفینک فإلینا مرجعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 32 - 6,4,5

4- خداوند کفرپیشگان و استهزا کنندگان پیامبران را مهلت می داد و فوراً آنان را عذاب نمی کرد .

فأملیت للذین کفروا

املاء (مصدر أملیت) به معنای مهلت دادن ، به تأخیر انداختن و طولانی کردن عمر است.

5- خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی ، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت .

فأملیت .. ثم أخذتهم فکیف کان عقاب

6- تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسلاً من قبلک فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده ، از آن «سنت الهی بودن» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 2,4

2- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

ص: 125

من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مدًّا

به کارگیری فعل امر (فلیمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند؛ چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

4- مهلت خداوند به کافران و گمراهان، جلوه ای از رحمت گسترده او است .

فلیمدد له الرحمن مدًّا

«رحمان»؛ یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 83 - 8

8- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی، نمودی از «استدراج» و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدًّا .. ألم تر أننا أرسلنا الشيطان

این آیه با آیه «من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مدًّا» - که بیانگر سنت «امهال» بود - در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت «فلیمدد.. مدًّا» است که همان «امهال» و «استدراج» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 129 - 10

10 - خداوند، زندگانی دنیا را عرصه مؤاخذه فوری همه کافران قرار نداده است .

ولولا .. أجل مسمي

سنت خداوند - که «لولا کلمه..» بر آن دلالت دارد - این نیست که خداوند هیچ مخالفی را هلاک نکند؛ بلکه سنت او این است که تمامی آنان را نابود نسازد؛ زیرا اگر بنا بود هر کافری نابود گردد، نسل بشر در خطر انقراض قرار می گرفت و تا «أجل مسمي» ادامه نمی یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 44 - 8

8 - مهلت دادن به کافران حق ستیز و سپس هلاک ساختن آنها، سنت الهی در طول تاریخ

فقد كذبت قبلهم .. فأمليت للكافرين ثم أخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 82 - 9

9 - ارائه معجزه ای سترگ ، اعطای فرصتی از سوی خداوند به کافران برای گرایش به ایمان

و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم

ارائه معجزه به یک معنا اعطای فرصت به کافران است تا آن دسته ای که زمینه ایمان آوردن دارند، از این فرصت استفاده کرده و ایمان آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 9

9 - مشرکان ، به رغم کفران نعمت های الهی ، از آن نعمت ها ، برخوردار می شوند و مهلت زندگی می یابند .

ص: 126

فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 24 - 5

5 - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نَمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ

احتمال دارد «قلیلاً» صفت برای مفعول به «نمَّتَّعَ» باشد که «زماناً» است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: «به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 77 - 6

6 - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فَإِنَّا نَرِيكَ بِعَظْمِ الذِّبْنِ نَعْدَهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيْكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 45 - 7,8

7 - مهلت دادن به کافران در دنیا ، از سنت های الهی است .

و لَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ

8 - سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 14 - 14

14 - سنت امهال به کافران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا كلمه سبقت من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 16 - 2

2- انتقام اصلی خداوند از کفر پیشگان ، موکول به روز قیامت

یوم نبطش البطشه الكبرى إنا منتقمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 15

15- مهلت خداوند به کافران ، ناشی از غفران و رحمت او است ؛ نه جهل و ناتوانی او .

فلا تملکون . . . هو أعلم . . . و هو الغفور الرحیم

تعبیر «و هو الغفور الرحیم» در پی تهدید کافران، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد. بدین معنا که خداوند، قادر است

ص: 127

کافران را کیفر دهد؛ اما آن را به تأخیر انداخته، تا مگر بنده ای استغفار نموده و رو به سوی حق آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 59 - 9

9 - مجازات الهی در حق کافران، در پی مهلت ها و دارای زمان و برنامه ای خاص

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا... فلا يستعجلون

تعبیر «فلا يستعجلون» می رساند که خداوند در مجازات کافران عجله ندارد؛ بلکه براساس مصلحت به ایشان مهلت داده و طبق برنامه و زمانی خاص آن را به اجرا در می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 45 - 4

4 - سنت الهی، بر عدم تعجیل، در کیفر کافران

فذرهم حتى يلقوا يومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 3 - 6

6 - کافران مهلت یافته در دنیا، ناگزیر از چشیدن عذاب آتش، در آخرت اند.

و لولا أن... لعذبهم في الدنيا و لهم في الآخرة عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 48 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور صبر و شکیبایی در مدت مهلت یافتن کافران تکذیب گر و به تأخیر افتادن نصرت و پیروزی مسلمانان بر آنان

و أُملي لهم... فاصبر لحکم ربک

به گفته مفسران، آیه شریفه اشاره به مسأله مهلت یافتن مشرکان است که در آیه پیش ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 17 - 4,5

4 - خداوند در کیفر کافران ، شتاب نمیورزد و به آنان مهلت می دهد .

وَأَكِيدُ كَيْدًا . فَمَهَّلَ الْكَافِرِينَ

5 - مهلت دادن به کافران ، نمونه ای از مکر خداوند با آنان است .

وَأَكِيدُ كَيْدًا . فَمَهَّلَ الْكَافِرِينَ

56- مهلت به کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 128

7 - مهلت خداوند به کافران و گمراهان عصر بعثت، مرتبط با عنایت ویژه او نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

رَبِّكَ

اضافه شدن نام مقدس «رَبِّ» به ضمیری که خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، می تواند به نقش عنایت خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تأخیر عذاب و مهلت به کافران اشاره داشته باشد؛ چنان که در سوره ای دیگر فرموده است: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ».

57- مهلت به کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 17 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلَهُمْ رَوَيْدًا

«مَهِّلُ» و «أَمْهَلُ» به یک معنا است؛ گرچه برخی گفته اند: «مَهِّلُ» فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدریجی است و «أَمْهَلُ» فرمان به یک مهلت. تکرار فرمان با دو لفظ متفاوت - به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید - تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه «رَوَيْدًا» ممکن است، تصغیر «رَوْدُ» (مهلت دادن) باشد؛ یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای «أَمْهَلُ» باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

58- مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 6

6- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه، مبنی بر نزول ملائکه، مهلت دادن به آنان و جلوگیری از نینداختن اجلسان است.

مَا تَسْبِقُ مِنْ أَمْرِ أَجْلَهَا .. مَا نَنْزِلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَا كَانُوا إِذَا مِنْظَرِينَ

59- مهلت به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 7

7 - مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: «مدّ» (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: «مده فی غیه یعنی، امهله (او را مهلت داد).»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 129

1- مهلت دهی خداوند، به ماندگان در وادی گمراهی و عدم تعجیل در عذاب آنها

قل من كان في الضلله فليمدد له الرحمن مَدًّا

«لیمدد» فعل امر از «مَدَّ» است و «مَدَّ له»؛ یعنی، او را رها ساخت و به وی مهلت داد (لسان العرب). گفتنی است که این معنا، مصداق معنای اصلی «مَدَّ» است که کشاندن چیزی در ناحیه طول آن می باشد. در آیه مورد بحث مقصود، مهلت خداوند به کافران و پایان ندادن کار آنها با عذاب است.

2- مهلت به گمراهان و کافران، سنت خداوند است.

من كان في الضلله فليمدد له الرحمن مَدًّا

به کارگیری فعل امر (فلیمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند؛ چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

4- مهلت خداوند به کافران و گمراهان، جلوه ای از رحمت گسترده او است.

فليمدد له الرحمن مَدًّا

«رحمان»؛ یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

15- تأخیر عذاب دنیوی از زمان استحقاق آن، مهلت خداوند به گمراهان است.

من كان في الضلله فليمدد . . . حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب

16- تأخیر یافتن زمان عذاب برخی از گمراهان تا آخرت و ترک عذاب آنان در دنیا، مهلت خداوند به آنان است.

فليمدد له الرحمن مَدًّا حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 41 - 2

2- وجود پیامبر در جامعه، مهلتی به گمراهان برای حق شنوی و مایه تأخیر انتقام الهی از ایشان

فإمّا نذهبنّ بک فإنّا منهم منتقمون

60- مهلت به گمراهان صدر اسلام

7 - مهلت خداوند به کافران و گمراهان عصر بعثت ، مرتبط با عنایت ویژه او نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

رَبِّكَ

اضافه شدن نام مقدس «رَبِّ» به ضمیری که خطاب به پیامبر(صلی الله علیه و آله) است، می تواند به نقش عنایت خداوند به پیامبر(صلی الله علیه و آله) در تأخیر عذاب و مهلت به کافران اشاره داشته باشد؛ چنان که در سوره ای دیگر فرموده است: «و ما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم».

61- مهلت به گناهکاران

6- مهلت یافتن گنه کاران و تأخیر مجازات ایشان ، به معنای ایمنی ابدی آنان از کیفر نیست .

لو یؤاخذهم . . . بل لهم موعد لن يجدوا من دونه مؤثلاً

7- اعطای مهلت از سوی خداوند به گنه کاران ، برای روی آوری به توبه ، جلوه ربوبیت الهی است .

و ربك الغفور ذوالرحمة لو یؤاخذهم بما كسبوا لعجل لهم العذاب بل لهم موعد

یادآوری رحمت و غفران خداوند، در ضمن آیاتی که نشان دهنده حال هدایت ناپذیران و عذاب حتمی آنان است، دربردارنده این پیام نیز هست که در هر صورت، راه بازگشت، مسدود نشده و مجرم، می تواند به سوی او بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 45 - 3

3 - مهلت خداوند به بندگان گنه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت ، از سنت های او است .

و لو یؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك علی ظهرها من دابة و لكن یؤخرهم إلى آج

مقصود از «أجل مسمی»، زمان مرگ انسان ها و آغاز عالم پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 16 - 16

16 - فرصت دهی خداوند به متخلفان و گنه کاران ، برای توبه و بازگشت و عدم تعجیل او در کیفر ایشان

قل للمخلفین . . . فإن تطیعوا . . . و إن تولّوا . . . یعدّ بكم

62- مهلت به متخلفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 11

11- مهلت دادن به متخلفان از حق ، از سنت های خداوند است .

و لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بینهم

63- مهلت به مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 147 - 7

7 - ربوبیت الہی، مقتضی امیدبخشی به همگان و امہال و ہشدار به مجرمان

فإن كذبوك فقل ربكم ذو رحمة وسعه ولا يرد بأسه عن القوم المجرمين

ص: 131

64- مهلت به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 6

6 - خداوند در عین قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، به آنان مهلت می دهد.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم

چون در آیات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشرکان در این زمینه بود، این آیه با بیان قدرت خداوند بر عذاب به طور ضمنی دلالت بر مهلت دادن به مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 3 - 9

7 - توصیه و تشویق الهی به عموم مشرکان عهدشکن، مبنی بر توبه و بازگشت به اسلام در ظرف چهار ماه مهلت داده شده به آنان

فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر . . . و أذن من الله . . . فإن تبتم فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 6 - 9 - 1

1 - فرمان الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر به حضور پذیرفتن مشرکانی که پس از انقضای مهلت چهار ماهه، به منظور شنیدن پیام وحی، درخواست ملاقات کنند.

فإذا انسלخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین . . . وإن أحد من المشرکین استجارک فأجره

«استجاره» به معنای درخواست جوار و همسایگی است. درخواست جوار از سوی مشرکان پس از انقضای مهلت چهار ماهه - به قرینه «حتی یسمع کلام الله» - درخواست رسیدن به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منظور استماع دعوت آن حضرت و تحقیق پیرامون وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 11، 6

6 - امهال جوامع شرک پیشه و تأخیر افتادن کیفر آنان به جهان آخرت، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

خداوند هنگام هبوط آدم و حوا به زمین، فرمود: «و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین ; شما - خطاب به عموم انسانها و از جمله آدم و حواست - تا مدتی معین در زمین خواهید ماند و از نعمتهای آن بهره خواهید گرفت» (بقره / 36); یعنی، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا این است که هر جامعه ای دارای مدت و زمانی معین است و پیش از فرارسیدن اجل، از میان نمی رود. جمله «و لو لا کلمه سبقت من ربک» اشاره به این قانون دارد.

11 - امهال جوامع شرک پیشه در دنیا و تأخیر انداختن کیفر آنان به جهان آخرت ، مقتضای ربوبیت و پروردگاری خدا نسبت به انسانها

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم فیما فیہ یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 46 - 3

ص: 132

3 - مشرکان ، کافران و دین ستیزان ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم مفری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نباید نگران کننده باشد .

و إما نرینک بعض الذی نعدهم أو نتوفینک فإلینا مرجعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 55 - 5

5- مشرکان ناسپاس ، علی رغم کفران نعمت های الهی ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حیات داده می شود .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 52 - 1

1- خداوند ، در قیامت ، به مشرکان فرصت خواهد داد تا از معبود های پنداری خویش استمداد کنند .

نادوا شرکاء الذین زعمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 77 - 6

6 - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإما نرینک بعض الذی نعدهم أو نتوفینک فإلینا یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 21 - 7

7 - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا کلمه الفصل لقضی بینهم

65- مهلت به مشرکان صدر اسلام

1 - اعطای چهار ماه مهلت به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام، در پی ابطال پیمان عدم تعرض مسلمانان با آنان

براه من الله ورسوله... فسیحوا فی الارض اربعه أشهر

3 - دستور خداوند مبنی بر منع تعرض مسلمانان به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام، در مدت مهلت چهار ماهه

فسیحوا فی الارض اربعه أشهر

مهلت دادن به مشرکان و مجاز دانستن رفت و آمدشان در هر جای زمین در حقیقت دستوری است به مسلمانان که نباید در مدت مقرر متعرض آنان شوند.

4 - اعطای آزادی رفت و آمد و سیر و سیاحت به مشرکان صدر اسلام، در ظرف مهلت چهار ماهه

«سَيِّحٌ» و «سِيَّاحٌ» (مصدر سَيَّحُوا) به معنای سیر کردن است و امر در «سَيَّحُوا» به معنای اباحه و اعطای آزادی سیر و سیاحت می باشد.

10 - خداوند در پی اعطای مهلت چهار ماهه به مشرکان ، آنان را به رها کردن شرک و گرویدن به آیین توحید ، سفارش کرد .

فسيحوا في الأرض اربعة أشهر و اعلموا أنكم غير معجزى الله و أن الله مخزى الكفرين

اعلام حاکمیت گسترده خداوند به مشرکان پیمان شکن و عدم امکان مقاومت در برابر او و فرار از حاکمیت او (اعلموا أنکم غیر معجزی الله) و نیز هشدار به فرجام شوم و ذلت بار مستکبران کفرپیشه (و أن الله مخزى الكافرين) در حقیقت توصیه و اندرز است از جانب خداوند به اینکه از فرصت داده شده استفاده کنند و به دامن توحید و اسلام بازگردند و خود را گرفتار عاقبت شوم خواری و ذلت شکست نسازند.

66- مهلت به مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 61 - 6

6- مشرکان مکه ، علی رغم اسناد سخنان ناروا به خداوند ، مورد عقوبت دنیوی قرار نگرفتند و مهلت حیات پیدا کردند .

کنتم تقفرون . و يجعلون لله البنت ... و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك علیها

67- مهلت به مفلس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 280 - 1,4,7

1 - لزوم مهلت دادن به بدهکار تنگدست ، تا هنگام پرداخت بدهی خویش به سهولت

و ان كان ذو عسره فنظرة الى ميسره

4 - لزوم مهلت دادن رباخوار تائب به بدهکار تنگدست ، به هنگام باز پس گیری اصل سرمایه اش

و ان تبتم ... فنظرة الى ميسره

7 - ارجمندی والاتر گذشت طلبکار از بدهی وامداران تنگدست ، نسبت به مهلت دادن آنان

و ان تصدقوا خیر لکم

بنابراین احتمال که بهتر بودن گذشت، نسبت به مهلت دادن باشد؛ یعنی ثواب گذشت بیشتر از ثواب مهلت دادن است.

68- مهلت به مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 11 - 6

6- توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز رسالت، مبنی بر دادن مهلتی اندک به تکذیب گران و بدگویان دین ستیز

ص: 134

و اصبر علی ما یقولون . . . و ذرنی و المکذبین . . . و مهلهم قلیلاً

69- مهلت به مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 183 - 4,5,1

1 - سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و املی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر املی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

4 - تأخیر در عذاب تکذیب کنندگان و کشاندن تدریجی آنان به ورطه های سقوط با عواملی خوشایند و خام کننده، مکر خدا با ایشان است .

سنستدرجهم . . . و املی لهم إن کیدی متین

مراد از «کید» همان استدراج و امهالی است که در آیه قبل مطرح شد.

5 - امهال خداوند به کفرپیشگان تکذیب کننده، زمینه ساز افزایش عذاب آنان است .

و املی لهم إن کیدی متین

چون امهال به عنوان «کید» مطرح شده است، معلوم می شود مهلت دادن در اینجا برای افزون شدن عذاب است.

70- مهلت به مکذبان تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 9

9- خداوند بر اساس تقدیر خویش، به منکران حقانیت تورات مهلت داده است و درباره آنان در دنیا داوری نخواهد کرد .

فاختلف فیه و لولا کلمه سبقت من ربک لقتلی بینهم

71- مهلت به مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - مهلت دادن به تکذیب گران ، جلوه کید و تدبیر خداوند علیه آنان است .

إنّ کیدی متین

جمله «إنّ کیدی متین» در مقام تعلیل برای «أُملی لهم» است؛ یعنی، مهلت دادن ما به کافران، چنین است که ما کید و تدبیری متین و استوار درباره آنان اندیشیده ایم و این مهلت، جلوه همین تدبیر است.

ص: 135

72- مهلت به مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 11

11 - طغیان و سرکشی ، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فندر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

73- مهلت به مکذبان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 147 - 4

4 - مهلت الهی به تکذیب کنندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و هلاک نساختن آنان جلوه رحمت گسترده پروردگار است.

فإن کذبوک فقل ربکم ذو رحمه وسعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 48 - 5

5 - هشدار خداوند به تکذیب کنندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مبنی بر این که از فرصت داد شده استفاده کنند و خود را چونان جوامع پیشین ، گرفتار خشم و قهر الهی نسازند .

وإن یکذبوک . . . وکأین من قریه أملت لها . . . أخذتها

74- مهلت به مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 5

5 - مهلت دادن به تکذیب گران ، جلوه کید و تدبیر خداوند علیه آنان است .

إن کیدی متین

جمله «إن کیدی متین» در مقام تعلیل برای «أملی لهم» است؛ یعنی، مهلت دادن ما به کافران، چنین است که ما کید و تدبیری متین و استوار درباره آنان اندیشیده ایم و این مهلت، جلوه همین تدبیر است.

75- مهلت به منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 7,8

7 - مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: «مدّ» (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: «مدّه فی

ص: 136

غیه یعنی، امهله (او را مهلت داد).»

8 - مهلت دادن به منافقان در طغیانگری و سرگردانی، استهزای خداوند نسبت به ایشان است.

اللّٰه یستهزئ بهم و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله «یمدّهم ..» تفسیر و بیان جمله «اللّٰه یستهزئ بهم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 17 - 4

4 - خداوند محدود کننده فرصت منافقان برای سوء استفاده آنان از تظاهر به ایمان

ذهب اللّٰه بنورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 20 - 4

4 - خداوند با سلب درک و فهم از برخی منافقان، آنان را حق ناپذیر کرده و برخی دیگر را برای انتخاب هدایت، مهلت می دهد.

و لو شاء اللّٰه لذهب بسمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 4

4 - امهال و واگذاری منافقان برای خدعه و نیرنگ، مکر و نیرنگ خدا با آنهاست.

إنّ المنفقین یخدعون اللّٰه و هو خدعهم

جمله «و هو خدعهم» حالیه است، یعنی همان خدعه و نیرنگ آنان، خدعه خداوند علیه ایشان است. به این معنا که خداوند آنان را مهلت داده و به خود واگذاشته تا در گناهان بسیار، غرق شوند.

76 - مهلت به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 36 - 1

1 - پیشنهاد مشاوران فرعون به خود وانهادن موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتَّخَذتُ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ . . . فَمَاذَا تَأْمُرُونَ . قالوا أَرْجِهْ وَ

«ارجاء» (مصدر «ارج») به معنای وانهادن و مهلت دادن است. گفتنی است که «ارج» در اصل «ارجی» بوده که لام الفعل آن حذف شده است. ضمیر «ه» ساکن در آخر آن، مفعولی و راجع به موسی می باشد.

77- مهلت به هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 36 - 1

ص: 137

1 - پیشنهاد مشاوران فرعون به خود وانهادن موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتَّخَذتُ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ . . . فَمَاذَا تَأْمُرُونَ . قالوا أَرْجِهْ وَ

«ارجاء» (مصدر «ارج») به معنای وانهادن و مهلت دادن است. گفتنی است که «ارج» در اصل «ارجی» بوده که لام الفعل آن حذف شده است. ضمیر «ه» ساکن در آخر آن، مفعولی و راجع به موسی می باشد.

78- مهلت به هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 55 - 3

3- هود (ع)، به مشرکان قومش اعلام کرد که در پی توطئه ها و مکرهایشان، به او مهلت نداده و او را از میان بردارند.

فكيدونى جميعاً ثم لاتنظرون

«انظار» به معنای مهلت دادن است و «لاتنظرون» (مرا مهلت ندهید) کنایه از «نابودم سازید»، می باشد.

79- مهلت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 133 - 3

3 - مهلت دهی خداوند به کافران، ناشی از مشیت وی و نه ناتوانی و عجز او

ان يثأ يذهبكم . . . و كان الله على ذلك قديراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 4

4 - امهال و واگذاری منافقان برای خدعه و نیرنگ، مکر و نیرنگ خدا با آنهاست.

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهُ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

جمله «و هو خدعهم» حالیه است، یعنی همان خدعه و نیرنگ آنان، خدعه خداوند علیه ایشان است. به این معنا که خداوند آنان را مهلت داده و به خود واگذاشته تا در گناهان بسیار، غرق شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - خداوند بر دبار با بندگان ، و فرصت دهنده به ایشان برای بازگشت از خطاهای خویش *

و الله غفور حلیم

برداشت فوق از ارتباط بین «غفور» و «حلیم» به دست می آید یعنی خداوند سریعاً گنهکاران را مؤاخذه نخواهد کرد بلکه به آنان فرصت خواهد داد تا زمینه های جلب مغفرت الهی را برای خویش فراهم کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 17

ص: 138

17 - آدمی در دنیا از حقیقت اعمال خود و بازتابهای آن غافل است.

ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 6

6 - خداوند در عین قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، به آنان مهلت می دهد.

قل هو القادر علی أن یموت علیکم

چون در آیات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشرکان در این زمینه بود، این آیه با بیان قدرت خداوند بر عذاب به طور ضمنی دلالت بر مهلت دادن به مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 147 - 4

4 - مهلت الهی به تکذیب کنندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و هلاک نساختن آنان جلوه رحمت گسترده پروردگار است.

فإن کذبوک فقل ربکم ذو رحمه وسعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 135 - 6

6 - خداوند با برطرف سازی عذاب از فرعونیان برای وفای آنان به عهد های خویش مهلتی را تعیین کرد .

فلما کشفنا عنهم الرجز إلى أجل

«إلی أجل» متعلق به «کشفنا» است؛ یعنی ما عذاب را برطرف کردیم، ولی نه برای همیشه، بلکه برای مدتی محدود. گفتنی است که متعلق شدن «إلی أجل» به «کشفنا» به اعتبار استمرار کشف است نه تحقق آن؛ زیرا تحقق کشف عذاب دارای مهلت نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 183 - 5

5 - امهال خداوند به کفرپیشگان تکذیب کننده، زمینه ساز افزایش عذاب آنان است .

و املی لهم ان کیدی متین

چون امهال به عنوان «کید» مطرح شده است، معلوم می شود مهلت دادن در اینجا برای افزون شدن عذاب است.

80- مهلت در عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 6

6 - خداوند در عین قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، به آنان مهلت می دهد.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم

چون در آیات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشرکان در این زمینه بود، این آیه با بیان قدرت خداوند بر عذاب به

ص: 139

طور ضمنی دلالت بر مهلت دادن به مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 110 - 5

5- مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان ، از سنت های خداوند است .

حتّٰی إذا استئیس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امتهای و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده - زیرا «رسل» جمع و دارای الف و لام می باشد و شامل همه رسولان است - استفاده می شود که: مهلت دادن به تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای مستمر و از سنتهای خداوند است.

81- مهلت در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 4

4 - سنت خدا در رساندن خیر به مردم « تسریع » و در مجازات کردن آنان « امهال » است .

و لو یعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخير

برداشت فوق بر این اساس است که «هم» مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به «الله» و به تقدیر «مثل استعجاله لهم بالخير» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 88 - 12

12- تسریع در پاداش و تأخیر در مجازات ، امری لازم است . *

من ظلم فسوف نعذبه .. من ءامن ... فله جزاء الحسنی

ذکر «سوف نعذبه» با أدات استقبال، در قبال «فله جزاء الحسنی» به صورت قطعی و بدون أدات استقبال، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

82- مهلت دنیوی به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- کافران ، برخوردار از مهلت الهی در دنیا و نه در آخرت

و لا هم ينظرون

تذکر خداوند به کافران نسبت به نداشتن مهلت در آخرت، اشعار به وجود مهلت برای آنان در دنیا دارد و در واقع آنان را تشویق به بهره گیری از این مهلت دنیوی می کند.

ص: 140

83- مهلت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 9

9- خداوند بر اساس تقدیر خویش ، به منکران حقانیت تورات مهلت داده است و دربارہ آنان در دنیا داوری نخواهد کرد .

فاختلف فیه و لولا کلمه سبقت من ربک لقصی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 32 - 4

4- خداوند کفرپیشگان و استهزا کنندگان پیامبران را مهلت می داد و فوراً آنان را عذاب نمی کرد .

فأملیت للذین کفروا

املاء (مصدر أملیت) به معنای مهلت دادن ، به تأخیر انداختن و طولانی کردن عمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 4 - 3

3- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ؛ بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم ... فسوف یعلمون. و ما أهلكنا من قریه

ذکر این آیه، پس از تهدید «فسوف یعلمون» احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر «ذرهم یا کلو...» چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 61 - 1,6

1- خداوند ، به انسان های ظالم مهلت می دهد و آنها را در قبال کار خلافشان بلافاصله به هلاکت نمی رساند .

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابّه و لکن یؤخرهم إلی أجل مسمّی

مراد از «ظلم» با توجه به معنای آن - که قرار دادن اشیاء در غیر جایگاه مناسب خود است - هر عمل خطا و ناشایستی می باشد.

6- مشرکان مکه ، علی رغم اسناد سخنان ناروا به خداوند ، مورد عقوبت دنیوی قرار نگرفتند و مهلت حیات پیدا کردند .

کنتم تقفرون . و يجعلون لله البنت ... و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 1

1- خداوند ، در قیامت ، به مشرکان فرصت خواهد داد تا از معبود های پنداری خویش استمداد کنند .

نادوا شركاءى الذین زعمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 58 - 7

7- اعطای مهلت از سوی خداوند به گنه کاران ، برای روی آوردن به توبه ، جلوه ربوبیت الهی است .

ص: 141

و ربِّكَ الْغَفُورِ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ لَعَجَّلَ لَكُمْ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ

یادآوری رحمت و غفران خداوند، در ضمن آیاتی که نشان دهنده حال هدایت ناپذیران و عذاب حتمی آنان است، دربردارنده این پیام نیز هست که در هر صورت، راه بازگشت، مسدود نشده و مجرم، می تواند به سوی او بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 16، 15، 4، 1

1- مهلت دهی خداوند، به ماندگان در وادی گمراهی و عدم تعجیل در عذاب آنها

قل من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مدًّا

«لیمدد» فعل امر از «مدّ» است و «مدّ له»؛ یعنی، او را رها ساخت و به وی مهلت داد (لسان العرب). گفتنی است که این معنا، مصداق معنای اصلی «مدّ» است که کشاندن چیزی در ناحیه طول آن می باشد. در آیه مورد بحث مقصود، مهلت خداوند به کافران و پایان ندادن کار آنها با عذاب است.

4- مهلت خداوند به کافران و گمراهان، جلوه ای از رحمت گسترده او است .

فليمدد له الرحمن مدًّا

«رحمان»؛ یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

15- تأخیر عذاب دنیوی از زمان استحقاق آن، مهلت خداوند به گمراهان است .

من كان في الضلالة فليمدد . . . حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب

16- تأخیر یافتن زمان عذاب برخی از گمراهان تا آخرت و ترک عذاب آنان در دنیا، مهلت خداوند به آنان است .

فليمدد له الرحمن مدًّا حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 84 - 6

6- مهلت خداوند به مشرکان، - هر چند طولانی باشد - مهلتی اندک و ناچیز است .

إمّا نعدّ لهم عدًّا

فعل «نعدّ» (شمارش می کنیم) حاوی معنای تقلیل است؛ زیرا نوعاً چیز اندک قابل شمارش است. این تعبیر پس از آن که جمله «فلیمدد

له الرحمن مدّاً» (در آیات پیشین) بر طولانی ساختن مدت دلالت داشت؛ حاکی از اندک بودن تمام عمر، در مقایسه با عاقبت انسان و جهان آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 129 - 7

7 - مهلت خداوند به کافران و گمراهان عصر بعثت، مرتبط با عنایت ویژه او نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

رَبِّكَ

اضافه شدن نام مقدس «رَبِّ» به ضمیری که خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، می تواند به نقش عنایت خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تأخیر عذاب و مهلت به کافران اشاره داشته باشد؛ چنان که در سوره ای دیگر فرموده است: «و ما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 44 - 4

ص: 142

4 - خداوند ، به همه اقوام کافر و تکذیب گر ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت بردارند .

فَأَمَلِيتَ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ

«إملاء» (مصدر «أملیت») از «مَلُو» و به معنای فرصت دادن است؛ یعنی، آن اقوام تکذیب گر و کافر را فرصت دادم تا به خود بیایند و دست از مخالفت بردارند. آن گاه چون آنان از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و تکذیب خود اصرار ورزیدند، آنان را از میان برداشتم و نابودشان ساختم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 48 - 5

5 - هشدار خداوند به تکذیب کنندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مبنی بر این که از فرصت داد شده استفاده کنند و خود را چونان جوامع پیشین ، گرفتار خشم و قهر الهی نسازند .

وإن يكذبوك... وكأين من قرية أمليت لها... أخذتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 104 - 5

5 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام ، ناشی از رحمت و لطف او بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی وی .

وما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و فرجام اخروی مشرکان، هشدار است به شرک پیشگان صدر اسلام که اگر بر آنان عذاب نازل نمی شود، نه از ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمت او بر مردمان است و چون زمینه آن به پایان برسد، عزت و قهر الهی گریز ناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 122 - 5

5 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام ، معلول رحمت و لطف وی بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او .

وما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) و از سوی دیگر هشدار بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده؛ نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی

گريزناپذير خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 140 - 5

5 - مهلت دادن خدا به كافران و حق ستيزان ، معلول رحمت و لطف او است ؛ نه از روي ضعف و ناتواني .

و ما كان اكثرهم مؤمنين . و إنّ ربك لهُوَ العزيز الرحيم

يادکرد سرگذشت قوم عاد از يكسو تسلي بخش خاطر پيامبر (صلى الله عليه و آله) و از سوي ديگر هشداري است به مشركان مكه كه اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتواني حق تعالى نيست؛ بلكه از باب رحمتي است كه او بر مردمان دارد و چون زمينه آن به پايان رسد، عزت و قهر الهی گريزناپذير خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 143

5- مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام، معلول لطف و رحمت او بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادآوری سرگذشت ثمودیان، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) است و از سوی دیگر هشدار به اکثریت مشرکان لجوج و مصمم بر کفر است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مهلت خدا به کافران و حق ستیزان صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان، معلول رحمت او بود؛ نه برخاسته از ناتوانی.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادآوری سرگذشت قوم لوط، از یک سو تسلی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) است و از سوی دیگر هشدار به شرک پیشگان صدر اسلام است که اگر بر آنان عذاب نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان، معلول رحمت او است؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت شعیب(ع) و مردم ایکه، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) می باشد و از سوی دیگر هشدار به شرک پیشگان حق ستیز مکه است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ارائه معجزه ای سترگ، اعطای فرصتی از سوی خداوند به کافران برای گرایش به ایمان

و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم

ارائه معجزه به یک معنا اعطای فرصت به کافران است تا آن دسته ای که زمینه ایمان آوردن دارند، از این فرصت استفاده کرده و ایمان آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 24 - 5

5 - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمّتعهم قليلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد «قلیلاً» صفت برای مفعول به «نمّتع» باشد که «زماناً» است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: «به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.».

ص: 144

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 77 - 6

6 - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإِذَا نَرَيْتَكَ بِعِضِ الذِّبْنِ نَعْدَهُمْ أَوْ نَتُوفِّيكَ فَاَلَيْنَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 45 - 7

7 - مهلت دادن به کافران در دنیا ، از سنت های الهی است .

و لَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 48 - 7

7 - موضع گیری تکذیب گران در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مهلت دهی خداوند به آنان و تأخیر در مجازات آنان ، قضای الهی و مقتضای ربوبیت او است .

و اصبر لحکم ربِّک

«حکم» به معنای قضا است. مفسران با توجه به ارتباط آیه با آیات پیشین، بر آنند که مراد از «لحکم ربِّک» قضای الهی درباره تکذیب کنندگان و افعال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 26 - 3

3 - مجازات الهی برای قوم ثمود ، از پی اعطای فرصت به ایشان

سِیَعْلَمُونَ غَدًا

مراد از «غداً»، آینده و فرصتی است که به ثمودیان داده شده است؛ نه روزی که از پس امروز می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خداوند ، هیچ کس را پس از فرارسیدن مرگش ، مهلت نمی دهد .

ولن يؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها

ص: 145

6- مهمان

1- آثار اهانت به مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 4

4- تعرّض و اهانت به مهمان ، تعرّض و اهانتی است به میزبان

قال إن هؤلاء ضیفی فلا تفضحون

درخواست لوط(ع) از قومش برای پرهیز از هتک حرمت مهمانانش با بیان «فلا تفضحون» (مرا شرمسار نکنید) إشعار به نکته یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 7

7- تعرّض و اهانت به مهمان ، تعرّض و اهانتی است به میزبان .

قال إن هؤلاء ضیفی . . . و اتقوا الله و لاتخزون

2- آداب مهمان نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 9،11،14،15

9- تهیه غذا برای مهمانان ، از آداب معاشرت و خصلتی نیکوست .

فما لبث أن جاء بعجل حنید

11- مباشرت حضرت ابراهیم (ع) در پذیرایی از میهمانان خویش

فما لبث أن جاء بعجل حنید

14- استفسار نکردن از مهمان درباره تهیه غذا و نوع آن و درنگ نکردن در آماده کردن و آوردن آن ، از آداب مهمان نوازی است .

فما لبث أن جاء بعجل حنید

15- مباشرت میزبان در پذیرایی از میهمانان ، از خصلت های نیکو و پسندیده است .

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 146

2- حفظ حرمت مهمان و دفاع از او در برابر هرگونه تعرض و تجاوز، امری لازم و بایسته است.

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) برای منصرف کردن قومش از تعرض به مهمانانش روی مهمان بودن آنان تکیه کرد، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 27 - 4، 3

3 - در دسترس قرار دادن غذا و تقاضا از میهمانان برای تناول آن، کاری پسندیده و از آداب میهمان نوازی است.

فقرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

4 - مباشرت میزبان در پذیرایی از میهمانان - هر چند او در اوج موقعیت اجتماعی و معنوی قرار داشته باشد - عملی شایسته و از آداب مهمان نوازی است.

فقرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

3- احترام به مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 3

3- حفظ حرمت مهمان، از آداب و سنت های پذیرفته شده در میان قوم لوط

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) برای جلوگیری از تجاوز مردم به مهمانانش، عنوان «مهمانان» را به آنان یادآوری کرد، حکایت از این نکته می کند که: آنان به رسم حفظ حرمت مهمان آشنا بوده اند.

4- احترام مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 24 - 4

4- اجلال و گرامی داشت میهمانان ، خصلتی پسندیده و پیامبرگونه

حدیث ضیف ابرهیم المکرمین

5- ارزش مهمان نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 59 - 11

11- مهمان نوازی ، خصلتی نیک و ارزشمند است .

ص: 147

ألا ترون .. أنا خير المنزلين

6- امتناع مهمان از غذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 28 - 3

3- امتناع میهمان از خوردن غذای صاحب خانه ، امری منفی و نگران کننده در فرهنگ مردم عصر ابراهیم (ع) *

قال ألا تأكلون . فأوجس منهم خيفة

نگران شدن ابراهیم(ع)، نشانگر این است که از نظر مردم عصر آن حضرت، نخوردن غذا به منزله تهدید به حساب می آمده است.

7- اهمیت احترام به مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 6

6- حفظ حرمت مهمان و دفاع از آن در برابر تجاوز دیگران ، تکلیفی برعهده میزبان

قال إن هؤلاء ضيفي .. و اتقوا الله و لاتخزون

8- اهمیت احترام مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 2

2- حفظ حرمت مهمان و دفاع از او در برابر هرگونه تعرض و تجاوز ، امری لازم و بایسته است .

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) برای منصرف کردن قومش از تعرض به مهمانانش روی مهمان بودن آنان تکیه کرد، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

9- اهمیت دفاع از مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- لوط (ع)، خویشان را موظف به محافظت از میهمانان خویش می دانست .

ولما جاءت رسلنا .. قال هذا يوم عصيب

ص: 148

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 22

22- ضرورت دفاع از مهمانان و محافظت از ایشان در برابر متجاوزان

يقوم هؤلاء بناتي .. أليس منكم رجل رشيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 80 - 4

4- ضرورت دفاع از مهمانان در مقابل تعرض تبه کاران به آنان

لو أن لي بكم قوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 2

2- حفظ حرمت مهمان و دفاع از او در برابر هرگونه تعرض و تجاوز ، امری لازم و بایسته است .

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) برای منصرف کردن قومش از تعرض به مهمانانش روی مهمان بودن آنان تکیه کرد، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 6

6- حفظ حرمت مهمان و دفاع از آن در برابر تجاوز دیگران ، تکلیفی برعهده میزبان

قال إن هؤلاء ضيفي ... واتقوا الله ولا تخزون

10- اهمیت مهمان نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 11

11 - مهمان نوازی ، خصلتی نیکو و خلقی الهی است .

و أنت خیر المنزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 9

9 - لزوم پذیرایی شایسته ، از میهمان

فجاء بعجل سمین

نقل سرگذشت ابراهیم(ع)، در حقیقت درسی شایسته پیروی است.

ص: 149

11- پذیرایی از مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 148 - 16

16 - پذیرایی ناشایسته از مهمان دعوت شده ، ظلم و بازگویی آن توسط مهمان ، جایز است .

لايحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: من اضاف قوماً فاساء ضيافتهم فهم ممن ظلم فلاجناح عليهم فيما قالوا فيه.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 283، ح 296؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 425، ح 1.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 14، 9

9- تهیه غذا برای مهمانان ، از آداب معاشرت و خصلتی نیکوست .

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

14- استفسار نکردن از مهمان درباره تهیه غذا و نوع آن و درنگ نکردن در آماده کردن و آوردن آن ، از آداب مهمان نوازی است .

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 27 - 4، 3

3 - در دسترس قرار دادن غذا و تقاضا از میهمانان برای تناول آن ، کاری پسندیده و از آداب میهمان نوازی است .

فقرّبہ إليهم قال ألا تأكلون

4 - مباشرت میزبان در پذیرایی از میهمانان - هر چند او در اوج موقعیت اجتماعی و معنوی قرار داشته باشد - عملی شایسته و از آداب مهمان نوازی است .

فقرّبہ إليهم قال ألا تأكلون

12- تشبیه به مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 24 - 3

3 - اهل بهشت ، همچون مهمانان گرامی ، مورد پذیرایی قرار خواهند گرفت .

کلوا و اشربوا هنیئاً

جمله «کلوا و اشربوا هنیئاً» مقول قول محذوف است و تقدیر آن چنین است: «یقال للذین یؤتون کتبهم بأیمانهم کلوا و اشربوا هنیئاً». این تعبیر درباره مهمانان به کار می رود.

ص: 150

13- جواز رد مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 28 - 5

5- نپذیرفتن میهمان و اجازه ندادن به کسی برای ورود به خانه و محل سکونت خود، جایز است.

وإن قیل لکم ارجعوا فارجعوا

14- دفاع از مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 14، 12، 7

7- لوط (ع)، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لوط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند.

يقوم هؤلاء بناتی هنّ اطهر لکم

12- لوط (ع)، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان، درصدد بازداری آنان از تعرض به میهمانان خویش برآمد.

قال يقوم .. فاتقوا الله ولا تخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

14- لوط (ع)، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند.

فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 7

7- لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود.

لن یصلوا إلیک

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: «لن یصلوا إلینا؛ آنان از دسترسی به ما ناتوانند». این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 71 - 2

2- حضرت لوط (ع) شخصیتی مهمان نواز و مدافع حریم مهمانان خود .

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضيفي فلا تقضحون ... و لاتخزون ... قال

15- سرزنش امانت به مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 68 - 6

ص: 151

6- تعرّض و اهانت به مهمان دیگران ، عملی ناپسند و ممنوع است .

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تقضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 8

8- تعرّض و اهانت به مهمان دیگران ، عملی ناپسند و به دور از تقوایبشگی

قال إن هؤلاء ضيفي . . . و اتقوا الله و لاتخزون

16- قوم لوط و مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 24

24- « عن أبي جعفر (ع) : إن قرية قوم لوط كانت على طريق السيّارة إلى الشام و مصر فكانت السيّارة تنزل بهم فيضيّفونهم . . . فدعاهم البخل إلى أن كانوا إذا نزل بهم الضيف فضحوه . . . و إنما كانوا يفعلون ذلك بالضيف حتى ينكل النازل عنهم . . . فأورثهم البخل بلاء لا يستطيعون دفعه عن أنفسهم . . . حتى صاروا يطلبونه من الرجال في البلاد و يعطونهم عليه الجعل . . . »

از امام باقر(ع) روایت شده است که آبادی لوط بر سر راه مسافرانی بود که به شام و مصر می رفتند. کاروانیان بر آن قوم وارد می شدند و مهمانشان می شدند. بخل آنان سبب شد که هر گاه مهمان بر آنان وارد می شد [با انجام عمل زشت] رسوایشان می کردند ... و این کار را بدین جهت انجام می دادند که مهمان از آنان بهراسد و باز گردد. پس بخل سبب شد که آنان مبتلا به بلایی شدند (مرض ابنه) نمی توانستند آن را از خود دور کنند ... تا آن جا که از مردان شهر هادف آن بلا را درخواست می کردند و به آنها اجرت می پرداختند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 3

3- حفظ حرمت مهمان ، از آداب و سنت های پذیرفته شده در میان قوم لوط

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تقضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) برای جلوگیری از تجاوز مردم به مهمانانش، عنوان «مهمانان» را به آنان یادآوری کرد، حکایت از این نکته می کند که: آنان به رسم حفظ حرمت مهمان آشنا بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه و حمایت از آن ، منع کرده و برحذر داشتند .

قال إن هؤلاء ضیفی .. قالوا أولم ننهک عن العلمین

17- مهمان نوازی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 152

10- حضرت ابراهیم (ع)، از خصلت مهمان نوازی برخوردار بود.

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

تهیه غذایی نیکو و درنگ نکردن در آوردن آن، حکایت از روحیه مهمان نوازی ابراهیم(ع) دارد.

11- مباشرت حضرت ابراهیم (ع) در پذیرایی از میهمانان خویش

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

16- « عن أبي عبدالله (ع) قال: إن الله تعالى بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط: جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و كروبييل (ع) فمروا بآبراهيم (ع) . . . و كان صاحب أضياف فشوى لهم عجلأ سمينأ حتى أنضجه ثم قرأه إليهم . . . »

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای تعالی برای هلاک کردن قوم لوط چهار فرشته فرستاد: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و کزوئیل. پس بر ابراهیم گذر کردند و ابراهیم مهمانپذیر و مهمان دوست بود. از این رو گوساله فربه‌ی برایشان بر آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 5

5- پذیرش مهمان - هر چند که ناشناس باشد - از خلق و خوی ابراهیم (ع) بود.

و تبتهم عن ضيف إبراهيم . إذ دخلوا عليه ... قال إنا منكم و جلون

ترس و اضطراب ابراهیم(ع) از حضور مهمانان (إنا منكم و جلون) نشان می دهد که آنان برای ابراهیم(ع) ناشناخته بودند و اگر آن حضرت آنان را می شناخت هراس بر نمی داشت. پذیرش مهمان ناشناخته گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 24 - 3

3 - اکرام و اجلال ابراهیم (ع) نسبت به میهمانان خویش

ضيف إبراهيم المکرمين

واژه «مکرمین» (اسم مفعول) بیانگر این معنا است که ابراهیم(ع)، نسبت به آنان اکرام کرده بود؛ نه این که با صرف نظر از عمل ابراهیم(ع) آیه شریفه در مقام بیان مقام و جلالت میهمانان وی باشد.

1 - اقدام بی درنگ و نهانی حضرت ابراهیم (ع) در تهیه غذا، برای میهمانان گرمی خویش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمین

از «فاء» در «فراغ» تسریع استفاده می شود. ماده «راغ» نیز بیانگر اقدام پنهانی و غیرعلنی است.

3 - مراجعه حضرت ابراهیم (ع) به همسر خود، برای تهیه غذای میهمانان

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمین

6 - پذیرایی کامل ابراهیم (ع) از میهمانان خود، در عین ناشناس بودن آنان برای آن حضرت

قوم منکرون . فراغ ... فجاء بعجل سمین

«عجل سمین» (گوساله چاق)، نشان می دهد که به هر حال ابراهیم (ع)، درصدد پذیرایی مفصل از میهمانان ناشناس خویش بود.

7- پذیرایی ابراهیم (ع) از میهمانان خویش ، با گوساله ای فربه و بریان

فجاء بعجل سمین

8- سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 27 - 2 - 1

1 - تقاضای حضرت ابراهیم (ع) از میهمانان ، برای خوردن غذا همراه با نهادن آن در دسترس آنان

فقرّبہ إلیهم

2- پذیرایی شخص ابراهیم (ع) ، از میهمانان خویش

فراغ... فجاء بعجل... فقرّبہ إلیهم قال

استناد افعال ذکر شده در آیات به شخص ابراهیم(ع)، بیانگر مطلب بالا است.

18- مهمان نوازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 10

10 - خدا ، بهترین میزبان و مهمان نواز است .

و أنت خیر المنزلین

19- مهمان نوازی ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 8

8- سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمین

20- مهمان نوازی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 5,7

5- لوط (ع)، خویشان را موظف به محافظت از میهمانان خویش می دانست .

ولما جاءت رسلنا .. قال هذا يوم عصيب

7- «عن أبي جعفر (ع): ... و كان لوط ابن خاله ابراهيم و كانت إمرأه ابراهيم ساره أخت لوط و كان لوط و ابراهيم نبیین مرسلین منذرین و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ...» ;

ص: 154

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و اندازکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 17، 14، 7

7- لوط (ع)، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لوط و تعرض به میهمانانش برحذر باشند.

يقوم هؤلاء بناتي هنّ اطهر لكم

14- لوط (ع)، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض میهمانانش نشوند.

فاتقوا الله

17- لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض میهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند.

ولا تخزون فی ضیعی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 80 - 3، 2

2- آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از میهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوه

«لو» در جمله فوق، حرف تمنا و به معنای لیت (ای کاش) است.

3- آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند میهمانانش را در پناه آن، از تعرض تبه کاران برهاند.

قال لو... أوءوی إلی رکن شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 7

7- لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود.

لن يصلوا إليك

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: «لن يصلوا إلینا؛ آنان از دسترسی به ما ناتوانند». این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 70 - 1,2,8

1- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن، مورد سرزنش قومش قرار گرفت.

قال إن هؤلاء ضیفی ... قالوا أولم ننهک عن العلمین

2- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت.

قال إن هؤلاء ضیفی فلا تفضحون ... قالوا أولم ننهک عن العلمین

ص: 155

8- « قال أبو جعفر (ع) : . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقري الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلمّا رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهاك عن العالمين لا تقري ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك . . . » ;

امام باقر(ع) فرمود: .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود بر حذر می داشت. [امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی بر حذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 71 - 2

2- حضرت لوط (ع) شخصیتی مهمان نواز و مدافع حریم مهمانان خود .

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضيفي فلا تقضحون ... و لا تخزون ... قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 5

5- تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضيفه

«مراوده» به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

21- مهمان نوازی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 59 - 12, 8, 9

7- یوسف (ع) از میهمانان و کسانی که برای تهیه آذوقه و دریافت سهمیه به او مراجعه می کردند ، به خوبی پذیرایی می کرد .

ألا ترون .. أنا خير المنزلين

«نزل» به طعام و مانند آن که برای میهمان تهیه شده گفته می شود و «نزیل» به معنای میهمان است. «منزلین» در آیه شریفه از همین ماده گرفته شده و به معنای میزبانها و مهمان نوازان می باشد.

8- یوسف (ع) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

9- يوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد.

ائتونی بأخ لکم من أیکم ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلين

جمله «ألا- ترون . . .» (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از «ائتونی بأخ لکم» بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

12- یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . . . أنا خير المنزلين

مهمان نوازی

22- آداب مهمان نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 14، 15، 11، 9

9- تهیه غذا برای مهمانان ، از آداب معاشرت و خصلتی نیکوست .

فما لبث أن جاء بعجل حنید

11- مباشرت حضرت ابراهیم (ع) در پذیرایی از میهمانان خویش

فما لبث أن جاء بعجل حنید

14- استفسار نکردن از مهمان درباره تهیه غذا و نوع آن و درنگ نکردن در آماده کردن و آوردن آن ، از آداب مهمان نوازی است .

فما لبث أن جاء بعجل حنید

15- مباشرت میزبان در پذیرایی از میهمانان ، از خصلت های نیکو و پسندیده است .

فما لبث أن جاء بعجل حنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 68 - 2

2- حفظ حرمت مهمان و دفاع از او در برابر هرگونه تعرض و تجاوز ، امری لازم و بایسته است .

قال إن هؤلاء ضیفی فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) برای منصرف کردن قومش از تعرض به مهمانانش روی مهمان بودن آنان تکیه کرد، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 27 - 3، 4

3 - در دسترس قرار دادن غذا و تقاضا از میهمانان برای تناول آن ، کاری پسندیده و از آداب میهمان نوازی است .

فقرَبه إِلِهم قال أَلَا تَأْكُلون

4 - مباشرت میزبان در پذیرایی از میهمانان - هر چند او در اوج موقعیت اجتماعی و معنوی قرار داشته باشد - عملی شایسته و از آداب مهمان نوازی است .

فقرَبه إِلِهم قال أَلَا تَأْكُلون

23- ارزش مهمان نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 59 - 11

ص: 157

11- مهمان نوازی ، خصلتی نیک و ارزشمند است .

ألا ترون .. أنا خير المنزلين

24- اهمیت مهمان نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 11

11 - مهمان نوازی ، خصلتی نیکو و خلقی الهی است .

و أنت خير المنزلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 9

9- لزوم پذیرایی شایسته ، از میهمان

فجاء بعجل سمین

نقل سرگذشت ابراهیم(ع)، در حقیقت درسی شایسته پیروی است.

مهمان نوازی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 10،11،16

10- حضرت ابراهیم (ع) ، از خصلت مهمان نوازی برخوردار بود .

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

تهیه غذایی نیکو و درنگ نکردن در آوردن آن، حکایت از روحیه مهمان نوازی ابراهیم(ع) دارد.

11- مباشرت حضرت ابراهیم (ع) در پذیرایی از میهمانان خویش

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

16- « عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط : جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و كروبييل (ع) فمروا

ابراهیم (ع) . . . و کان صاحب اُضیاف فشوی لهم عجلأً سمیناً حتی أنضجه ثم قرّبه إلیهم . . . ؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خدای تعالی برای هلاک کردن قوم لوط چهار فرشته فرستاد: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و کزوبیل. پس بر ابراهیم گذر کردند و ابراهیم مهمانپذیر و مهمان دوست بود. از این رو گوساله فریبهی برایشان بر آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 5

5- پذیرش مهمان - هر چند که ناشناس باشد - از خلق و خوی ابراهیم (ع) بود .

و تَبَّهَم عن ضیف إبرهیم . إذ دخلوا علیه . . . قال إنا منکم وجلون

ترس و اضطراب ابراهیم (ع) از حضور مهمانان (إنا منکم وجلون) نشان می دهد که آنان برای ابراهیم (ع) ناشناخته بودند و اگر

ص: 158

آن حضرت آنان را می شناخت هراس برنمی داشت. پذیرش مهمان ناشناخته گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 24 - 3

3 - اکرام و اجلال ابراهیم (ع) نسبت به میهمانان خویش

ضیف ابرهیم المکرمین

واژه «مکرمین» (اسم مفعول) بیانگر این معنا است که ابراهیم(ع)، نسبت به آنان اکرام کرده بود؛ نه این که با صرف نظر از عمل ابراهیم(ع) آیه شریفه در مقام بیان مقام و جلالت میهمانان وی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 8، 7، 6، 3، 1

1 - اقدام بی درنگ و نهانی حضرت ابراهیم (ع) در تهیه غذا، برای میهمانان گرامی خویش

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

از «فاء» در «فراغ» تسریع استفاده می شود. ماده «راغ» نیز بیانگر اقدام پنهانی و غیرعلنی است.

3 - مراجعه حضرت ابراهیم (ع) به همسر خود، برای تهیه غذای میهمانان

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

6 - پذیرایی کامل ابراهیم (ع) از میهمانان خود، در عین ناشناس بودن آنان برای آن حضرت

قوم منکرون . فراغ ... فجاء بعجل سمین

«عجل سمین» (گوساله چاق)، نشان می دهد که به هر حال ابراهیم(ع)، درصدد پذیرایی مفصل از میهمانان ناشناس خویش بود.

7 - پذیرایی ابراهیم (ع) از میهمانان خویش، با گوساله ای فربه و بریان

فجاء بعجل سمین

8 - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 27 - 2 - 1

1 - تقاضای حضرت ابراهیم (ع) از میهمانان ، برای خوردن غذا همراه با نهادن آن در دسترس آنان

فقرّبہ إلیهم

2- پذیرایی شخص ابراهیم (ع) ، از میهمانان خویش

فراغ .. فجاء بعجل ... فقرّبہ إلیهم قال

استناد افعال ذکر شده در آیات به شخص ابراهیم(ع)، بیانگر مطلب بالا است.

25- مهمان نوازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 159

10 - خدا، بهترین میزبان و مهمان نواز است .

و أنت خير المنزلين

26- مهمان نوازی ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 8

8 - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمین

27- مهمان نوازی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 5,7

5- لوط (ع)، خویشان را موظف به محافظت از میهمانان خویش می دانست .

و لما جاءت رسلنا .. قال هذا يوم عصیب

7- «عن أبي جعفر (ع) : ... و كان لوط ابن خاله ابراهيم و كانت امرأه ابراهيم ساره أخت لوط و كان لوط و ابراهيم نبیین مرسلین منذرین و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقري الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و اندازکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 7,14,17

7- لوط (ع)، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لوط و تعرض به میهمانانش برحذر باشند .

يقوم هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم

14- لوط (ع)، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

17- لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخذاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 80 - 3, 2

ص: 160

2- آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لي بكم قوة

«لو» در جمله فوق، حرف تمناً و به معنای لیت (ای کاش) است.

3- آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن، از تعرض تبه کاران برهاند.

قال لو . . . أو آوى إلى ركن شديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 7

7- لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود.

لن يصلوا إليك

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: «لن يصلوا إليك؛ آنان از دسترسی به ما ناتوانند». این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط (ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 8، 1، 2

1- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن، مورد سرزنش قومش قرار گرفت.

قال إن هؤلاء ضيفي . . . قالوا أو لم ننهك عن العلمين

2- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت.

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تقضحون . . . قالوا أو لم ننهك عن العلمين

8- «قال أبو جعفر (ع) . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه، قال: فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له: إنا ننهك عن العالمين لا تقرى ضيفاً ينزل بك، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك . . .»

امام باقر (ع) فرمود: . . . لوط (ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت. [امام باقر (ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار

خواهیم کرد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 2

2- حضرت لوط (ع) شخصیتی مهمان نواز و مدافع حریم مهمانان خود.

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون ... و لاتخزون ... قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 5

5- تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضيفه

«مراوده» به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

ص: 161

28- مهمان نوازی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 59 - 7,8,9,12

7- یوسف (ع) از میهمانان و کسانی که برای تهیه آذوقه و دریافت سهمیه به او مراجعه می کردند ، به خوبی پذیرایی می کرد .

ألا ترون .. أنا خير المنزلین

«نزول» به طعام و مانند آن که برای میهمان تهیه شده گفته می شود و «نزیل» به معنای میهمان است. «منزلین» در آیه شریفه از همین ماده گرفته شده و به معنای میزبانها و مهمان نوازان می باشد.

8- یوسف (ع) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلین

9- یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

اتتونی بأخ لکم من أیکم ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلین

جمله «ألا- ترون ..» (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از «اتتونی بأخ لکم» بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

12- یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون .. أنا خير المنزلین

مهمانی

29- آداب مهمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 25

25 - سلام کردن ، از آداب معاشرت و رفت و آمد و مهمانی میان مسلمانان

فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم

30- آداب مهمانی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 -

6,10,11,12,14,15,24

6 - مؤمنان ، در صورتی که وارد خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) شدند ، نباید منتظر صرف غذا در آنجا باشند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظَرٍ

ص: 162

«إناء» در لغت به معنای «وقت و ساعت» است (مفردات راغب). مراد از «غیر ناظرین إناه» منتظر بودن برای فرارسیدن وقت غذا است.

10 - مؤمنان ، موظف بودند پس از صرف غذا در میهمانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از خانه آن حضرت پراکنده شوند .

فإذا طعمتم فانتشروا

11 - مؤمنان ، نباید میهمانی در خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را طولانی می کردند و به گفتگو و مذاکره می پرداختند .

فإذا طعمتم فانتشروا .. و لا مستنسين لحديث

12 - حضور در میهمانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) آداب ویژه ای داشت که باید مؤمنان آن را رعایت می کردند .

إلى طعام غير نظرين إنيه .. إذا دعيتم فادخلوا فإذا طعمتم فانتشروا و لا مستنسين

14 - فلسفه فرمان به زود پراکنده شدن از میهمانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، رفع زحمت و اذیت از آن حضرت است .

و لا مستنسين لحديث إن ذلكم كان يؤذي النبي

بنابراین که مشارالیه «ذلکم» همین جمله «و لا مستنسين لحديث» باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

15 - میهمانان پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از صرف غذا ، نباید به انتظار گفت وگو با اهل خانه آن حضرت ، مجلس را طولانی می کردند .

فانتشروا و لا مستنسين لحديث

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که سرگرم شدن به گفت وگو، مربوط به اهل خانه باشد و نه گفت وگو با هم. لازم به ذکر است که فراز «و إذا سألتموهنّ...» مؤید این برداشت است.

24 - فرمان به خروج از خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از صرف غذا ، سخن و فرمان حق است .

فإذا طعمتم فانتشروا و لا مستنسين لحديث إن ذلكم كان يؤذي النبي فيستحيي منكم و

31- استفاده از کارد در مهمانی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 6

6- زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده ، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد .

وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينًا

32- حضور در مهمانی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 9

9- در صورت دعوت شدن مؤمنان به میهمانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) باید در آن میهمانی شرکت می کردند .

و لکن إذا دعیتم فادخلوا

ص: 163

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 4,5,6,7,10,29

4- زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست.

أرسلت إليهنّ و أعتدت لهنّ متّكناً

5- زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت.

و أعتدت لهنّ متّكناً

«اعتاد» (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. «متّكناً» به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که «متّكناً» به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله «آت...» (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از «متّكناً» در آیه «طعام» است.

6- زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد.

و آتت كل وحده منهنّ سكيناً

7- زلیخا خود، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود.

و أعتدت لهنّ متّكناً و آتت كل وحده منهنّ سكيناً

ضمیر در «أعتدت» و «آتت» به «امرات العزیز» برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (أعتد) و (آتت) آورده می شد.

10- زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند.

و قالت اخرج عليهنّ

کلمه «خروج» به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین «اخرج عليهنّ» می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

29- «عن علی بن الحسین (ع):... فأرسلت إليهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثمّ أتهنّ بآتج و «آتت كل وحده منهنّ سكيناً...»

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . پس همسر عزیز [پیکری] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد...».

34- مکان مهمانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 8

8 - زمین ، ضیافتگاه الهی برای انسان ها

و قل رب أنزلني منزلاً مبارکاً

عبارت «منزلاً مبارکاً» کنایه از سرزمینی پر خیر و برکت است. به کارگیری «منزل» برای سرزمین ها، مفید برداشت فوق است.

ص: 164

35- مهمانی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 5,8,10

5- زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت .

و أعتدت لهنّ متکناً

«اعتاد» (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. «متکناً» به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که «متکناً» به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله «آتت...» (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از «متکناً» در آیه «طعام» است.

8- تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد، بیش از ده نفر نبودند .

و قال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

ضمیر در «مکرهنّ . . .» و «إلیهنّ» به «نسوه» در آیه قبل برمی گردد و از آن جا که «نسوه» از صیغه های جمع قلّه است، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده بیش از ده نفر نبود.

10- زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

وقالت اخرج علیهنّ

کلمه «خروج» به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین «اخرج علیهنّ» می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

36- مهمانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 12

12 - بهشت و بشارت خلود در آن، تنها بخشی از ضیافت الهی برای تقوایندگان است .

نزلا من عند الله

کلمه «نزل»، به چیزهایی گفته می شود که در آغاز ورود میهمان برای پذیرایی از وی فراهم می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 32 - 1

1 - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا .. نَزَلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

«نُزُل» به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

ص: 165

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 3

3 - تقوایشگان در بهشت ، مورد ضیافت و تکریم و تجلیل الهی اند .

کلوا و اشربوا هنیئاً

«هنیئاً» واژه ای است که به در وقت اطعام به میهمانان و برای تکریم به آنان گفته می شود.

38- مهمانی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 4

4- زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده ، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إليهنّ و أعتدت لهنّ متكئاً

39- مهمانی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 8،13،18،20

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به مؤمنان اطعام می کرد و برای آنان ، میهمانی ترتیب می داد .

و لكن إذا دعيتم فادخلوا فإذا طعمتم فانتشروا

13 - اقامت طولانی در میهمانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موجب آزار و اذیت زیاد آن حضرت

فإذا طعمتم فانتشروا ولا مستنسين لحديث إن ذلكم كان يؤذي النبيّ

آوردن فعل مضارع «يؤذي» برای بیان اذیت شدن آن حضرت، به جای آوردن اسم فاعل و یا امثال آن، می تواند به خاطر بیان تکرار آن - که کنایه از شدت و زیادی است - باشد.

18 - مسلمانان صدراسلام ، در ورود وقت و بیوقت به خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و طولانی کردن میهمانی ، مراعات حال آن حضرت را نمی کردند .

يأيها الذين ءامنوا لاتدخلوا بيوت النبيّ . . . غير نظرين إنيه ... فإذا طعمتم فا

20 - حیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، او را از اخراج میهمانان اش باز می داشت .

فإذا طعمتم فانتشروا ولا مستتسین لحدیث إنَّ ذلکم کان یؤذی النبیّ فیستحیی منکم

جمله «فیستحیی منکم» تعلیل برای محذوفی است که سیاق بر آن دلالت می کند و آن محذوف، چیزی مانند «اخراج» است.

40- یوسف (ع) در مهمانی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 166

11- زلیخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند

وقالت اخرج علیهنّ

12- یوسف (ع) پس از دستور زلیخا بدون درنگ در مجلس زنان اشراف حاضر شد .

قالت اخرج علیهنّ فلما رأينه

«فاء» در «فلما..» فصیحه است و گویای جمله هایی مقدر می باشد؛ یعنی: «فخرج علیهنّ فرأينه فلما رأينه...». حذف این جمله ها برای رساندن این نکته است که دستور زلیخا همان و اطاعت یوسف (ع) همان.

14- زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند .

فلما رأينه أكبرنه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

میزبان

41- اهانت به میزبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 4

4- تعرّض و اهانت به مهمان، تعرّض و اهانتی است به میزبان

قال إن هؤلاء ضیفی فلا تقضحون

درخواست لوط (ع) از قومش برای پرهیز از هتک حرمت مهمانانش با بیان «فلا تقضحون» (مرا شرمسار نکنید) اِشعار به نکته یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 7

7- تعرّض و اهانت به مهمان، تعرّض و اهانتی است به میزبان .

قال إن هؤلاء ضیفی ... و اتقوا الله و لاتخزون

42- بهترین میزبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 10

10 - خدا ، بهترین میزبان و مهمان نواز است .

و أنت خير المنزلين

ص: 167

43- مسؤولیت میزبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 6

6- حفظ حرمت مهمان و دفاع از آن در برابر تجاوز دیگران ، تکلیفی برعهده میزبان

قال إن هؤلاء ضیفی . . . و اتقوا الله و لاتخزون

44- میزبان متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 85 - 3

3- خدای رحمان ، در قیامت میزبان تقوایپیشگان (موحدان) خواهد بود .

یوم نحشر المتقین إلی الرحمن وفداً

«وفداً» چه مصدر و بیان کننده نوع حشر باشد و چه به معنای «وافدین» گرفته شود، بر میهمان بودن متقین دلالت دارد؛ با این تفاوت که در صورت دوم، می رساند که حضور آنان در صحنه قیامت فردی نبوده؛ بلکه به صورت گروهی خواهد بود. در این صورت باید گفت: «وفداً» حال مقدره است؛ یعنی، زمان گروهی بودن از زمان حشر متأخر است؛ زیرا آیات بعد به حضور فردی همگان تصریح دارد.

45- میزبان موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 85 - 3

3- خدای رحمان ، در قیامت میزبان تقوایپیشگان (موحدان) خواهد بود .

یوم نحشر المتقین إلی الرحمن وفداً

«وفداً» چه مصدر و بیان کننده نوع حشر باشد و چه به معنای «وافدین» گرفته شود، بر میهمان بودن متقین دلالت دارد؛ با این تفاوت که در صورت دوم، می رساند که حضور آنان در صحنه قیامت فردی نبوده؛ بلکه به صورت گروهی خواهد بود. در این صورت باید گفت: «وفداً» حال مقدره است؛ یعنی، زمان گروهی بودن از زمان حشر متأخر است؛ زیرا آیات بعد به حضور فردی همگان تصریح دارد.

7- میت

1- آثار ذکر دفن میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 11

11 - توجه به پایان زندگی و مدفون شدن انسان ها در قبر ، مانع کفرورزی به خداوند است .

ما اَکْفَره . . . فاقْبِره

2- احکام نماز میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 9

9 - نماز گزاردن بر جنازه منافقان و حضور یافتن بر قبر آنان ، حرام است .

و لاتصل علی أحد منهم

3- اهمیت دفن میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 14

14 - ضرورت دفن و خاکسپاری مردگان *

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

می توان گفت هدف از آموزش خاکسپاری به قایبل، تنها امداد ویژه خداوند به وی نبوده، بلکه برخاسته از ضرورت دفن مردگان نیز بوده است.

4- بدهی میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 - 45

45- لزوم پرداخت بدهی های میّت ، قبل از انجام وصیت وی

ص: 169

من بعد وصیه یوصی به او دین

امام صادق (ع) فرمود: إِنَّ الدَّيْنَ قَبْلَ الوَصِيَّةِ . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 226، ح 55؛ نورالثقلین، ج 1، ص 453، ح 110.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 12 - 13، 14، 16، 17، 19 - 8، 10، 13

8 - پیش از تقسیم ارث، اموال مورد وصیت و دین او، باید از اصل اموال به جا مانده از او، جدا شود.

من بعد وصیه یوصین بها او دین . . . من بعد وصیه توصون بها او دین . . . من بعد وصی

10 - لزوم اهتمام به وصیت میت و پرداخت دیون او

من بعد وصیه یوصین بها او دین . . . من بعد وصیه توصون بها او دین . . . من بعد وصی

تکرار مسأله وصیت و دین، دلالت بر اهمیت ویژه آن دارد.

13 - دین نباید به گونه ای باشد که به ضرر وارث تمام شود.

او دین غیر مضار

14 - دیون میت در صورتی که به ضرر وارث باشد، پرداخت آن لازم نیست.

من بعد وصیه یوصی بها او دین غیر مضار

مراد از دیون معنایی است عام که شامل معاملات نسیه ای نیز می شود؛ بنابراین اگر میت معامله ای نسیه انجام داده، ولی این معامله ضرری بوده است، وارثان می توانند دیون را نپردازند. یعنی معامله را فسخ کنند.

16 - احکام و حدود ارث، عمل به وصیت میت و پرداخت دیون وی، وصیت و سفارش اکید خداوند به مردم

و لکم نصف ما ترک . . . وصیه من الله

«وصیه»، مفعول مطلق است و می تواند تأکیدی بر کلیه قوانین و احکامی باشد که در آیات پیشین بیان شد.

17 - سفارش اکید خداوند مبنی بر ضرر نرساندن به وارثان به واسطه دین و وصیت

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ وصیه من اللّٰه

برداشت فوق بر این اساس است که «وصیّه»، تأکید بر آخرین بخش آیه باشد که ضرر نزدن به وارث به واسطه وصیّت و دین است.

19 - هشدار خداوند به مؤمنان در مورد مقررات ارث ، وصیّت و دین میّت

و لکم نصف ما ترک من بعد وصیّه . . . و اللّٰه علیم حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 13 - 1

1 - لزوم عمل به وصیّت میّت ، ادای دین او ، احکام و قوانین ارث ، حدود الهی است .

تلک حدود اللّٰه

«تلک»، اشاره به تمامی احکامی است که در آیات ارث بیان شده است.

5- برادر میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 170

3 - برادران و خواهران میت از جمله وارثان وی

قل الله يفتيكم في الكلله ... و إن كانوا اخوه ورجالا و نساءً

مراد از برادران و خواهران در این آیه - بنا به گفته تمامی مفسران - خواهر و برادر پدر و مادری و خواهر و برادر پدری است، و سهام خواهر و برادر مادری در آیه 21 از همین سوره تبیین شده است.

4 - برادر و خواهر میت در صورتی از وی ارث خواهند برد که وی پدر و یا فرزند - چه دختر و چه پسر - نداشته باشد .

قل الله يفتيكم في الكلله ان امرؤا هلك ليس له ولد وله اخت ... و هو

جمله «لیس له ولد» بیان شرطی برای اصل ارث بری خواهر از برادر است نه شرط برای مقدار سهم او (نصف)؛ زیرا در این صورت باید سهم خواهر را با وجود فرزند میت نیز ذکر می کرد و با توجه به موضوع آیه یعنی کلاله به دست می آید که نبود پدر نیز شرط است. چون کلاله در لغت به کسی گفته می شود که نه پدر دارد نه فرزند.

6- تاریخ دفن میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 31 - 13

13 - سابقه دیرینه دفن و خاکسپاری مردگان

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 2 - 5

5 - خاک سپاری مردگان در گورستان های عمومی ، دارای پیشینه در تاریخ بشر

حتّی زرتم المقابر

«مقبره»، «مفرد «مقابر»»، مکانی است که قبرهای متعددی در آن باشد.

7- خواهر میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - برادران و خواهران میت از جمله وارثان وی

قل الله يفتيكم في الكلله . . . و إن كانوا إخوة و رجالا و نساءً

مراد از برادران و خواهران در این آیه - بنا به گفته تمامی مفسران - خواهر و برادر پدر و مادری و خواهر و برادر پدری است، و سهام خواهر و برادر مادری در آیه 21 از همین سوره تبیین شده است.

4 - برادر و خواهر میت در صورتی از وی ارث خواهند برد که وی پدر و یا فرزند - چه دختر و چه پسر - نداشته باشد .

قل الله يفتيكم في الكلله ان امرؤا هلك ليس له ولد وله اخت . . . و هو

جمله «لیس له ولد» بیان شرطی برای اصل ارث بری خواهر از برادر است نه شرط برای مقدار سهم او (نصف)؛ زیرا در این صورت باید سهم خواهر را با وجود فرزند میت نیز ذکر می کرد و با توجه به موضوع آیه یعنی کلاله به دست می آید که نبود

ص: 171

پدر نیز شرط است. چون کلاله در لغت به کسی گفته می شود که نه پدر دارد نه فرزند.

8- دفن میت در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 8

8 - خاک سپاری مردگان ، شیوه ای سابقه دار در دوران جاهلیت

فأقبره

یادآوری مراسم خاک سپاری در ضمن بر شمردن نعمت های خداوند برای مردم عصر بعثت، نشانه جاری بودن آن مراسم در آن روزگار است.

9- منشأ دفن میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 5

5 - خداوند ، الهام بخش دفن مردگان در قبر ها است .

فأقبره

تفاوت فعل «أقبر» با «قبر»، این است که «قابر»؛ یعنی، کسی که با دست خود مرده ای را دفن کند و «إقبار» این است که برای مرده قبری فراهم سازند و یا فرمان به دفن او دهند. (لسان العرب)

10- نعمت دفن میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 7

7- مرگ برای انسان و دفن اموات ، دو نعمت از جانب خداوند و سزوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن مأکفره . . . ثم أماته فأقبره

برداشت یادشده، بر این اساس است که کفر در «مأکفره» به معنای کفران نعمت باشد.

11- نماز میت بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 9

9 - نماز گزاردن بر جنازه منافقان و حضور یافتن بر قبر آنان ، حرام است .

و لاتصل علی أحد منهم

ص: 172

12- نماز میت در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 5

5 - وجود سنت نماز و دعا برای میت مسلمان و رفتن بر سر قبر وی در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

و لاتصل . . . و لاتقم علی قبره

13- وارث میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 33 - 4، 7، 2، 1

1 - خداوند برای هر کس وارثانی تعیین نموده است .

و لکلّ جعلنا موالی

«موالی»، جمع کلمه «مولی»، یعنی آنان که دارای حق اولویّت هستند، و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه «مّمّا ترک»، وارثان می باشند.

2- اموالی که پدر و مادر و خویشان باقی می گذارند ، دارای وارثانی معین

و لکلّ جعلنا موالی ممّا ترک الوالدان و الاقربون

در برداشت فوق، «الوالدان و الاقربون»، فاعل برای «ترک» گرفته شده است.

4- پدر و مادر و خویشان ، وارثان میت

و لکلّ جعلنا موالی ممّا ترک الوالدان و الاقربون

فاعل «ترک» در برداشت فوق، ضمیری است که به «کلّ» برمی گردد و «الوالدان و الاقربون»، خبر برای ضمیری محذوف است که به موالی

برمی گردد؛ یعنی آن وارثان، پدر و مادر و خویشان میت هستند. لازم به تذکر است که «مّمّا ترک» متعلق به فعل مقدر (یرثون) می باشد.

7- زن و شوهر ، وارث یکدیگر *

و لکلّ جعلنا موالی . . . و الذین عقدت ایمانکم

برخی برآنند که مراد از پیمان در آیه شریفه، پیمان زناشویی است که منطبق بر زن و شوهر می شود.

14- وصیت میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 181 - 7

7 - خداوند ، به وصیت های میت آگاه و به عملکرد وصی و بازماندگان او داناست .

فمن بدله .. فإنما إثمه على الذين يبدلونه إن الله سمیع علیم

ص: 173

15- استفاده از میته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 -

1,11,12,35,36,37,39,56

1 - حرمت استفاده از مردار ، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر

11 - استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک ، حیوان خفه شده ، زده شده ، پرت شده ، شاخ خورده ، دریده شده و بدون تذکیه ، فسق و خروج از طاعت خداوند است .

حرمت علیکم . . . ذلکم فسق

بنابر اینکه «ذلکم» اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

12 - قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم . . . و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم ذلکم فسق

35 - استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود ، در حال اضطرار جایز است .

حرمت علیکم . . . فمن اضطر فی مخصمه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

36 - استفاده از حیوانی که بر اثر خفگی ، زده شدن ، پرت شدن و ضربه دیدن از شاخ حیوانی دیگر بمیرد و یا درنده ای آن را بکشد ، در حال اضطرار جایز است .

حرمت علیکم . . . فمن اضطر فی مخصمه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

37 - استفاده از حیوان قربانی شده بر آستان بت ها و گوشت های سهمبندی شده با تیر های قمار ، در حال اضطرار جایز است .

و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم . . . فإنّ الله غفور رحیم

39 - استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک ، تنها به مقدار ضرورت جایز است .

حرمت ... فمن اضطر في مخمصة غير متجانف لاثم فإن الله غفور رحيم

56- بهره گیری مضطر از مردار، خون، گوشت خوک و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و...، مشروط به آن است که از روی عمد و قصد گناه نباشد.

فمن اضطر في مخمصة غير متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح «غیر متجانف» در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لاثم.

تفسیر قمی، ج 1، ص 162؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 447، ح 1.

16- اقسام میتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 3 - 36، 11، 4، 3

ص: 174

3 - حرمت استفاده از حیوانی که در اثر خفگی، زده شدن، پرت شدن و شاخ خوردن بمیرد.

حرمت .. و المنخنقه و الموقوذه و المترديه و النطيحه

مراد از عناوین یاد شده این است که حیوان بر اثر آنها بمیرد، نه اینکه - به مجرد پرت شدن از بلندی، استفاده از آن حرام باشد. دلیل این معنا جمله استثنائی «الا ما ذکیتم» است.

4 - حرمت استفاده از حیوانی که طعمه و شکار درندگان شده و بمیرد.

حرمت .. و ما اکل السبع

11 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، حیوان خفه شده، زده شده، پرت شده، شاخ خورده، دریده شده و بدون تذکیه، فسق و خروج از طاعت خداوند است.

حرمت علیکم .. ذلکم فسق

بنابر اینکه «ذلکم» اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

36 - استفاده از حیوانی که بر اثر خفگی، زده شدن، پرت شدن و ضربه دیدن از شاخ حیوانی دیگر بمیرد و یا درنده ای آن را بکشد، در حال اضطراب جایز است.

حرمت علیکم .. فمن اضطر فی مخصصه غیر متجانف لاثم فإن الله غفور رحیم

17- حرمت میته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 4، 1

1 - حرمت استفاده از مردار، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم الميته و الدم و لحم الخنزیر

3 - حرمت استفاده از حیوانی که در اثر خفگی، زده شدن، پرت شدن و شاخ خوردن بمیرد.

حرمت .. و المنخنقه و الموقوذه و المترديه و النطيحه

مراد از عناوین یاد شده این است که حیوان بر اثر آنها بمیرد، نه اینکه - به مجرد پرت شدن از بلندی، استفاده از آن حرام باشد. دلیل این معنا جمله استثنائی «الا ما ذکیتم» است.

4 - حرمت استفاده از حیوانی که طعمه و شکار درندگان شده و بمیرد .

حرمت . . . و ما اکل السبع

ص: 175

8- میزان

1- برپایی میزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 7 - 5

5- برقراری میزان و ابزار سنجش حق و باطل در میان مردم از سوی خداوند

و السَّمَاءِ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از «وضع المیزان» برقراری ابزار سنجش در میان مردم باشد - نه آسمان ها - ؛ آن گونه که در آیه 25 سوره «حدید» آمده است (و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط). گفتنی است آیه بعد - که توصیه به پرهیز از طغیان در میزان می کند - مؤید همین برداشت است.

2- تعدد میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 47 - 3

3- ابزار سنجش اعمال (میزان) در قیامت ، متعدد است .

و نضع الموزین القسط

«موازین» (جمع «میزان») به معنای ترازوها است و جمع آمدن آن دلیل بر تعدد است. هرچند میان مفسران در باره چگونگی متعدد بودن ترازوهای قسط و عدل اختلاف هست.

3- تفاوت میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 8 - 6

6- کردار های ناروا، هنگام حسابرسی در قیامت - با وجود تهی بودن همه آنها از وزن و ارزش - گوناگون بوده و ابزار سنجش آنها متفاوت است .

و أمّا من خفّت موزینه

جمع بودن «موازين»؛ بيانگر تعدد ميزان و موزون و تغاير آنها است.

ص: 176

4- سبکی میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 103 - 1

1 - سبکی کفه ترازوی عمل ، نشان خسران و زیان کاری واقعی انسان در قیامت

و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 8 - 2

2 - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فأما من ثقلت موزينه . . . و أما من خفت موزينه

چنانچه کلمه «موازن» جمع «میزان» (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

5- سنگینی میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 102 - 1

1 - سنگینی کفه ترازوی اعمال خود انسان ، تنها عامل مؤثر در سرنوشت وی در قیامت

فمن ثقلت موزينه فأولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 8 - 2

2 - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فأما من ثقلت موزينه . . . و أما من خفت موزينه

چنانچه کلمه «موازن» جمع «میزان» (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

6- عوامل سبکی میزان در قیامت

6 - عن امیرالمؤمنین (ع): ... و أما قوله: «... و من خفت موازینہ» فإنما یعنی الحساب ... و السيئات خفه المیزان

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: مراد از آیه «و من خفت موازینہ»، حسابرسی (در قیامت) است . . و گناهان، موجب سبکی میزان هستند

7- عوامل سنگینی میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 8 - 8

8 - عن امیرالمؤمنین (ع) . . . و اما قوله: « فمن ثقلت موازینہ ... » فإنما یعنی الحساب ... و الحسنات ثقل المیزان

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: . . . مراد از آیه «فمن ثقلت موازینہ»، حسابرسی (در قیامت) است ... و حسنات، موجب سنگینی میزان است

8- مراد از سبکی میزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 6 - 6

6 - « قال علیّ (ع) . . . و معنی قوله « فمن ثقلت موازینہ » و « من خفّت موازینہ » فهو قله الحساب و کثرته ;

علی (ع) فرمود: معنای سخن خداوند «فمن ثقلت موازینہ» و «من خفّت موازینہ»، پس آن [سنگینی و سبکی، به معنای] کمی و زیادی [مدت] حسابرسی است.».

9- مراد از سنگینی میزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 6 - 6

6 - « قال علیّ (ع) . . . و معنی قوله « فمن ثقلت موازینہ » و « من خفّت موازینہ » فهو قله الحساب و کثرته ;

علی (ع) فرمود: معنای سخن خداوند «فمن ثقلت موازینہ» و «من خفّت موازینہ»، پس آن [سنگینی و سبکی، به معنای] کمی و زیادی [مدت] حسابرسی است.».

10- منشأ میزان در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 7 - 3

3 - برقراری قانون، محاسبه و سنجش به اراده الهی، در ساختار نظام جهان

و السَّمَاءِ رَفْعَهَا وَ وَضْعَ الْمِيزَانِ

با توجه به این که «میزان» به ابزار سنجش گفته می شود؛ وضع میزان در آسمان، می تواند اشاره به حاکمیت قانون و محاسبه در نظام جهان داشته باشد.

ص: 178

11- میزان در ترازو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 19

19 - شعيب (ع) از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس پیمانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند.

فأوفوا الكيل و الميزان

کلمه «کیل» مصدر است و در آیه مورد بحث به معنای چیزی است که به وسیله آن کیل می کنند؛ یعنی پیمانه. «ایفاء» (مصدر اوفوا) به معنای اتمام می باشد و «اتمام کیل» به این است که گنجایش پیمانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفاء میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

12- میزان در عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 9 - 3

3 - همطراز نبودن اعمال و عقاید آدمی با حق بیانگر بیوزنی و سبکی اعمال و عقاید است.

و الوزن يومئذ الحق... و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم

13- میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 13

13 - پاداش و جزای کردار آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثم توفى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 8 - 5، 2

2 - حق (نوع شایسته و بایسته رفتار و اندیشه ها در پیشگاه خداوند)، وسیله سنجش اعمال و عقاید در قیامت است.

و الوزن يومئذ الحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که «الحق» خبر برای «الوزن» باشد و کلمه «الوزن» به معنای میزان (مقیاس سنجش) باشد. مانند مثقال و کیلو که مقیاس سنجش و تعیین کننده سبکی و سنگینی اشیاء است.

5- هر یک از رفتارها و عقاید آدمی دارای مقیاسی مخصوص برای ارزیابی آنها در قیامت است.

و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینہ

کلمه «موازین» (جمع موازن) می رساند که هر یک از اعمال و عقاید آدمی مورد سنجش قرار می گیرد و چون اعمال و عقاید مختلف است، مقیاس و وسیله سنجش آن نیز متفاوت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 179

1- حسابرسی مردم در قیامت بر میزان قسط و عدالت است .

و نضع الموازين القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که لام در «لیوم القیامه» برای ظرفیت و به معنای «فی»، یا «عند» باشد.

11- « عن هشام بن سالم قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزَّ وجلَّ : « ونضع الموازين القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شیئاً » قال : هم الأنبياء و الأوصیا (ع) ;

از هشام بن سالم نقل شده که گفت: از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزَّوجلَّ «ونضع الموازين القسط لیوم القیامه. ..» پرسیدم فرمود: موازین قسط، پیامبران و اوصیا هستند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 102 - 3، 4، 2

2 - تنها عقاید درست و اعمال صالح ، دارای وزن و مقدار در قیامت

فمن ثقلت موازینهم فأولئك هم المفلحون

با توجه به این که فلاح و رستگاری در نتیجه ایمان و عمل صالح به دست می آید و در این آیه، تنها کسانی رستگار دانسته شده اند که از میزانی سنگین برخوردار باشند، برداشت بالا استفاده می شود.

3 - وجود معیار ها و میزان های متعدد در قیامت ، برای سنجش اعمال انسان ها

فمن ثقلت موازینهم

«موازین» جمع «میزان» است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

4 - هر نوع عمل انسان ، دارای معیار و میزانی مخصوص در قیامت

فمن ثقلت موازینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 17 - 15

15 - قرآن و قانون الهی ، ابزار سنجش و داوری در قیامت

14- میزان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 100 - 6

6- قرآن ، محور و میزان سنجش اعمال در قیامت است .

من أعرض عنه فإنه يحمله يوم القيمة وزراً

منطوق آیه دلالت می کند که اعراض از قرآن و زراور است و مفهوم آیه می رساند که روی آوردن به قرآن، مایه نجات می باشد. بنابراین ارزش اعمال و عقاید آدمیان در روز قیامت، به دوری و نزدیکی آنان به قرآن، وابسته است و بدین وسیله برای آنها تعیین درجات و یا درجات می شود.

ص: 180

9- میوه

1- آثار تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 10

10 - تنوع میوه ها و درختان زیتون و انار از آیات خداشناسی و توحید است.

و الزیتون و الرمان مشتبهها و غیر متشبه

2- ارزش میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 266 - 8

8 - خرما و انگور، دارای ارزش ممتاز در میان دیگر میوه ها و از نمونه های بارز فراوانی ثمر *

له جنّه من نخیل و اعناب

از اختصاص به ذکر این دو میوه از میان سایر میوه ها، استفاده شده است.

3- استفاده از میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 9

9 - جواز استفاده از انواع میوه ها و محصولات کشاورزی برای انسان

كلوا من ثمره إذا أثمر

4- استفاده از میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 12

12 - بهشتیان در بهره گیری از میوه ها و روزی های بهشت، کمترین رنج و محنت را نخواهند برد.

كلما رزقوا منها .. وأتوا به متشبهها

ص: 181

مجهول آوردن کلمه «رزقوا» و «أتوا» اشاره به این دارد که: خدمتکارانی در بهشت روزیها و میوه ها را در اختیار بهشتیان قرار می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 73 - 2، 1

1 - بهره‌وری متقین در بهشت ، از میوه های فراوان آماده شده برای ایشان

لکم فیها فکھه

2 - میوه های بهشت ، چندان فراوان اند که تقواییشان تنها از بخشی از آن بهره می برند .

لکم فیها فکھه کثیره منها تأکلون

از «منها» - که برای تبعیض است - استفاده می شود که مؤمنان تنها از گوشه ای از نعمت های بهشت استفاده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 3

3 - برخورداری تقواییشان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادت‌مندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبا

5- اهمیت میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 55 - 2

2- اهمیت میوه ، در میان سایر خوراکی های انسان

یدعون فیها بکلّ فکھه

6- اهمیت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 11 - 2

2- اهمیت میوه های زمین ، در زندگی و حیات خلق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در میان همه مزایا و امکانات زمین، نخستین چیزی که خداوند مطرح کرده «فاکھه» است.

7- اهمیت میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 3

3 - میوه و گوشت ، دو غذای مهم در بهشت

و آمدنهم بفقکه و لحم

8- برتری برخی میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 5

5- خداوند ، ایجاد کننده تفاوت در میوه ها و ثمرات به دست آمده از درختان و گیاهان و برتری دهنده برخی از آنها بر برخی دیگر

و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل

«أُكُلُ» به معنای میوه و ثمره است و بر مطلق خوراکیها نیز اطلاق شده است.

9- برداشت میوه باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 5

5 - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین

10- تداوم وفور میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 33 - 1

1 - وجود میوه های فراوان در بهشت اصحاب الیمین ، همیشگی است ; نه فصلی و مقطعی

و فکّه کثیره . لا مقطوعه

11- تشابه میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 9

9 - درختان و میوه های زیتون و انار، در عین تشابه، با یکدیگر متفاوت هستند.

ص: 183

و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه

12- تشابه میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 7,8

7 - انواع درختان و میوه های زیتون و انار، در عین تشابه با یکدیگر، متفاوت هستند.

و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه

8 - همگونی میوه ها در شکل و گوناگونی آنها در طعم و کیفیت، نشانی از قدرت خداوند است.

و هو الذی . . . الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه

محتمل است مراد از زیتون و انار در آیه، میوه های آن باشد. در این صورت «متشابه» یعنی تشابه میوه های زیتون با یکدیگر و همچنین انار، «و غیر متشابه» یعنی تفاوت آنها از نظر رنگ و طعم و ... در عین تشابه با یکدیگر.

13- تشبیه میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 65 - 1

1 - میوه و ثمره درخت «زقوم»، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها كأنه رءوس الشیطین

«طلع»، به معنای «ثمره» است.

14- تعقل در پیدایش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 14

14 - لزوم مطالعه و تحقیق در چگونگی ثمر دادن و رشد و رسیدن میوه های درختان

أنظروا إلی ثمره إذا أثمر و ینعه

15- تغذیه از میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 35 - 1

1 - هدف و فلسفه آفرینش نخلستان ها و تاکستان ها از سوی خداوند ، تغذیه و بهره مندی انسان ها از میوه ها و محصولات آنها است .

ص: 184

و جعلنا فيها من نخيل و أعنب . . . ليأكلوا من ثمره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 69 - 2، 1

1- خداوند ، پس از الهام به زنبور های عسل در امر خانه سازی ، آنها را به تغذیه از گل و غنچه های میوه ها ، درختان و محصولات کوهستانی راهنمایی کرده است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذي من الجبال بيوتاً . . . ثم كلي من كل الثمرات

2- زنبور عسل ، موجودی که از میوه ها و شکوفه های درختان و گیاهان تغذیه می کند .

ثم كلي من كل الثمرات

16- تفاوت طعم میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 141 - 8

8 - همگونی میوه ها در شکل و گوناگونی آنها در طعم و کیفیت، نشانی از قدرت خداوند است.

و هو الذی . . . الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

محتمل است مراد از زيتون و انار در آيه، میوه های آن باشد. در این صورت «متشابه» یعنی تشابه میوه های زيتون با یکدیگر و همچنین انار، «و غیر متشابه» یعنی تفاوت آنها از نظر رنگ و طعم و ... در عین تشابه با یکدیگر.

17- تفاوت میوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 99 - 9

9 - درختان و میوه های زيتون و انار، در عین تشابه، با یکدیگر متفاوت هستند.

و الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

18- تفاوت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7- انواع درختان و میوه های زیتون و انار، در عین تشابه با یکدیگر، متفاوت هستند.

و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه

ص: 185

19- تنوع رنگ میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 4,6

4- آب ، عامل پدید آمدن انواع میوه ها با رنگ های گوناگون

ماء فأخرجنا به ثمرت مختلفاً ألونها

6- وجود انواع میوه ها با رنگ ها ، طعم ها و خواص گوناگون ، از نعمت های خداوند برای بشر

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرت مختلفاً ألونها

برخی از مفسران بر این باورند که اختلاف رنگ میوه ها اشاره به طعم ها و خواص گوناگون آنها دارد؛ زیرا نوعاً میوه های رنگارنگ، طعم ها و خواص گوناگونی دارند. گفتنی است این آیه و آیه بعد، ضمن تبیین قدرت و یکتایی خداوند، در صدد برشمردن نعمت های الهی نیز می باشد.

20- تنوع مزه میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 6

6- وجود انواع میوه ها با رنگ ها ، طعم ها و خواص گوناگون ، از نعمت های خداوند برای بشر

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرت مختلفاً ألونها

برخی از مفسران بر این باورند که اختلاف رنگ میوه ها اشاره به طعم ها و خواص گوناگون آنها دارد؛ زیرا نوعاً میوه های رنگارنگ، طعم ها و خواص گوناگونی دارند. گفتنی است این آیه و آیه بعد، ضمن تبیین قدرت و یکتایی خداوند، در صدد برشمردن نعمت های الهی نیز می باشد.

21- تنوع میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 4

4- آب ، عامل پدید آمدن انواع میوه ها با رنگ های گوناگون

ماء فأخرجنا به ثمرت مختلفاً ألونها

22- تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 11

11 - گوناگونی درختان یک میوه و تفاوت ثمره های آن، در عین شباهت با یکدیگر، از آیات خداشناسی و توحید است.

و هو الذی . . . و الزیتون و الرمان مشتبها و غیر متشبهه

ص: 186

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 5

5- گوناگونی میوه ها و محصولات کشاورزی از آثار قدرت الهی

و الزرع مختلفا أکله

«اکل» به معنای میوه و ثمرهای خوراکی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 4,7

4- درختان انگور، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند.

جنّت من أعب و زرع و نخیل . . . یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل

7- گوناگون شدن میوه های درختان و محصولات کشاورزی، علی رغم بهره‌وری آنها از آب با طبیعتی واحد، از نشانه های توحید و یکتایی خدا در تدبیر هستی

یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل إن فی ذلک الأیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 19 - 6

6 - پیدایش گیاهان مختلف با میوه های متفاوت به وسیله ریزش باران، یکی از جلوه های تدبیر و ربوبیت خداوند است.

فأنشأنا لکم به جنت . . . لکم فیها فوکه کثیره

23- تنوع میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 42 - 1

1 - انواع میوه ها، رزق و روزی مخصوص و ممتاز بندگان مخلص خدا در بهشت

أولئك لهم رزق معلوم . فوكه

«فواكه» (جمع «فاكهه») بدل كل از «رزق معلوم» و یا خبر برای مبتدای محذوف است و تقدیر آن «ذلک الرزق فواكه» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 4

4 - باغ های بهشتی ، دارای انواع میوه ها و نوشیدنی های عالی و نفیس

بفککه کثیره و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 52 - 1,2,3

ص: 187

1 - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو گونه متمایز از هر نوع میوه

فیهما من کلّ فکّه زوجان

2- دو بوستان خائفان از خدا ، هر یک دارای میوه هایی مخصوص به خود و متمایز از دیگری *

فیهما من کلّ فکّه زوجان

برداشت یاد شده بدین احتمال است که «زوجان» به معنای وجود دو نوع در دو بهشت باشد که در هر بهشت یک نوع از هر میوه وجود داشته باشد.

3- بهشت ، دارای همه گونه میوه ها

فیهما من کلّ فکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 53 - 2، 1

1 - وجود انواع مختلف از هر میوه در بهشت ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهما من کلّ فکّه زوجان . فبأیّ ءالآء ربکما تکذّبان

2 - میوه های متنوع بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما من کلّ فکّه زوجان . فبأیّ ءالآء ربکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 69 - 2، 1

1 - وجود انواع میوه ها - خصوصاً خرما و انار - در بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

فیهما فکّه و نخل و رمان . فبأیّ ءالآء ربکما تکذّبان

2 - میوه های متنوع - به ویژه خرما و انار - در بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما فکّه و نخل و رمان . فبأیّ ءالآء ربکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجود میوه های متنوع و گوناگون در بهشت پیشتاازان (سابقون)

و فکّه ممّا یتخیرون

2 - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتاازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکّه ممّا یتخیرون

واژه «فاکّه» عطف بر «أکواب» (در دو آیه پیش) است؛ یعنی، «و یطوف علیهم ولدان مخلّدون بفاکّه ممّا یتخیرون».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - تنوع و فراوانی میوه ها در بهشت اصحاب الیمین

و فکّه کثیره

«کثرت» در آیه شریفه هم شامل کثرت در مقدار و هم شامل کثرت در نوع میوه می شود، برداشت یاد شده ناظر به معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 42 - 2

2 - وجود انواع میوه های دلخواه در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

24- جاودانگی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 6

6- میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُكلها دائم و ظلّها

«ظلّها» مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

25- خالق میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 3

3- خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من كل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

«ثمرات» (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متّعاً لكم ولأنعمکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتیعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت‌هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

26- درختان میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 11

11 - گوناگونی درختان یک میوه و تفاوت ثمره‌های آن، در عین شباهت با یکدیگر، از آیات خداشناسی و توحید است.

ص: 189

و هو الذی . . . و الزیتون و الرمان مشتبهها و غیر متشبه

27- درخواست میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 3

3 - تقوایشگان در باغ های بهشتی ، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی ، متنوع و گوناگون

یدعون فیها بفکھه کثیره و شراب

مقصود از کثرت میوه ها و نوشیدنی ها، تنوع آنها است و تکثیر «فاکھه» و «شراب» برای تفخیم می باشد؛ یعنی، میوه های عالی و نفیس.

28- رویش میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 57 - 7

7 - خداوند به وسیله آب های فروآمده از ابر ها ، انواع میوه ها را به ثمر می نشاند .

فأنزلنا به الماء فأخرجنا به من كل الثمرات

29- زشتی میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 65 - 1

1 - میوه و ثمره درخت « زقوم » ، در زشتی همانند سر های شیطان ها است .

طلعها كأنه رءوس الشیطین

«طلع»، به معنای «ثمره» است.

30- زمینه پیدایش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 31 - 1

1 - خداوند ، باران و زمین مساعد را وسیله فراهم آمدن میوه مصرفی انسان و علوفه حیوانات قرار داده است .

صبینا الماء . . . شققنا الأرض ... و فکھه و آباً

«أب»؛ یعنی، علوفه چرندگان، چه برای آنها چیده شود و چه خود به چرا مشغول شوند. (لسان العرب)

ص: 190

31- زوجیت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 4

4- گیاهان و میوه جات هر یک دارای دو نوع نر و ماده

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

«زوج» در لغت به معنای یک جفت و نیز به معنای یک تایی از یک جفت است. تشبیه آن (زوجین) به اعتبار معنای دوم است. بنابراین «زوجین»؛ یعنی، دو چیز که هر یک زوج و همتای دیگری است و «اثنین» تأکید برای زوجین است.

32- علم به رویش میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 47 - 10

10 - آگاهی به روند پیدایش میوه ها و تکوین و تولد جنین ، مقتضای ربوبیت الهی است .

و ما ربّک . . . و ما تخرج ... إلاّ بعلمه

33- عوامل پیدایش میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 8

8 - خداوند با آب باران تاکستانهای انگور و باغهای زیتون و انار را پدیدار می سازد.

و جنت من أعناب و الزیتون و الرمان

34- عوامل رویش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 4

4- آب ، عامل حیات و رویش گیاهان ، میوه ها و نباتات است .

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ

35- فلسفه رویش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 191

9- ابراهیم - 14 - 32 - 6

6- رویش گیاهان ، نباتات و میوه ها برای تأمین رزق و روزی انسان است .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

36- فواید میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 57 - 3

3- نقش مفید و مؤثر میوه ها در تغذیه انسان

لهم فيها فكهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 6

6- نقش مفید و مؤثر میوه ها در تغذیه انسان

یدعون فيها بفكهه كثيره و شراب

37- مطالعه تنوع میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 1

1- تشویق و ترغیب خداوند به مطالعه و دقت نظر در مظاهر طبیعت ؛ چون نزول باران و چگونگی پیدایش انواع میوه ها

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرت مختلفاً ألونها

«ثمره» (مفرد «ثمرات») به معنای میوه است.

38- منشأ پیدایش میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 4

4- آب ، عامل پدید آمدن انواع میوه ها با رنگ های گوناگون

ماء فأخرجنا به ثمرت مختلفاً ألونها

39- منشأ تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 192

5- خداوند ، ایجاد کننده تفاوت در میوه ها و ثمرات به دست آمده از درختان و گیاهان و برتری دهنده برخی از آنها بر برخی دیگر

و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل

«أُكُل» به معنای میوه و ثمره است و بر مطلق خوراکیها نیز اطلاق شده است.

40- میوه چینی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 5

5 - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إذ أقسموا لیصرمتّنها مصبحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 2

2 - اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إذ أقسموا لیصرمتّنها مصبحین . و لایستثنون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 23 - 1,3

1 - به راه افتادن تمامی صاحبان بوستان یمنی با عزمی جدی ، برای چیدن میوه ها در سپیده صبح

فانطلقوا و هم یتخفتون

3 - تلاش باغداران یمنی ، در مخفی نگه داشتن کار برداشت میوه ها از دید دیگران

فانطلقوا و هم یتخفتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- باغداران یمنی، خود را در بر چیدن تمامی محصولات باغ برای خود و محروم ساختن بینوایان از آن، توانا می پنداشتند.

و غدوا علی حرد قدرین

41- میوه در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 193

22 - از امام باقر (ع) درباره درخواست ابراهیم (ع) که فرمود: « و ارزق أهله من الثمرات » روایت شده که: « ان المراد بذلك ان الثمرات تحمل إليهم من الآفاق »؛

این میوه ها، از سرزمینهای دور به آن جا (مکه) برده می شود.

42- میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 53 - 1

1 - دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه « زقوم » می پردازند .

فمالون منها البطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 45 - 1

1- ثمره درخت زقوم ، چونان موادی آلوده و مذاب و جوشان در درون دوزخیان

إنّ شجرت الزقوم . طعام الأثیم . كالمهل یغلی فی البطون

در معنای «مُهل»، برخی به آلودگی و عده ای به مذاب بودن آن اشاره کرده اند.

43- میوه درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 11

11 - میوه درختان از مواهب الهی و رزق و روزی انسانهاست .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

44- میوه های باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 23 - 1

1 - به راه افتادن تمامی صاحبان بوستان یمنی با عزمی جدی ، برای چیدن میوه ها در سپیده صبح

فانطلقوا و هم یتخفتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 25 - 2

2 - باغداران یمنی ، خود را در بر چیدن تمامی محصولات باغ برای خود و محروم ساختن بینوایان از آن ، توانا می پنداشتند

ص: 194

و غدوا علی حرد قدرین

45- میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 7،8

7- بهشت دارای درختانی انبوه و میوه دار

آن لهم جنّت .. کلما رزقوا منها من ثمره

«ثمره» به میوه درختان گفته می شود. بهشت و بستان را از آن جهت جنت می گویند که پوشیده از درختان انبوه است.

8 - میوه درختان بهشت از روزی های بهشتیان

کَلِمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا

«رزقاً» به معنای روزی است و مفعول دوم برای «رزقوا» می باشد. ضمیر در «منها» به «جنات» بر می گردد و «من ثمره» به منزله بیان برای «منها» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 5

5- بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أَكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا

«أكل» به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. «ظلّ» به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 57 - 1،2

1 - بهشتیان ، از میوه های بسیار عالی و مطلوب برخوردارند .

لهم فيها فكهه

در برداشت یاد شده عالی و مطلوب بودن میوه ها، از تکبیر «فاکهه» - که برای تقخیم است - استفاده می شود.

2- میوه ها، از غذا های اصلی بهشتیان است .

لهم فيها فكهه

از اختصاص به ذکر یافتن میوه ها از میان دیگر غذاها و خوراکی ها، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 3

3- انواع بوستان ها، میوه ها، شراب ها، تخت ها، بزم انس و همسران زیبا، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلص خدا

إلاّ عباد الله المخلصين . . . في جنّات النعيم . . . وعندهم قصرت الطرف . . . أذلك خ

ص: 195

«نزل» به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 5

5 - میوه ها ، از غذا های اصلی بهشتیان است .

یدعون فیها بفقکه کثیره

از اختصاص به ذکر یافتن میوه ها، از میان دیگر غذاها و خوراکی های در خواستی بهشتیان، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 55 - 1

1- تقوایبشگان بهشتی ، برخوردار از هرگونه میوه مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فککه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 10

10- متّیین در بهشت ، بهره مند از همه میوه ها

و لهم فیها من کلّ الثمرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 1

1 - بهره مندی تقوایبشگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جنّات و نعیم . . . و آمدندهم بفقکه و لحم ممّا یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 68 - 2

2- خرما و انار ، دارای ویژگی و امتیاز در میان میوه های بهشت

«فاکھه» به مطلق میوه گفته می شود و شامل خرما و انار نیز می گردد. بنابراین ذکر «نخل و رمان» پس از آن، از باب ذکر خاص بعد از عام و نشانگر ویژگی خاص آن دو میوه در میان میوه های بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 2

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متکئین فیها علی الأرائک . . . و ذللت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در «لکم»، می تواند برای اختصاص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 42 - 1

1 - تقوایبشگان ، برخوردار از انواع میوه های دلخواه در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 1

1 - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . . . کلوا و اشربوا هنیئاً . . . إنا کذلک نجزی المحسنین

46- نابودی میوه های باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 20 - 2

2 - نابود شدن تمامی محصولات بوستان باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلا

فاصبحت کالصریم

47- نزدیکی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 3

3 - میوه های رسیده برشاخساران باغ های بهشت ، در دسترس بهشتیان تکیه زده بر مسندها

متکین . . . و جنی الجنّین دان

«جنی» به میوه رسیده گفته می شود و «دان» (از ریشه «دُنُو») به معنای نزدیک و در دسترس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 23 - 1

1 - میوه های بوستان های بهشتی ، نزدیک و در دسترس بهشتیان است .

قطوفها دانه

«قُطْف» (مفرد «قطوف») در معنای میوه چیده شده و نیز میوه آماده چیدن به کار می رود. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 14 - 3

3 - میوه های بهشتی ، نزدیک و در دست رس بهشتیان ، بی هیچ زحمت ورنجی

و ذللت قطوفها تذلیلاً

ص: 197

«قَطْفٌ» (مفرد «قطوف») به معنای خوشه های میوه است و «تذليل» مصدر مجهول «ذَلَّت» و به معنای رام شده است. مقصود این است که چیدن خوشه های میوه، برای بهشتیان آسان است.

48- نعمت تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 6

6- وجود انواع میوه ها با رنگ ها ، طعم ها و خواص گوناگون ، از نعمت های خداوند برای بشر

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفاً ألونها

برخی از مفسران بر این باورند که اختلاف رنگ میوه ها اشاره به طعم ها و خواص گوناگون آنها دارد؛ زیرا نوعاً میوه های رنگارنگ، طعم ها و خواص گوناگونی دارند. گفتنی است این آیه و آیه بعد، ضمن تبیین قدرت و یکتایی خداوند، در صدد برشمردن نعمت های الهی نیز می باشد.

49- نعمت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 32 - 8

8- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذي خلق السموت والأرض وأنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقاً لكم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله «إنّ الانسان لظلوم كفّار» در دو آیه بعد (آیه 34) مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 11 - 1

1 - امتنان الهی بر خلق ، به خاطر قرار دادن انواع میوه ها در زمین ، برای آنان

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهه

واژه «فاکّهه» بر مطلق میوه - از هر نوع باشد - اطلاق می شود (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 31 - 2

2 - دستیابی انسان به میوه ها و مراتع ، نعمت خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أكفروه... وفكهه و أبأ

ص: 198

50- نقش تنوع میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 7

7 - نقش سازنده تنوع میوه ها در تغذیه انسان ها

ثمرت مختلفاً ألونها

برداشت یاد شده را می توان از تصریح خداوند به گوناگونی میوه ها، استفاده کرد.

51- نقش رویش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 7

7- نزول باران و رویش نباتات و میوه ها ، دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

52- نقش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 6

6- زمین و بخش های متفاوت آن و درختان و کشتزارها ، از نشانه های خدا و یکتایی او در تدبیر هستی

إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

53- نیاز به تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 12 - 5

5- وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فیها فکھه و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

54- وعده میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 199

1 - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواییشان

جنّت... یدعون فیها بفقکه کثیره و شراب . و عندهم قصرات الطرف أتراب . هذا ما

55- وفور میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 73 - 1, 2

1 - بهرهوری متقین در بهشت ، از میوه های فراوان آماده شده برای ایشان

لکم فیها فقکه

2 - میوه های بهشت ، چندان فراوان اند که تقواییشان تنها از بخشی از آن بهره می برند .

لکم فیها فقکه کثیره منها تأکلون

از «منها» - که برای تبعیض است - استفاده می شود که مؤمنان تنها از گوشه ای از نعمت های بهشت استفاده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 11

11- وفور و فراوانی نعمت ها و میوه ها در بهشت

و لهم فیها من کل الثمرات

تعبیر «من کل الثمرات»، می فهماند که اولاً- میوه های بهشت گوناگون و بسیار متنوع است. ثانیاً هر نوع میوه آن به وفور و فراوانی وجود دارد؛ نه به صورت نمونه و اندک. مطلب نخست از واژه «کل» و مطلب دوم از جمع آمدن «الثمرات»، برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 32 - 1

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای میوه های فراوان

و فقکه کثیره

56- وقت میوه چینی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 22 - 1

1 - باغداران یمنی ، همدیگر را به چیدن میوه ها در سپیده صبح تحریک و ترغیب کردند .

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صرمین

ص: 200

57- ویژگیهای میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 65 - 1

1 - میوه و ثمره درخت «زقوم»، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها كأنه رءوس الشیطین

«طلع»، به معنای «ثمره» است.

58- ویژگیهای میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 10،11

10 - میوه ها و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

كلما رزقوا منها من ثمره رزقاً .. وأتوا به متشبهاً

ضمیر در «به» به «رزقاً» بر می گردد و «متشابهاً» به معنای همسان است و حال برای این ضمیر می باشد؛ یعنی، و روزیهای بهشتی را به حضور مؤمنان می آورند در حالی که همسان یکدیگرند. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «أتوا به ...» مستأنفه بیانیه باشد.

11 - هرگاه میوه ای از درختان بهشت چیده شود ، میوه ای همانند آن بر آن درختان نمایان می شود .

كلما رزقوا منها من ثمره رزقاً قالوا هذا .. وأتوا به متشبهاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که: جمله «أتوا به ..» عطف بر «قالوا ...» باشد که در نتیجه «أتوا به» جواب شرط (كلما رزقوا ...) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 2

2 - کاستی نیافتن میوه ها و غذا های بهشتی ، با بهره‌وری اهل بهشت

و آمدندنهم بفککهه و لحم ممّا یشتهون

«مدّ» (ریشه «أمدنا») به معنای جریان داشتن است. بنابراین در معنای «امداد» پیوستگی و استمرار نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 33 - 1

1 - وجود میوه های فراوان در بهشت اصحاب الیمین ، همیشگی است ؛ نه فصلی و مقطعی

و فکّه کثیره . لا مقطوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 23 - 1

1 - میوه های بوستان های بهشتی ، نزدیک و در دسترس بهشتیان است .

قطوفها دانه

ص: 201

«قَطْف» (مفرد «قطوف») در معنای میوه چیده شده و نیز میوه آماده چیدن به کار می رود. (لسان العرب)

59- همانندی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 10,11

10 - میوه ها و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

کَلِمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرِهِ رِزْقًا . . . وَأَتُوا بِهِ مِثْبَهُهَا

ضمیر در «به» به «رزقاً» بر می گردد و «مِثْبَهُهَا» به معنای همسان است و حال برای این ضمیر می باشد؛ یعنی، و روزیهای بهشتی را به حضور مؤمنان می آورند در حالی که همسان یکدیگرند. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «أَتُوا بِهِ . . .» مستأنفه بیانیه باشد.

11 - هرگاه میوه ای از درختان بهشت چیده شود ، میوه ای همانند آن بر آن درختان نمایان می شود .

کَلِمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرِهِ رِزْقًا قَالُوا هَذَا . . . وَأَتُوا بِهِ مِثْبَهُهَا

برداشت فوق مبتنی بر این است که: جمله «أَتُوا بِهِ . . .» عطف بر «قَالُوا . . .» باشد که در نتیجه «أَتُوا بِهِ . . .» جواب شرط (کَلِمَا رَزَقُوا . . .) خواهد بود.

میوه ها

60- آثار تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 10

10 - تنوع میوه ها و درختان زیتون و انار از آیات خداشناسی و توحید است.

و الزیتون و الرمان مشتبها و غیر متشبهه

61- استفاده از میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 9

9- جواز استفاده از انواع میوه ها و محصولات کشاورزی برای انسان

كلوا من ثمره إذا أثمر

62- اهمیت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 202

2- اهمیت میوه های زمین ، در زندگی و حیات خلق

فیها فکھه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در میان همه مزایا و امکانات زمین، نخستین چیزی که خداوند مطرح کرده «فاکھه» است.

63- برتری برخی میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 5

5- خداوند ، ایجاد کننده تفاوت در میوه ها و ثمرات به دست آمده از درختان و گیاهان و برتری دهنده برخی از آنها بر برخی دیگر

و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل

«أکل» به معنای میوه و ثمره است و بر مطلق خوراکیها نیز اطلاق شده است.

64- تشابه میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 7,8

7- انواع درختان و میوه های زیتون و انار، در عین تشابه با یکدیگر، متفاوت هستند.

و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

8- همگونی میوه ها در شکل و گوناگونی آنها در طعم و کیفیت، نشانی از قدرت خداوند است.

و هو الذی . . . الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

محتمل است مراد از زیتون و انار در آیه، میوه های آن باشد. در این صورت «متشابه» یعنی تشابه میوه های زیتون با یکدیگر و همچنین انار، «و غیر متشابه» یعنی تفاوت آنها از نظر رنگ و طعم و ... در عین تشابه با یکدیگر.

65- تعقل در پیدایش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لزوم مطالعه و تحقیق در چگونگی ثمر دادن و رشد و رسیدن میوه های درختان

أنظروا إلی ثمره إذا أثمر و ینعه

ص: 203

66- تفاوت طعم میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 8

8 - همگونی میوه ها در شکل و گوناگونی آنها در طعم و کیفیت، نشانی از قدرت خداوند است.

و هو الذی . . . الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

محتمل است مراد از زیتون و انار در آیه، میوه های آن باشد. در این صورت «متشابه» یعنی تشابه میوه های زیتون با یکدیگر و همچنین انار، «و غیر متشابه» یعنی تفاوت آنها از نظر رنگ و طعم و ... در عین تشابه با یکدیگر.

67- تفاوت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 7

7 - انواع درختان و میوه های زیتون و انار، در عین تشابه با یکدیگر، متفاوت هستند.

و الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

68- تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 11

11 - گوناگونی درختان یک میوه و تفاوت ثمره های آن، در عین شباهت با یکدیگر، از آیات خداشناسی و توحید است.

و هو الذی . . . الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 5

5 - گوناگونی میوه ها و محصولات کشاورزی از آثار قدرت الهی

و الزرع مختلفا أکله

«اکل» به معنای میوه و ثمرهای خوراکی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 7، 4

4- درختان انگور، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند.

جنّات من أُنْب و زرع و نخیل . . . یسقی بماء و حد و تفضل بعضها علی بعض فی الأکل

7- گوناگون شدن میوه های درختان و محصولات کشاورزی، علی رغم بهره‌وری آنها از آب با طبیعتی واحد، از نشانه های توحید و یکتایی خدا در تدبیر هستی

یسقی بماء و حد و تفضل بعضها علی بعض فی الأکل إن فی ذلک الأیت لقوم یعقلون

ص: 204

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 19 - 6

6 - پیدایش گیاهان مختلف با میوه های متفاوت به وسیله ریزش باران ، یکی از جلوه های تدبیر و ربوبیت خداوند است .

فَأَشْنَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّتْ .. لَكُمْ فِيهَا فَوْكَةٌ كَثِيرَةٌ

69- خالق میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 3

3- خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين

«ثمرات» (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مَتَعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمَكُم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

70- زمینه پیدایش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 31 - 1

1 - خداوند ، باران و زمین مساعد را وسیله فراهم آمدن میوه مصرفی انسان و علوفه حیوانات قرار داده است .

صَبَبْنَا الْمَاءَ .. شَقَقْنَا الْأَرْضَ ... وَفَكَهْهُ وَأَبَّا

«أبّ»؛ یعنی، علفه چرندگان، چه برای آنها چیده شود و چه خود به چرا مشغول شوند. (لسان العرب)

71- زوجیت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 4

4- گیاهان و میوه جات هر یک دارای دو نوع نر و ماده

ص: 205

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

«زوج» در لغت به معنای یک جفت و نیز به معنای یک تایی از یک جفت است. تشبیه آن (زوجین) به اعتبار معنای دوم است. بنابراین «زوجین»؛ یعنی، دو چیز که هر یک زوج و همتای دیگری است و «اثنین» تأکید برای زوجین است.

72- عوامل رویش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 32 - 4

4- آب، عامل حیات و رویش گیاهان، میوه ها و نباتات است.

و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

73- فلسفه رویش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 32 - 6

6- رویش گیاهان، نباتات و میوه ها برای تأمین رزق و روزی انسان است.

فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

74- منشأ تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 4 - 5

5- خداوند، ایجاد کننده تفاوت در میوه ها و ثمرات به دست آمده از درختان و گیاهان و برتری دهنده برخی از آنها بر برخی دیگر

و نفضل بعضها علی بعض فی الأكل

«أكل» به معنای میوه و ثمره است و بر مطلق خوراکیها نیز اطلاق شده است.

75- نعمت تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- وجود انواع میوه ها با رنگ ها ، طعم ها و خواص گوناگون ، از نعمت های خداوند برای بشر

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفاً ألونها

برخی از مفسران بر این باورند که اختلاف رنگ میوه ها اشاره به طعم ها و خواص گوناگون آنها دارد؛ زیرا نوعاً میوه های

ص: 206

رنگارنگ، طعم ها و خواص گوناگونی دارند. گفتنی است این آیه و آیه بعد، ضمن تبیین قدرت و یکتایی خداوند، در صدد برشمردن نعمت های الهی نیز می باشد.

76- نعمت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 8

8- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله «إنّ الاءنسان لظلوم كفّار» در دو آیه بعد (آیه 34) مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 11 - 1

1 - امتنان الهی بر خلق ، به خاطر قرار دادن انواع میوه ها در زمین ، برای آنان

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهه

واژه «فکّه» بر مطلق میوه - از هر نوع باشد - اطلاق می شود (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 31 - 2

2- دستیابی انسان به میوه ها و مراتع ، نعمت خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أكفّره . . . و فكهه و أباً

77- نقش رویش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 7

7- نزول باران و رویش نباتات و میوه ها ، دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذي خلق السموت والأرض وأنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات

78- نقش میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 6

6- زمین و بخش های متفاوت آن و درختان و کشتزارها ، از نشانه های خدا و یکتایی او در تدبیر هستی

ص: 207

إن فی ذلك لآیت لقوم یعقلون

79- نیاز به تنوع میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 12 - 5

5- وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فیها فکھه و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

ص: 208

10- میکائیل

1- برتری انبیا از میکائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 98 - 5

5- برتری رسولان الهی بر فرشتگان حتی بر جبرئیل و میکائیل *

من کان عدواً لله و ملئکته و رسله و جبریل و میکیل

چنانچه گذشت ذکر بخصوص جبرئیل و میکائیل از میان سایر فرشتگان حکایت از برتری این دو فرشته دارد و تقدیم ذکری «رساله» بر «جبریل و میکال» اشاره به به برتری بر جبرئیل و میکائیل دارد.

2- دشمنان میکائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 98 - 2

2- خداوند ، دشمن کسانی است که با جبرئیل و میکائیل دشمنی دارند .

من کان عدواً لله . . . و جبریل و میکیل فإن الله عدو للكفرین

3- کفر دشمنان میکائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 98 - 7

7- دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من کان عدواً لله . . . و جبریل و میکیل فإن الله عدو للكفرین

4- مقامات میکائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 98 - 4

4- جبرئیل و میکائیل دارای مقامی برتر از سایر فرشتگان در پیشگاه خدا

ص: 209

من كان عدواً لله و ملائكته و رسله جبرئيل و ميكل

كلمه «ملائكته» شامل جبرئيل و ميكائيل مي شود. بنا بر اين ذكر بخصوص آنها از ميان ساير فرشتگان، مي تواند اشاره به برتري مقام آنان باشد.

5- نجات ميكايل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 68 - 12

12 - « قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : « و نفخ في الصور فصعق من في السموات و من في الأرض إلا من شاء الله » قالوا : يا رسول الله من هؤلاء الذين استثنى الله ، قال : جبرئيل و ميكايل و ملك الموت و اسرائيل و حملة العرش . . . » ;

از رسول خدا (صلى الله عليه و آله) روايت شده كه فرمود: « و نفخ في الصور .. إلا من شاء الله ». [اصحاب] گفتند: اي رسول خدا! اين كساني كه استثنا شده اند چه كساني هستند؟ فرمود: جبرئيل، ميكايل، ملك الموت، اسرائيل و حاملان عرش هستند...».

ص: 210

11- نا امنی

1- احساس نا امنی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 20

20 - موسی (ع) به خاطر ارتکاب قتل ، نزد فرعونیان امنیت جانی نداشت .

فنجینک من الغم

2- بلای نا امنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 8

8- گرسنگی و نا امنی ، از بلا های مهم اجتماعی است .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه . . . فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

3- بهانه نا امنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 11

11 - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیمار دل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبئی یقولون إن بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فر

4- حدّ نا امنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 33 - 16,27

16 - مجازات دنیوی محاربان و فساد انگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندک و ناچیز است .

ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

ص: 211

27 - بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذین یحاربون الله ورسوله . . . وارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . . . و ان كانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلک . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 315، ح 91؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 467، ح 16.

5- زمینه ناامنی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 15

15- فقر و گرسنگی مردم ، زمینه ساز ناامنی اجتماعی است . *

فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع والخوف

از اینکه خداوند در کیفر کفران نعمت، ابتدا فقر و گرسنگی و سپس ترس و ناامنی را مطرح ساخته است، می توان به دست آورد که فقر و گرسنگی زمینه ناامنی اجتماعی، همچون دزدی و . . . را فراهم می آورد.

6- زمینه ناامنی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 16 - 1

1 - قتل مرد قبطی ، ظلم موسی (ع) به خود و باعث به خطر افتادن جان او از سوی فرعونیان

فوكزه موسى فقضى عليه . . . قال ربّ اِنّی ظلمت نفسی

موسی(ع) در پیشگاه پروردگار اعتراف کرد که مرتکب خطای بزرگی شده و با کشتن مرد قبطی، در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

7- عوامل ناامنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 13

13- نامن بودن اطراف و حوالی یک منطقه ، مایه زوال امنیت آن منطقه است .

أو تحلّ قریبًا من دارهم

نامن بودن حوالی مگّه به عنوان تهدیدی برای آن دیار ، گویای برداشت فوق است.

ص: 212

8- عوامل ناامنی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 112 - 6,7,9,16

6- مبتلا شدن جامعه به فقر، گرسنگی و ناامنی، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

7- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس، پیدایش فقر، گرسنگی و ناامنی فراگیر است. *

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که «اذاق» اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و «لباس» اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

9- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا، عامل پیدایش فقر، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فكفرت بأنعم الله .. بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه «یصنعون» که در بردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

16- دستیابی جامعه به امنیت، رشد و رفاه اقتصادی و یا ابتلای آن به فقر، گرسنگی، ناامنی و ترس، در گرو اعمال افراد آن جامعه است

و ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 113 - 7

7- فقر، ناامنی و عذاب دنیوی، دستاورد تکذیب کنندگان انبیا و رسولان الهی

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف .. رسول منهم فكذبوه فأخذهم العذاب

9- عوامل ناامنی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 112 - 14

14- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق - چنان چه عده ای از مفسران گفته اند - بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

10- کیفر ناامنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 33 - 20,25,26,27

20 - سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها - همراه با قتل ، - محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است .

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. ان یقتلوا

ص: 213

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . . . و ان كانوا اخافوا السبيل و قتلوا النفس امر بقتلهم . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 315، ح 91؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 467، ح 16.

25 - تبعید محارب (از محل ارتکاب جرم به شهری دیگر) و قطع معاشرت وی با مردم ، کیفر سلاح بر کشیدن بدون قتل و غارت

انما جزؤا الذين يحاربون الله . . . او ينفوا من الارض

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: . . . و ان شهر السيف فحارب الله و رسوله و سعى فى الارض فساداً و لم يقتل و لم يأخذ المال . . . ينفى من المصر الذى فعل فيه ما فعل الى مصر غيره و يكتب الى اهل ذلك المصر انه منفى فلا تجالسوه و لا تباعوه و لا تناكحوه و لا تواكلوه و لا تشاربوه . . .

کافی، ج 7، ص 247، ح 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 623، ح 165.

26 - زندانی کردن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها ، بدون قتل و غارت

انما جزؤا الذين يحاربون الله . . . او ينفوا من الارض

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . . . فان كانوا اخافوا السبيل فقط و لم يقتلوا احداً و لم يأخذوا مالا امر بايداعهم الحبس فان ذلك معنى نفيهم من الارض . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 315، ح 91؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 467، ح 16.

27 - بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذين يحاربون الله و رسوله . . . و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . . . و ان كانوا اخافوا السبيل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلك . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 315، ح 91؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 467، ح 16.

11- ناامنی اخروی دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 3

3 - دنیا جو یان آسایش طلب ، فاقد امنیت و آسایش در آخرت

يستعجل بها الذين لا يؤمنون . . . و من كان يريد حرث الدنيا ... ترى الظلمين مشفقين

12- ناامنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 5 - 8

ص: 214

8- در امان نبودن بنی اسرائیل حتی در زوایای خانه های خود ، به دنبال فسادانگیزی و تعقیب قرار گرفتشان از سوی مردانی جنگاور

فجاسوا خلل الدیار

13- ناامنی تهمت زندگان به مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 7

7- اتهام زندگان به مریم (س) ، از سلامت و امنیت بی بهره بودند .

و السلم علیّ

«السلام»، یعنی سلام کامل و دارای همه خصوصیات. این سخن داری حصر اضافی است و در برابر کسانی که برای توبیخ مریم گرد آمده بودند، حاوی نوعی تعریض است؛ یعنی تنها من از آن سلامت کامل برخوردارم، ولی شما چنین نیستید.

14- ناامنی جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 69 - 11

11 - « عن رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال : إذا أخذتم الساحر فاقتلوه ثمّ قرأ « و لا یفلح الساحر حیث أتى » قال : لا یأمن حیث وجد ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: هرگاه بر ساحری دست یافتید او را بکشید؛ سپس این آیه را قرائت فرمود: «و لا یفلح الساحر حیث أتى» [آن گاه] فرمود: ساحر هر جا یافت شود در امان نیست».

15- ناامنی در اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 67 - 3

3 - ناامنی و آدم ربایی در پیرامون مکه ، در دوران آغاز اسلام ، رواج داشته است .

أولم یروا أنّا جعلنا حرماً آمناً و یتخطف الناس من حولهم

16- ناامنی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 24 - 10

10 - دنیا سرایی است ناامن و آرمیدن در آن و گردش بر مدار آن ، نشانه ای است از کوتاه نظری .

ص: 215

إنما مثل الحيوه الدنيا .. كذلك نفصل الأيت لقوم يتفكرون

غرض از تمثيل در آيه شريفه - به قرينه آيه بعد (و الله يدعوا إلى دارالسلام ..) - بيان اين حقيقت است كه: اين سرا، سرايى است كه در معرض انواع حوادث و رخدادهاى مرگبار است و انسان نبايد به چنين جايى بسنده كند و آن را وجهه همت خود قرار دهد. گفتنى است كه از ذيل آيه (لقوم يتفكرون) استفاده مى شود كه اهل دنيا مردمانى فاقد فكر و اندیشه هستند.

17- ناامنى مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 49 - 4

4 - مؤمنان راهى بهشت با فرمان اصحاب اعراف به آن جاىگاه رفيع وارد خواهند شد .

ادخلوا الجنة

ظاهر اين است كه جمله «اهؤلاء الذين ..» دنباله سخنان اصحاب اعراف با كافران مستكبر باشد. يعنى: قالوا ... هؤلاء الذين ... بر اين تقدير جمله «ادخلوا ...» نيز سخن اعرافيان است.

18- ناامنى مؤمنان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - نور - 24 - 55 - 17

17 - زندگى مؤمنان نيكوكار صدراسلام در بيشترين دوران بعثت ، همراه با ترس و ناامنى از سوى دشمنان بود .

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت .. و ليبدلنهم من بعد خوفهم أمنً

مقصود از خوف و ناامنى در آيه شريفه - به قرينه وعده جاىگزين شدن آنان به جاي كافران حاكم - ناامنى و ترسى است كه از ناحيه كافران و دشمنان به وجود آمده بود و چون اين آيات، در سال هاى پايانى دوران بعثت نازل گرديده بود، مى رساند كه مؤمنان، بيشترين دوران بعثت را به حالت ترس و اضطراب گذرانده اند.

19- ناپسندى ناامنى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 11

11 - امنيت ، نعمتى الهى است و ناامنى و جوّ آدم ربابى ، امرى نامطلوب و نكوهيده است .

أولم يروا أننا جعلنا حرماً آمناً ويتخطف الناس من حولهم أفبالبطل . . . وبنع

ص: 216

12- ناسخ و منسوخ

1- ناسخ و منسوخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 7 - 37

37- آیات منسوخ، از مصادیق متشابه و ناسخ آنها از محکّمات است.

منه آیات محکّمات... و اخر متشابهات

امام باقر (ع): .. فـالمنسوخات من المتشابهات و المحکّمات من الناسخات.

کافی، ج 2، ص 28، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 313، ح 19.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 110 - 18

18 - اسلام، ناسخ ادیان گذشته

و لو آمن من اهل الکتب لکان خیراً لهم

بنابر اینکه «خیر»، اسم تفضیل نباشد و منظور از ایمان، ایمان به اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

ناسخ

2- آیات ناسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 102 - 2

2- آیات ناسخ و منسوخ، همه از جانب پروردگار نازل شده است.

قل نزلہ روح القدس من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

23- « عن أبي عبدالله (ع) في قوله : « ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت بها » قال : نسختها « فاصدع بما تؤمر » السوره حجر الأيه 94 ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه درباره سخن خدا «و لا تجهر بصلاتك و لا تخافت بها» فرمود: اين آيه شريفه، به وسيله آيه 94 از سوره حجر: «فاصدع بما تؤمر» نسخ شده است.

ص: 217

17 - « عن مسعده ابن صدقه قال : دخل سفیان الثوری علی ابي عبداللّه . . . فأتاه قوم ممّن يظهرن الزهد . . . فقالوا يقول اللّٰه تبارک و تعالیٰ مخبراً عن قوم من أصحاب النبیّ (صلی الله علیه و آله) « و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصه . . . » فمدح فعلهم . . . فقال أبو عبداللّه (ع) : . . . أخبرونی . . . ألكم علم بناسخ القرآن و منسوخه . . . فقالوا له أو بعضه و أمّا کلّه فلا فقال لهم . . . فأما ما ذکرتم من أخبار اللّٰه عزّوجلّ إیانا فی کتابه عن القوم الذین اخبر عنهم بحسن فعالهم فقد کان مباحاً جائزاً و لم یكونوا نهوا عنه و ثوابهم منه علی اللّٰه عزّوجلّ و . . . انّ اللّٰه جلّ و تقدس أمر بخلاف ما عملوا به فصار أمره ناسخاً لفعلهم . . . هذا ما نطق به الكتاب . . . « والذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلك قواماً » ;

از مسعده بن صدقه روایت شده است: سفیان ثوری وارد بر امام صادق(ع) شد . . . و جمعی از کسانی که اظهار زهد می کردند وارد شدند . . . و گفتند: خدای تعالی در حالی که از قومی از اصحاب پیغمبر خبر می دهد، می فرماید: «ویؤثرون علی أنفسهم...» و فعل آنان را ستوده است . . . پس امام صادق(ع) فرمود: آیا شما از ناسخ و منسوخ قرآن آگاهی دارید . . . گفتند: بعضی را می دانیم؛ ولی همه رانمی دانیم. امام به آنان فرمود: . . . آنچه را یاد نمودید که خداوند در کتاب خود از حسن عمل قومی خبر داده، این عمل در آن زمان مباح بوده و از آن نهی نشده بود و ثواب آن عمل برای آنان نزد خداوند بوده است؛ ولی خداوند برخلاف عمل آنان، امر فرموده و امر خدا ناسخ فعل آنان است . . . این است آنچه کتاب خدا به آن سخن گفته: والذین إذا أنفقوا لم یسرفوا...».

3- حقایق آیات ناسخ

7- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدلنا آیه مکان آیه . . . قل نزله روح القدس من ربک بالحقّ

4- مراد از ناسخ

17 - از امام باقر (ع) درباره سخن خدا که می فرماید : « ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر من ها أو مثلها » روایت شده که فرمود : « الناسخ ما حوّل . . . مثل قوم یونس إذ بداله فرحمهم . . . » ;

ناسخ عبارت است از چیزی که تغییر دهد . . . مثل قوم یونس زمانی که برای خدا نسبت به عذاب آنان بداء حاصل شد و مورد رحمت خدا

قرار گرفتند (...)).

ص: 218

5- ناسخ بودن اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 85 - 5

5 - اسلام ، ناسخ تمامی ادیان گذشته

و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه

بنابراینکه «الاسلام»، نام شریعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

نسخ

6- {نسخ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 85 - 5

5 - اسلام ، ناسخ تمامی ادیان گذشته

و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه

بنابراینکه «الاسلام»، نام شریعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 93 - 12، 13

12 - تورات ، ناسخ حرمت برخی از خوردنی ها بر بنی اسرائیل

کل الطعام کان حلالاً لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوریه

بنابراینکه «من قبل» متعلق به «حرّم» باشد؛ یعنی حرمت‌های وضع شده برای بنی اسرائیل توسط یعقوب (ع)، تا قبل از نزول تورات بوده است.

13 - راه نداشتن نسخ در احکام شریعت ، پندار باطل یهود

الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوریه قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

بنابراینکه «من قبل» متعلق به «کان حلا» باشد؛ یعنی برخی طعامها قبل از نزول تورات حلال بوده و تورات آن را حرام کرده است.

7- آثار نسخ آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 108 - 3

3 - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که «أن تسئلوا» به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

ص: 219

8- آثار نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 108 - 2,3

2- امکان نسخ و تبدیل احکام، ترغیب کننده برخی از مسلمانان ها به درخواست تغییر و تبدیل برخی از آن احکام

ما ننسخ من آیه... أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

با توجه به آیه قبل، می توان گفت: منشأ گرایش مسلمانان به درخواست نسخ برخی از احکام، طرح مسأله نسخ و امکان آن بوده است.

3- نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که «أن تسئلوا» به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

9- آثار نسخ ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 108 - 3

3- نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که «أن تسئلوا» به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

10- آثار نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 101 - 2

2- نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی، دستاویزی برای مشرکان در مبارزه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و متهم کردن او به دروغ گویی

و إذا بدلنا آیه مکان آیه... قالوا إنما أنت مفتّر

11- اعتراض به نسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 5

5 - نسخ احکام دین امری ممکن و ناروا شمردن آن ، نشانه سفاقت و کم خردی است .

ص: 220

سيقول السفهاء من الناس ما وليهم عن قبلتهم

12- حقیقت نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 101 - 7

7- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدلنا آیه .. أكثرهم لا يعلمون

13- درخواست نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 108 - 4,9

4 - مسلمانانی که در صدد درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام بودند ، مورد نکوهش شدید خداوند قرار گرفتند .

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

در اینکه مخاطب «أن تسئلوا» مسلمانان هستند یا اهل کتاب، دو نظر ابراز شده است. «کما سئل موسی» تأیید کننده این نظر است که مخاطب مسلمانان هستند و گرنه در عبارت بعد گفته می شد: «کما سألتم موسی». جمله «أم تریدون» (آیا می خواهید) دلالت می کند که درخواست یا پرسش، انجام نشده بود و لذا در برداشت گفته شد: «در صدد درخواست ...».

9- درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام، زمینه ساز از دست دادن ایمان و گرایش به کفر است .

أم تریدون أن تسئلوا .. و من یتبدل الکفر بالإیمن

14- رد شبهات نسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 107 - 7

7 - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله علی کل شیء قدیر. ألم تعلم أن الل

استفهام تقریری در دو جمله «الم تعلم أن الله علی ...» و «الم تعلم أن الله له ...» بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با

نسخ دین و جایگزینی آن شبیهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

ص: 221

15- زمینه نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 11

11 - نافرمانی مسلمانان و نادیده گرفتن حرمت آمیزش در شب های رمضان ، از زمینه های نسخ آن حکم بود .

أحل لكم . . . علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم و عفا عنكم

جمله «علم الله . . .» نیز همانند «هن لباس لكم . . .» بیان حکمت و دلیل جعل حلیت آمیزش در شبهای ماه رمضان (أحل لكم . . .) است.

16- فلسفه نسخ ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 107 - 9

9 - نسخ ادیان و جایگزینی دینی دیگر از سوی خدا ، در جهت تدبیر امور انسان ها و به منظور یاری آنهاست .

ما ننسخ من آیه . . . و ما لكم من دون الله من ولی و لانصیر

برداشت فوق مقتضای ارتباط بین جمله «ما ننسخ من آیه . . .» با جمله «و ما لكم . . .» است.

17- فلسفه نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 101 - 6،7

6- نسخ و تبدیل آیات و پیام های قرآن ، دارای حکمت و دلیلی عالمانه است .

و إذا بدلنا آیه مکان آیه و الله أعلم بما ینزل

7- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدلنا آیه . . . أكثرهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- تثبیت ایمان مؤمنان و هدایت و بشارت به مسلمانان ، از اهداف نسخ و تغییر پیام های الهی و نزول تدریجی آیات قرآن

و إذا بدلنا آیه مکان آیه . . . قل نزلہ ... لیثبت الذین ءامنوا و هدی و بشری

18- منشأ نسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 106 - 14، 4

4 - نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام ، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

ص: 222

ما ننسخ من آیه . . . ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله «ألم تعلم . . .»، برداشت فوق به دست می آید.

14 - نسخ ادیان و احکامی از دین ، درخور دارنده قدرت مطلق است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها . . . ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير

جمله «ألم تعلم . . .» (البته دانستی که خدا بر هر چیز تواناست) دلیل برای حقایقی است که در آیه مطرح شده است و از آنهاست نسخ کردن احکام و یا به فراموشی انداختن آنها؛ یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، می تواند دینی را نسخ کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 23

23 - خداوند بر اثبات حکمی و برداشتن آن در زمانی مناسب ، و نیز جایگزین کردن آن با دستوری دیگر ، تواناست .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّٰه بأمره إن اللّٰه على كل شيء قدير

جمله «إن الله . . .» را می توان با هر یک از حقایق مطرح شده در آیه ملاحظه کرد و به مناسبت آن، هدف از توجه دادن مخاطبان را به قدرت فراگیر خداوند، دریافت. در برداشت فوق جمله «إن الله . . .» در ارتباط با فرمان به عفو و گذشت و نسخ آن در آینده لحاظ شده است.

19- منشأ نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 10

10 - تشریح احکام دین و نسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضيها

20- منشأ نسخ قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 10

10 - تشریح احکام دین و نسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نرى تقلب وجهك فى السماء فلنولينك قبلة ترضيها

21- نسخ آيات قرآن

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

1 - بقرہ - 2 - 106 - 7

ص: 223

7 - خداوند ، هرگاه آیه ای از قرآن یا حکمی از اسلام را نسخ کند و یا به متارکه آن فرمان دهد ، آیه و حکمی بهتر یا همسان با آن را نازل می کند .

ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها

22- نسخ احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 106 - 14،15

14 - نسخ ادیان و احکامی از دین ، درخورِ دارنده قدرت مطلق است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله کل شیء قدیر

جمله «ألم تعلم ..» (البته دانستی که خدا بر هر چیز تواناست) دلیل برای حقایقی است که در آیه مطرح شده است و از آنهاست نسخ کردن احکام و یا به فراموشی انداختن آنها؛ یعنی ، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، می تواند دینی را نسخ کند.

15 - تشریح دینی به جای دین نسخ شده و نازل کردن حکمی به جای حکم منسوخ ، درخورِ دارنده قدرت مطلق است .

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن الله کل شیء قدیر

در برداشت فوق جمله تعلیلیه «ألم تعلم ..» در ارتباط با «نأت بخیر ...» معنا شده است؛ یعنی ، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، بر جای گزینی شریعتی بهتر و یا همانند شریعت منسوخ، تواناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 107 - 7

7 - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله علی کل شیء قدیر. ألم تعلم أن الل

استفهام تقریری در دو جمله «ألم تعلم أن الله علی ..» و «ألم تعلم أن الله له ...» بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 23

23 - خداوند بر اثبات حکمی و برداشتن آن در زمانی مناسب، و نیز جایگزین کردن آن با دستوری دیگر، تواناست.

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّٰه بأمره إن اللّٰه علی کل شیء قدير

جمله «إن اللّٰه . . .» را می توان با هر یک از حقایق مطرح شده در آیه ملاحظه کرد و به مناسبت آن، هدف از توجه دادن مخاطبان را به قدرت فراگیر خداوند، دریافت. در برداشت فوق جمله «إن اللّٰه . . .» در ارتباط با فرمان به عفو و گذشت و نسخ آن در آینده لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 224

5- نسخ احکام دین امری ممکن و ناروا شمردن آن، نشانه سفاقت و کم خردی است.

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلِيَهُمْ عَن قِبَلَتِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- انتظار و اشتیاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود.

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّينَاكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا

تقریب جمله «فلنولينك...» بر «قد نرى...» به وسیله حرف «فاء» می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- حرمت آمیزش با همسران در شب های رمضان پس از مدتی نسخ شده و این عمل حلال گشت.

أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثِ إِلَى نِسَائِكُمْ... فَاَلنَّ بَشْرُوهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- نقش زمان، در تغییر و تبدیل برخی احکام الهی

و لَأَحَلِّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيْكُمْ

10- معجزات عیسی (ع)، نشانه ای از سوی پروردگار، برای اثبات رسالت او و صحّت تغییر برخی احکام الهی توسط وی

و لَأَحَلِّ لَكُمْ... وَ جِئْتُمْكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ

جمله «و جئتمکم بایه»، پس از بیان تغییر برخی احکام، تذکر به این معناست که تغییر احکام باید تنها از جانب پیامبران - با ارائه معجزه برای اثبات نبوت - صورت گیرد.

14 - پذیرفتن تغییرات احکام - که توسط پیامبر جدید ابلاغ می شود - خلاف تقواست .

و لاحلّ لکم . . . فاتّقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 16، 17، 18، 14

14 - نوید خداوند به نسخ کیفر زنا (حبس ابد)

والتی یأتین الفاحشه . . . فامسکوهنّ . . . او يجعل الله لهنّ سبیلاً

16 - امکان نسخ در احکام الهی

او يجعل الله لهنّ سبیلاً

17 - حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان ، نسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم . . . فامسکوهنّ فی البیوت حتی یتوفیهنّ الموت او یج

امام صادق (ع) درباره «سبیل» در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 227، ح 60؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 353، ح 2.

18 - حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی، کیفر منسوخ شده فحشای زنان

فامسکوهنّ فی البیوت

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذه منسوخه .. كانت المرأة ... ادخلت بیتاً و لم تحدث و لم تکلم و لم تجالس و اوتیت فیہ بطعامها و شرابها حتی تموت ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 227، ح 61؛ نورالتقلین، ج 1، ص 456، ح 124.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 66 - 3

3 - لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون .. الثن خفف الله عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 13 - 5

5 - خداوند، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) لغو و نسخ کرد.

فإذ لم تفعلوا و تاب الله علیکم

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

23- نسخ احکام اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 106 - 3,4,7

3 - امکان نسخ در آیات قرآن و احکام اسلام

ما نسخ من ءایه او نسنها

از مصادیق «ءایه» می تواند آیه ای از قرآن و یا حکمی از اسلام باشد.

4- نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام ، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

ما نسخ من ءایه .. ألم تعلم أن الله علی کل شیء قذیر

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله «ألم تعلم ..»، برداشت فوق به دست می آید.

7- خداوند ، هرگاه آیه ای از قرآن یا حکمی از اسلام را نسخ کند و یا به متارکه آن فرمان دهد ، آیه و حکمی بهتر یا همسان با آن را نازل می کند .

ما نسخ من ءایه او نسنها نأت بخیر منها او مثلها

ص: 226

24- نسخ احکام تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 50 - 3

3 - نسخ بعضی از احکام تورات ، توسط حضرت عیسی (ع)

و لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

چون مخاطبان عیسی (ع)، بنی اسرائیل بودند، و شریعت بنی اسرائیل تا قبل از عیسی (ع)، شریعت حضرت موسی (ع) بوده، بنابراین چیزهایی که عیسی (ع) برای آنان حلال می کند، چیزهایی است که تورات آنها را تحریم کرده است.

25- نسخ ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 106 - 15، 14، 11، 6، 4، 1

1 - ادیان الهی قابل نسخ شدن است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها

از مصادیق مورد نظر برای «آیه» - به دلیل آیات گذشته که درباره بعثت پیامبر و دعوت اهل کتاب به شریعت اسلام بود - ادیان گذشته است. «ما» در «ما ننسخ» شرطیه و مفعول برای «نسخ» می باشد و «من» بیانیه است؛ یعنی، آنچه از آیات را که نسخ کنیم و باطل سازیم ...

4 - نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام ، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

ما ننسخ من آیه .. ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله «الم تعلم ..»، برداشت فوق به دست می آید.

6 - خداوند ، در پی نسخ ادیان گذشته و واداشتن مردم به ترک آن ، دینی بهتر و یا همانند آن را به مردم ارائه می کند .

ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها

حرف «أو» برای بیان تنويع است. بنابراین مراد از «نأت بخیر منها ...» (بهتر از آن یا همانند آنها را می آوریم) این است که احکام جایگزین شده، برخی بهتر از احکام منسوخ و برخی همانند آن است.

11 - نسخ ادیان گذشته و ارائه آیینی بهتر و یا همانند آن ، رحمت و فضلی است از جانب خدا بر بندگان .

والله ذوالفضل العظیم . ما نسخ من آیه ... نأت بخیر منها أو مثلها

بیان فضل و رحمت الهی در آیه قبل و سپس بیان نسخ دینی و جایگزین کردن شریعتی دیگر، حاکی از آن است که: نسخ دینی و ارائه آیینی جدید، از مصادیق رحمت و فضل خداوند است.

14 - نسخ ادیان و احکامی از دین ، درخور دارنده قدرت مطلق است .

ما نسخ من آیه أو نسها . . ألم تعلم أن الله کل شیء قدیر

جمله «ألم تعلم . .» (البته دانستی که خدا بر هر چیز تواناست) دلیل برای حقایقی است که در آیه مطرح شده است و از آنهاست نسخ کردن احکام و یا به فراموشی انداختن آنها؛ یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، می تواند دینی را نسخ کند.

15 - تشریح دینی به جای دین نسخ شده و نازل کردن حکمی به جای حکم منسوخ ، درخور دارنده قدرت مطلق است .

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن الله کل شیء قدیر

در برداشت فوق جمله تعلیلیه «ألم تعلم . . .» در ارتباط با «نأت بخیر ...» معنا شده است؛ یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، بر جای گزینی شریعتی بهتر و یا همانند شریعت منسوخ، تواناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 107 - 7

7 - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها . . . ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير . ألم تعلم أن الل

استفهام تقریری در دو جمله «ألم تعلم أن الله على . . .» و «ألم تعلم أن الله له ...» بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 12

12 - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من آیه . . . أم تريدون أن تسئلوا رسولكم ... و قد كثير من أهل الكتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دچار تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 85 - 5

5 - اسلام، ناسخ تمامی ادیان گذشته

و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه

بنابراینکه «الاسلام»، نام شریعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

26- نسخ در حکم جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - لزوم پایداری اهل ایمان در برابر لشکری با نیرویی ده برابر ، حکمی که پس از گذشت مدتی تخفیف داده شد .

الئن خفف الله عنکم

3 - لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر ، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون .. الئن خفف الله عنکم

4 - بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد .

الئن خفف الله عنکم و علم أن فیکم ضعفا

ص: 228

27- نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 106 - 3,4

3 - امکان نسخ در آیات قرآن و احکام اسلام

ما ننسخ من آیه أو ننسها

از مصادیق «آیه» می تواند آیه ای از قرآن و یا حکمی از اسلام باشد.

4 - نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام ، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

ما ننسخ من آیه .. ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله «ألم تعلم ..»، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 12

12 - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من آیه .. أم تريدون أن تسئلوا رسولكم ... و قد كثير من أهل الكتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دچار تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 101 - 1,3,5

1- متهم شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دروغ گویی از سوی مشرکان ، بارخ دادن نسخ و تبدیل پیامی به پیام دیگر در برخی از آیات قرآن

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قالوا إنما أنت مفتتر

3- وجود نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی در قرآن به وسیله خود قرآن

و إذا بدلنا آية مكان آية

5- نزول تدریجی آیات قرآن و تغییر برخی از آنها از نظر مفاد به مرور زمان ، ناشی از علم الهی است .

و إذا بدلنا آية مكان آية و الله أعلم بما ينزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 102 - 2

2- آیات ناسخ و منسوخ ، همه از جانب پروردگار نازل شده است .

قل نزله روح القدس من ربك

ص: 229

28- نسخ صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 13 - 5

5 - خداوند ، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتگوی محرمانه با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) لغو و نسخ کرد .

فإذ لم تفعلوا و تاب الله عليكم

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

29- نسخ قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 7

7 - انتظار و اشتیاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود .

قد نرى قلب وجهك فى السماء فلنولينك قبله ترضيها

تقریر جمله «فلنولينك...» بر «قد نرى...» به وسیله حرف «فاء» می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

ص: 230

1- خضر (ع) در ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 19

19- « عن جعفر بن محمد (ع) : . . . » فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية « و هي الناصره ;

از امام صادق(ع) روایت شده:.. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است.».

2- صفات اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 5

5- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن يضيّفوهما

3- ملاقات خضر (ع) با اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 2

2- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر «ناصره» است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

4- ملاقات موسی (ع) با اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 2

2- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

ص: 231

فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر «ناصره» است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق(ع) روایت کرده است.

5- موسی(ع) در ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 19

19- «عن جعفر بن محمد (ع) : . . . « فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية » و هي الناصره ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: .. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است.».

ص: 232

1- اهمیت نافله صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 78 - 13

13- « عن أبي عبدالله (ع) انه سئل عن قول الله عزوجلّ: « وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً » قال: هو الركعتان قبل صلاة الفجر؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ « وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً » سؤال شد، حضرت در جواب فرمود: آن دو رکعت (نماز نافله)، قبل از نماز صبح است.».

2- اهمیت نماز نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 40 - 5

5 - اهمیت تعقیبات نماز و نوافل آن *

و من الیل فسبّحه و أدبر السجود

در صورتی که سجده، اشاره به نماز داشته باشد؛ تعبیر «أدبار السجود» می تواند ناظر به تعقیبات نماز و نوافل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 23 - 6، 5

5 - « محمدبن فضیل عن أبي الحسن (ع) أنه قال: أولئك أصحاب الخمسين صلاة من شيعتنا . . . »

محمدبن فضیل از امام کاظم(ع) [درباره آیه «الذین هم علی صلاتهم دائمون»] روایت نموده که فرمود: آنان اصحاب پنجاه رکعت نماز، از شیعیان ما هستند». گفتمی است که: الف - مقصود از «پنجاه رکعت نماز» نمازهای یومیه به علاوه نافله های آن است. ب - تعداد رکعات نمازهای یومیه و نوافل آن 51 رکعت است لکن در برخی روایات درباره نافله عشاء آمده که این یک رکعت از نوافل بشمار نمی آید بلکه مستحبی است که صرفاً به منظور دو برابر شدن تعداد رکعات نافله نسبت به نمازهای یومیه اضافه شده است. (من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 455، ح 1318). براساس این روایات، مجموع عدد نمازهای یومیه و نوافل پنجاه رکعت است.

6 - « عن فضیل، قال: سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجلّ: « . . . الذین هم علی صلاتهم دائمون » قال: هی النافله؛

فضیل می گوید: از امام باقر(ع) از سخن خدای عزوجلّ «..الذین هم علی صلاتهم دائمون» سؤال کردم فرمود: مراد نماز نافله است».

ص: 233

3- دعا در نماز نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 80 - 3

3- فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای دعا و نیایش همراه با نماز و نوافل

أقم الصلوه .. فتهجد به نافله لك ... وقل رب أدخلى مدخل صدق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که عبارت «و قل رب» عطف به «فتهجد..» بوده و ذکر خاص بعد از عام بیانگر یکی از اعمال باشد که شایسته است در تهجد و نماز شب انجام گردد.

4- قضای نماز نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 10

10 - « عن عنبسه العابد ، قال : سألت أبا عبد الله (ع) : عن قول الله عز وجل : « و هو الذى جعل الليل و النهار خلفه لمن أراد أن يذكر أو أراد شكوراً » قال : قضاء صلاه الليل بالنهار و قضاء صلاه النهار بالليل ;

امام صادق در باره آیه یاد شده فرمود: مراد قضای نمازهای شب در روز و قضای نمازهای روز در شب است». توضیح: با توجه به روایات قبل از حدیث یاد شده، در تهذیب و روایت صفحه 116 از تفسیر قمی به نظر می رسد، قضای نماز نافله مقصود است.

5- مراد از نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 72 - 8

8- « عن أبی عبد الله (ع) فی قول الله عز وجل : « و وهبنا له اسحاق و یعقوب نافله » قال : ولد الولد نافله ;

از امام صادق (ع) در باره قول خدای عزوجل : «و وهبنا له اسحاق و یعقوب نافله» روایت شده که فرمود: فرزند فرزند، نافله است».

6- نافله مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 40 - 7,8

7- « عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال: قلت له: ... «وَأدبار السجود» قال: ركعتان بعد المغرب;

زراره گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم: .. مراد از تسبیح در «وَأدبار السجود» چیست؟ فرمود: مراد دو رکعت نماز بعد از [نماز]

ص: 234

8 - « عن ابن أبي نصر قال : سألت الرضا (ع) عن قول الله « و من الليل فسبحه و أدبار السجود » قال : أربع ركعات بعد المغرب ;

ابن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند «و من اللیل فسبّحه و أدبار السجود» پرسیدم; حضرت فرمود: مراد چهار رکعت [نماز] بعد از نماز مغرب است».

1- آثار ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 15 - 8

8 - ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه پندپذیری از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیدّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 18 - 3

3 - کتاب های آسمانی امت های گذشته ، رستگاری را در گرو تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز دانسته ، از ترجیح زندگانی دنیا بر آخرت نکوهش کرده اند .

قد أفلح .. إن هذا لفی الصحف الأولى

مشارالیه «هذا» می تواند آیه قبل (و الآخرة خیر و أبقى) باشد و ممکن است آن را اشاره به مفاد آیات «قد أفلح ..» به بعد بدانیم. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 19 - 3

3 - برتری آخرت بر زندگانی دنیا و توقف رستگاری بر تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز ، از معارف یاد شده در کتاب های آسمانی ابراهیم و موسی (ع)

قد أفلح .. بل تؤثرون ... صحف إبرهیم و موسی

2- آداب تفسیر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 5

5 - لزوم پرهیز از حمل نام های خداوند ، بر معنایی که زیبنده او نیست .

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ

ص: 236

3- آداب ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 4

4 - نام خداوند ، هرگز نباید با اثبات صفات ناشایست و سلب صفات بایسته ، همراه شود .

سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ

تسبیح و تقدیس و تنزیه به یک معنا است (مصباح). مراد از تسبیح نام خداوند، پاک و دور از عیب معرفی کردن آن است که مستلزم چند چیز است: 1. همراه نساختن نام خداوند با وصفی ناشایست؛ 2. حمل نکردن نام او بر معنایی نادرست؛ 3. سلب نکردن صفات نیکو از آن؛ 4. به کار نبردن نام های اختصاصی خداوند برای غیر او؛ 5. پرهیز از بی احترامی به نام های او. برداشت یاد شده به برخی از امور یاد شده نظر دارد.

4- ابداع نام یحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 6

6 - نام « یحیی » ، بیش از عصر زکریا ، در بین مردم بی سابقه بود .

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

«سَمِیٌّ»؛ یعنی، هم نام (تاج العروس) و مراد از جمله «لم نجعل...» این است که قبل از فرزند زکریا، کسی به نام «یحیی» نام گذاری نشده بود.

5- اهمیت ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 15 - 4

4 - لزوم ذکر نام خدا پیش از نماز

ذکر اسم ربّه فصلی

6- اهمیت نام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 5

5- اهمیت نام و نام گذارنده و نقش آن در شخصیت کودک

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمياً

تعبیر «اسمه یحیی» از آن جهت مورد تصریح قرار گرفته است که تعیین آن از سوی خدا، خود شرافتی برجسته و قابل تأمل است.

ص: 237

7- اهمیت نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 1 - 7,8

7 - رحمت گسترده خداوند و مهربانی او به بندگان ، دلیل لزوم انجام کارها با نام او

بسم الله الرحمن الرحيم

توصیف «الله» به رحمان و رحیم پس از اشاره به لزوم انجام کارها با نام خدا، گویای حکمت این دستور است؛ یعنی، چون خدا رحمان و رحیم است، کارها را با نام او آغاز کنید.

8 - انجام کارها با نام خدا ، مایه جلب رحمت اوست .

بسم الله الرحمن الرحيم

توصیه به انجام دادن کارها با نام خدا و تذکر به رحمانیت و رحیمیت او به عنوان حکمت این توصیه، گویای این است که نام خدا در کارها، موجب جلب رحمت الهی و در نتیجه به کمال رسیدن آن کارهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 6

6 - لزوم پرهیز از هرگونه جسارت و بی احترامی ، به نام های خداوند

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ

8- بهترین نام ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 1

1 - تمای نام های بهتر و نیکوتر (اَسْمَاءُ حَسَنَى) از آن خداوند است .

و لِّلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی

«ال» در «الأسماء» برای استغراق و به معنای کل است. «حسنی» مؤنث احسن و به معنای نیکوترین می باشد. توصیف «الأسماء» به وصف «الحسنی» می رساند که مراد از اسم، نامی است که معنای آن لحاظ شده باشد، یعنی اگر خداوند به «الرحمن» نامیده می شود؛ به

لِحَاظِ رَحْمَتِ وَاسِعِهِ أَوْسَتْ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 5

5- تنها خداوند ، دارای اسمای حسنی (بهترین نام ها) و برخوردار از برترین صفات

أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 3

3 - بهترین نام ها و اوصاف ، از آن خدای یگانه و زیننده او است .

ص: 238

«الأسماء» جمع با الف و لام است و افاده عموم می کند و «الحسنى» اسم تفضیل است و مفاد آیه این است که تمامی نام های بهتر و نیکوتر، مخصوص خداوند است. توصیف اسم ها به حسن و خوبی، حکایت از آن دارد که مقصود نام هایی است که در اصطلاح صرفی، صفت نامیده می شود، مانند: رازق، شکور و رحیم، زیرا اسمی که معنای وصفی ندارد، تنها برای اشاره به ذات است و زشتی و زیبایی در باره آن معنا ندارد.

9- تبرک از نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 2

2 - تبرک جستن به نام خداوند در همه امور، امری شایسته و پسندیده

تبرک اسم ربّک

10- تعظیم ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 4

4 - نام خداوند، هرگز نباید با اثبات صفات ناشایست و سلب صفات بایسته، همراه شود.

سبّح اسم ربّک

تسبیح و تقدیس و تنزیه به یک معنا است (مصباح). مراد از تسبیح نام خداوند، پاک و دور از عیب معرفی کردن آن است که مستلزم چند چیز است: 1. همراه نساختن نام خداوند با وصفی ناشایست؛ 2. حمل نکردن نام او بر معنایی نادرست؛ 3. سلب نکردن صفات نیکو از آن؛ 4. به کار نبردن نام های اختصاصی خداوند برای غیر او؛ 5. پرهیز از بی احترامی به نام های او. برداشت یاد شده به برخی از امور یاد شده نظر دارد.

11- تنزیه نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 4,5

1 - تسبیح خداوند و دور نگه داشتن نام های او از اوصاف ناروا، وظیفه ای الهی برعهده پیامبر (صلی الله علیه و آله)

4- نام خداوند ، هرگز نباید با اثبات صفات ناشایست و سلب صفات بایسته ، همراه شود .

سبّیح اسم ربّیک

تسبیح و تقدیس و تنزیه به یک معنا است (مصباح). مراد از تسبیح نام خداوند، پاک و دور از عیب معرفی کردن آن است که مستلزم چند چیز است: 1. همراه نساختن نام خداوند با وصفی ناشایست؛ 2. حمل نکردن نام او بر معنایی نادرست؛ 3. سلب نکردن صفات نیکو از آن؛ 4. به کار نبردن نام های اختصاصی خداوند برای غیر او؛ 5. پرهیز از بی احترامی به نام های او.

ص: 239

برداشت یاد شده به برخی از امور یاد شده نظر دارد.

5- لزوم پرهیز از حمل نام های خداوند ، بر معنایی که زینده او نیست .

سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ

12- توقیفیت نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 14، 7

7- نام های اختصاصی خداوند ، نباید بر غیر او نهاده شود .

سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى

پاکیزه نگه داشتن نام خداوند، معنایی عام است و شامل نکته یاد شده نیز می باشد.

14 - خداوند ، دارای نام هایی منزه از دلالت بر کمترین عیب و سازگار با مقام والای او است .

سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى

13- ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 15 - 6، 1

1 - به زبان آوردن نام خداوند ، درست کاری و مایه نجات است .

قد أفلح من ... و ذکر اسم ربّه

ذکر دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان (مفردات راغب) و مراد از آن در آیه شریفه - به قرینه کلمه «اسم» - ذکر با زبان است.

6- یاد نام و اوصاف خداوند ، سوق دهنده انسان به عبادت و نماز است .

و ذکر اسم ربّه فصلی

14- زمینه تنزیه نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- باور به ربوبیت خداوند ، زمينه ساز پرهيز از همراه ساختن نام او با هرگونه وصف ناشايست .

سَيِّح اسم ربِّك

ص: 240

15- عظمت نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 74 - 3

3 - نام خداوند ، بزرگ و ارجمند است .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

برداشت بالا، بر این احتمال است که «العظیم» وصف «اسم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 96 - 4

4 - نام خدا ، بزرگ و ارجمند است .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «العظیم» وصف «اسم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 52 - 3

3 - نام خداوند ، بزرگ و ارجمند است .

باسم ربك العظيم

16- مبارکی نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 1

1 - نام خداوند ، نامی خجسته و مبارک

تبرک اسم ربك

17- موجبات ذکر نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 15 - 3

3 - توجّه به جلوه های ربوبیت خداوند ، وادار سازنده انسان به عبادت و ذکر خدا و جاری ساختن نام او بر زبان است .

و ذکر اسم ربّه

18- نام پیشین مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 241

6 - یثرب ، نام پیشین مدینه پیامبر است .

یاهل یثرب

19- نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 1 - 10, 3, 2

2 - قرآن ، کتابی است آغاز شده با نام خدا و همراه با اعلام رحمت بر بندگان .

بسم الله الرحمن الرحيم

3 - لزوم آغاز کردن کارها با نام خدا و گفتن « بسم الله »

بسم الله

از آنجا که قرآن کتاب هدایت است و سخن خویش را با «بسم الله» آغاز کرده این نکته را به مخاطبانش القا می کند که کارهای خود را با «بسم الله» شروع کنند.

10 - عبدالله بن سنان می گوید از امام صادق (ع) از معنای «بسم الله الرحمن الرحيم» سؤال کردم ، آن حضرت فرمود : «الباء بهاء الله و السین سناء الله و المیم مجد الله - و روی بعضهم ملک الله - والله إله کل شیء» و [الرحمن لجميع العالم و الرحيم بالمؤمنين خاصه ;

«بای» بسم الله، نشانگر خوبی و حسن خداوند و «سین» اشاره به رفعت او و «میم» اشاره به مجد و عظمت اوست. و بعضی روایت کرده اند که: [میم] اشاره به ملک و سلطنت خداوند است و «الله» معبود همه چیز است [و] «رحمان» نظر به رحمت او در باره همه عالم و «رحیم» نظر به رحمت او فقط درباره مؤمنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 224 - 3

3 - لزوم تعظیم و اجلال نام خداوند

لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم . . . و الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بردن نام خدا به هنگام ذبح حیوان، شرط حلیت خوردن آن است.

فکلوا مما ذکر اسم الله علیه

جمله «مما ذکر اسم...» گرچه بیان اباحه خوردن از گوشتی است که نام خدا به هنگام ذبح آن برده شده، در عین حال می تواند ارشاد به شرط بودن «تسمیه» هنگام ذبح باشد.

2 - خوردن ذبیحه ای که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده شده، مجاز است.

فکلوا مما ذکر اسم الله علیه إن کنتم بأیته مؤمنین

7 - تردید افکنی درباره حلیت حیوانی که با نام خدا ذبح شده باشد، از محورهای تبلیغاتی علیه اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه بوده است.

وإن تطع أكثر من في الأرض . . . فكلوا مما ذكر اسم الله عليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 4

4 - نکوهش خداوند از برخی مسلمانان صدر اسلام به سبب تحریم خوردن گوشت حیوانی که با نام خدا ذبح شده است.

و ما لكم ألا تأكلوا مما ذكر اسم الله عليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 1,2,3

1 - خوردن ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه

2 - خوردن از ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، فسق (خروج از طاعت خداوند) است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه وإنه لفسق

مرجع ضمیر «إنه»، «أكل» می تواند باشد که از جمله «لا تأكلوا» گرفته شده است.

3 - یاد نکردن عمدی نام خداوند در هنگام ذبح حیوان، فسق است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه وإنه لفسق

مرجع ضمیر «إنه»، «ترك التسميه» می تواند باشد که از مضمون جمله «مما لم يذكر» انتزاع شده و نتیجه آن برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 138 - 5,7

5 - تعمد مشرکان عصر جاهلی به نبرد نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

وأنعم لا يذكرون اسم الله عليها

7 - وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی

از چهارپایان، نبرد نام خدا به هنگام ذبح)

سیجز یهم بما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 6، 12

6 - خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

12 - بردن نامی جز نام خدا بر حیوان به هنگام ذبح، فسق و خروج از طاعت خداست.

أو فسقا أهل لغير الله به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 8

8 - هر نام که بر ربوبیت دلالت کند، ویژه خداوند است و بر غیر او روا نیست.

ص: 243

20- نام خدا قبل از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 15 - 5

5- به جا آوردن نماز پس از ذکر نام خداوند ، مایه رستگاری است .

قد أفلح من . . . ذکر اسم ربّه فصلی

21- نام دین محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 7 - 6

6- « اسلام » ، نام دین حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

و هو يدعی إلى الإسلام

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که کلمه «اسلام» در آیه شریفه، در معنای لغوی آن به کار نرفته باشد؛ بلکه مقصود از آن دین الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

22- نام ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 83 - 8

8- « عن أبي عبد الله (ع) قال : ملك الأرض كلّها أربعه : مؤمنان و كافرين . فأما المؤمنان : فسليمان بن داوود و ذوالقرنين ؛

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: چهار نفر بودند که بر تمام زمین حکومت کردند: دو نفر مؤمن و دو نفر کافر. آن دو نفر مؤمن: سلیمان بن داوود و ذوالقرنین بودند».

23- نام عبادتگاه زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 6

6- نام معبد هم کیشان حضرت زکریا، « محراب » بود . *

فخرج علی قومه من المحراب

ص: 244

24- نام عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 10

10 - مسیح ، لقب حضرت عیسی ، و عیسی ، اسم او *

انما المسیح عیسی ابن مریم

معمولاً اسم را توصیف به «ابن» می کنند بنابراین «عیسی» اسم آن حضرت و در نتیجه «مسیح» لقب او خواهد بود.

25- نام معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 3

3 - « الله » ، نام مخصوص و ویژه معبود یگانه و حقیقی هستی

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

26- نام یحیی در دوران زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 6

6 - نام « یحیی » ، بیش از عصر زکریا ، در بین مردم بی سابقه بود .

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمياً

«سَمِّی»؛ یعنی، هم نام (تاج العروس) و مراد از جمله «لم نجعل...» این است که قبل از فرزند زکریا، کسی به نام «یحیی» نام گذاری نشده بود.

27- نامگذاری با نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 9

9- توصیف و نامیدن غیر خدا با نام‌ها و وصف‌های الهی، الحاد در اسماء او و انحراف از اعتدال است.

و لله الأسماء الحسنى . . . و ذروا الذين يلحدون في أسمئته

جمله «و لله الأسماء الحسنى» دلالت می‌کند که هیچکس جز خدا دارای اسماء حسنی نیست. بنابراین نامیدن و توصیف غیر خدا با نیکوترین اسم و وصف - که ویژه خداوند است - از موارد الحاد در اسماء الهی خواهد بود.

ص: 245

28- نقش نام موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 31 - 4

4 - نام و علامت اشیا، دارای نقشی اساسی در فراگیری علوم و معارف

و علم آدم الأسماء کلها

مراد از «الاسماء» حقایق هستی است نه فقط نامها و علامتهای آنها. بنابراین تعبیر کردن از حقایق هستی به نامها و علامتها، بیانگر این است که نام و نشان اشیا نقشی بسزا در علوم و معارف دارد.

29- نقش نام ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 198 - 18

18 - خطاب جبرئیل به حضرت ابراهیم، در عرفات: «اعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک» سبب نامگذاری عرفات به این نام

فاذا افضتم من عرفات

امام باقر (ع) و امام صادق (ع): ... فقال «جبرئیل» هذه عرفات، فاعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک فسمی عرفات

کافی، ج 4، ص 207، ح 9؛ علل الشرایع، ج 2، ص 436، ح 1، ب 173.

نامگذاری

30- احکام نامگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 14

14- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد.

هل تعلم له سمیاً

چنان که گفته شد، «سمی» به معنای هم نام است گفتمی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است؛ ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند - هر چند اعتباری بیش نیست - ولی کاری ناروا است.

31- شرایط نامگذاری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 7، 8، 10

7 - یاد خدا با نام و وصفی که حکایتگر نقص و کاستی است ، انحراف و خارج شدن از حق و اعتدال است .

ص: 246

و ذروا الذین یلحدون فی أسمئہ

«إلحاد» مصدر «یلحدون» به معنای انحراف و خروج از حد اعتدال است. انحراف در أسماء الهی به قرینه «لله الأسماء الحسنی» به این است که خداوند با نامی یاد شود و توصیف گردد که حاکی از نقص و کاستی است.

8- در نامیدن خدا و توصیف او باید نام‌ها و وصفهایی را عنوان کرد که گویای کمال مطلق است.

و لله الأسماء الحسنی فادعوه بها

10- نامیدن خداوند به اوصافی که حکایتگر نقص و کاستی است، مستلزم کیفی از جانب او خواهد شد.

و ذروا الذین یلحدون فی أسمئہ سیجزون ما کانوا یعملون

32- فلسفه نامگذاری طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 4

4- «عن ضحاک بن مزاحم قال سئل علی (ع) عن الطارق قال: هو أحسن نجم فی السماء و لیس تعرفه الناس و انما سمی الطارق لأنه یطرق نوره سماءً سماءً إلی سبع سماوات ثم یطرق راجعاً حتی یرجع إلی مکانه»؛

از ضحاک بن مزاحم روایت شده است: از امام علی (ع) از معنای «طارق» سؤال شد، حضرت فرمود: نیکوترین ستاره ای است که در آسمان است و مردم آن را نمی‌شناسند و همانا «طارق» نامیده شده؛ چون نور آن در آسمان‌ها، یکی پس از دیگری تا هفت آسمان نفوذ می‌کند. سپس در بازگشت نیز هم چنان نفوذ می‌کند تا به محل اول برسد».

33- فلسفه نامگذاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 1 - 13

13- «عن ابن عباس . . . قال عبدالله بن سلام . . . یا محمد (صلی الله علیه و آله) فآخبرنی هل أنزل علیک کتاباً؟ قال: نعم قال: و أی کتاب هو؟ قال: الفرقان، قال: ولم سمّاه ربک فرقاناً؟ قال: لأنه متفرق الآیات و السور . . .»؛

ابن عباس گوید: عبدالله بن سلام [به رسول خدا (صلی الله علیه و آله)] گفت: .. [گفت: یا محمد (صلی الله علیه و آله)! به من خبر ده که آیا خدا کتابی بر تو نازل کرده است؟ فرمود: آری. گفت: آن کتاب کدام است؟ فرمود: فرقان است. گفت: چرا پروردگارت آن را فرقان نامیده است؟ فرمود: برای این که، آیه‌ها و سوره‌های آن متفرق نازل شده است (...)].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 29 - 11، 10

10 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ أغرق الأرض كلها يوم نوح إلا البيت فيومئذ سمى العتيق لأنه أعتق يومئذ من الغرق . .
؛ .

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزوجل در روز طوفان نوح، همه زمین را غرق کرد، مگر «بیت [الله]».

ص: 247

پس در آن روز عتیق نامیده شد؛ زیرا در آن روز از غرق شدن آزاد شد».

11 - « عن أبي حمزة الثمالي قال : قلت لأبي جعفر (ع) في المسجد الحرام : لأى شيء سَمَّاه الله العتيق ؟ فقال : إنه ليس من بيت وضعه الله على وجه الأرض إلا له ربّ و سكان يسكنونه غير هذا البيت فإنه لاربّ له إلاّ الله عزّوجلّ و هو الحرّ . . . » ;

ابوحمزه ثمالی گوید: به امام باقر(ع) در مسجدالحرام گفتم: چرا خدا [بیت الله] را عتیق نامیده است؟ فرمود: خداوند هیچ خانه ای را بر روی زمین ننهاده است مگر این که صاحب و ساکنانی دارد که در آن سکنی گزیده اند؛ غیر از این بیت که صاحبی به جز خدای عزوجلّ ندارد و آن [از مالکیت اشخاص] آزاد است. . .».

35- فلسفه نامگذاری محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 16

16 - « الحسن بن علی بن ابی طالب (ع) قال : جاء نفر من اليهود إلى رسول الله فسأله أعلمهم . . . لأى شيء سُمِّيتَ محمّداً و أحمد . . . ؟ فقال النبیّ (صلی الله علیه و آله) : أمّا محمّد فإنتی محمود فی الأرض و أمّا أحمد فإنتی محمود فی السماء . . . » ;

امام مجتبی(ع) فرمود: گروهی از یهودیان، نزد رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آمدند. پس عالم ترین ایشان از آن حضرت پرسید: برای چه محمّد و احمد نامیده شدی؟ پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: اما محمّد برای این است که در زمین ستایش شده ام و احمد برای این است که در آسمان ستایش گشته ام».

36- فلسفه نامگذاری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 25 - 7

7- « عن أبي عبدالله (ع) إنه قال : كان اسم نوح عبدالغفار وإنما سمى نوحاً لأنه كان ينوح على نفسه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نام حضرت نوح ، عبدالغفار بود و اینکه نوح نامیده شد ، برای این بود که بر خویشتن می گریست».

37- منافقان مدینه و نامگذاری مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 7

7 - منافقان ، به نام سابق مدینه ، علاقه مند بودند و از نامگذاری آن شهر به « مدینه النبی » ناخرسند بودند .

یأهل یشرب

با توجه به این که نام مدینه، در آیه صدو بیست از سوره توبه و آیه شصت از سوره احزاب آمده و در این جا، از قول منافقان، آن شهر به نام سابق اش خوانده شده، نکته بالا به دست می آید.

ص: 248

38- منشأ نامگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 11

11- اسامی همه انسان ها را خداوند تعیین می کند . *

لم نجعل له من قبل سمياً

مراد از جمله «لم نجعل...»، این نیست که در بین آن اسامی که خداوند مستقیماً تعیین کرده است، نام «یحیی» وجود نداشته، بلکه این است که نام «یحیی»، نامی بی سابقه در بشر آن روزگار بوده است؛ بنابراین اسناد آن به خداوند در فعل «لم نجعل» گویای این است که باقی اسامی نیز به جعل خداوند است، گرچه این ارتباط بر همه کس آشکار نیست.

39- منشأ نامگذاری آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 66 - 3

3- آیه ، نامی نهاده شده از سوی خدا بر بندبند نثر قرآن

قد کانت آیتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 34 - 3

3- نام گذاری هر یک از عبارات های مشخص قرآن به «آیه» از سوی خداوند

و لقد أنزلنا إلیکم آیت مبینة

40- منشأ نامگذاری آیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 87 - 5

5- آیه ، نامی است نهاده شده از جانب خدا بر بند های عبارات قرآن .

و لایصدنک عن آیت الله

مراد از «آیات الله» آیات قرآن است و «آیه» برای هر جمله مستقلی گفته می شود که با سجع ویژه ای از جمله دیگر جدا می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 46 - 4

4 - نام گذاری بند بند قرآن ، به « آیه » از سوی خداوند

و ما تأتيهم من آية من آيات ربهم

ص: 249

41- منشأ نامگذاری اصطلاح آیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 7

7- آیه ، نامی از سوی خدا برای هر بند بند سوره های قرآن

سوره ... فیها آیت بیّنات

42- منشأ نامگذاری اصطلاح سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 2

2- سوره ، نامی است از سوی خداوند برای دسته ای از آیات به هم پیوسته .

سوره أنزلنھا .. فیھا آیت بیّنات

43- منشأ نامگذاری مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 14

14 - « مسلمان » ، نامی برگزیده از سوی خدا برای امت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

هو سمّیکم المسلمین

44- منشأ نامگذاری یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 4

4 - « یحیی » ، نامی تعیین شده از سوی خدا برای فرزند زکریا

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

45- نامگذاری اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 8

8- خداوند، فرزند ابراهیم و همسرش ساره را - پیش از تولدش - اسحاق نامید . *

فبشٰرنہا یاسحق

ظاهر جمله «فبشٰرنہا یاسحق .. یعقوب» این است که فرشتگان، نام اسحاق و یعقوب را نیز در بشارت آورده باشند.

ص: 250

46- نامگذاری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 28 - 16

16 - نسیان آدمی ، علت نامگذاری وی به انسان

و خلق الانسان ضعيفاً

امام صادق (ع) درباره علت نامگذاری آدمیان به انسان فرمود: لانه ينسى.

علل الشرايع، ص 15، ح 1، ب 11؛ معانی الاخبار، ص 48، ح 1.

47- نامگذاری با اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 14

14- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هل تعلم له سمياً

چنان که گفته شد، «سمی» به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است؛ ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند - هر چند اعتباری بیش نیست - ولی کاری ناروا است.

48- نامگذاری با نام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 9

9 - توصیف و نامیدن غیر خدا با نام ها و وصف های الهی ، الحاد در اسماء او و انحراف از اعتدال است .

ولله الأسماء الحسنی . . . و ذروا الذین یلحدون فی أسمئته

جمله «ولله الأسماء الحسنی» دلالت می کند که هیچکس جز خدا دارای اسماء حسنی نیست. بنابراین نامیدن و توصیف غیر خدا با

نیکوترین اسم و وصف - که ویژه خداوند است - از موارد الحاد در اسماء الهی خواهد بود.

49- نامگذاری پسر زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 4

ص: 251

4- « یحیی » ، نامی تعیین شده از سوی خدا برای فرزند زکریا

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

50- نامگذاری عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 198 - 18

18 - خطاب جبرئیل به حضرت ابراهیم ، در عرفات : « اعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک » سبب نامگذاری عرفات به این نام

فاذا افضتم من عرفات

امام باقر (ع) و امام صادق (ع): .. فقال «جبرئیل» هذه عرفات، فاعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک فسَمی عرفات

کافی، ج 4، ص 207، ح 9؛ علل الشرایع، ج 2، ص 436، ح 1، ب 173.

51- نامگذاری عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 45 - 6

6- نامگذاری فرزند مریم به عیسی و مسیح ، از جانب خداوند

اسمه المسيح عیسی ابن مریم

52- نامگذاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 1 - 15 - 5

5- نام گذاری آخرین کتاب آسمانی به « قرآن » و تقسیم بندی آن به « آیات » ، از جانب خداوند بود .

الر تلك آیت الکتب و قرءان مبین

53- نامگذاری کعبه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - مائدہ - 5 - 97 - 21

21 - ممنوعیت ورود مشرکان به خانه خدا ، سبب نامگذاری آن به بیت اللہ الحرام

جعل اللہ الکعبه البیت الحرام

ص: 252

از امام صادق(ع) نقل شده که در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری خانه خدا به بیت الله الحرام فرمود: لانه حرم علی المشرکین ان یدخلوه.

علل الشرایع، ص 398، ح 1، ب 139؛ نورالثقلین، ج 1، ص 680، ح 401.

54- نامگذاری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 36 - 9

9- همسر عمران ، نوزاد خویش را مریم نامید .

و ائی سمّیتها مریم

55- نامگذاری مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 96 - 12

12- ازدحام جمعیت در مکه ، سبب نامگذاری آن به « بگّه »

وضع للناس للذی ببگّه

امام صادق(ع) در پاسخ از علت نامگذاری مکه به بگّه فرمود: لَانَ النَّاسِ یَبْکُّ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فِیْهَا بِالْأَیْدِی.

علل الشرایع، ج 2، ص 398، ح 5؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 187، ح 95.

56- نامگذاری ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18- نجم - 53 - 27 - 1

1- برگزیدن نام های زنانه برای فرشتگان ، نمودی از باور مشرکان ، به دختر بودن فرشتگان برای خداوند

أَلْکُم الذَّکْرُ وَ لَه الأُنْثَى... إِنَّ الذِّیْنَ لَا یُؤْمِنُونَ... لَیَسْمَوْنَ الْمَلَائِکَه تَسْمِیَه الأُنْثَى

از ارتباط بین آیات، استفاده می شود از آن جایی که مشرکان فرشتگان را دختران خدا می انگاشتند، نام های زنانه را برای آنان برمی گزیدند.

57- نامگذاری نامناسب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 10

ص: 253

10 - نامیدن خداوند به اوصافی که حکایتگر نقص و کاستی است ، مستلزم کیفی از جانب او خواهد شد .

و ذروا الذین یلحدون فی أسمئه سیجزون ما کانوا یعملون

58- نامگذاری یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 39 - 9

9 - نامگذاری یحیی (ع) ، از جانب خداوند

انّ الله یتبرک بیحیی

59- نامگذاری یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 10

10 - خداوند ، پیش از تولد یعقوب ، نام یعقوب را برای او برگزید و آن را به ابراهیم (ع) و همسرش اعلام کرد .

فبشّرناها بإسحق و من وراء إسحق یعقوب

ص: 254

1- آثار تماس با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 31

31 - رویارویی مستقیم زنان و مردان نامحرم، لغزش آفرین است و باید از آن اجتناب کرد.

فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

2- آثار خلوت با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 9

9- خلوت کردن زن و مرد نامحرم - حتی برای تقوایپیشگان - دامی خطرناک و زمینه سقوط به ورطه گناه است.

إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

جواب شرط «ان كنت» محذوف است. برخی مراد از جمله شرطیه را ترغیب به تقوا دانسته و برخی اشتراط را حقیقی می دانند؛ در صورت دوم، مفاد آیه این است که اگر اهل تقوا باشی جا دارد که من به خدا پناه ببرم (تا چه رسد به این که متقی نباشی). بنابراین، نکته شرط آن است که چنین موقعیتی، حتی برای تقوایپیشگان خطرناک است، تاچه رسد به غیر آنان.

3- آثار نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 30 - 7

7 - خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی، زمینه ساز آلودگی به فحشا و فساد جنسی است.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

در آیه شریفه حکم حرمت چشم چرانی و نگاه به نامحرمان، بر حکم عفت گزینی و اجتناب از فحشا، مقدم داشته شده است و این تقدم ذکری، می تواند حکایت از تقدم رتبی و ارتباط میان این دو حکم داشته باشد؛ به این معنا که پرهیز از چشم چرانی، زمینه عفت گزینی و اجتناب از آلودگی جنسی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 255

7 - خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی ، زمینه ساز آلودگی به فحشا و فساد جنسی است .

قل للمؤمنت ... یحفظن فروجهنّ

4- اجتناب از اختلاط با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 12،13

12 - پرهیز از اختلاط با مردان نامحرم ، انگیزه دختران شعیب در ندادن آب به گوسفندان خود

قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

13 - لزوم اجتناب زنان از اختلاط با مردان نامحرم

قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

5- اجتناب از جلب توجه نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 28

28 - زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از هر گونه رفتار تحریک آمیز و جلب کننده توجه نامحرمان به سوی خویش

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

لام در «لیعلم» برای تعلیل و بیان علت حرمت پای کوبیدن بر زمین است و در چنین مواردی، تعلیل موجب تعمیم حکم می شود. از این رو می توان استفاده کرد که هر آنچه موجب آشکار شدن زینت زنان شود، همین حکم را دارد و حرام خواهد بود.

6- اجتناب از خلوت با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 10

10- لزوم اجتناب از خلوت با نامحرم

قالت إني أعود بالرحمن منك إن كنت تقياً

با این که مرد ناشناس هیچ حرکتی از خود نشان نداده بود که حمل بر برخی اغراض گردد، ولی حضرت مریم از صرف خلوت بودن مکان متأثر گشته و به خدا پناه می برد و زبان به نصیحت می گشاید. با این مقدمات می توان نتیجه گرفت که اصل خلوت با نامحرم، کاری دور از تقوا است.

ص: 256

7- اجتناب از نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 4

4 - شایسته است که زنان، خود را از معرض نگاه نامحرم، دور نگاه داشته و از خودآرایی، به منظور در معرض نمایش گذاشتن زیبایی هایشان، خودداری کنند.

و قرن فی بیوتکّن و لاتبرجن تبرج الجهلیّه الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 27

27 - همسران پیامبر، موظف به حفظ حجاب و پوشش مناسب و نگهداری خود از نگاه نامحرم بودند.

و إذا سألتموهنّ متعاً فستلوهنّ من وراء حجاب

8- اجتناب از نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 30 - 17، 1

1 - مردان مؤمن، وظیفه دار پرهیز از نظر دوختن و خیره شدن به نامحرم اند.

و قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1. «غَضَّ» (مصدر «یغضّوا») به معنای کاستن از نگاه و صدا است (مفردات راغب). مقصود از آن در آیه شریفه، اجتناب از نظر دوختن و خیره شدن به نامحرم است، نه نگاه اولیه و ناخودآگاه. 2. «من» در «من أبصارهم» برای تبعیض است و مقصود، فرو بستن چشم از چیزهایی است که نگاه به آنها ناشایست و حرام است (مثل نگاه به نامحرم).

17 «عن أبی عبد اللّٰه (ع): ... (فی قوله تعالی) «قل للمؤمنین یغضّوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم» ... «و قل للمؤمنات یغضّضن من أبصارهنّ و یحفظن فروجهنّ» ... قال: کلّ شیء فی القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا إلا هذه الآیه فإنّها من النظر ...»

از امام صادق (ع) [درباره سخن خدای - تبارک و تعالی -] «قل للمؤمنین یغضّوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم...» روایت شده است: هر چیزی که در قرآن درباره حفظ فرج آمده، مراد حفظ آن، از زنا است؛ مگر در این آیه مراد حفظ آن، از نگاه دیگران است...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 1

1 - زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از نظر دوختن و خیره شدن به مردان نامحرم

وقل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

ص: 257

9- احکام نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 22

22 - جواز گفتگوی زن و مرد نامحرم

کَلِمَا دَخَلَ عَلَيْهَا .. قَالَ يَا مَرْيَمُ ... قَالَتْ هُوَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 21

21- سخن گفتن زن جوان با مرد اجنبی ، جایز است .

فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْشَاءً

اگر اصل سخن گفتن زن با نامحرم حرام بود، به ایجاد عذر شرعی دیگر و نذر روزه سکوت، نیازی نبود. گفتنی است این آیه در غیر مورد روزه سکوت که بر نسخ آن نص خاص وارد شده است، قابل تمسک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 8,9

8- سخن گفتن مرد با زن اجنبی در آیین یهود جایز بود .

قَالُوا يَمْرِيْمُ . . . قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ

کسانی که به سراغ مریم(س) آمده و با او سخن گفتند، داعیه دین داری داشته و از همین رو با احساساتی برافروخته به مریم(س) اعتراض کردند. روشن است که چنانچه این کار در آیین آنها روا نبود، راه دیگری را برای آن در نظر می گرفتند.

9- شنیدن سخنان نامحرم و گفتگو با وی جایز است . *

قَالُوا يَمْرِيْمُ . . . قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ

نقل ماجرای گفت وگویی هم کیشان مریم با وی بدون رد و ایراد بر آن در قرآن، می تواند دلیل مشروعیت آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 8،10

8 - جواز گفت وگویی مردان با زنان نامحرم ، با هدف خیرخواهانه و انگیزه دستگیری و مدد رسانی به آنان

قال ما خطبکما

10 - جواز پاسخ زنان به پرسش خیرخواهانه مردان نامحرم

قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء و أبونا شیخ کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 4

4 - جواز ستایش زنان از مردان نامحرم

إنّ خیر من استتجرت القویّ الامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 12

ص: 258

12 - همسران پیامبر ، به سخن گفتن با مردان نامحرم ، در صورت رعایت موازین تعیین شده ، مجاز بودند .

فلا تخضعن بالقول . . . و قلن قولاً معروفاً

10- جواز گفتگو با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 12

12 - همسران پیامبر ، به سخن گفتن با مردان نامحرم ، در صورت رعایت موازین تعیین شده ، مجاز بودند .

فلا تخضعن بالقول . . . و قلن قولاً معروفاً

11- حرمت نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 2

2 - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

وقل للمؤمنت يغضضن من أبصرهنّ

12- رابطه با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 4

4- رابطه زناشویی زن با غیرشوهر خویش ، رابطه ای ناروا و نامشروع است .

واستغفري لذنبك

13- زینت در برابر نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 5

5- آرایش و خودآرایی زنان در برابر نامحرمان ، امری مهم و غیر قابل اغماض در نظام اسلامی

و القواعد من النساء الّـتی لا یرجون نکاحًا . . . غیر متبرّجت بزینہ

ممنوعیت زنان سالخورده و بی میل به امور جنسی از خودآرایی، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

ص: 259

14- شرایط گفتگو با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 12

12 - همسران پیامبر ، به سخن گفتن با مردان نامحرم ، در صورت رعایت موازین تعیین شده ، مجاز بودند .

فلا تخضعن بالقول... وقلن قولاً معروفاً

15- عوامل تمایل به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 10

10 - بیمار دلی ، باعث طمع ورزی در زنان نامحرم است .

فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

16- کیفر نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 30 - 15

15 - کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنين يغضوا... إن الله خبير بما يصنعون

جمله «إن الله خبير بما يصنعون» - که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند - هشدار می دهد که احکام یادشده را رعایت نکنند.

17- گفتگو با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 235 - 8

8 - جواز گفتگوی مردان با زنان در عده ، به گونه ای متعارف و شایسته (دور از گستاخی و فریب)

لا تواعدوهنَّ سرّاً إلاّ ان تقولوا قولاً معروفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 22

22 - جواز گفتگوی زن و مرد نامحرم

کلما دخل علیها .. قال یا مریم ... قالت هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 260

10 - مریم - 19 - 26 - 21

21- سخن گفتن زن جوان با مرد اجنبی ، جایز است .

فلن أکلم الیوم إنسیاً

اگر اصل سخن گفتن زن با نامحرم حرام بود، به ایجاد عذر شرعی دیگر و نذر روزه سکوت، نیازی نبود. گفتنی است این آیه در غیر مورد روزه سکوت که بر نسخ آن نص خاص وارد شده است، قابل تمسک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 9

9- شنیدن سخنان نامحرم و گفتگو با وی جایز است . *

قالوا یمریم .. قالوا کیف نکلم

نقل ماجرای گفت وگویی هم کیشان مریم با وی بدون رد و ایراد بر آن در قرآن، می تواند دلیل مشروعیت آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 10، 8

8 - جواز گفت وگویی مردان با زنان نامحرم ، با هدف خیرخواهانه و انگیزه دستگیری و مدد رسانی به آنان

قال ما خطبکما

10 - جواز پاسخ زنان به پرسش خیرخواهانه مردان نامحرم

قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء و أبونا شیخ کبیر

18- گفتگو با نامحرم در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 8

8- سخن گفتن مرد با زن اجنبی در آیین یهود جایز بود .

قالوا یمریم .. قالوا کیف نکلم

کسانی که به سراغ مریم(س) آمده و با او سخن گفتند، داعیه دین داری داشته و از همین رو با احساساتی برافروخته به مریم(س) اعتراض کردند. روشن است که چنانچه این کار در آیین آنها روا نبود، راه دیگری را برای آن در نظر می گرفتند.

19- محدوده گفتگو با نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 11

11 - لزوم رعایت گزیده گویی از سوی مردان و زنان نامحرم در گفت وگو با یکدیگر و پرداختن به امور مهم و بسنده کردن به مقدار ضرورت

قال ما خطبکما قالتا .. و ابونا شیخ کبیر

در آیات مربوط به گفت وگوی موسی(ع) و دختران شعیب، رعایت گزیده گویی و پرهیز از زیاده گویی کاملاً مشهود است.

ص: 261

20- مدح نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 4

4 - جواز ستایش زنان از مردان نامحرم

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

21- نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 30 - 2

2 - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُؤْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 52 - 6

6 - نگاه به زن ، به قصد ازدواج با او ، جایز است .

وَلَوْ أَعْجَبَكَ حَسَنُهُنَّ

از این که خداوند، به پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرموده است: «اگرچه زیبایی آنان، برای تو خوشایند باشد»، استفاده می شود که چنین امری، قبل از ازدواج بوده و احتمالاً آن حضرت زنی را می دیده که موجب خوشایندی اش می شده است. این عمل پیامبر(صلی الله علیه و آله) حجت است و می تواند نکته بالا را برساند.

ص: 262

17- نامشروع

1- نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 5

5- حرمت روابط جنسی با زنان شوهردار

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

2- ارضای نامشروع غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 31 - 5, 1

1 - ارضای غرایز جنسی، جز از طریق همسر یا کنیز مملوک، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است.

فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون

«عدوان» (مصدر «عادون»)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

5 - «سئل الصادق (ع) عن الخَصْصِ خَصَّصَهُ فَقَالَ: إِثْمٌ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ... فَقَالَ السَّائِلُ: بَيْنَ لِي يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ (ع) مِنْ كِتَابِ اللَّهِ نَهْيَهُ فَقَالَ: قَوْلَ اللَّهِ «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» وَهُوَ مِمَّا وَرَاءَ ذَلِكَ...»

از امام صادق (ع) درباره خصصنه (عمل استمنا) سؤال شد، فرمود: گناه بزرگی است که خداوند در قرآن از آن نهی فرموده است... سؤال کننده پرسید: ای فرزند رسول خدا! نهی آن را از قرآن برای من بیان کن، فرمود: سخن خداوند «فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون» و آن [عمل استمنا] از مصادیق «وراء ذلك» است...».

3- حرمت کسب نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 174 - 19

19 - کسب در آمد از راه های نامشروع، حرام و موجب عذاب الهی است.

ویشترن به ثمناً قليلاً أولئك... لا يكلمهم الله... و لهم عذاب اليم

4- حکومت نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 9

9- هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان، به جز ولایت خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه «انما» که برای حصر است، استفاده شده است.

5- روابط نامشروع در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 5

5- بشر از دیرباز به ناروایی رابطه زناشویی زن با غیر همسر خویش، معتقد بود و بر آن تأکید می کرد.

واستغفری لذنبک إنک کنت من الخاطئین

6- زشتی روابط نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 5

5- بشر از دیرباز به ناروایی رابطه زناشویی زن با غیر همسر خویش، معتقد بود و بر آن تأکید می کرد.

واستغفری لذنبک إنک کنت من الخاطئین

7- کیفر کسب نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 174 - 19

19 - کسب در آمد از راه های نامشروع، حرام و موجب عذاب الهی است.

و یشترون به ثمناً قليلاً أولئك .. لا يكلمهم الله ... ولهم عذاب الیم

8- موانع روابط نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 7

7 - چشم پاکی ، زمینه مصونیت از ابتلا به آلودگی

*

ص: 264

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ انس قبلهم و لاجانّ

«قاصرات الطرف» می تواند کنایه از پاکی چشم باشد. از این که این عبارت قبل از «لم یطمثهنّ...» مطرح گردیده، مطلب بالا احتمال می رود.

ص: 265

1- آثار رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 11

11- مجرمان ، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . *

و يقولون یویلتنا مال هذا الکتب

«ویله» و «ویل» به معنای «هلاکت» است و مؤنث بودن «ویله» مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن «ویل» از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیت می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 11 - 1

1 - مشاهده نامه اعمال در قیامت ، مایه آگاهی به کردار ها و پیش بینی کیفر ها است .

و أمّا من أوتی . . . فسوف یدعوا ثبورًا

2- آثار علم به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 14 - 7

7 - اطلاع بر پرونده اعمال ، راهی برای آگاهی انسان در قیامت بر کردار خویش

و إذا الصحف نشرت . . . علمت نفس ما أحضرت

3- آداب نامه نگاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 5

5- نام خداوند ، بهترین سرآغاز هر سخن و نامه و هر کار و برنامه

إِنِّي أَلْقَى إِلَيْكَ كِتَابَ كَرِيمٍ. .. وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با توجه به این که سلیمان(ع) به عنوان پیامبر، نامه اش را با نام خدا آغاز کرده و خداوند آن را به عنوان یک ارزش یاد نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

4- آورنده نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 3

3 - عدم اطلاع بلقیس از مشخصات آورنده نامه سلیمان

إِنِّي أَلْقَى إِلَيْكَ

مجهول آمدن فعل «ألقى» نشانگر آن است که هدهد، نامه سلیمان را طوری به سوی ملکه انداخت که کسی متوجه او نشد.

5- اختفای نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 10 - 3

3 - پرونده اعمال هر کس تا قیامت ، بسته است و بر کسی مکشوف نیست .

وإذا الصحف نشرت

6- ارائه نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 105 - 15

15 - خداوند در قیامت انسان ها را به تمامی اعمال دنیوییشان آگاه ساخته و دستاوردهایشان را به آنان نشان خواهد داد .

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 5,6,7,9

5- نامه اعمال همه بندگان در قیامت ، عرضه خواهد شد .

و وضع الکتب

«وضع» به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. «کتاب» در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

6- تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

7- حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

ص: 267

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان - به قرینه آیه «فکیف إذا جئنا من کلّ أمّه بشهید و جنّابک علی هؤلاء شهیداً (نساء 4)، 41) گواهی دادن آنان است.

9 - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

«شهدا» جمع «شاهد» (گواه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 10 - 2،5

2 - قیامت ، روز باز شدن نامه عمل انسان و آگاهی او بر محتوای آن

و إذا الصحف نشرت

«نشر» ، مخالف پیچیدن است (لسان العرب). براساس این معنا، فعل «نشرت» ، دلالت دارد که نامه اعمال پیش از نشر، به شکل طومار است.

5 - نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

«نشر» به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از «نُشرت» ، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 6، 1

1 - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فأما من أوتی کتبه

6 - انسان ها هنگام حضور در پیشگاه خداوند نامه های اعمال خود را در اختیار داشته و به کردار خویش آگاهی یافته اند .

فمَلَقِيه . فأما من أوتی کتبه بیمینه

«فاء» در «فأما» بیانگر ارتباط مفاد این آیه با ملاقات خداوند است که در آیه قبل مطرح شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 104 - 11

11- « عن أبي جعفر (ع) : إنَّ في الهواء ملكاً يقال له إسماعيل على ثلاثمأة ألف ملك كل واحد منهم على مائة ألف يحصون أعمال العباد فإذا كان رأس السنه بعث الله إليهم ملكاً يقال له : السجّل فانتسخ ذلك منهم و هو قول الله تبارك و تعالی : « يوم نظوى السماء كطى السجّل للكتب » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که در فضا فرشته ای است به نام اسماعیل که سیصد هزار فرشته تحت فرمان دارد و هر کدام از فرشتگان صد هزار فرشته را فرماندهی می کند و آنان کارهای بندگان را احصا می کنند و با شروع هر سالی خداوند فرشته ای را به نام «سجّل» می فرستد تا از [نامه اعمال] بندگان [که در اختیار فرشتگان فضا است] نسخه برداری کند و این است سخن خداوند - تبارک و تعالی - که: «یوم نظوى السماء كطى السجّل للكتب».

ص: 268

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 29 - 6

6 - نسخه برداری مداوم و ثبت دقیق اعمال آدمیان

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ

8- اهمیت نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 2

2 - جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا (بلقیس)

قالت يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكَ كِتَابٌ كَرِيمٌ

«کریم»، صفت «کتاب» و به معنای گران مایه است. «کتاب کریم»؛ یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

9- بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه، بر نیامدن «بسمله» و عنوان «رسول الله» در متن صلحنامه حدیبیه *

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَهْلِيَّةَ

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

10- بسمله نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 3,4,6

3 - «بسم الله الرحمن الرحيم» سرآغاز نامه سلیمان به ملکه سبا

وإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

4 - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا .. وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمله «وإنه بسم الله..» تعلیل دیگری برای بیان گرانمایه بودن مکتوب سلیمان است؛ یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

6 - اعلام موضع توحیدی و هدف الهی سلیمان (ع) ، با آغاز نامه خود به نام و یاد خدا

وإنه بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 269

11- بی منطقی درخواست نامه سرگشاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 53 - 2

2 - نازل شدن نامه ای سرگشاده از سوی خداوند ، برای یکایک انسان ها در اثبات رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، درخواستی نابجا و غیر منطقی

بل یرید کل امریء منهم . . . کلاً

12- تاریخ نامه رسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 3

3 - استفاده از پرندۀ پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

13- تشخیص نامه عمل محسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 19 - 1

1 - ابزار شناخت دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، در دسترس همگان نیست .

و ما أدریک ما علیون

14- تشخیص نامه عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 8 - 1

1 - ابزار شناخت دیوان نامه های اعمال بد ، در دسترس همگان نیست .

و ما أدریک ما سجّین

15- تعاليم نامه سليمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 270

13 - نمل - 27 - 30 - 6

6- اعلام موضع توحیدی و هدف الهی سلیمان (ع)، با آغاز نامه خود به نام و یاد خدا

وإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 3

3- نامه سلیمان، پیامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ

آوردن اوصاف «رحمان» و «رحیم» در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

16- تکریمهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 5

5- واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت.

فَأَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كُتْبَةً بِيَمِينِهِ . . . وَأَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كُتْبَةً وَرَاءَ ظَهْرِهِ

17- ثبت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 11 - 5

5- تکذیب قیامت، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید.

كُتِبَ مَرْقُومٌ . وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ . الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

18- جامعیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- « عن أبي عبد الله (ع) في قوله: «اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم» قال: يذكر بالعبد جميع ما عمل و ما كتب عليه حتى كأنه فعله تلك الساعه فلذلك قالوا: يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره ولا كبيره إلا أحصاها» ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا «اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم» روايت شده است كه فرمود: همه اعمالی كه بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به يادش می آورند؛ به گونه ای كه گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره ولا كبيره إلا أحصاها».

ص: 271

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 10،12

10- مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

یویلتنا مال هذا الکتب لایغادر صغیره ولا کبیره

12- نامه اعمال ، دربرگیرنده ریز و درشت کردار ها و به شمارآورنده کمترین عمل انسان است .

لایغادر صغیره ولا کبیره إلاّ أحصیها

«غدر» و «مغادره» به معنای ترک است و «لایغادر..» یعنی هیچ کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده و نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 33 - 3

3- انسان ، در برابر عقاید و باور های خویش ، مسؤول بوده و همه آنها در نامه اعمال او ثبت است .

من أوتی کتبه .. و لم أدر ما حسابیه... خذوه... فاسلکوه . إنه کان لایؤمن بالل

خداوند علت سرنوشت بد و عذاب کافران را، ایمان نیاوردن به خدای بزرگ دانسته است. از این نکته می توان استفاده کرد که انسان در برابر مجموعه عقاید و اندیشه های خویش ، مسؤول است و باید در برابر خدای بزرگ پاسخگو باشد.

19- جایگاه نامه عمل محسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 19 - 2

2- جایگاه نامه های عمل نیکوکاران ، دارای ویژگی هایی فراتر از حد بیان است .

و ما أدریک ما علّیون

20- حتمیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 4

4 - امتناع کردن از دریافت نامه اعمال در قیامت ، امکان پذیر نیست .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

برداشت یاد شده، از مجهول بودن «أوتِيَ» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 2

2 - امتناع کردن از دریافت نامه عمل در قیامت ، امکان پذیر نیست .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ

برداشت یاد شده، از مجهول بودن «أوتِيَ» استفاده شده است.

ص: 272

21- حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 12 - 2

2 - نامه عمل سراسر حقیقت و خالی از هرگونه خطا است .

یعلمون ما تفعلون

تصریح به علم کاتبان نامه عمل، توجّه دادن به راستی و درستی آن نامه است.

22- درخواست رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 4

4 - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتیبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیاید بگیری) است.

23- درخواست قرائت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 4

4 - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتیبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیاید بگیری) است.

24- درخواست نامه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 5,6

5- صعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آسمان و آوردن دستخطی قابل خواندن و گواه بر صعود واقعی خویش ، معجزه درخواستی مشرکان مکه از آن حضرت

أُتِرْفَى فِى السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرَقِيكَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ

6- صعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آسمان و آوردن نامه ای برای حقانیت خویش ، پیش شرط مشرکان مکه برای ایمان آوردن به آن حضرت

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى . . . أَوْ تَرْفَى فِى السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرَقِيكَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا

ص: 273

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 52 - 3,5,1

1 - کافران پندناپذیر ، ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به آمدن نامه های سرگشاده برای یکایکشان ، مشروط دانستند .

بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفًا منشّره

3 - درخواست نامه های سرگشاده و جداگانه برای خود ، جلوه نابخردی و سبک مغزی کافران مخالف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فما لهم عن التذکره معرضین . . . بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفًا منشّره

5 - « عن أبي جعفر (ع) فی قوله « بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفًا منشّره » و ذلك أنّهم قالوا : یا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بنی اسرائیل کان یذنب الذنب فیصبح و ذنبه مکتوب عند رأسه و کفّارته ، فنزل جبرئیل علی النبیّ (صلی الله علیه و آله) و قال : یسألک قومک سنّ بنی اسرائیل فی الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلك بهم و أخذناهم بما کتّنا نأخذ به بنی اسرائیل . . . »

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفًا منشّره» روایت شده که آنان [به رسول خدا] گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهِش در بالای سرش همراه با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنّت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم؛ به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 53 - 1

1 - مشروط دانستن ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به نازل شدن نامه های سرگشاده از سوی خداوند در تأیید آن ، بهانه ای از سوی کافران بود .

بل یرید کلّ امریء منهم . . . کلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 54 - 1

1 - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کلّ امریء منہم أن یوتی صحفًا منشّره .. کلاّ إنّہ تذکرہ

کلمه «کلاّ»، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاّ- بل لایخافون..) بیان شده است؛ یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانب خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

26- دریافت نامه عمل از پشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 274

3 - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

از ضمیمه این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه 25)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

6 - «عن أبي جعفر (ع) قال: ... ان الله ... أنزل في «إذا السماء انشقت» «وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ...» فهذا مشرك ...»؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... خداوند... در سوره «إذا السماء انشقت» فرمود: «وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ...». این شخص [که نامه عملش از پشت سر به او داده می شود] مشرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 11 - 4، 3، 2

2 - گرفتن نامه عمل از پشت سر در قیامت ، سرآغاز گرفتاری در موقعیتی دشوار که هر کس ، فریاد هلاکت خواهی و آرزوی مرگ سر خواهد داد .

فسوف يدعوا ثبورًا

«ثبور» به معنای هلاکت و تباهی است. (مفردات راغب)

3 - دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فسوف يحاسب .. فسوف يدعوا ثبورًا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند شد؛ ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه «فسوف يحاسب» تنها در مورد یک دسته آمده است؛ ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف «سوف» - که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد و اوایلای شخص، فاصله ای را مفروض گرفته - مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

4 - محاسبه و رسیدگی به اعمال کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت کرده اند ، سخت و اندوه بار خواهد بود .

حسابًا يسيرًا .. مسرورًا ... فسوف يدعوا ثبورًا

برداشت یاد شده، از مقابله دو گروه استفاده شده است. از آنجا که گروه اول حسابی آسان داشته و شادمان خواهند شد، دانسته می شود که برای گروه دوم، جز سختی حساب و غمگین شدن نخواهد بود.

1 - کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت می کنند ، به آتش برافروخته جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

و یصلی سعیراً

«صَلَّى»؛ یعنی، حرارت را چشید (مصباح). در لسان العرب آمده است: صَلَّى فلان بالنار یَصْلِي صُلِيًّا اَحْتَرَق (سوخت). راغب می گوید: «صَلَّى بالنار»؛ یعنی، به آتش مبتلا شد و از برخی اهل لغت نقل می کند که: «صلى النار»: دَخَلَ فِيهَا (درون آتش رفت). «سعير» (بر وزن فعيل) به معنای مفعول است؛ یعنی، داغ و برافروخته. (مفردات راغب)

5- اعطای نامه عمل از پشت سر ، فریاد هلاکت خواهی در قیامت و گرفتاری به آتش جهنم ، برخاسته از استبعاد معاد است .

و أمّا من أوتى . . . إته ظنّ أن لن يحور

این آیه، می تواند بیانگر علت برای مطالب قبل باشد که از جمله آنها «اوتی کتابه وراء ظهره» بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - کسانی که در قیامت نامه عمل را از پشت سر دریافت کرده و به دوزخ گرفتار می شوند ، خود عامل پیدایش چنین سرنوشتی اند .

أمّا من أوتى كتبه . . . و یصلی سعیراً . . . بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

12 - عذاب دوزخیان و اعطای نامه عمل به آنان از پشت سرشان ، نظام جزایی آگاهانه و مدبرانه خداوند است .

و أمّا من أوتى كتبه . . . و یصلی سعیراً . . . بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

حرف «بلی» ممکن است به تمام مشخصات دسته دوم (و أمّا من أوتى . . .) ارتباط داشته باشد. در این صورت پندار رجوع نکردن را، پنداری باطل و حوادث پیش آمده (اوتی کتابه وراء ظهره . . . یصلی سعیراً) را، رخدادی ثابت معرفی می کند. جمله «إته . . .» بیانگر این است که آن حادثه ها، برخاسته از ربوبیت و بصیرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - مردم بی ایمان در قیامت ، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أمّا من أوتى كتبه وراء ظهره . . . و یصلی سعیراً . . . فما لهم لایؤمنون

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر «هم» و تعبیر «الذین كفروا» (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر «من أوتی کتابه وراء ظهره» از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از «الذین آمنوا» (در آیات بعد)، همان «من أوتی کتابه بیمینه» در آیات پیشین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتى كتبه وراء ظهره .. و يصلى سعيراً... بل الذين كفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان «من أوتى كتابه بيمينه» و «من أوتى كتابه وراء ظهره» از آنان یاد شد.

27- دلایل حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 29 - 7

ص: 276

7 - مستند بودن نامه اعمال آدمیان ، دلیل حق بودن و کاستی نداشتن آن

ينطق عليكم بالحق إنا كنا نستنسخ

«إنا كنا..» در مقام تعلیل است و تکرار ضمایر متکلم و نیز تأکید به وسیله «إن»، مطلب بالا را افاده می کند.

28- رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن « بسمله » و عنوان « رسول الله » در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

29- رضایت از نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 5

5 - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فيقول هاؤم اقرءوا كتبيه

30- روش برخورد کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 5

5 - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فأما من أوتي كتبه بيمينه . . . وأما من أوتي كتبه وراء ظهره

31- رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 7، 3، 1

1- در قیامت، نامه عمل هر فرد، در برابر دیدگان او نهاده شده، آن را مشاهده خواهد کرد.

و وضع الکتب... و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

مقصود از «الکتاب» به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف

ص: 277

«ال» در «وضع الکتاب»، برای استغراق افراد است، یعنی «کلّ کتاب». در نتیجه، مراد این است که همه کتاب‌ها را در برابر دیدگان آحاد انسان‌ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

3- در قیامت مجرمان، هنگام مشاهده نامه عمل، از کردار خود وحشت و دلهره پیدا می‌کنند.

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

7- پرهیزکنندگان از جرم و گناه، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت، بیم و هراس نخواهند داشت.

و وضع الکتب فتري المجرمین مشفقین ممّا فیه

جمله «وضع الکتاب» وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله «فتري المجرمین...» تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

32- زمان دریافت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 2

2 - مرحله حسابرسی در قیامت، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است.

فسوف يحاسب حساباً يسيراً

«سوف»، برای وعده دادن به کار می‌رود (مصباح) و دلالت بر تأخیر دارد. (مقایس اللغه)

33- سرزنشهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 5

5 - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان‌ها در قیامت، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت.

فأما من أوتي كتبه بيمينه... وأما من أوتي كتبه وراء ظهره

34- سوگند به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

و کتب مسطور

برخی از مفسران مراد از «کتاب مسطور» را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

ص: 278

35- عظمت نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 4

4 - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابَ كَرِيمٍ .. . وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمله «و إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ ..» تعلیل دیگری برای بیان گرنامه‌ی بودن مکتوب سلیمان است؛ یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

36- علم به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 26 - 2

2 - کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ، از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حسابه

37- علم توزیع کنندگان نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 5

5 - تحویل دهندگان نامه های اعمال به انسان ها در قیامت ، از فرجام آنها آگاه اند .

من أوتی کتبه بیمینه

38- عمومیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 1

1 - برای هر انسان ، نامه عملی است که آن را در قیامت دریافت خواهد کرد .

يأئها الإنسن . . فأما من أوتى كتبه . . . وأما من أوتى كتبه وراء ظهره

39- فلسفه نامه نگارى سليمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 36 - 7

ص: 279

7- هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر.

قال أتمدونن بمال فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

40- قرائت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 14 - 2، 1

1- خداوند، فراخوان انسان ها در قیامت، به خواندن نامه عمل خویش

و نخرج له یوم القیمه کتبًا .. اقرأ کتّبک

2- هر انسانی در قیامت، با خواندن پرونده اعمال خویش، خود حسابگر آنها خواهد بود.

اقرأ کتّبک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

41- محافظت از نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 4

4- نامه عمل فاجران، در دیوانی تغییرناپذیر و زندانی منحصّط، بایگانی و حفاظت می شود.

إنّ کتب الفجّار لفی سجّین

سجّین همان سجن (زندان) است، علاوه بر رساندن معنای خلود؛ زیرا این وزن برای مبالغه است (مجمع البیان). تفسیر آن به «کتاب مرقوم» - در دو آیه بعد - دلالت دارد که «سجّین» کتابی است که نامه عمل فاجران، به گونه ای در آن قرار داده شده است که گویا نوشته ها در آن حبس شده است. مقابله آن با «علّین» - که در آیات بعد آمده است - بیانگر انحطاط و پستی آن است.

42- محافظت از نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 6

6- نامه عمل کم فروشان، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد.

ویل للمطفّین .. إنّ کتب الفجّار لفی سجّین

43- محافظت از نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 280

5- نامه عمل نیکوکاران، در دیوانی تغییرناپذیر و جایگاهی رفیع، (علّیین)، بایگانی و حفاظت می شود.

إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَّيْنِ

«علّیین» گرچه به لفظ جمع آمده است؛ ولی به قرینه «کتاب مرقوم» و ضمیر مفرد در «یشهده المقرّبون»، معنای مفرد دارد. لسان العرب از ابو اسحاق نقل کرده است: چون «علّیین» در لفظ به صورت جمع است، اعراب جمع دارد. برخی از اهل لغت، آن را جمع «علّیّ» و به معنای سلسله مراتب رفیع تا بی نهایت می دانند. (مقایس اللغه)

44- مشاوه درباره نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 4

4 - اقدام بلقیس به در میان گذاشتن خبر نامه سلیمان با درباریان خود

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابَ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 1

1 - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

«إفتاء» (مصدر «أفتونی») به معنای اظهار نظر است. «أفتونی فی امری»؛ یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

45- مطالعه نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 13

13- سعادت‌مندان، نامه اعمال خویش را در قیامت، خود مورد مطالعه قرار می دهند.

فَمَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ

46- مکان نامه عمل کم‌روشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 6

6 - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

ویل للمطفّین . . . إنّ کتب الفجّار لفی سجّین

ص: 281

47- ملکه سبا و نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 2،5

2 - برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت یاأیها الملأا أفتونی فی امری

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود؛ بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

5 - احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی امری ما کنت قاطعه امرًا حتی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

48- نامه به ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 1،2

1 - مأموریت هدهد از سوی سلیمان، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

«کتاب» معادل «مکتوب» و به معنای نامه است؛ یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه. ...

2 - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

«ها» ساکن در «ألقه» ها سکت و «إلقاء» (مصدر «ألق») به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 1

1 - قرار گرفتن نامه سلیمان در اختیار ملکه سبا (بلقیس)

قالت یاٰیها الملؤا ائی اُلقی اِلیّ کتب کریم

49- نامه رسانی در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 3

ص: 282

3 - استفاده از پرندۀ پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذھب بکتبی هذا فألقه إلیهم

نامہ رسائی ہدھد

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 4، 2، 1

1 - مأموریت ہدھد از سوی سلیمان ، برای بردن نامہ وی بہ جانب ملکہ سبا

اذھب بکتبی هذا فألقه إلیهم

«کتاب» معادل «مکتوب» و بہ معنای نامہ است؛ یعنی، این نامہ مرا ببر، آن گاہ. ...

2 - افکندن نامہ بہ محلّ تجمع ملکہ و درباریان سبا ، مأموریت ہدھد از جانب سلیمان (ع)

اذھب بکتبی هذا فألقه إلیهم

«ها» ساکن در «ألقه» ها سکت و «إلقاء» (مصدر «ألق») بہ معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاہ [نامہ را] بہ سوی آنان بیفکن.

4 - ہدھد ، موظف بہ روی برتافتن از درباریان سبا (پس از افکندن نامہ سلیمان) نزد ایشان

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

«تولّی» (مصدر «تولّ») بہ معنای روی برتافتن است؛ یعنی، از آنان روی برتاب و سپس بنگر چه پاسخ می دهند.

50- نامہ سلیمان (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 5، 2، 1

1 - مأموریت ہدھد از سوی سلیمان ، برای بردن نامہ وی بہ جانب ملکہ سبا

اذھب بکتبی هذا فألقه إلیهم

«کتاب» معادل «مکتوب» و بہ معنای نامہ است؛ یعنی، این نامہ مرا ببر، آن گاہ. ...

2 - افکندن نامہ بہ محلّ تجمع ملکہ و درباریان سبا ، مأموریت ہدھد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بكتبي هذا فألقه إليهم

«ها» ساکن در «ألقه» ها سکت و «إلقاء» (مصدر «ألق») به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

5- مأموریت هدهد برای مشاهده بازتاب نامه سلیمان در میان درباریان سبا و شنود کردن سخنان ایشان .

ثم تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 1

1 - قرار گرفتن نامه سلیمان در اختیار ملکه سبا (بلقیس)

قالت ياأيها الملأوا إني ألقى إليّ كتب كريم

ص: 283

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 1

1 - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان ، پیش از خواندن محتوای آن

إِنَّهُ مِنْ سَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 3،6

3 - ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قال أتمدونن بمال

6 - توبیخ دربار سبا توسط سلیمان (ع) ، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدونن بمال

استفهام در «أتمدونن» برای توبیخ و سرزنش است.

51- نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 70 - 4

4 - اعمال مردمان در نامه ای ثبت و نگه داری می شود .

اللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ .. . إِنَّ ذَلِكُمْ فِي كِتَابٍ

«ذلک» اشاره دارد به مضمون جمله «ما تعملون» در آیه 68؛ یعنی، آنها (اعمال شما)، همگی در کتابی ثبت و ضبط می شوند.

52- نامه عمل اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 41 - 2

2 - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 1

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

ص: 284

53- نامه عمل اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 11

11- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا... فمن أوتی کتبه یمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 27 - 2، 1

1 - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

«یمین» در مقابل «شمال» و به معنای دست راست است با توجه به آیه 19 سوره «حاقه» (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ یمینه ..) باید گفت: «أصحاب الیمین»؛ یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

2- آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، « اصحاب الیمین » هستند .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 90 - 2، 1

1 - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الیمین

«اصحاب الیمین» (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های «اسراء»، «حاقه» و «انشقاق» از آنان به «من أتی کتبه یمینه» (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

2- به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، « اصحاب الیمین » گفته می شود .

و أمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 1

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . . . فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 1

ص: 285

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌ حَسَابِيه . . . فِي جَنَّةِ عَالِيه

«عالیه» هم می تواند بیانگر علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشفاق - 84 - 7 - 2

2- برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

54- نامه عمل امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 28 - 8،9

8 - فراخوانده شدن هر امت ، به سوی نامه اعمال خویش در قیامت

كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا

9- هر امت ، دارای نامه عملی ویژه و گروهی ، در قیامت

كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا

بازگشت ضمیر «کتابها» به امت، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت - به عنوان یک جمع و گروه - کتاب و پرونده ای ویژه و مخصوص به خود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 29 - 3

3 - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ

55- نامه عمل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 3

3 - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 3

ص: 286

3 - هر انسانی، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

56- نامه عمل بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 2،4

2 - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت، در دست راست آنان قرار دارد.

فأما من أوتی کتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه 38 سوره «واقع» از آنان به «اصحاب الیمین» نام برده شده است.

4 - مؤمنان بهشتی، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیاید بگیریید) است.

57- نامه عمل بی ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشفاق - 84 - 20 - 8

8 - مردم بی ایمان در قیامت، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد.

أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره... ویصلی سعیرًا... فما لهم لایؤمنون

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر «هم» و تعبیر «الذین کفروا» (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر «من أوتی کتابه وراء ظهره» از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از «الذین آمنوا» (در آیات بعد)، همان «من أوتی کتابه بيمينه» در آیات پیشین خواهد بود.

58- نامه عمل جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه 41 سوره «واقعه» از آنان به «أصحاب الشمال» یاد شده است.

ص: 287

59- نامه عمل در دست چپ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 41 - 2، 1

1 - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

«شمال» (در مقابل «یمین») به معنای دست چپ است. طبق آیه 25 سوره «حاقه» (و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه) اصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

2 - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 6، 2، 1

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتى كتبه بشماله

2 - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتى كتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه 41 سوره «واقعه» از آنان به «أصحاب الشمال» یاد شده است.

6 - «عن أبى جعفر (ع) قال : . . . و أنزل فى الحاقه ، « و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه . . . » فهذا مشرك ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . . . خداوند در سوره «الحاقه» می فرماید: (و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 4

4 - کافران در آخرت، نامه عمل خویش را با دست چپ، دریافت خواهند کرد.

هم أصحاب المشئمه

«سمت چپ و راست» در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به «اصحاب الیمین» و «اصحاب المیمنه» نام گذاری شده و دسته دوم «اصحاب الشمال» و «اصحاب المشأمه» نام گرفته اند.

60- نامه عمل در دست راست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 12

ص: 288

12- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتي كتبه يمينه فأولئك يقرءون كتبهم ولا يظلمون شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 27 - 1, 2

1 - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب اليمين ما أصحاب اليمين

«يمين» در مقابل «شمال» و به معنای دست راست است با توجه به آیه 19 سوره «حاقه» (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ يَمِينًا ..) باید گفت: «أصحاب اليمين»؛ یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

2 - آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، « أصحاب اليمين » هستند .

و أصحاب اليمين ما أصحاب اليمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 90 - 1, 2

1 - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب اليمين

«أصحاب اليمين» (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های «اسراء»، «حاقه» و «انشقاق» از آنان به «من أُتِيَ كِتَابَهُ يَمِينًا» (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

2 - به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، « أصحاب اليمين » گفته می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب اليمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 1, 2

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتى كتبه بيمينه

2 - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأما من أوتى كتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه 38 سوره «واقعه»، از آنان به «اصحاب الیمین» نام برده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 20 - 1

1 - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتى كتبه بيمينه . . . إني ظننت أني ملق حسابيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 1

ص: 289

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . . . فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌ حَسَابِيَةٍ . . . فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

«عالیه» هم می تواند بیانگر علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 2

2 - برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 3,4

3 - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان داده شود ، حسابرسی آسانی خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حساباً يسيراً

«یسیر» دو معنا دارد: 1. آسان، 2. قلیل (مفردات راغب). در آیه شریفه، اولین معنا مناسب است.

4 - اعطای نامه عمل به دست راست حاضران در قیامت ، رمز و نشانه چشم پوشی از لغزش های آنان است . *

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حساباً يسيراً

نادیده گرفتن «سیئات» - که در بعضی از سوره های دیگر درباره گروهی از حاضران قیامت مطرح شده - مصداق حساب آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 1,3

1 - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او ، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ینقلب إلی أهله مسرورًا

3 - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فأما من أوتی کتبه بیمینه . . . و ینقلب إلی أهله مسرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 18 - 4

ص: 290

4 - مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أولئك أصحاب اليمينه

این احتمال وجود دارد که اصحاب اليمينه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

61- نامه عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 7 - 1,2

1 - خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما كنا غائبین

حرف «باء» به معنای مصاحبت و ملابست است؛ یعنی: «فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن «علم» دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به «دقیق بودن» تعبیر شد.

2 - خداوند در قیامت سرگذشت پیامبران را در ابلاغ رسالت به گونه ای دقیق برای آنان بیان خواهد کرد.

و لنسئلن المرسلین. فلنقصن علیهم بعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 27 - 1

1 - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

وأصحاب اليمين ما أصحاب اليمين

«یمین» در مقابل «شمال» و به معنای دست راست است با توجه به آیه 19 سوره «حاقه» (فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِينَهُ ..) باید گفت: «أصحاب اليمين»؛ یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 41 - 1

1 - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

«شمال» (در مقابل «یمین») به معنای دست چپ است. طبق آیه 25 سوره «حاقه» (و أمّا من أوتی کتابه بشماله فیقول یالیتی لم أوت کتابیه) اصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 3,5

3 - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فأما من أوتی کتبه یمینه

5 - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتبه

ص: 291

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 3,6,1

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتى كُتبه بشماله

3 - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

و أمّا من أوتى كُتبه بشماله

6 - « عن أبي جعفر (ع) قال : . . . و أنزل في الحاقه ، « و أمّا من أوتى كُتبه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه . . . » فهذا مشرك ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . . . خداوند در سوره «الحاقه» می فرماید: (و أمّا من أوتى كُتبه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 10 - 4,5

4 - بسته ماندن و باز شدن نامه اعمال انسان در قیامت ، در اختیار او نیست .

و إذا الصحف نشرت

مجهول بودن «نشرت»، گویای برداشت یاد شده است.

5 - نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

«نشر» به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از «نُشرت»، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 12 - 3

3 - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 1

1 - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فأما من أوتی کتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 3

3 - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

و أما من أوتی کتبه وراء ظهره

از ضمیمه این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه 25)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

ص: 292

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 11 - 3

3 - دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فسوف يحاسب .. فسوف يدعوا ثبورًا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند شد؛ ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه «فسوف يحاسب» تنها در مورد یک دسته آمده است؛ ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف «سوف» - که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد و اوایلای شخص، فاصله ای را مفروض گرفته - مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 4

4 - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

«سمت چپ و راست» در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به «اصحاب الیمین» و «اصحاب الیمینه» نام گذاری شده و دسته دوم «اصحاب الشمال» و «اصحاب المشأمه» نام گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 13 - 4,9

4- خداوند اعمال انسان را در دنیا ثبت کرده و در قیامت ، به صورت کتابی گشوده در برابر او ظاهر خواهد ساخت .

و نخرج له يوم القيمة كتبًا يلقه منشورًا

9- « عن النبي قال : الكتب كلُّها تحت العرش فإذا كان يوم القيامة بعث الله تبارك و تعالی ریحاً تطیرها بالأیمان و الشمال أول حرفه : »
إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً » ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: تمام نامه ها زیر عرش قرار دارند و آن گاه که روز قیامت فرا رسد، خداوند - تبارک و تعالی - بادی را برمی انگیزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهای چپ و راست مردم برساند و اولین حرف آن کتاب این است:
إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 14 - 5,3,1

1- خداوند، فراخوان انسان‌ها در قیامت، به خواندن نامه عمل خویش

و نخرج له يوم القيمة كتابًا .. اقرأ كتابك

3- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت، روشن و آشکار است.

كفى بنفسك اليوم عليك حسيبًا

از اینکه خداوند فرموده است: «خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی» نشان می‌دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

ص: 293

5- « عن أبي عبدالله (ع) في قوله: «اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم» قال: يذكر بالعبد جميع ما عمل و ما كتب عليه حتى كأنه فعله تلك الساعه فلذلك قالوا: يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره و لا كبيره إلا أحصاها» ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا «اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم» روايت شده است كه فرمود: همه اعمالی كه بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به يادش می آورند؛ به گونه ای كه گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره و لا كبيره إلا أحصاها».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 12، 11، 10، 9

9- انسان ها ، عملکرد دنیوی خویش را در قیامت ، به صورت مجموعه ای ثبت شده و مکتوب دریافت می کنند .

فمن أوتی کتبه بيمينه

10- محاکمه انسان ها در قیامت ، بر اساس دلائل و اسناد مکتوب است .

ندعوا .. فمن أوتی کتبه بيمينه

11- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

يوم ندعوا .. فمن أوتی کتبه بيمينه

12- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك يقرءون كتبهم و لا يظلمون فتبلاً

22- « عن أبي جعفر (ع) : ... أما المؤمن فيعطى كتابه بيمينه قال الله عزوجلّ : ... « من أوتی کتابه بيمينه فأولئك يقرءون کتابهم ... »

؛ ...

از امام باقر(ع) روايت شده است: .. اما مؤمن کتاب او به دست راستش داده می شود. خداوند عزوجلّ می فرماید: ... «من أوتی کتابه بيمينه فأولئك يقرءون کتابهم...».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 1

1- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الكتب .. و يقولون يويلتنا مال هذا الكتب

مقصود از «الکتاب» به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف «ال» در «وضع الکتاب»، برای استغراق افراد است، یعنی «کل کتاب». در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 14، 9، 6، 5

5 - نامه اعمال همه بندگان در قیامت، عرضه خواهد شد.

ووضع الکتب

«وضع» به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. «کتاب» در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

6 - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد.

ووضع الکتب

9 - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان، هنگام عرضه نامه اعمالشان

ص: 294

«شهدا» جمع «شاهد» (گواه) است.

14 - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الكتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 28 - 9

9 - هر امت ، دارای نامه عملی ویژه و گروهی ، در قیامت

كلّ اّمّه تدعی الی کتبها

بازگشت ضمیر «کتابها» به امت ، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت - به عنوان یک جمع و گروه - کتاب و پرونده ای ویژه و مخصوص به خود دارد.

62- نامه عمل سعادتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 13

13- سعادتمندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأولئک یقرءون کتبهم

63- نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 14 - 6

6 - کردار بدکاران ، از نظر مأموران الهی مخفی نمانده و در نامه عمل آنان ثبت خواهد شد .

کتبین . یعلمون ما تفعلون ... وإنّ الفجّار لفی جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- کردار بدکاران، ثبت و ضبط شده و در نامه عمل آنان باقی خواهد ماند.

کتب الفجّار

«کتاب الفجّار»، صحیفه ای است که در آن، اعمال فاجران ثبت شده است.

64- نامه عمل فاسقان در سجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 295

4- نامه عمل فاجران ، در دیوانی تغییرناپذیر و زندانی منحصّ ، بایگانی و حفاظت می شود .

إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ لَفِي سَجِّينٍ

سَجِّين همان سجن (زندان) است، علاوه بر رساندن معنای خلود؛ زیرا این وزن برای مبالغه است (مجمع البیان). تفسیر آن به «کتاب مرقوم» - در دو آیه بعد - دلالت دارد که «سَجِّين» کتابی است که نامه عمل فاجران، به گونه ای در آن قرار داده شده است که گویا نوشته ها در آن حبس شده است. مقابله آن با «علیین» - که در آیات بعد آمده است - بیانگر انحطاط و پستی آن است.

65- نامه عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 84 - 8

8- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 4,5

2- نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه 41 سوره «واقعه» از آنان به «أصحاب الشمال» یاد شده است.

4- کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخوردگی می کنند .

فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لِمَ أُوتِيَ كِتَابِي

5- ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لِمَ أُوتِيَ كِتَابِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلیتینی . . . و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 22 - 5

5 - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره . . . و یصلی سعیراً . . . بل الذین کفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل

ص: 296

باشند که با عنوان «من اوتی کتابه بیمینه» و «من اوتی کتابه وراء ظهره» از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 4

4 - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

«سمت چپ و راست» در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به «اصحاب الیمین» و «اصحاب الیمینه» نام گذاری شده و دسته دوم «اصحاب الشمال» و «اصحاب المشأمه» نام گرفته اند.

66- نامه عمل گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 10، 11

10- مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

یویلتنا مال هذا الکتب لایغادر صغیره ولا کبیره

11- مجرمان ، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . *

و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

«ویله» و «ویل» به معنای «هلاکت» است و مؤنث بودن «ویله» مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن «ویل» از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیت می پندارند.

67- نامه عمل متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 7

7- پرهیز کنندگان از جرم و گناه ، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت ، بیم و هراس نخواهند داشت .

و وضع الكتب فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

جمله «وضع الكتاب» وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله «فتری المجرمین..» تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

ص: 297

68- نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 18 - 4

4- کردار نیکوکاران، ثبت و ضبط شده، در نامه عمل آنان باقی خواهد ماند.

کتب الأبرار

«کتاب الأبرار» صحیفه ای است که در آن اعمال نیکوکاران ثبت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 20 - 2

2- نامه های عمل نیکوکاران در دیوان جامع (علّین)، با یک دیگر مشتبه نخواهد شد.

کتب مرقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 21 - 3

3- مقرّبان درگاه خداوند گواهان نامه اعمال نیکوکاران اند.

یشهده المقرّبون

فعل «یشهد»، یا از «شهود» به معنای حضور است و یا از «شهاده» که این اثر در نهایت آن را «خبر دادن از مشاهدات خویش» معنا کرده است؛ در هر صورت گواه بودن «مقرّبون» استفاده می شود؛ زیرا در معنای اول حضور و نظارت آنان به منظور گواهی دادن است و معنای دوم - که در آن صورت «یشهده» به معنای «یشهد به» خواهد بود - صریح در نکته یاد شده است.

69- نامه عمل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 84 - 8

8- خداوند، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد.

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 6

6 - « عن أبي جعفر (ع) قال: ... وأنزل في الحاقه، « وأما من أوتي كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أوت كتابه ... » فهذا مشرك؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... خداوند در سوره «الحاقه» می فرماید: (وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 298

6 - « عن أبي جعفر (ع) قال : ... ان الله ... أنزل في « إذا السماء انشقت » « و أمّا من أوتى كتابه وراء ظهره ... » فهذا مشرك ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... خداوند... در سوره «إذا السماء انشقت» فرمود: «و أمّا من أوتى كتابه وراء ظهره...». این شخص [که نامه عملش از پشت سر به او داده می شود] مشرک است.

70- نامه عمل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 23 - 4

4 - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بمایوعون

به قرینه آیات پیشین - که درباره نامه های اعمال بود - می توان گفت: مراد از «وعاء» در «یوعون»، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

71- نامه عمل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 11 - 5

5 - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذّبین . الذین یکذّبون بیوم الدین

72- نامه عمل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 23 - 4

4 - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بمایوعون

به قرینه آیات پیشین - که درباره نامه های اعمال بود - می توان گفت: مراد از «وعاء» در «یوعون»، همان نامه عمل است که منکران معاد

آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

ص: 299

73- نامه عمل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 22

22- «عن أبي جعفر (ع) : . . . أما المؤمن فيعطى كتابه بيمينه قال الله عزّوجلّ : . . . « من أوتي كتابه بيمينه فأولئك يقرؤن كتابهم . . . »
; . . .

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . اما مؤمن کتاب او به دست راستش داده می شود. خداوند عزّوجلّ می فرماید: . . . «من أوتي كتابه بيمينه فأولئك يقرؤن كتابهم...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 2،4

2- نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأما من أوتي كُتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه 38 سوره «واقعه»، از آنان به «اصحاب اليمين» نام برده شده است.

4- مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فيقول هاؤم اقرءوا كُتبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیايید بگيريد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 20 - 1

1- نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتي كُتبه بيمينه . . . إني ظننت أني ملق حسابيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 6

6 - « قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ الله تبارک و تعالی إذا أراد أن يحاسب المؤمن أعطاه كتابه بيمينه و حاسبه فيما بينه و بينه فيقول : عبدی ! فعلت كذا . . . قد غفرتها لك و ابدلتها حسنات . . . و هو قول الله عزَّوجلَّ « فأما من أوتی كتابه بيمينه فسوف يحاسب حساباً يسيراً » ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خدای - تبارک و تعالی - زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ . . . من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم . . . و این سخن خدای عزَّوجلَّ است «فأما من أوتی كتابه بيمينه . فسوف يحاسب حساباً يسيراً» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 18 - 4

4 - مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أولئك أصحاب اليمينه

ص: 300

این احتمال وجود دارد که اصحاب المیمنه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

74- نشانه های نامه عمل محسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 20 - 1

1 - دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، نوشته ای خوانا و نشانه دار است .

کتب مرقوم

«مرقوم»؛ یعنی، دارای علامت و به معنای واضح و درشت خط نیز آمده است.

75- نظارت بر نامه عمل محسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 21 - 2

2 - مقام قرب خداوند ، والاتر از مقام نیکوکاران ، و مایه شایستگی انسان برای آگاهی از کردار نیکوکاران و مشاهده نامه اعمال آنان است .

يشهده المقرَّبون

76- نقش نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 79 - 6

6- عذاب آدمیان ، مستند به اسنادی مکتوب و ثبت شده است .

سنکتب ما یقول و نمَدّ له من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 94 - 7

7- تنظیم نامه عمل برای هر یک از انسان ها از سوی خدا ، پشتوانه تضمین پاداش کامل آنان است .

فمن يعمل .. إنا له كتبون

جمله «إنا له كتبون» عطف بر جمله «فلا كفران لسعیه» و تأکید کننده مضمون آن است و در حقیقت، بیانگر این نکته است که چون اعمال همه انسان ها را می نویسیم، پس بدون کم و کاست، پاداش آنان را خواهیم داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 28 - 14

14 - داوری خداوند درباره امت ها ، براساس نامه عمل شان

ص: 301

تدعی الی کتبها الیوم تجزون ما کنتم تعملون

از این که پس از فراخوانی انسان ها به نامه عمل خویش، مسأله جزای آنان مطرح شده است؛ به دست می آید که نامه عمل شان ملاک داوری حق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 29 - 2,3

2- احتجاج الهی در قیامت با امت ها ، براساس مدرک و سند

هذا کتبنا

3- صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

ینطق علیکم بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 12 - 3

3- پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تعملون

77- وضوح نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 14 - 3

3- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حساباً

از اینکه خداوند فرموده است: «خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی» نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- نامه اعمال امت ها ، خود گویا و بی نیاز از شرح و تفسیر

ینطق علیکم بالحق

واژه «نطق» - چه در معنای حقیقی (سخن گفتن) باشد و چه در معنای کنایی (گویایی و روشنی) - بی نیازی از تفسیر و توضیح را می رساند.

78- وضوح نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 9 - 1

ص: 302

1 - دیوان نامه های عمل بدکاران ، نوشته ای خوانا و علامت دار و بی ابهام است .

کتاب مرقوم

«کتاب» خبر برای ضمیر محذوفی است که به «سَجِّین» برمی گردد. «مرقوم» - از ریشه «رَقْم» (علامت و مارکی که بر پارچه زده شود) (مصباح) - یعنی، دارای علامتی که تشخیص آن را آسان سازد. ماده «رقم» به معنای «خط درشت» و «برطرف ساختن ابهام نوشته» نیز آمده است. (مفردات راغب)

79- ویژگیهای مکان نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 8 - 2

2 - مخزن نامه های عمل بدکاران ، دارای ویژگی هایی فراتر از حد بیان است و پستی و گریزناپذیر بودن آن قابل توصیف نیست .

و ما ادریک ما سَجِّین

ریشه کلمه «سَجِّین» بر زندان بودن جایگاه نامه عمل بدکاران دلالت دارد و پستی آن، از تقابل با «عَلَّیْن» در آیات بعد استفاده می شود.

80- ویژگیهای نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 3 - 2

2 - اعمال آدمیان ، مدون در صحیفه ای باز و گسترده

و کتب مسطور . فی رَق منشور

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از «کتاب مسطور» نامه اعمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 9 - 2

2 - کردار هر کس ، تنها گریبان گیر شخص او بوده و نامه عمل او با دیگر نامه های اعمال ، مشتبه نخواهد شد .

ما سَجِّین . کتب مرقوم

81- ویژگیهای نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 9 - 1

1 - دیوان نامه های عمل بدکاران ، نوشته ای خوانا و علامت دار و بی ابهام است .

کتب مرقوم

ص: 303

«کتاب» خبر برای ضمیر محذوفی است که به «سَجِّین» برمی گردد. «مرقوم» - از ریشه «رَقَم» (علامت و مارکی که بر پارچه زده شود) (مصباح) - یعنی، دارای علامتی که تشخیص آن را آسان سازد. ماده «رقم» به معنای «خط درشت» و «برطرف ساختن ابهام نوشته» نیز آمده است. (مفردات راغب)

82- ویژگیهای نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 20 - 1

1 - دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، نوشته ای خوانا و نشانه دار است .

کتب مرقوم

«مرقوم»؛ یعنی، دارای علامت و به معنای واضح و درشت خط نیز آمده است.

نامه آسمانی

83- درخواست نامه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 5,6

5- صعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آسمان و آوردن دستخطی قابل خواندن و گواه بر صعود واقعی خویش ، معجزه درخواستی مشرکان مکه از آن حضرت

أو ترقی فی السَّماء و لن نُؤمن لرقیق حتی تنزل علینا کتبًا نقرؤه

6- صعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آسمان و آوردن نامه ای برای حقانیت خویش ، پیش شرط مشرکان مکه برای ایمان آوردن به آن حضرت

وقالوا لن نُؤمن لک حتی . . . أو ترقی فی السَّماء و لن نُؤمن لرقیق حتی تنزل علینا

نامه رسانی

84- تاریخ نامه رسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - استفاده از پرندۀ پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذهب بکتبی هذا فالقه إلیهم

ص: 304

85- نامه رسانی در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 3

3 - استفاده از پرنده پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

86- نامه رسانی هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 2، 4، 1

1 - مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

«کتاب» معادل «مکتوب» و به معنای نامه است؛ یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه. ...

2 - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا ، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

«ها» ساکن در «ألقه» ها سکت و «إلقاء» (مصدر «ألق») به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

4 - هدهد ، موظف به روی برتافتن از درباریان سبا (پس از افکندن نامه سلیمان) نزد ایشان

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

«تولّی» (مصدر «تولّ») به معنای روی برتافتن است؛ یعنی، از آنان روی برتاب و سپس بنگر چه پاسخ می دهند.

نامه عمل

{ نامه عمل }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 2

2- اَعْمَالِ تَمَامِ اِنْسَانِ هَا ، دَر كِتَابِي جَامِعِ ثَبِتِ مِي شُود .

و وُضِعَ الْكُتُبِ فَتْرِي الْمَجْرَمِينَ مَشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ

چنانچه مراد از «الكتاب» جنس و ماهیت کتاب باشد. ممکن است، جمله «وضع الكتاب» دلالت کند که اعمال همه آدمیان، در یک کتاب ثبت شده و در قیامت، به آن‌ها نشان داده خواهد شد. برداشت بالا، ناظر به این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 79 - 3

3- ثَبِتِ گناهان در نامه اعمال ، فوری نیست و با انجام آن با تأخیر صورت می گیرد .

سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ

حرف «سین» برای استقبال است و دلالت دارد که ثبت گفتاری که از شخص صادر می شود، با اندکی فرصت انجام می

ص: 305

گیرد. دلیل این تأخیر ممکن است احتمال توبه از گناه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 62 - 5

5 - ثبت دقیق اعمال آدمیان در کتابی نزد خداوند

و لدینا کتب ینطق بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 70 - 4

4 - کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد.

و من یفعل ذلک . . یضعف له العذاب ... إلاّ من تاب ... فأولئک یدلّ اللّهُ سیّئ

در این که مقصود از تبدیل «سیئات» به «حسنات» چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود دارد: 1- تبدیل خود اعمال بد به اعمال نیک؛ به گونه ای که در پرونده اعمال مؤمنان به جای «سیئه»، «حسنه» نوشته شود. 2- تبدیل آثار و پیامدهای «سیئات» - که عقاب است - به آثار و پیامدهای «حسنات» - که ثواب است - . گفتنی است برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 12 - 9

9 - تمامی رفتار و آثار انسان، در کارنامه روشن و در لوح محفوظ، شمارش و ثبت می شود.

و کلّ شیء أحصینة فی إمام مبین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «و کلّ شیء..» تأکید برای جمله «و نکتب ما قدّموا...» و مربوط به اعمال انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 53 - 1

1 - تمامی اعمال کوچک و بزرگ آدمیان، مکتوب در صحیفه اعمال ایشان

و کلّ صغیر و کبیر مستطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 34 - 4

4- انسان ، در برابر تمامی رفتار های فردی و اجتماعی خویش ، مسؤول بوده و همه آنها در نامه اعمال او ثبت است .

من أوتى كتبه. .. ولم أدر ما حسابه... ولا يحصّ على طعام المسكين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 13 - 4

4- تمام نشدن پرونده اعمال انسان ها پس از مرگ

ص: 306

يَنْبِؤُا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ

برداشت یاد شده، براساس احتمال دوم در آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 29 - 3

3 - هیچ یک از کردار و پندار های انسان ها نبود نمی شود و در نامه عمل آنان باقی می ماند .

و کَلَّ شَيْءٍ أَحْصِيْنَه كِتَابًا

«کَلَّ شَيْءٍ» ممکن است جمع عرفی باشد؛ یعنی، هر چیزی که در ثواب و عقاب مؤثر است. به قرینه دو آیه قبل، باور نداشتن معاد و نیز تکذیب آیات الهی، از جمله آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 10 - 1

1 - اعمال انسان ها ، در طومارهایی ، نوشته و ثبت می گردد .

و إذا الصحف نشرت

87- آثار رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 11

11- مجرمان ، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . *

و يقولون یویلتنا مال هذا الکتب

«ویله» و «ویل» به معنای «هلاکت» است و مؤنث بودن «ویله» مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن «ویل» از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیت می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 11 - 1

1 - مشاهده نامه اعمال در قیامت ، مایه آگاهی به کردار ها و پیش بینی کیفر ها است .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ . . فسوف يدعو ثبورا

88- آثار علم به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 14 - 7

7- اطلاع بر پرونده اعمال ، راهی برای آگاهی انسان در قیامت بر کردار خویش

ص: 307

و إذا الصحف نشرت . . . علمت نفس ما أحضرت

89- اختفای نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 10 - 3

3 - پرونده اعمال هر کس تا قیامت ، بسته است و بر کسی مکشوف نیست .

و إذا الصحف نشرت

90- ارائه نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 5,6,7,9

5 - نامه اعمال همه بندگان در قیامت ، عرضه خواهد شد .

و وضع الكتب

«وضع» به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. «کتاب» در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

6 - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الكتب

7 - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان - به قرینه آیه «فکیف إذا جئنا من کلّ أمّه بشهید و جنابک علی هؤلاء شهیداً (نساء4)، 41) گواهی دادن آنان است.

9 - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

«شهداء» جمع «شاهد» (گواه) است.

2- قیامت ، روز باز شدن نامه عمل انسان و آگاهی او بر محتوای آن

و إذا الصحف نشرت

«نشر»، مخالف پیچیدن است (لسان العرب). براساس این معنا، فعل «نشرت»، دلالت دارد که نامه اعمال پیش از نشر، به شکل طومار است.

5- نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

«نشر» به معنای تقریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از «نُشرت»، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 6, 1

1 - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فأما من أوتي كتبه

6 - انسان ها هنگام حضور در پیشگاه خداوند نامه های اعمال خود را در اختیار داشته و به کردار خویش آگاهی یافته اند .

فملقىه . فأما من أوتي كتبه بيمينه

«فاء» در «فأما» بیانگر ارتباط مفاد این آیه با ملاقات خداوند است که در آیه قبل مطرح شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 105 - 15

15 - خداوند در قیامت انسان ها را به تمامی اعمال دنیوییشان آگاه ساخته و دستاوردهایشان را به آنان نشان خواهد داد .

إلى الله مرجعكم جميعاً فينبئكم بما كنتم تعملون

91- استنساخ نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 104 - 11

11- «عن أبي جعفر (ع) : إنَّ في الهواء ملكاً يقال له إسماعيل على ثلاثمئة ألف ملك كل واحد منهم على مائة ألف يحصون أعمال العباد فإذا كان رأس السنه بعث الله إليهم ملكاً يقال له : السجّل فانتسخ ذلك منهم و هو قول الله تبارك و تعالی : «يوم نظوى السماء كطى السجّل للكتب» ;

از امام باقر(ع) روایت شده که در فضا فرشته ای است به نام اسماعیل که سیصد هزار فرشته تحت فرمان دارد و هر کدام از فرشتگان صد هزار فرشته را فرماندهی می کند و آنان کارهای بندگان را احصا می کنند و با شروع هر سالی خداوند فرشته ای را به نام «سجّل» می فرستد تا از [نامه اعمال] بندگان [که در اختیار فرشتگان فضا است] نسخه برداری کند و این است سخن خداوند - تبارک و تعالی - که: «يوم نظوى السماء كطى السجّل للكتب».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 29 - 6

6 - نسخه برداری مداوم و ثبت دقیق اعمال آدمیان

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ

92- تشخیص نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 19 - 1

1 - ابزار شناخت دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، در دسترس همگان نیست .

ص: 309

و ما أدريک ما علیتون

93- تشخیص نامه عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 8 - 1

1 - ابزار شناخت دیوان نامه های اعمال بد ، در دسترس همگان نیست .

و ما أدريک ما سجّین

94- تکریمهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 5

5 - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فأما من أوتی کتبه بیمینه . . . و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره

95- ثبت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 11 - 5

5 - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذّبین . الذین یکذّبون بیوم الدین

96- جامعیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 14 - 5

5- « عن أبي عبد الله (ع) في قوله : « اقرأ كتابك كفي بنفسك اليوم » قال : يذكر بالعبء جميع ما عمل و ما كتب عليه حتى كأنه فعله تلک الساعه فلذلک قالوا : يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره ولا كبيره إلا أحصاها » ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا «اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم» روایت شده است که فرمود: همه اعمالی که بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به یادش می آورند؛ به گونه ای که گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: یا ویلتنا ما لهذا الکتاب لا یغادر صغیره ولا کبیره إلاّ أحصاها».

ص: 310

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 10،12

10- مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

یویلتنا مال هذا الکتب لایغادر صغیره ولا کبیره

12- نامه اعمال ، دربرگیرنده ریز و درشت کردار ها و به شمارآورنده کمترین عمل انسان است .

لایغادر صغیره ولا کبیره إلاّ أحصیها

«غدر» و «مغادره» به معنای ترک است و «لایغادر ..» یعنی هیچ کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده و نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 33 - 3

3- انسان ، در برابر عقاید و باور های خویش ، مسؤول بوده و همه آنها در نامه اعمال او ثبت است .

من أوتی کتبه .. و لم أدر ما حسابیه... خذوه... فاسلکوه . إنه کان لایؤمن بالل

خداوند علت سرنوشت بد و عذاب کافران را، ایمان نیاوردن به خدای بزرگ دانسته است. از این نکته می توان استفاده کرد که انسان در برابر مجموعه عقاید و اندیشه های خویش ، مسؤول است و باید در برابر خدای بزرگ پاسخگو باشد.

97- جایگاه نامه عمل محسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 19 - 2

2- جایگاه نامه های عمل نیکوکاران ، دارای ویژگی هایی فراتر از حد بیان است .

و ما أدریک ما علیون

98- حتمیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 4

4- امتناع کردن از دریافت نامه اعمال در قیامت ، امکان پذیر نیست .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

برداشت یاد شده، از مجهول بودن «أوتِيَ» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 2

2- امتناع کردن از دریافت نامه عمل در قیامت ، امکان پذیر نیست .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ

برداشت یاد شده، از مجهول بودن «أوتِيَ» استفاده شده است.

ص: 311

99- حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 12 - 2

2 - نامه عمل سراسر حقیقت و خالی از هرگونه خطا است .

یعلمون ما تفعلون

تصریح به علم کاتبان نامه عمل، توجّه دادن به راستی و درستی آن نامه است.

100- درخواست رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 4

4 - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتیبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیاید بگیریید) است.

101- درخواست قرائت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 4

4 - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتیبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیاید بگیریید) است.

102- دریافت نامه عمل از پشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 6, 3

3 - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

از ضمیمه این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه 25)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

6 - « عن أبي جعفر (ع) قال : ... ان الله ... أنزل في « إذا السماء انشقت » « و أمّا من أُوتِيَ كتابه وراء ظهره ... » فهذا مشرك ... ;

ص: 312

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند... در سوره «إِذَا السَّمَاءُ انشقت» فرمود: «وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ...». این شخص [که نامه عملش از پشت سر به او داده می شود] مشرک است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 11 - 2,3,4

2 - گرفتن نامه عمل از پشت سر در قیامت ، سرآغاز گرفتاری در موقعیتی دشوار که هر کس ، فریاد هلاکت خواهی و آرزوی مرگ سر خواهد داد .

فسوف يدعوا ثبورًا

«ثبور» به معنای هلاکت و تباهی است. (مفردات راغب)

3 - دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فسوف يحاسب .. فسوف يدعوا ثبورًا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند شد؛ ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه «فسوف يحاسب» تنها در مورد یک دسته آمده است؛ ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف «سوف» - که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد واویلائی شخص، فاصله ای را مفروض گرفته - مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

4 - محاسبه و رسیدگی به اعمال کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت کرده اند ، سخت و اندوه بار خواهد بود .

حسابًا يسيرًا .. مسرورًا ... فسوف يدعوا ثبورًا

برداشت یاد شده، از مقابله دو گروه استفاده شده است. از آنجا که گروه اول حسابی آسان داشته و شادمان خواهند شد، دانسته می شود که برای گروه دوم، جز سختی حساب و غمگین شدن نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 12 - 1

1 - کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت می کنند ، به آتش برافروخته جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

و یصلی سعیرًا

«صَلَّى»؛ یعنی، حرارت را چشید (مصباح). در لسان العرب آمده است: صَلَّى فلان بالنار یصلی صَلِّيًا أحترق (سوخت). راغب می گوید: «صَلَّى بالنار»؛ یعنی، به آتش مبتلا شد و از برخی اهل لغت نقل می کند که: «صلی النار»: دَخَلَ فیها (درون آتش رفت). «سعیر» (بر وزن

فعلیل) به معنای مفعول است؛ یعنی، داغ و برافروخته. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 5

5 - اعطای نامه عمل از پشت سر، فریاد هلاکت خواهی در قیامت و گرفتاری به آتش جهنم، برخاسته از استبعاد معاد است.

و أمّا من أوتی .. إنّه ظنّ أن لن یحور

این آیه، می تواند بیانگر علت برای مطالب قبل باشد که از جمله آنها «اوتی کتابه وراء ظهره» بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 313

11 - کسانی که در قیامت نامه عمل را از پشت سر دریافت کرده و به دوزخ گرفتار می شوند، خود عامل پیدایش چنین سرنوشتی اند.

أَمَا مِنْ أُوتَى كِتَابَهُ... وَيَصَلِي سَعِيرًا... بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

12 - عذاب دوزخیان و اعطای نامه عمل به آنان از پشت سرشان، نظام جزایی آگاهانه و مدبرانه خداوند است.

وَأَمَا مِنْ أُوتَى كِتَابَهُ... وَيَصَلِي سَعِيرًا... بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

حرف «بلی» ممکن است به تمام مشخصات دسته دوم (وَأَمَا مِنْ أُوتَى... ..) ارتباط داشته باشد. در این صورت پندار رجوع نکردن را، پنداری باطل و حوادث پیش آمده (أوتی کتابه وراء ظهره... یصلی سعیراً) را، رخدادی ثابت معرفی می کند. جمله «إِنَّ...» بیانگر این است که آن حادثه ها، برخاسته از ربوبیت و بصیرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 8

8 - مردم بی ایمان در قیامت، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد.

أَمَا مِنْ أُوتَى كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ... وَيَصَلِي سَعِيرًا... فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر «هم» و تعبیر «الذین كفروا» (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر «من أُوتی کتابه وراء ظهره» از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از «الذین آمنوا» (در آیات بعد)، همان «من أُوتی کتابه بیمینه» در آیات پیشین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 22 - 5

5 - نامه عمل کافر، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود.

وَأَمَا مِنْ أُوتَى كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ... وَيَصَلِي سَعِيرًا... بَلِ الذِّينَ كَفَرُوا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین كفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان «من أُوتی کتابه بیمینه» و «من أُوتی کتابه وراء ظهره» از آنان یاد شد.

103- دلایل حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - مستند بودن نامه اعمال آدمیان ، دلیل حق بودن و کاستی نداشتن آن

ینطق علیکم بالحقّ إنّنا کنا نستنسخ

«إنّا کنا..» در مقام تعلیل است و تکرار ضمایر متکلم و نیز تأکید به وسیله «إنّ»، مطلب بالا را افاده می کند.

104- رضایت از نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 314

5- شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول هأؤم اقرءوا کتبه

105- روش برخورد کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 5

5- واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت.

فأما من أوتی کتبه بیمینه . . . و أما من أوتی کتبه وراء ظهره

106- رؤیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 7، 3، 1

1- در قیامت، نامه عمل هر فرد، در برابر دیدگان او نهاده شده، آن را مشاهده خواهد کرد.

و وضع الکتب . . . و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

مقصود از «الکتاب» به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف «ال» در «وضع الکتب»، برای استغراق افراد است، یعنی «کل کتاب». در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

3- در قیامت مجرمان، هنگام مشاهده نامه عمل، از کردار خود وحشت و دلهره پیدا می کنند.

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

7- پرهیزکنندگان از جرم و گناه، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت، بیم و هراس نخواهند داشت.

و وضع الکتب فتري المجرمین مشفقین ممّا فیه

جمله «وضع الکتب» وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله «فتري المجرمین . . .» تنها، از ترس مجرمان

سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

107- زمان دریافت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 2

2- مرحله حسابرسی در قیامت، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است.

فسوف يحاسب حساباً يسيراً

«سوف»، برای وعده دادن به کار می رود (مصباح) و دلالت بر تأخیر دارد. (مقایس اللغه)

ص: 315

108- سرزنشهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 5

5 - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فأما من أوتي كتبه بيمينه . . . وأما من أوتي كتبه وراء ظهره

109- سوگند به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 2 - 5

5 - سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

و کتب مسطور

برخی از مفسران مراد از «کتاب مسطور» را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

110- علم به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 26 - 2

2 - کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ، از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حساييه

111- علم توزیع کنندگان نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 5

5 - تحویل دهندگان نامه های اعمال به انسان ها در قیامت ، از فرجام آنها آگاه اند .

من أوتى كتبه يمينه

ص: 316

112- عمومیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 1

1 - برای هر انسان ، نامه عملی است که آن را در قیامت دریافت خواهد کرد .

يَأْتِيهَا الْإِنْسَنُ . . . فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ . . . وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

113- قرائت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 14 - 2، 1

1- خداوند ، فراخوان انسان ها در قیامت ، به خواندن نامه عمل خویش

وَنُخْرِجْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا . . . اِقْرَأْ كِتَابَكَ

2- هر انسانی در قیامت ، با خواندن پرونده اعمال خویش ، خود حسابگر آنها خواهد بود .

اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا

114- محافظت از نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 4

4 - نامه عمل فاجران ، در دیوانی تغییرناپذیر و زندانی منحصّ ، بایگانی و حفاظت می شود .

إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ لَفِي سَجِّينَ

سجّین همان سجن (زندان) است، علاوه بر رساندن معنای خلود؛ زیرا این وزن برای مبالغه است (مجمع البیان). تفسیر آن به «کتاب مرقوم» - در دو آیه بعد - دلالت دارد که «سجّین» کتابی است که نامه عمل فاجران، به گونه ای در آن قرار داده شده است که گویا نوشته ها در آن حبس شده است. مقابله آن با «علّین» - که در آیات بعد آمده است - بیانگر انحطاط و پستی آن است.

115- محافظت از نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

ویل للمطففین . . . إنَّ کتب الفجار لفی سجین

ص: 317

116- محافظت از نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 18 - 5

5- نامه عمل نیکوکاران، در دیوانی تغییرناپذیر و جایگاهی رفیع، (علّیین)، بایگانی و حفاظت می شود.

إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَّيْنِ

«علّیین» گرچه به لفظ جمع آمده است؛ ولی به قرینه «کتاب مرقوم» و ضمیر مفرد در «یشهده المقرّبون»، معنای مفرد دارد. لسان العرب از ابو اسحاق نقل کرده است: چون «علّیین» در لفظ به صورت جمع است، اعراب جمع دارد. برخی از اهل لغت، آن را جمع «علّیّ» و به معنای سلسله مراتب رفیع تا بی نهایت می دانند. (مقایس اللغه)

117- مطالعه نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 13

13- سعادت‌مندان، نامه اعمال خویش را در قیامت، خود مورد مطالعه قرار می دهند.

فَمَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ

118- مکان نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 6

6- نامه عمل کم فروشان، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد.

وَيَلُومُ الْمُطَفِّفِينَ... إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ لَفِي سَجِّينِ

119- نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 70 - 4

4- اعمال مردمان در نامه ای ثبت و نگه داری می شود.

اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ . . . اِنَّ ذٰلِكَ فِى كِتٰبٍ

«ذلک» اشاره دارد به مضمون جمله «ما تعملون» در آیه 68؛ یعنی، آنها (اعمال شما)، همگی در کتابی ثبت و ضبط می شوند.

ص: 318

120- نامه عمل اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 41 - 2

2 - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 1

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتى كتبه بشماله

121- نامه عمل اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 11

11- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا .. فمن أوتى كتبه بيمينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 27 - 2، 1

1 - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب اليمين ما أصحاب اليمين

«یمین» در مقابل «شمال» و به معنای دست راست است با توجه به آیه 19 سوره «حاقه» (فأما من أوتى كتابه بيمينه ..) باید گفت: «اصحاب اليمين»؛ یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

2- آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، « اصحاب اليمين » هستند .

و أصحاب اليمين ما أصحاب اليمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 90 - 1، 2

1 - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب اليمين

«اصحاب اليمين» (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های «اسراء»، «حاقه» و «انشقاق» از آنان به «من اُتی کتابه بيمينه» (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

2 - به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، « اصحاب اليمين » گفته می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب اليمين

ص: 319

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 1

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌ حَسَابِيَةٍ .. فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

«عالیه» هم می تواند بیانگر علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 2

2 - برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

122- نامه عمل امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - فراخوانده شدن هر امت ، به سوی نامه اعمال خویش در قیامت

كَلِّ أُمَّه تَدْعِي إِلَى كِتَابِهَا

9 - هر امت ، دارای نامه عملی ویژه و گروهی ، در قیامت

كَلِّ أُمَّه تَدْعِي إِلَى كِتَابِهَا

بازگشت ضمیر «کتابها» به امت، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت - به عنوان یک جمع و گروه - کتاب و پرونده ای ویژه و مخصوص به خود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 320

3 - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

ینطق علیکم بالحقّ

123- نامه عمل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 3

3 - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فأما من أوتی کتبه بيمينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 3

3 - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

124- نامه عمل بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 2،4

2 - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأما من أوتی کتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه 38 سوره «واقعه»، از آنان به «اصحاب الیمین» نام برده شده است.

4 - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیایید بگیرید) است.

125- نامه عمل بی ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 8

8 - مردم بی ایمان در قیامت ، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ... وَيَصَلِّي سَعِيرًا ... فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر «هم» و تعبیر «الذین كفروا» (در آیات بعد) همان کسانی

ص: 321

باشند که در آیه دهم، با تعبیر «من أوتی کتابه وراء ظهره» از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از «الذین آمنوا» (در آیات بعد)، همان «من أوتی کتابه بيمينه» در آیات پیشین خواهد بود.

126- نامه عمل جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 2

2 - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه 41 سوره «واقعه» از آنان به «أصحاب الشمال» یاد شده است.

127- نامه عمل در دست چپ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 41 - 2, 1

1 - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

«شمال» (در مقابل «یمین») به معنای دست چپ است. طبق آیه 25 سوره «حاقه» (و أمّا من أوتی کتابه بشماله فيقول ياليتني لم أوت کتابيه) أصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

2 - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، أصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 6, 2, 1

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

2 - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

وَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه 41 سوره «واقعه» از آنان به «أصحاب الشمال» یاد شده است.

6 - «عن أبي جعفر (ع) قال : . . . و أنزل في الحاقه ، « وَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ . . . » فهذا مشرك ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . . . خداوند در سوره «الحاقه» می فرماید: (وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است».

ص: 322

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 4

4 - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

«سمت چپ و راست» در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به «اصحاب الیمین» و «اصحاب الیمینه» نام گذاری شده و دسته دوم «اصحاب الشمال» و «اصحاب المشأمه» نام گرفته اند.

128- نامه عمل در دست راست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 12

12- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك یقرءون کتبهم و لا یظلمون فتیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 27 - 2, 1

1 - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

«یمین» در مقابل «شمال» و به معنای دست راست است با توجه به آیه 19 سوره «حاقه» (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بيمينه ..) باید گفت: «اصحاب الیمین»؛ یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

2- آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، « اصحاب الیمین » هستند .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

«اصحاب الیمین» (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های «اسراء»، «حاقه» و «انشقاق» از آنان به «من اُتی کتابه بیمیئه» (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

2 - به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، « اصحاب الیمین » گفته می شود .

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 2، 1

ص: 323

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابِهِ بِيَمِينِهِ

2 - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابِهِ بِيَمِينِهِ

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه 38 سوره «واقعه»، از آنان به «اصحاب الیمین» نام برده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 20 - 1

1 - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابِهِ بِيَمِينِهِ ... إِيَّيْ ظَنَنْتَ أُنِّي مَلَقَ حَسَابِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كِتَابِهِ بِيَمِينِهِ ... فَهَوِيَ عَيْشِهِ رَاضِيَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِيَّيْ ظَنَنْتَ أُنِّي مَلَقَ حَسَابِيهِ ... فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

«عالیه» هم می تواند بیانگر علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فأما من أوتى كتبه يمينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان داده شود ، حسابرسی آسانی خواهند داشت .

فأما من أوتى كتبه يمينه . فسوف يحاسب حساباً يسيراً

«یسیر» دو معنا دارد: 1. آسان، 2. قلیل (مفردات راغب). در آیه شریفه، اولین معنا مناسب است.

4 - اعطای نامه عمل به دست راست حاضران در قیامت ، رمز و نشانه چشم پوشی از لغزش های آنان است . *

فَأَمَّا مَنْ أَوْتَى كُتْبَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حساباً يسيراً

نادیده گرفتن «سینات» - که در بعضی از سوره های دیگر درباره گروهی از حاضران قیامت مطرح شده - مصداق حساب آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 3، 1

1 - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او ، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ينقلب إلى أهله مسروراً

3 - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فَأَمَّا مَنْ أَوْتَى كُتْبَهُ بِيَمِينِهِ . . . و ينقلب إلى أهله مسروراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 18 - 4

4 - مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

این احتمال وجود دارد که اصحاب المیمنه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

129- نامه عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 13 - 9، 4

4- خداوند اعمال انسان را در دنیا ثبت کرده و در قیامت ، به صورت کتابی گشوده در برابر او ظاهر خواهد ساخت .

و نخرج له يوم القيامة كتاباً يلقه منشوراً

9- « عن النبي قال : الكتب كلها تحت العرش فإذا كان يوم القيامة بعث الله تبارك و تعالی ریحاً تطيرها بالأيمان و الشمال أول حرفة : »

؛ اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً »

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: تمام نامه ها زیر عرش قرار دارند و آن گاه که روز قیامت فرا رسد، خداوند

- تبارک و تعالی - بادی را برمی انگیزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهای چپ و راست مردم برساند و اولین حرف آن کتاب این است:
إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 14 - 5, 3, 1

1- خداوند، فراخوان انسان ها در قیامت، به خواندن نامه عمل خویش

و نخرج له یوم القیمه کتباً .. اقرأ کتبتک

3- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً

ص: 325

از اینکه خداوند فرموده است: «خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی» نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

5- «عن أبي عبدالله (ع) في قوله: «اقرأ كتابك كفي بنفسك اليوم» قال: يذكر بالعبء جميع ما عمل و ما كتب عليه حتى كأنه فعله تلک الساعه فلذلک قالوا: يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره ولا كبيره إلا أحصاها» ;

از امام صادق (ع) در باره سخن خدا «اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم» روایت شده است که فرمود: همه اعمالی که بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به یادش می آورند؛ به گونه ای که گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: یا ویلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره ولا كبيره إلا أحصاها».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 12، 11، 10، 9

9- انسان ها ، عملکرد دنیوی خویش را در قیامت ، به صورت مجموعه ای ثبت شده و مکتوب دریافت می کنند .

فمن أوتی کتبه بیمینه

10- محاکمه انسان ها در قیامت ، بر اساس دلایل و اسناد مکتوب است .

ندعوا .. فمن أوتی کتبه بیمینه

11- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا .. فمن أوتی کتبه بیمینه

12- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأولئک یقرءون کتبههم ولا یظلمون فتیلاً

22- «عن أبي جعفر (ع): ... أما المؤمن فيعطى كتابه بیمینه قال الله عزّوجلّ: ... «من أوتی کتابه بیمینه فأولئک یقرءون کتابهم ...»

...

از امام باقر (ع) روایت شده است: .. اما مؤمن کتاب او به دست راستش داده می شود. خداوند عزّوجلّ می فرماید: ... «من أوتی کتابه بیمینه فأولئک یقرءون کتابهم ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 1

1- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الکتب . . . و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

مقصود از «الکتاب» به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف «ال» در «وضع الکتاب»، برای استغراق افراد است، یعنی «کل کتاب». در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 14، 9، 6، 5

5 - نامه اعمال همه بندگان در قیامت ، عرضه خواهد شد .

و وضع الکتب

«وضع» به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. «کتاب» در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

6 - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

ص: 326

و وضع الکتب

9- احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

«شهادا» جمع «شاهد» (گواه) است.

14- داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جا ئیه - 45 - 28 - 9

9- هر امت ، دارای نامه عملی ویژه و گروهی ، در قیامت

کلّ امّۀ تدعی إلی کتبها

بازگشت ضمیر «کتابها» به امت، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت - به عنوان یک جمع و گروه - کتاب و پرونده ای ویژه و مخصوص به خود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 7 - 1,2

1 - خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف «باء» به معنای مصاحبت و ملابست است؛ یعنی: «فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن «علم» دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به «دقیق بودن» تعبیر شد.

2- خداوند در قیامت سرگذشت پیامبران را در ابلاغ رسالت به گونه ای دقیق برای آنان بیان خواهد کرد.

و لنسنلن المرسلین. فلنقصن علیهم بعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

«یمین» در مقابل «شمال» و به معنای دست راست است با توجه به آیه 19 سوره «حاقه» (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ..) باید گفت: «أصحاب الیمین»؛ یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

«شمال» (در مقابل «یمین») به معنای دست چپ است. طبق آیه 25 سوره «حاقه» (وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَهٗ) أصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

ص: 327

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 3,5

3 - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

5 - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أقرءوا كِتَابِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 1,3,6

1 - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

3 - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

6 - « عن أبي جعفر (ع) قال : . . . و أنزل في الحاقه ، « و أمّا من أُوتِيَ كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أُوتِ كتابيه . . . » فهذا مشرك ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . . . خداوند در سوره «الحاقه» می فرماید: (وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 10 - 4,5

4 - بسته ماندن و باز شدن نامه اعمال انسان در قیامت ، در اختیار او نیست .

و إذا الصحف نشرت

مجهول بودن «نشرت»، گویای برداشت یاد شده است.

5 - نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

«نشر» به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از «نُشرت»، در این معنا پراکنده شدن نامه‌ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 12 - 3

3 - پاداش و کیفر اعمال در قیامت، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است.

یعلمون ما تفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 7 - 1

1 - برای هر انسان، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد.

فأما من أوتى كتبه

ص: 328

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 10 - 3

3 - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

و أمّا من أوتى كتبه وراء ظهره

از ضمیمه این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه 25)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 11 - 3

3 - دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فسوف يحاسب . . . فسوف يدعوا ثبورًا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند شد؛ ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه «فسوف يحاسب» تنها در مورد یک دسته آمده است؛ ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف «سوف» - که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد و اوایلای شخص، فاصله ای را مفروض گرفته - مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 4

4 - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

«سمت چپ و راست» در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به «اصحاب الیمین» و «اصحاب الیمینه» نام گذاری شده و دسته دوم «اصحاب الشمال» و «اصحاب المشأمه» نام گرفته اند.

130- نامه عمل سعادتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13- سعادت‌مندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتى كتبه بيمينه فأولئك يقرءون كتبهم

131- نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 329

6- کردار بدکاران، از نظر مأموران الهی مخفی نمانده و در نامه عمل آنان ثبت خواهد شد.

کتیبین . یعلمون ما تفعلون ... و إنَّ الفجَّار لفی جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 7 - 3

3- کردار بدکاران، ثبت و ضبط شده و در نامه عمل آنان باقی خواهد ماند.

کتب الفجَّار

«کتاب الفجَّار»، صحیفه ای است که در آن، اعمال فاجران ثبت شده است.

132- نامه عمل فاسقان در سجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 7 - 4

4- نامه عمل فاجران، در دیوانی تغییرناپذیر و زندانی منحصّ، بایگانی و حفاظت می شود.

إنَّ کتب الفجَّار لفی سجین

سجین همان سجن (زندان) است، علاوه بر رساندن معنای خلود؛ زیرا این وزن برای مبالغه است (مجمع البیان). تفسیر آن به «کتاب مرقوم» - در دو آیه بعد - دلالت دارد که «سجین» کتابی است که نامه عمل فاجران، به گونه ای در آن قرار داده شده است که گویا نوشته ها در آن حبس شده است. مقابله آن با «علیین» - که در آیات بعد آمده است - بیانگر انحطاط و پستی آن است.

133- نامه عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 84 - 8

8- خداوند، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد.

إنَّما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه 41 سوره «واقع» از آنان به «أصحاب الشمال» یاد شده است.

4- کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخوردگی می کنند .

فیقول یلینتی لم أُوت کتبه

ص: 330

5 - ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول یلیتی لم أوت کتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 26 - 1

1 - کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلیتی . . . و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 22 - 5

5 - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره . . . و یصلی سعیراً . . . بل الذین کفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان «من أوتی کتبه بيمينه» و «من أوتی کتبه وراء ظهره» از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 4

4 - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشأمه

«سمت چپ و راست» در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به «اصحاب الیمین» و «اصحاب المیمنه» نام گذاری شده و دسته دوم «اصحاب الشمال» و «اصحاب المشأمه» نام گرفته اند.

134- نامه عمل گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

یویلتنا مال هذا الکتب لایغادر صغیره و لاکبیره

11- مجرمان ، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . *

و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

«ویله» و «ویل» به معنای «هلاکت» است و مؤنث بودن «ویله» مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن «ویل» از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیت می پندارند.

ص: 331

135- نامه عمل متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 7

7- پرهیز کنندگان از جرم و گناه ، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت ، بیم و هراس نخواهند داشت .

و وضع الکتب فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

جمله «وضع الکتب» وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله «فتری المجرمین...» تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

136- نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 18 - 4

4- کردار نیکوکاران ، ثبت و ضبط شده ، در نامه عمل آنان باقی خواهد ماند .

کتب الأبرار

«کتاب الأبرار» صحیفه ای است که در آن اعمال نیکوکاران ثبت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 20 - 2

2- نامه های عمل نیکوکاران در دیوان جامع (علّیین) ، با یک دیگر مشتبّه نخواهد شد .

کتب مرقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 21 - 3

3- مقرّبان درگاه خداوند گواهان نامه اعمال نیکوکاران اند .

یشهده المقرّبون

فعل «یشهد»، یا از «شهود» به معنای حضور است و یا از «شهاده» که ابن اثیر در نهاییه آن را «خبر دادن از مشاهدات خویش» معنا کرده است؛ در هر صورت گواه بودن «مقرَّبون» استفاده می شود؛ زیرا در معنای اول حضور و نظارت آنان به منظور گواهی دادن است و معنای دوم - که در آن صورت «یشهد» به معنای «یشهد به» خواهد بود - صریح در نکته یاد شده است.

137- نامه عمل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 332

8- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَذَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 25 - 6

6 - « عن أبي جعفر (ع) قال : . . . و أنزل في الحاقه ، « و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه . . . » فهذا مشرك ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . . . خداوند در سوره «الحاقه» می فرماید: (و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشاق - 84 - 10 - 6

6 - « عن أبي جعفر (ع) قال : . . . ان الله . . . أنزل في « إذا السماء انشقت » « و أمّا من أوتى كتابه وراء ظهره . . . » فهذا مشرك . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . . . خداوند... در سوره «إذا السماء انشقت» فرمود: «و أمّا من أوتى كتابه وراء ظهره...». این شخص [که نامه عملش از پشت سر به او داده می شود] مشرک است».

138- نامه عمل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشاق - 84 - 23 - 4

4 - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بمایوعون

به قرینه آیات پیشین - که درباره نامه های اعمال بود - می توان گفت: مراد از «وعاء» در «یوعون»، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

139- نامه عمل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون بیوم الدین

ص: 333

140- نامه عمل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 23 - 4

4 - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بمایوعون

به قرینه آیات پیشین - که درباره نامه های اعمال بود - می توان گفت: مراد از «وعاء» در «یوعون»، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

141- نامه عمل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 22

22- «عن أبي جعفر (ع) : . . . أما المؤمن فيعطى كتابه بيمينه قال الله عزوجلّ : . . . «من أوتي كتابه بيمينه فأولئك يقرؤن كتابهم . . .» . . .»

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . اما مؤمن کتاب او به دست راستش داده می شود. خداوند عزوجلّ می فرماید: . . . «من أوتي كتابه بيمينه فأولئك يقرؤن كتابهم . . .» . . .» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 2،4

2 - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأما من أوتي كُتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه 38 سوره «واقعه»، از آنان به «اصحاب اليمين» نام برده شده است.

4 - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فيقول هاؤم اقرءوا كُتبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیایید بگیرید) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 20 - 1

1 - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتي كتبه بيمينه . . . إني ظننت أني ملق حسابيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 6

6 - « قاسم بن محمد عن علي قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ الله تبارك و تعالی إذا أراد أن يحاسب المؤمن أعطاه

ص: 334

کتابه بیمینه و حاسبه فیما بینه و بینه فیقول: عبدی! فعلت کذا... قد غفرتها لک و ابدلتها حسنات... و هو قول الله عزوجل «فأما من أوتی کتابه بیمینه فسوف یحاسب حساباً یسیراً»؛

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خدای - تبارک و تعالی - زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟... من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم... و این سخن خدای عزوجل است «فأما من أوتی کتابه بیمینه . فسوف یحاسب حساباً یسیراً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 18 - 4

4 - مؤمنان در آخرت، نامه عمل خویش را با دست راست، دریافت خواهند کرد.

أولئك أصحاب المیمنه

این احتمال وجود دارد که اصحاب المیمنه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

142- نشانه های نامه عمل محسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 20 - 1

1 - دیوان نامه های عمل نیکوکاران، نوشته ای خوانا و نشانه دار است.

کتاب مرقوم

«مرقوم»؛ یعنی، دارای علامت و به معنای واضح و درشت خط نیز آمده است.

143- نظارت بر نامه عمل محسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 21 - 2

2 - مقام قرب خداوند، والاتر از مقام نیکوکاران، و مایه شایستگی انسان برای آگاهی از کردار نیکوکاران و مشاهده نامه اعمال آنان است

144- نقش نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 79 - 6

6- عذاب آدمیان ، مستند به اسنادی مکتوب و ثبت شده است .

سنکتب ما يقول و نمده من العذاب

ص: 335

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 94 - 7

7- تنظیم نامه عمل برای هر یک از انسان ها از سوی خدا ، پشتوانه تضمین پاداش کامل آنان است .

فمن يعمل .. إنا له كتبون

جمله «إنا له كتبون» عطف بر جمله «فلاکفران لسعیه» و تأکید کننده مضمون آن است و در حقیقت، بیانگر این نکته است که چون اعمال همه انسان ها را می نویسیم، پس بدون کم و کاست، پاداش آنان را خواهیم داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 28 - 14

14 - داوری خداوند درباره امت ها ، براساس نامه عمل شان

تدعی إلی کتبها الیوم تجزون ما کنتم تعملون

از این که پس از فراخوانی انسان ها به نامه عمل خویش ، مسأله جزای آنان مطرح شده است؛ به دست می آید که نامه عمل شان ملاک داوری حق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 29 - 2,3

2 - احتجاج الهی در قیامت با امت ها ، براساس مدرک و سند

هذا کتبنا

3 - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

ینطق علیکم بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 12 - 3

3 - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

145- وضوح نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 14 - 3

3- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً

از اینکه خداوند فرموده است: «خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی» نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

ص: 336

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 29 - 5

5 - نامه اعمال امت ها ، خود گویا و بی نیاز از شرح و تفسیر

ینطق علیکم بالحقّ

واژه «نطق» - چه در معنای حقیقی (سخن گفتن) باشد و چه در معنای کنایی (گویایی و روشنی) - بی نیازی از تفسیر و توضیح را می رساند.

146- وضوح نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 9 - 1

1 - دیوان نامه های عمل بدکاران ، نوشته ای خوانا و علامت دار و بی ابهام است .

کتب مرقوم

«کتاب» خبر برای ضمیر محذوفی است که به «سجّین» برمی گردد. «مرقوم» - از ریشه «رَقَم» (علامت و مارکی که بر پارچه زده شود) (مصباح) - یعنی، دارای علامتی که تشخیص آن را آسان سازد. ماده «رقم» به معنای «خط درشت» و «برطرف ساختن ابهام نوشته» نیز آمده است. (مفردات راغب)

147- ویژگیهای مکان نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 8 - 2

2 - مخزن نامه های عمل بدکاران ، دارای ویژگی هایی فراتر از حد بیان است و پستی و گریزناپذیر بودن آن قابل توصیف نیست .

و ما أدریک ما سجّین

ریشه کلمه «سجّین» بر زندان بودن جایگاه نامه عمل بدکاران دلالت دارد و پستی آن، از تقابل با «علّیین» در آیات بعد استفاده می شود.

148- ویژگیهای نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- اعمال آدمیان ، مدون در صحیفه ای باز و گسترده

و کتب مسطور . فی رق منشور

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از «کتاب مسطور» نامه اعمال باشد.

ص: 337

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 9 - 2

2 - کردار هر کس ، تنها گریبان گیر شخص او بوده و نامه عمل او با دیگر نامه های اعمال ، مشتبه نخواهد شد .

ما سجین . کتب مرقوم

149- ویژگیهای نامه عمل فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 9 - 1

1 - دیوان نامه های عمل بدکاران ، نوشته ای خوانا و علامت دار و بی ابهام است .

کتب مرقوم

«کتاب» خبر برای ضمیر محذوفی است که به «سجین» برمی گردد. «مرقوم» - از ریشه «رَقْم» (علامت و مارکی که بر پارچه زده شود) (مصباح) - یعنی، دارای علامتی که تشخیص آن را آسان سازد. ماده «رقم» به معنای «خط درشت» و «برطرف ساختن ابهام نوشته» نیز آمده است. (مفردات راغب)

150- ویژگیهای نامه عمل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 20 - 1

1 - دیوان نامه های عمل نیکوکاران ، نوشته ای خوانا و نشانه دار است .

کتب مرقوم

«مرقوم»؛ یعنی، دارای علامت و به معنای واضح و درشت خط نیز آمده است.

نامه نگاری

151- آداب نامه نگاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 5

5 - نام خداوند ، بهترین سرآغاز هر سخن و نامه و هر کار و برنامه

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا .. وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با توجه به این که سلیمان(ع) به عنوان پیامبر، نامه اش را با نام خدا آغاز کرده و خداوند آن را به عنوان یک ارزش یاد نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

فلسفه نامه نگاری سلیمان(ع)

ص: 338

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 7

7 - هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر.

قال أتمدونن بمال فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

ص: 339

1- تعبیر رؤیای حمل نان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 41 - 3

3- یوسف (ع)، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد.

و أما الآخر فیصلب فتأكل الطیر من رأسه

«صلب» (مصدر یصلب) یعنی، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

2- رؤیای حمل نان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 5

5- حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف (ع)

وقال الآخر إني أرىني أحمل فوق رأسي خبزاً تأكل الطیر منه

«طیر» جمع طائر و به معنای پرندگان است.

3- نزول نان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 9

9- نزول نان و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال الله انی منزلها علیکم

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً و لحماً... .

20- ناهیان از منکر

1- عذر ناهیان از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 14

14 - تنها مصلحان و نهی کنندگان از منکر در جوامع فسادپیشه ، دارای عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند هستند .

لم تعظون قوماً .. قالوا معذرة إلی ربکم

2- ناهیان از منکر ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 1,3,10

1 - یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند : تجاوزگران فاسق ، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات ، تارکان نهی از منکر

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل «الذین ینهون عن السوء» در آیه بعد، نهی از منکر است.

3 - موعظه گران یهود در آبادی ایله ، همکیشان خویش را از نافرمانی خدا (شکستن احکام روز شنبه) برحذر می داشتند .

لم تعظون قوماً

10 - باور مصلحان یهود به ربوبیت خداوند بر بندگان ، وادارکننده ایشان به تلاش برای اصلاح جامعه و بازداري منحرفان از گناه و تجاوز

قالوا معذرة إلی ربکم

برداشت فوق از آوردن اسم «رب» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 1

1 - یهودیان متخلف در آبادی ایله ، به نصایح و مواعظ مصلحان و نهی کنندگان از منکر اعتنا نکردند و آن را به فراموشی سپردند .

فلما نسوا ما ذكروا به

ص: 341

ناهیان از منکر و افساد اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 116 - 11

11- ناهیان از منکر در میان اقوام هلاک شده پیشین به دلیل اندک بودنشان ، نتوانستند جامعه خویش را از فساد و تباهی بازدارند .

إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

جمله «إِلَّا قَلِيلًا...» به قرینه «أَنْجَيْنَاهُمْ» دلالت می کند که خداوند ناهیان از فساد را که در برخی از جوامع بودند نجات داد و جامعه ایشان را به عذاب هلاک کرد. بنابراین آن صاحب خردان نتوانسته بودند جامعه خویش را از فساد بازدارند و لذا عذاب بر جامعه آنان نازل شد.

3- نجات ناهیان از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 116 - 9

9- خداوند ، تنها صالحان ناهی از منکر را از عذاب های نازل شده بر امت های پیشین ، نجات داد .

إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

«منهم» قید برای «قلیلاً» است و ضمیر در آن به «القرون» باز می گردد و «من» در «ممن = من مَن» بیانیه است بنابراین «إِلَّا قَلِيلًا...»؛ یعنی، مگر اندکی از جوامع گذشته که در آنها صاحب خردانی ناهی از فساد بودند همانها که نجاتشان دادیم.

4- نجات ناهیان از منکر ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 3

3 - خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

ص: 342

1- نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 39 - 10، 14

10 - یحیی ، تصدیق کننده و مبلغ رسالت و نبوت عیسی بن مریم (س)

مصدقاً بکلمه من الله

«کلمه الله»، عیسی بن مریم است؛ به دلیل آیه چهل و پنجم از سوره آل عمران.

14 - اعتقاد به نبوت عیسی (ع) ، ارزشی برای یحیی

مصدقاً بکلمه من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 49 - 3، 7

3 - ارسال رسول همراه با آیات روشننگر (معجزه) ، جلوه ای از ربوبیت خداست .

و رسولا .. ائی قد جئتکم بایه من ربکم

7 - معجزه ، وسیله ایجاد و باور به صدق نبوت پیامبران در انسانها

قد جئتکم بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 50 - 9

9 - ربوبیت حق ، مقتضی فرستادن انبیا ، همراه با معجزات

و جئتکم بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 73 - 15

15 - پیامبری و هدایت ، تفضّلی است از خداوند که به هر کس بخواهد اعطا می کند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم . . . قل ان الفضل بيد الله يؤتیه من یشاء

ظاهراً «قل ان الفضل . . .»، ردّ پندار یهودیان است که می گفتند پیامبر فقط از میان آنان باید برگزیده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 79 - 9

ص: 343

9 - ناسازگاری مقام نبوت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ما کان لبشر .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 81 - 19، 4، 9، 1

1 - پیمان الهی از پیامبران و پیروان آنان برای ایمان به پیامبر بعدی و یاری وی

و اذ اخذ الله میثاق النبیین .. ثم جاءکم رسول ... لتؤمننّ به و لتنصرنّه

«میثاق النبیین»، می تواند میثاقی باشد که خدا از پیامبران گرفته و یا از مردم برای پیامبران گرفته است.

4 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، مأمور یادآوری میثاق الهی از انبیای پیشین ، مبنی بر لزوم ایمان به پیامبران بعدی

و اذ اخذ الله میثاق النبیین .. لتؤمننّ به

بنابراینکه «اذ»، متعلق به «اذکر» باشد.

9 - ایمان به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و یاری کردن او ، میثاقی الهی از انبیای گذشته و پیروان آنان

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم

بنابراین که آیه، خطاب به اهل کتاب و مراد از «رسول»، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد.

19 - خداوند و انبیا ، گواهان بر میثاق الهی در مورد ایمان آوردن به انبیا و یاری کردن آنان

و انا معکم من الشاهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 84 - 2، 3

2 - ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندانش ، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم .. و الاسباط

چون «الاسباط» - به معنای نوه ها - پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

3 - موسی و عیسی از انبیای الهی و دارای کتاب

و ما أوتى موسى و عيسى

ظاهراً مراد از «ما أوتى»، کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 2

2 - ناسازگاری خیانت با مقام نبوت و رسالت الهی

و ما كان لنبى ان يغلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 187 - 20

20 - بیان و اظهار نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) توسط اهل کتاب پس از بعثت ایشان ، پیمان خداوند از آنان

و اذا اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتب لتبيننه للناس ولا تكتمونه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ الله اخذ ميثاق الّذين اتوا الكتاب فى محمّد (صلی الله علیه و آله) «لتبيننه للناس» اذا خرج ولا يكتمونه . . .

ص: 344

تفسیر قمی، ج 1، ص 128؛ بحار الانوار، ج 9، ص 192، ح 35.

2- آثار تکذیب نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 71 - 1

1 - خداوند، قوم عاد را به سبب شرکورزی و انکار رسالت هود به پلیدی گرفتار ساخت و بر آنان غضب کرد.

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

3- آثار شک در نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 8

8 - تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید، معاد، نبوت، قرآن و...)، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلی و لکنکم ... ارتبتم

4- آثار نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 79 - 5

5- مقام پیامبری و رهبری امت، در پی دارنده تکالیفی سنگین تر و افزون بر دیگران

و من الیل فتهجد به نافله لک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 53 - 6

6- مقام نبوت، مانع پیروی از پیامبر دیگر نیست.

و وهبنا له من رحمتنا أخاه هرون نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 4

4 - مقام نبوت ، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) حق ولایت و تصمیم گیری ایجاد کرده است .

النبيّ أولى بالمؤمنين من أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 345

5- پیامبری و نبوت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، مایه فضیلت و مورد عنایت خاص خدا بودن است.

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

احتمال دارد که ذکر «نبی» با «ال» به جای اسم خاص رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) برای بیان شأن و منزلت آن حضرت به خاطر وصف نبوت باشد. به عبارت دیگر، وصف «النبی» مشعر به علت صلوات خداوند بر او و نیز لزوم صلوات مؤمنان بر او است.

5- آثار نبوت ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 41 - 7

7- مقام نبوت و صدیق بودن ابراهیم (ع)، موجب تجلیل و یاد از او در قرآن

واذکر فی الکتب ابرهیم إله کان صدیقاً نبیاً

جمله «إله کان صدیقاً نبیاً» به منزله تعلیل برای «اذکر...» است.

6- آثار نبوت ادريس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 56 - 5

5- صداقت و راستی کامل ادريس (ع) و نبوت آن حضرت، مایه گرمی داشت یاد و خاطره او در قرآن است.

واذکر فی الکتب ادريس إله کان صدیقاً نبیاً

«إله کان صدیقاً» به منزله علت برای «واذکر...» است.

7- آثار نبوت در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 16 - 10

10 - کتاب، حکومت، نبوت و اقتصادی شکوفا، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد آتينا بنى اسرائيل الكتب . . . و فضلناهم على العلمين

«فضلناهم. . .»، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل عطا کرده بود.

8- آثار نبوت شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 9

ص: 346

9- برخورداری شعیب (ع) از مقام نبوت، برانگیزنده او به فراخوانی مردمان به توحید و رعایت عدل و انصاف در مبادلات

قالوا یشعیب أصلوتک تأمرک .. قال یقوم أرءیتم إن کنت علی بیّنه من ربی و رزقنی

سخنان شعیب(ع) در آیه مورد بحث، پاسخی است به تحلیل استهزاآمیز قومش (أصلوتک). شعیب(ع) با جمله «أرءیتم...» بیان می دارد که منشأ مخالفت وی با آرا و عقاید آنان و عملکرد ناصوابشان، مسؤولیتی است که خداوند برعهده او قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 178 - 5

5- تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود، مبنی بر تضمین منافع مردم «ایکه» در پرتو رسالت وی

إِنّی لکم رسول آمین

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (با لام انتفاع) استفاده می شود.

9- آثار نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 143 - 5

5- تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إِنّی لکم رسول آمین

برداشت یاد شده، با توجه به قید «لکم» (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

10- آثار نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 5

5- تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إِنّی لکم رسول آمین

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (برای شما) به دست می آید.

11- آثار نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 2

2 - بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مشرکان - به رغم سوگند مؤکد آنان بر ایمان و پذیرش - موجب گردنکشی بیشتر و حيله گری علیه اسلام گردید .

فلما جاءهم نذیر ما زادهم إلا نفورا. .. و مکر السیّی

ص: 347

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که «استکباراً» بدل برای «نفوراً» باشد؛ یعنی، «ما زادهم إلا استکباراً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 18 - 4,5

4 - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت، اقتصاد شکوفا و شرافت، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) *

و لقد آتینا بنی اسرائیل... ثم جعلناک علی شریعه من الأمر

واژه «الأمر» در این آیه همانند واژه «الأمر» در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر «جعلناک علی شریعه من الأمر»، نوید به بهره مندی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امتش از آن مواهب خواهد بود.

5 - بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، در ادامه تبیین حقایق و زدایش اختلافات دیرین دینی *

فما اختلفوا إلا من بعد... ثم جعلناک علی شریعه من الأمر

طرح رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (جعلناک علی شریعه) در پی یادکرد اختلاف بنی اسرائیل، می تواند پیامدار این معنا باشد که: پیدایش و گسترش آن اختلاف ها، مقتضی آمدن رسول جدید و به منظور تبیین حقایق و پایان بخشیدن به تفرقه ها بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 18 - 7,8

7- بعثت پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن، از نشانه های تحقق حتمی قیامت *

فقد جاء أشراطها

به قرینه آیات پیشین و به میان آمدن نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) و استماع کلمات وحی از آن حضرت (من یستمع إلیک...)، احتمال دارد مراد از شرایط قیامت، آمدن پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) و قرآن باشد.

8- برپایی قیامت و نظام کیفر و پاداش منوط به آمدن پیامبر و قوانین روشنگر *

فقد جاء أشراطها

اگر این احتمال را بپذیریم که مراد از «أشراط»، بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن است و در صورتی که «أشراط» را شرط بدانیم - و نه صرفاً نشانه - از آیه شریفه استفاده می شود که آمدن پیامبر و قرآن، شرط کیفر و پاداش است؛ زیرا تا اتمام حجت نشود، مجازات معنا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 33 - 5

5- ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مردم ، نشأت یافته از منصب رسالت الهی آن حضرت

أطیعوا الله و أطیعوا الرسول

وصف «الرسول»، می تواند مشعر به علیت باشد؛ یعنی، رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ولایت بر خلق را برای او به ارمغان آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 3 - 6

6 - بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) همراه با قرآن ، تحقّق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

ص: 348

لم يكن... منفكين حتى تأتيهم البينه . رسول... فيها كتب قيمه

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادّعی کافران دانسته شده بود.

12- آثار نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 51 - 9

9- پاکی و برگزیدگی موسی و مقام رسالت و نبوت او، موجب شرافت و بزرگداشت یاد او در قرآن

واذکر فی الکتب موسی إله کان مخلصاً و کان رسولاً نبیاً

جمله «إله کان...» تعلیل برای «اذکر» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 16 - 8,9

8 - بهره مندی بنی اسرائیل، از نعمت های مادی و روزی های پاکیزه در پی رسالت موسی (ع)

ورزقنهم من الطیبیت

9- برتری یافتن بنی اسرائیل بر مردمان عصر خویش، در پی رسالت موسی (ع)

وفضّلنهم علی العلمین

مراد از «العالمین» در برداشت یاد شده، مردمان عصر بنی اسرائیل دانسته شده است.

13- آثار نبوت نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 107 - 5

5- تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

إنی لکم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» به دست می آید.

14- آثار نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 125 - 5

5- تصریح هود (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع عادیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» - با لام انتفاع - استفاده می شود.

ص: 349

15- آدم (ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 25

25 - « عن الرضا (ع) (فی قوله تعالى) : « وعصى آدم ربه فغوى » قال : . . . كان ذلك من آدم قبل النبوة ولم يكن ذلك بذنب كبير استحقّ به دخول النار وإلّا كان من الصغائر الموهوبه التي تجوز على الأنبياء قبل نزول الوحي عليهم ؛

از امام رضا(ع) (در باره قول خدا) «وعصى آدم ربه فغوى» روایت شده که فرمود: این عصیان از آدم قبل از نبوت بود و این گناه بزرگی نبود که آدم بسبب آن مستحق دخول آتش شود بلکه از صغائری بود که بخشیده شده و برای پیامبران قبل از نزول وحی جایز است. «...».

16- اتمام حجت بر مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 134 - 5

5 - آیات قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أولم تأتهم بيته . . . ولو أنا أهلكنهم بعداب من قبله ... فنتبّع آيتك

17- ادعای نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 63 - 2

2 - ادعای نبوت از سوی پیامبران ، با دلایل روشن ، قانع کننده و خردپذیر ، همراه بود .

ولما جاء عيسى بالبينت

18- ارزش مقام نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 94 - 7

7- مشرکان معتقد به برتر بودن مقام رسالت از شأن بشر

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 73 - 4

ص: 350

4- امامت ، مقام و منصبی برتر و سنگین تر از نبوت و پیامبری است .

و كلاً جعلنا صلحین . و جعلنهم أئمة يهدون بأمرنا

صالح قرار دادن و اعطای منصب امامت به ابراهیم(ع) از جانب خداوند، پس از نبوت و پیامبری ایشان بود. این می تواند بیانگر برتری و سنگینی مقام امامت در مقایسه با منصب نبوت باشد.

19- ارزش نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 90 - 7

7- پیامبری ، فضل و بخششی است از جانب خدا برای گزینش شدگان به نبوت

أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

مراد از «فضله» وحی و در نتیجه پیامبر شدن کسی است که به وی وحی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 16

16 - وحی و رسالت ، دارای ارزشی والا و غیرقابل قیاس با اندوخته های مادی

أهم يقسمون رحمت ربك . . . و رحمت ربك خير مما يجمعون

20- استبعاد نبوت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 2 - 1

1- شگفتی بیجای کافران ، از آمدن فردی از جنس خودشان ، برای انذار ایشان

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

21- استحاله نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آمدن فرشتگان به عنوان پیامبر و یا تصدیق کننده قرآن امری ناشدنی

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة

با توجه به اینکه آیه مورد بحث ناظر به آیه قبل است و در آن آیه سخن از قرآن و منکران آن بود، معلوم می شود انتظارات مطرح شده در این آیه شرایطی است که برای ایمان به قرآن مطرح شده است. بیان نکردن پیامد نزول ملائکه، در مقابل تحلیل سومین پیشنهاد و بیان نتایج آن، اشاره به ناممکن بودن نزول ملائکه بر عموم مردم دارد.

ص: 351

22- استمرار نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 45 - 2

2 - رسالت پیامبر اسلام، تداوم خط رسولان پیشین

وإِنك لتلقى القرآن من لدن حكيم عليم .. ولقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحاً

با توجه به ارتباط بخش های این سوره با یکدیگر، استفاده می شود که یادکرد رسالت پیامبران گذشته، در مقام افاده این معنا است که رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) امری شگفت و بی سابقه نیست؛ بلکه حرکتی در تداوم خط رسولان قبلی است.

23- اشراف قوم نوح و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 8

8- سران و اشراف قوم نوح، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءیتم إن .. ءاتی رحمة من عنده فعمیت علیکم

تعمیه (مصدر عمیت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به «علی» متعدی شود، به معنای مخفی کردن می باشد. بنابراین «فعمیت علیکم»؛ یعنی، آن بینه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

24- اشراف قوم نوح و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 2

2- سران کفرپیشه قوم نوح، بشر را شایسته رسالت نمی پنداشتند.

فقال المأ .. ما نریک إلا بشراً مثلنا

25- اشراف و نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 63 - 4

4- اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر، رسالت وی را انکار کردند.

إنا لنرىك في ضلل مبين . . . أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

ص: 352

26- اعطای نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 90 - 7

7 - پیامبری ، فضل و بخششی است از جانب خدا برای گزینش شدگان به نبوت

أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

مراد از «فضله» وحی و در نتیجه پیامبر شدن کسی است که به وی وحی می شود.

27- اقرار به نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 71 - 10

10 - اعتراف کافران در حضور نگهبانان و دربانان دوزخ ، به آمدن پیامبران تلاوت گر آیات خداوند و اندازگران الهی برای هدایت آنان

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءآیت ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

28- اقرار به نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 1 - 3,5

3 - منافقان در هر بار ملاقات با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ، اظهار ایمان کرده و به رسالت الهی آن حضرت شهادت اُکید می دادند .

إذا جاءک المنافقون قالوا نشهد إنک لرسول الله

5 - شهادت صریح و اُکید به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حضور آن حضرت ، از شگرد های منافقان برای پنهان نگه داشتن چهره نفاق خود از آن حضرت

إذا جاءک المنافقون قالوا نشهد إنک لرسول الله

29- اقرار به نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا ءامنّا برّب العلمین

قید «رّب موسی و هارون» اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون (ع) است. آیه بعد (قال آمنتم له...) این مطلب را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 353

10 - اقرار به یگایگی پروردگار هستی و اعلام پیامبری خویش ، نخستین سخن موسی (ع) در برابر فرعون و فرعونیان

فقال إني رسول ربّ العلمين

30- اقرار به نبوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 48 - 3

3 - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا آمنا بربّ العلمين

قید «ربّ موسی و هارون» اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمتم له...) این مطلب را تأیید می کند.

31- انبیا قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 25

25 - «عن الرضا (ع) (فی قوله تعالی): «و عصی آدم ربّه فغوی» قال: . . . کان ذلک من آدم قبل التّبوه و لم یکن ذلک بذنب کبیر استحقّ به دخول النار و إنّما کان من الصغائر الموهوبه التي تجوز علی الأنبياء قبل نزول الوحی علیهم ;

از امام رضا(ع) (در باره قول خدا) «و عصی آدم ربّه فغوی» روایت شده که فرمود: این عصیان از آدم قبل از نبوت بود و این گناه بزرگی نبود که آدم بسبب آن مستحق دخول آتش شود بلکه از صغائری بود که بخشیده شده و برای پیامبران قبل از نزول وحی جایز است. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 75 - 2

2 - پیامبران ، شخصیت هایی ناب ، خالص و شایسته ، پیش از احراز مقام نبوت

اللّه یصطفی . . و من الناس

«إصطفا» (مصدر «یصطفی») مشتق از «صفوه» است. و «صفوه» به معنای ناب و خالص می باشد. بنابراین معنای «اللّه یصطفی...»

چنین است: «خدا از میان فرشتگان و انسان ها، افرادی ناب، خالص و شایسته را برای رسالت خویش برمی گزیند.

32- انبیا و بررسی مشکلات نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 45 - 7

ص: 354

7- بررسی مشکلات و موانع احتمالی مسؤولیت ها و ترس از ناکامی در ابلاغ رسالت های الهی ، منافاتی با مقام نبوت و اخلاص در برابر خداوند ندارد .

واصطنعتک لنفسی . . . إنا نخاف أن یفرط علینا أو أن یطغی

33- اهداف نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 33 - 3

3- روی آوردن عموم مردم به تسبیح خداوند ، از اهداف رسالت موسی و هارون (ع) بود .

یفقهوا قولی . . . کی نسبّحک کثیراً

ممکن است مراد از تسبیح کثیر، کثرت تسبیح کنندگان باشد. در این صورت فاعل «نسبّحک» منحصر به موسی و هارون(ع) نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 34 - 2

2- انتشار فراوان یاد خداوند در بین مردم ، از اهداف رسالت موسی و هارون (ع) بود .

یفقهوا قولی . . . و نذکرک کثیراً

34- اهداف نبوت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 33 - 3

3- روی آوردن عموم مردم به تسبیح خداوند ، از اهداف رسالت موسی و هارون (ع) بود .

یفقهوا قولی . . . کی نسبّحک کثیراً

ممکن است مراد از تسبیح کثیر، کثرت تسبیح کنندگان باشد. در این صورت فاعل «نسبّحک» منحصر به موسی و هارون(ع) نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 34 - 1,2

1 - هدف موسی (ع) از تقاضای نبوت و رسالت برای هارون (ع)، به دست آوردن فرصت بسیار برای ذکر خداوند و حمد و ثنای مکرر او بود .

و أشركه فی أمری . . . و نذکرک کثیراً

فاعل «نذکرک» موسی و هارون(ع) است و مراد از کثرت ذکر خدا، افزایش تبلیغات توحیدی - براثر همراهی آن دو - است که متضمن مدح و ثنای خداوند می باشد.

2 - انتشار فراوان یاد خداوند در بین مردم ، از اهداف رسالت موسی و هارون (ع) بود .

یفقهوا قولی . . . و نذکرک کثیراً

ص: 355

35- اهل کتاب و نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 146 - 1

1 - اطمینان اهل کتاب به نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) همانند اطمینان آنان به فرزندی پسرانشان بود .

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

ظاهر این است که مراد از ضمیر مفعولی در «یعرفونه» پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد؛ گرچه این احتمال نیز وجود دارد که آن ضمیر به تغییر قبله باز گردد. از آن جا که «مشبه به» فرزندان می باشد، این احتمال قوی به نظر نمی رسد؛ زیرا تشبیه شناخت قبله به شناخت فرزندان، تناسب چندانی ندارد.

36- اهمیت نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 165 - 7

7- نیاز همواره انسان ها به پیامبران برای هدایت و راهیابی

رسلا .. لئلا یکون للناس علی الله حجه بعد الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 2 - 3

3- نبوت ، امری ضروری و لازم و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است .

أکان للناس عجباً أن أوحینا إلی رجل منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 4

4- هدف از اعطای معجزه و دلیل های روشن به پیامبران ، تدبیر امر نبوت و پیشبرد هدف های رسالت آنان است . *

إن كنت علی بیته من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- هدف از اعطای معجزه و دلایل روشن به پیامبران ، تدبیر امر نبوت و پیشبرد هدف های رسالت آنان است . *

إن كنت علی بیّنه من ربی

برداشت فوق، احتمالی است که می توان از اضافه «رب» به یای متکلم استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 95 - 3

ص: 356

3- ساکنان زمین - چه انسان باشند و چه فرشته - نیازمند رسولانی از جنس خویشند .

قل لو كان في الأرض ملئكة .. لنزلنا عليهم من السماء ملكاً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 6

6- رسالت و پیامبری ، باری سنگین و مسؤولیت ی خطیر بر دوش رسولان و پیامبران

قل أطيعوا الله .. فإن تولّوا فإنّما عليه ما حمّل

برداشت یاد شده، از تعبیر «حمّل» استفاده گردید؛ زیرا «حمل» به معنای اشیای سنگین وزن است؛ مثل حمل بچه در شکم مادر (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 24 - 54 - 2

2- رسالت الهی ، مرتبتی غیر قابل دستیابی برای بشر در دیدگاه قوم ثمود

فقالوا أبشراً منّا و حدّاً نتّبعه

برداشت یاد شده در صورتی است که گفتار قوم ثمود و انکار آنان، صرفاً جنبه بهانه جویی نداشته؛ بلکه ریشه در باورهای آنان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 5

5- بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و ...) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صلحین

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت «عبدصالح» - در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان - گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 3 - 4

4- رسالت و پیامبری ، مسؤولیتی بس سنگین و خطیر

وإنَّ لك لأجرًا غير ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که اجر و پاداش ها، در قبال مسؤلیت ها است و به هر میزان که مسؤلیت سنگین تر و پرزحمت تر باشد، اجر و پاداش آن نیز بزرگ تر و بیشتر خواهد بود. بنابراین اجر بزرگ، نشانگر مسؤلیت بزرگ و خطیر است.

37- اهمیت نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 4

ص: 357

4- هدف از اعطای معجزه و دلیل های روشن به پیامبران ، تدبیر امر نبوت و پیشبرد هدف های رسالت آنان است . *

إن كنت علی بیته من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 134 - 6

6 - هدایت ناپذیری برخی مردم ، مانع فرستادن رسول الهی به سوی آنان نیست .

أولم تأتھم . . . ولو آتآ أهلکنھم ... لولا أرسلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 6 - 3

3- فرستادن رسولان ، رحمتی از جانب خداوند بر خلق

إنآ کتآ مرسلین . رحمہ من ربک

38- اهمیت نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 2 - 8

8- رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از پیام های متقن ، روشن و اساسی قرآن

کتب أحکمت آیتہ ثم فصلت . . . إننی لکم منه نذیر و بشیر

جمله «إننی لکم منه . . .» نیز همانند «لاتعبدوا...» تفسیر «کتاب أحکمت...» می باشد؛ یعنی ، از پیامهای این کتاب ، رسالت و نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 66 - 14

14- قدرت شکست ناپذیر خداوند ، پشتوانه پیشبرد هدف های رسالت و تدبیر امور نبوت رسول خداست .

إن ربک هو القوی العزیز

39- اهمیت نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 32 - 5

5- اصالت موسی (ع) در رسالت نسبت به هارون (ع)

و أشركه فی أمری

ص: 358

40- ایمان به نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 253 - 13

13 - آزادی انسان ها در انتخاب کفر و ایمان به رسالت انبیا ، سُنَّت الهی

و لو شاء الله ما اقتتل . . . و لكن اختلفوا فمنهم من امن و منهم من كفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 81 - 19، 9، 4، 1

1 - پیمان الهی از پیامبران و پیروان آنان برای ایمان به پیامبر بعدی و یاری وی

و اذ اخذ الله ميثاق النبيين . . . ثم جاءكم رسول ... لتؤمننَّ به و لتنصرنَّه

«ميثاق النبيين»، می تواند میثاقی باشد که خدا از پیامبران گرفته و یا از مردم برای پیامبران گرفته است.

4 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، مأمور یادآوری ميثاق الهی از انبیای پیشین ، مبنی بر لزوم ایمان به پیامبران بعدی

و اذ اخذ الله ميثاق النبيين . . . لتؤمننَّ به

بنابراینکه «اذ»، متعلق به «اذکر» باشد.

9 - ایمان به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و یاری کردن او ، ميثاقی الهی از انبیای گذشته و پیروان آنان

ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم

بنابراین که آیه، خطاب به اهل کتاب و مراد از «رسول»، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد.

19 - خداوند و انبیا ، گواهان بر ميثاق الهی در مورد ایمان آوردن به انبیا و یاری کردن آنان

و انا معكم من الشاهدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 150 - 3، 4

3 - اعتقاد به خدا و همه انبیا و رسالت آنان ، شرط تحقق ایمان

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُرِيدُونَ أَنْ يَفْرُقُوا... أولئك هم الكفرون

4- وجود تلازم میان ایمان به خدا و ایمان به رسالت انبیای الهی

و یریدون أن یفرقوا بین الله و رسله . . . و یریدون ان یتخذوا بین ذلك سیبلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 5 - 17,19

17 - ایمان به خدا، اعتقاد به وحی و رسالت و عفت و پاکدامنی، از ارزش های والا در انتخاب همسر و تشکیل خانواده

و المحصنت . . . و المحصنت

19 - اعتقاد به خدا و رسالت انبیا، ملاک حلیت غذای اهل کتاب و حلیت ازدواج با زنان آنان

احل لكم الطیبت و طعام الذین اوتوا الکتب . . . و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

مراد از «الذین اوتوا الکتب»، یهود و نصارا هستند، ولی از آنان به «اوتوا الکتب» تعبیر شده تا به علت حکم اشاره داشته باشد. و مشخصه اهل کتاب در بین سایر کافران، اعتقاد به خدا و رسالت پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 359

21- ایمان به توحید و نبوت و معاد و دعوت به انجام دادن عمل صالح ، چکیده دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

قل إنا أنا بشر . . . و لا یشرك بعباده ربّه أحداً

جمله «یوحی الیّ . . .» نبوت و «أنا إلهکم...» توحید و «یرجو لقاء...» معاد و «عملاً صالحاً» عمل صالح را مطرح کرده است.

41- ایمان به نبوت شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 87 - 1

1 - گروهی از مردم مدین به رسالت شعیب (ع) ایمان آوردند و گروهی دیگر از پذیرش آن سر باز زدند .

و إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا

«إن کان طائفه . . .» به دلیل آیه قبل از مواردی است که در آن «إن» شرطیه در مورد تحقق شرط به کار رفته است ؛ مانند «ان کنت ابنی فلا تفعل کذا». بنابراین «إن کان طائفه منکم . . . فاصبروا» یعنی چنانچه گروهی از شما ایمان آوردید پس صبر پیشه سازید.

42- ایمان به نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 5

5- رؤیت پروردگار ، شرط دیگر مشرکان و منکران معاد برای ایمان آوردن به خدای یکتا و پذیرش نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و قال الذین لا یرجون لقاءنا . . . أو نری ربّنا

43- برادران یوسف و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 95 - 7

7- «نشیط . . . قال : قلت لأبی عبدالله (ع) : أکان إخوه یوسف صلوات الله علیه أنبیاء قال : لا و لا برره أتقیاء و کیف و هم یقولون لأبیهم یعقوب : « تالله إنک لفی ضلالک القديم » ؛

نشیط گفت: به امام صادق (ع) گفتم: آیا برادران یوسف پیامبر بودند؟ حضرت فرمود: نه، از نیکان و پرهیزکاران نیز نبودند و چگونه پیامبر

بودند در حالی که به پدرشان یعقوب می گفتند: تالله اینک نفی ضلالک القديم».

ص: 360

44- بشارت نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 13، 6

6 - بشارت مردم به بعثت پیامبر اسلام در آینده، از سرفصل های مهم پیام و دعوت عیسی (ع)

و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه أحمد

ذکر موضوع بشارت به رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در دعوت عیسی (ع)، نشان از جایگاه مهم آن در برنامه حضرت عیسی (ع) دارد.

13 - بنی اسرائیل، به رغم در دست داشتن بشارت عیسی (ع)، در برابر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) موضع گیری کرده و رسالت آن حضرت را نپذیرفتند.

و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه .. فلما جاءهم بالبینت قالوا هذا سحر مبین

45- بهانه جوئی مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 4

4 - انکار معجزه بودن معجزات ارائه شده از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از بهانه های منکران رسالت

لئن جاءتهم آیه لیؤمننّ بها

تردیدی نیست که پیامبر (صلی الله علیه و آله) معجزاتی را به مردم ارائه می کرد، ولی مشرکان با درخواست نزول آیات گویا در صدد انکار آن معجزات بودند.

46- بی منطقی مخالفان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 27

27 - گفتگو و مجادله های لجاجت پیشگان مخالف وحی و رسالت، بازیگری و فاقد ریشه و بنیان است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

47- تاریخ نبوت محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 7

7 - رسول اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ)، تنها پیامبر مبعوث شده بعد از عیسی (ع)

و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمہ أحمد

ص: 361

48- تبیین تاریخ نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 21 - 7

7- طرح موضوع پیشینه داشتن خط رسالت و بی سابقه نبودن رسالت بشری، از سوی موسی (ع) برای فرعون

و جعلنی من المرسلین

تعبیر «و جعلنی من المرسلین» (مرا از پیامبران قرارداد) به جای «جعلنی رسولاً» (مرا پیامبر قرار داد) می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

49- تداوم نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 59 - 1

1 - به جا آوردن سپاس و ستایش خدا، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود بر رسولان او، رهنمود الهی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

قل الحمد لله و سلم علی عباده الذین اصطفی

با توجه به این که در آیات پیشین نام چند تن از پیامبران (موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط) و یاد تلاش ها و مبارزات آنان و پیروزی نهایی حق و اضمحلال کافران به میان آمده است، آیه یاد شده می تواند ختامی بر آن مجموعه یادها باشد.

50- تداوم نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 2

2- تاریخ، شاهد بعثت پی در پی پیامبران، از زمان موسی (ع) تا ظهور عیسی (ع)

ثم قفینا علیء اثرهم برسلنا

«تقفیه» (مصدر «قفینا») به معنای چیزی را به دنبال چیزی قرار دادن است. بنابراین «قفینا برسلنا»؛ یعنی، پیامبران خود را یکی پس از دیگری مبعوث کردیم.

51- تصدیق نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 1

1- کافران مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

«لو ما» مانند «هلا» و «لولا» برای تحضیض است.

ص: 362

52- تعجب از نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 18 - 4

4- اظهار شگفتی فرعون از تعلق رسالت الهی به فردی که در خاندان وی رشد یافته بود .

قال ألم نربک . . من عمرک سنین

مقصود فرعون این بود که چگونه می شود کسی که در دامن ما پرورش یافته با ادعای رسالت الهی علیه خود ما قیام کند.

53- تفاوت نبوت با رسالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 10

10- « عن یزید الكناسی قال : سألت أبا جعفر (ع) أکان عیسی بن مریم حین تکلم فی المهد حجه الله علی أهل زمانه ؟ فقال : کان یومئذ نبیاً حجه الله غیر مرسل ، أما تسمع لقوله حین قال : « إني عبد الله آتانی الكتاب و جعلنی نبیاً » . . . فلما بلغ عیسی سبع سنین تکلم بالنبوه والرساله حین أوحی الله تعالی إلیه ؛

از یزید کناسی نقل شده که گفت: از امام باقر(ع) سؤال کردم آیا عیسی بن مریم(ع) آن گاه که در گهواره بود حجت خدا بر اهل زمانش بود؟ فرمود: (عیسی(ع)) در آن زمان پیامبر و حجت خدا بود، اما مأموریت رسالت نداشت، آیا سخن او را نمی شنوی آن گاه که گفت: «. . و جعلنی نبیاً» . . . پس آن گاه که به هفت سالگی رسید، ابراز نبوت و رسالت کرد، همان هنگام که خدا به او وحی کرد.».

54- تکذیب نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 64 - 1

1 - اکثریت عمده قوم نوح (ع) وی را تکذیب کردند و یگانگی خداوند ، معاد و رسالت را باورهای دروغین پنداشتند .

فکذبوه

از اینکه خداوند تکذیب نوح(ع) را به همگان نسبت داده (فکذبوه)، در حالی که عده ای از آنان، یعنی همراهانش در کشتی، رسالت وی را تصدیق کردند، معلوم می شود نسبت مؤمنان به کافران بسیار اندک بوده است.

55- تکذیب نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 92 - 4

4 - نزول قرآن گواه دیگری بر بطلان ادعای عدم نزول وحی بر بشر است.

ص: 363

ما أنزل الله على بشر . . . من أنزل الكتب الذي جاء به موسى ... و هذا كتب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 2 - 2

2 - انكار وحى و رسالت انسان از جانب خدا ، نشانه بى خردى و كوته نظرى

أكان للناس عجباً أن أوحينا إلى رجل منهم

استفهام در «أكان للناس عجباً» استفهام انكارى و براى اظهار شگفتى از موضع گيرى انكار آميز مردم مكه در برابر پديده وحى و رسالت انسان از جانب خداست. اظهار شگفتى خداوند، نشان دهنده اين حقيقت است كه: مسأله وحى و نبوت مسأله اى بديهى و ضرورى و از مقتضيات ربوبيت خدا نسبت به انسان است و انكار آن به منزله انكار امور بديهى و ضرورى بوده و بيانگر بى خردى و كوته نظرى منكران آن است.

56- تكذيب نبوت محمد(صلى الله عليه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 150 - 5

5 - اهل كتاب با انكار رسالت پيامبر (صلى الله عليه و آله) ، در حقيقت به خدا و تمامى پيامبران و پيامبر خویش كافرند .

إنّ الذين يكفرون . . . و يقولون نؤمن ببعض و نكفر ببعض ... أولئك هم الكفرون

بنا به گفته مفسران و به دليل آيات بعد، مراد از «الذين يكفرون . . .»، اهل كتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 164 - 2

2 - انكار رسالت پيامبر (صلى الله عليه و آله) ، انكار رسالت ديگر پيامبران الهى است . *

أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح . . . و رسلا قد قصصنهم عليك

برداشت فوق با توجه به توضيح برداشت قبل استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 167 - 3

3 - انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا، گمراهی عمیق است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

متعلق «کفروا» - به قرینه آیات قبل - قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 168 - 2

2 - انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا، موجب محرومیت از هدایت و آمرزش الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

با توجه به آیات قبل مراد از «کفر»، کفر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن است و مراد از ظلم، بازداشتن دیگران از راه خداست.

ص: 364

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 169 - 6

6 - کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام، مایه خلود در جهنم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا... خَلْدِينَ فِيهَا أَبَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 69 - 1

1 - انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی کافران و رفاه زدگان

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مَنكَرُونَ

همان طوری که در ذیل آیه قبل آمده، این بخش از آیات، در ردّ اتهاماتی است از سوی کافران نسبت به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد می شد.

خداوند با ارائه دلایل گوناگون، همه آنها را بی اساس خوانده و تهمت زندگان را سخت مورد سرزنش قرار داده است. آیه فوق نیز، ظاهراً مربوط به تکذیب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نسبت دروغ گویی به ساحت آن حضرت می باشد.

57- تکذیب نبوت نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 6

6 - « از جنس بشر بودن نوح (ع) » دستاویز اشراف کافر در انکار رسالت آن حضرت

فَقَالَ الْمَلَأُ... مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلَكُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 14 - 5

5 - رسالت حضرت نوح (ع)، مورد تکذیب و انکار مردم قرار گرفت.

جزاء لمن كان كافر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که «کفر» در این آیه - چنان که مفسران نیز گفته اند - به معنای انکار باشد.

58- توطئه علیه نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 52 - 7

7- توطئه علیه خط رسالت و رهبران الهی، بارزترین نمود ظلم

قالوا تقاسموا بالله لنبیتنه و أهله . . . فتلك بیوتهم خاویه بما ظلموا

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین و این که در آیات گذشته، تصمیم گروه های نُه گانه فسادگر مبنی بر ترور صالح پیامبر(ع) و خانواده اش، به عنوان مهم ترین فسادگری مطرح شده، قید «بما ظلموا» بیانگر آن است که توطئه، بارزترین و مهم ترین مصداق ظلم نیز می باشد.

ص: 365

59- توقع نبوت اشراف طائف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 1

1 - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر ، از میان اشراف « مکه » و « طائف »

وقالوا لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم

عموم مفسران مراد از «قريتين» را مکه و طائف دانسته اند.

60- توقع نبوت اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 1

1 - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر ، از میان اشراف « مکه » و « طائف »

وقالوا لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم

عموم مفسران مراد از «قريتين» را مکه و طائف دانسته اند.

61- حق ناپذیری مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 9 - 2

2- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر «یلعبون» بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

62- حقانیت نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك . . . و الملائكة يشهدون

در برداشت فوق جمله «و الملائكة يشهدون» عطف بر «الله يشهد» گرفته شده است و در نتیجه متعلق «يشهدون» نیز «بما أنزل إليك» خواهد بود.

ص: 366

10 - قرآن دلیلی کافی برای باور به حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

«باء» در «بما انزل الیک» می تواند سببیه باشد؛ در این صورت متعلق شهادت - به قرینه آیات گذشته - رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهد بود؛ بنابراین مبنا مفاد جمله «یشهد بما انزل . . .» این است که علت شهادت خداوند بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نزول قرآن بر وی است، یعنی هر کس قرآن را ملاحظه کند به حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شهادت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 174 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود حجت و برهانی روشن بر حقانیت رسالت خویش

قد جاءكم برهن من ربكم

مصدق بارز و مورد نظر از «برهان» پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. که با توجه به آیه 170 و آیات قبل از آن می توان گفت چیزی که برهان بر آن اقامه شده، حقانیت رسالت آن حضرت است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره «برهان» در آیه فوق فرمود البرهان، محمد (صلی الله علیه و آله) . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 285، ح 308؛ نورالثقلین، ج 1، ص 579، ح 700.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 24 - 3

3 - فرستادن حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به پیامبری، ارسالی به جا و بایسته در نظام هدایتی بشر

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «بالحق» قید برای ارسال باشد؛ یعنی، «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ إِرسالاً بِالْحَقِّ؛ ای پیامبر! تو را به سوی مردم به رسالت برانگیختیم و این ارسال بحق و بایسته بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 1 - 2

2- تأکید خداوند، بر حقانیت رسالت پیامبر اسلام

ق و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر

سوگند به قرآن در حقیقت تثبیت حقانیت آن و در نتیجه تأکید بر حقانیت رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و نوعی تأیید غیر مستقیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 5 - 2

2- قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از نمود های بارز حق

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر ... بل کذبوا بالحقّ

ص: 367

63- حقایق نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 46 - 1

1 - پی بردن ساحران به حقایق رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هي تلقف ما يأفكون . فألقى السحرة سجدین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع «ألقى» بر آیه پیش به دست می آید.

64- ختم نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 40 - 13، 8

8 - پیامبری و نبوت ، امری دائمی و همیشگی نیست .

خاتم النبیین

13 - آنچه را که خداوند درباره نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ختم آن بیان کرده ، براساس علم و آگاهی همه جانبه او است .

ولكن رسول الله و خاتم النبیین و كان الله بكلّ شیء علیماً

65- درخواست نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 2

2 - درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر ، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلنه ملکا

جمله «و لو جعلناه ملکا . . .» ، می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار ، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است ، باشد .

66- دلایل حقایق نبوت نوح (ع)

9 - حضرت نوح (ع)، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار، شاهد درستی ادعای نبوت خود، اعلام نمود.

إن كان کبر علیکم مقامی... فأجمعوا أمرکم... ولا تنظرون

جمله «فعلى الله توكلت» بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت لایزال الهی و جمله «أجمعوا أمرکم و شرکاءکم» بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 50 - 10

10 - معجزات عیسی (ع)، نشانه ای از سوی پروردگار، برای اثبات رسالت او و صحت تغییر برخی احکام الهی توسط وی

و لاجلّ لکم... و جنتکم بایه من ربکم

جمله «و جنتکم بایه»، پس از بیان تغییر برخی احکام، تذکر به این معناست که تغییر احکام باید تنها از جانب پیامبران - با ارائه معجزه برای اثبات نبوت - صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 73 - 10

10 - علمای یهود، منکر توان مسلمانان در احتجاج بر نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم... او یحاجوکم عند ربکم

بنابراینکه «او یحاجوکم»، که عطف به «ان یوتی» است، مفعول له برای «لا تؤمنوا» باشد؛ به تقدیر «لا» یعنی: لان لا یحاجوکم عند ربکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 81 - 12

12 - تصدیق کتب آسمانی و انبیای گذشته، شرطی برای صحت ادعای پیامبری

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 11

11 - معجزه، از راه های اثبات نبوت

قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود حجت و برهانی روشن بر حقانیت رسالت خویش

قد جاءکم برهن من ربکم

مصدق بارز و مورد نظر از «برهان» پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. که با توجه به آیه 170 و آیات قبل از آن می توان گفت چیزی که برهان بر آن اقامه شده، حقانیت رسالت آن حضرت است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره «برهان» در آیه فوق فرمود البرهان، محمد (صلی الله علیه و آله) ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 285، ح 308؛ نورالثقلین، ج 1، ص 579، ح 700.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 369

16 - ضرورت پرهیز پیروان ادیان الهی از درخواست معجزه مجدد پس از اثبات رسالت انبیا با معجزات و دلایل روشن

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 13

13 - خداوند، به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا داشتن معجزه برای اثبات رسالت خویش را به فرعون ابلاغ کنند.

قد جننک ب-آیه

«آیه» اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است. بنابراین می توان بر معجزات متعدد نیز «آیه» اطلاق کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 4

4 - داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم، و تأمین شدن نیازهای مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر،

نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جنة یأکل منها

68- دلایل نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 2

2- خداوند، عطاکننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران (ع)

إن كنت علی بینه من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 2

2- خداوند، عطا کننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران

إن كنت علی بیته من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 25 - 6

6 - رسالت پیامبران ، متکی بر معجزات و دلایل روشن بود .

جاءتهم رسلهم بالبیئت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 63 - 2

2 - ادعای نبوت از سوی پیامبران ، با دلایل روشن ، قانع کننده و خردپذیر ، همراه بود .

ص: 370

و لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 19 - 7

7- معجزات پیامبران ، دلایل روشن و آشکار بر صدق نبوت آنان

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . . . إِنِّي ءَاتِيكُمْ بِسُلْطَنِ مَبِينٍ

بنابراین که مراد از «سلطان» معجزه باشد و با الغای خصوصیت از مورد آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 38 - 4

4 - رسالت پیامبران ، همراه با دلایل قطعی و آشکار

فَلْيَأْتِ مُسْتَمْعِمَهُمْ بِسُلْطَنِ مَبِينٍ

لازمه دعوت از کافران برای ارائه دلیل، این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز، برای اثبات رسالت و ارتباط خود با عالم بالا، دلیل قاطع و روشن ارائه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 3

3 - معجزه ، نشانه روشن و غیرقابل تردید برای نبوت پیامبران بود .

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ

«بیّنات» در آیه شریفه دربرگیرنده دلایل معقول (حجت ها و برهان) و دلایل محسوس (معجزات) است. بنابراین از مصداق های مورد نظر از بیّنات، معجزات پیامبران است.

69- دلایل نبوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 16

16- ساختن اسلحه و زره ، معجزه داوود (ع) و دلیل نبوت او

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم ... فهل انتم شکرون

نوع مفسران برآند که این آیه و آیات پیشین، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و شواهد نبوت آنان است.

70- دلایل نبوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 81 - 4

4- مسخر و رام بودن تندباد ها در دست سلیمان (ع) و فرمان روایی ایشان بر آنها ، معجزه آن حضرت و دلیل پیامبری او

و لسلیمن الریح عاصفه

ص: 371

نوع مفسران برآندند که این آیه و آیات دیگر، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و دلایل نبوت آنان است.

71- دلایل نبوت شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 1

1- حضرت شعيب (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

يقوم أريتم إن كنت علي بينه من ربي

72- دلایل نبوت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 15, 16, 18

15 - خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه الله لكم ءايه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح (ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

16 - ناقه صالح، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاءكم بينه من ربكم

18 - قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاءكم بينه من ربكم

برداشت فوق بر این اساس است که «قد» در «قد جاءتكم» برای توقع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 5

5 - مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع)، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملائة الذين استكبروا من قومه .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 1

1- صالح (ع) ، برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

قال يقوم أرىتم إن كنت على بينة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 1

1- پیدایش شتری به اراده خداوند و بدون جریان اسباب و علل عادی ، معجزه صالح (ع) برای اثبات رسالت خویش

و يقوم هذه ناقه الله لكم آية

ص: 372

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 13 - 2

2 - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال لهم رسول الله ناقه الله

اضافه «ناقه» به «الله» - پس از بیان رسالت صالح(ع) - بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

73- دلایل نبوت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 87 - 5

5 - عیسی (ع) از پیامبران الهی و برخوردار از معجزات و دلایلی روشن بر پیامبری خویش

و ءاتینا عیسی ابن مریم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 63 - 1

1 - رسالت عیسی (ع) ، متکی به ادله و براهین آشکار

و لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ

«بَيِّنَاتٍ» (جمع «بَيِّنَةٌ») به معنای دلایل و حجت های روشن و آشکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 8

8 - معجزات و دلایل روشن ، پشتوانه رسالت عیسی (ع) بود .

فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْبَيِّنَاتِ

«بَيِّنَةٌ» (مفرد «بَيِّنَاتٍ») به معنای دلیل روشن است. از مصادیق بیانات، معجزات می باشد.

74- دلایل نبوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 23 - 5

5- قرآن ، سندی اساسی برای اثبات رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

وإن كنتم فی ریب . . . إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 24 - 3,4

3 - ناتوانی انسان ها از آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، دلیل آسمانی بودن قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ص: 373

است .

فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار

چنانچه ناتوانی از آوردن همانند برای قرآن، دلالت بر آسمانی بودن آن نمی کرد؛ حجت بر مخالفان تمام نمی شد و تفریع «اتقوا النار» بر آن صحیح نمی بود.

4- قرآن ، دلیل حقانیت خود و سند راستی و درستی نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 6,8

6 - مشرکان ، آیات و نشانه های رسالت پیامبر را نادیده گرفته مدعی نبودن هیچگونه نشانه ای بر حقانیت او بودند .

وقال الذين لا يعلمون لولا . . . أو تأتينا آية

8 - ادعای مشرکان بر نبود آیه و معجزه ای برای رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، نشانه جهل آنان است .

وقال الذين لا يعلمون لولا . . . أو تأتينا آية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 82 - 2

2- قرآن ، دلیل حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وارسلناك للناس رسولا وكفى بالله شهيداً . . . افلا يتدبرون القرآن

در آیه 79 بیان شد که خدا، شاهد حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و در این آیه چگونگی شهادت را این چنین توضیح می دهد که خداوند قرآن را به صورت معجزه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاد تا شاهد حقانیت او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 37 - 1

1 - مشرکان، مدعی نارسایی معجزات پیامبر (قرآن) برای اثبات رسالت آن حضرت.

وقالوا لولا نزل عليه آية من ربه

درخواست معجزه از سوی مشرکان، علی رغم معجزاتی مانند قرآن، حکایت از آن دارد که آنان معجزات آن حضرت را برای اثبات رسالت کافی نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 6

6 - قرآن خالی از هرگونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لولا نزل عليه آية . . ما فرطنا في الكتاب من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 4

4 - قرآن کتابی تمام و کافی برای اثبات نبوت و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

ص: 374

اگر مراد از «کلمت»، قرآن باشد، تمام بودن آن بدین معنی می تواند باشد که قرآن از جهت مقاصدی که برای آن آمده وافی و کافی است. و از جمله مقاصد، به قرینه آیات قبل، اثبات حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 42 - 11

11 - خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید.

لیقضى الله أمرا كان مفعولا ليهلك من هلك عن بينه ويحيى من حى عن بينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 16 - 7

7 - زندگی و شخصیت پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دلیلی روشن برای رسالت و نبوت او

قل لو شاء الله ما تلوته عليكم . . . فقد لبثت فيكم عمراً من قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 37 - 2

2 - قرآن، معجزه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و دلیل رسالت و نبوت وی

و ما كان هذا القرآن أن يفتری من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 133 - 10

10 - قرآن، معجزه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دلیل روشن بر اثبات نبوت آن حضرت

أولم تأتھم بینه ما فی الصحف الأولى

بیان؛ یعنی، وضوح و انکشاف (مصباح). بنابراین «بینه» به چیزی گفته می شود که واضح باشد. ضمیر مذکر - که از کلمه «من قبله» (در آیه بعد) به این کلمه بازمی گردد - دلالت می کند که از آن برهان و دلیل اراده شده است (کشاف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أُو يَلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكْوَنُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا داشتن باغ های پرثمر - که امری محسوس و ملموس است - می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 44 - 3

3 - تبیین ماجرای نزول تورات بر موسی (ع) از سوی پیامبر اسلام - با این که خود ، نه در وادی طور بود و نه شاهد نزول - گواهی است روشن بر رسالت الهی آن حضرت .

ص: 375

و ما كنت بجانب الغربي . . . و ما كنت من الشهداء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 45 - 7

7 - بیان سرگذشت اهل مدین از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مردم - با این که خود آن حضرت در میان مدینیان اقامت نداشت - نشانه دیگری بر رسالت آن حضرت است .

و ما كنت ثاوياً في أهل مدین تتلوا عليهم آیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 2

2 - اطلاعات دقیق پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جریان بعثت موسی (ع) و سخن گفتن خداوند با وی در طور - با این که خود در آن جا حضور نداشت - گواهی است روشن بر رسالت الهی آن حضرت .

و ما كنت بجانب الطور إذ نادینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 51 - 5

5 - قرآن ، برای اثبات حقانیت نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هر معجزه دیگری برتر است .

قالوا لولا أنزل علیه آیت . . . أولم یکفهم أننا أنزلنا علیک الکتب

«کفایه» رسیدن به حدی است که نیاز بر طرف شود و با توجه به این که معجزه، برای اثبات حقانیت است، نزول قرآن، به جای هر معجزه دیگری و اعلام کافی بودن آن، حکایت از حقیقت بالا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 12

12 - رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، همراه با معجزات و دلایل روشن

یأتی من بعدی اسمه أحمد فلما جاءهم بالبینت

درباره مرجع ضمیر در «جاء» دو احتمال وجود دارد. 1- ضمیر مزبور به عیسی (ع) باز می گردد. برداشت های پیشین براساس این احتمال

است. 2- ضمیر به کلمه «أحمد» (صلی الله علیه و آله) بازمی گردد. برداشت بالا و نیز برداشت های بعدی بر این احتمال استوار است.

75- دلایل نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 92 - 2

2- موسی (ع)، برخوردار از دلایل و معجزاتی فراوان بر پیامبری خویش

و لقد جاء کم موسی بالبینت

جمع آوردن «بینات» همراه با «ال» استغراقی، بیانگر کثرت آن بینات است. «بینه» به معنای دلیل روشن است و از

ص: 376

مصداقهای مورد نظر آن، معجزه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 105 - 5

5 - موسی (ع) برای اثبات رسالت الهی خویش برخوردار از دلیلی روشن بود .

قد جئتکم ببینه من ربکم

«با» در «ببینه» به معنای مصاحبت است. بنابراین جمله «قد جئتکم ببینه» یعنی من با دلیلی روشن به سوی شما آمدم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 3

3 - موسی و هارون (ع) برای اثبات نبوت خود، دارای معجزات متعددی بودند .

ثم بعثنا .. موسی و هرون ... بأیتنا

با توجه به جمله «قالوا إن هذا لسحر مبین» در آیه بعد، استفاده می شود که مراد از «آیات» در این جا عبارت از کارهایی است که بشر بر انجام آن توانایی ندارد؛ بلکه به طور یقین فعل خداست که به دست انسانی انجام گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 96 - 3,2

2 - موسی (ع) برخوردار از معجزاتی فراوان و با عظمت بر رسالت الهی خویش

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا

مراد از آیات (نشانه ها) در آیه فوق، معجزات است و جمع آوردن آن حاکی از کثرت آنهاست. اضافه آن به ضمیر متکلم (نا) دلالت بر عظمت و بزرگی آن معجزات دارد.

3 - موسی (ع) دارای حجت و دلیلی روشن و روشنگر بر رسالت الهی خویش بود .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا و سلطن مبین

«سلطان» به معنای حجت و برهان است. «مبین» به معنای روشن و نیز روشنگر است؛ یعنی، هم به صورت لازم و هم به صورت متعدی استعمال می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 22 - 4

4 - یدییضا و مار شدن عصا، دو معجزه برای اثبات رسالت موسی (ع) بود.

فَأَلْقِيهَا فَإِذَا هِيَ حَيْثُ تَسْعَى . . . وَاضْمَمَ يَدَكَ ... آیه اُخْرَى

«آیه» (علامت)، حال است برای فاعل «تخرج» و به قرینه آیات بعد که در آنها هدایت فرعون بر عهده موسی نهاده شده، مراد از «آیه»، علامت رسالت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 72 - 5

5 - تبدیل عصا به موجودی که ابزار سحر ساحران را بلعید و به حالت اولیه برگشت، حاوی نشانه های متعددی بر رسالت موسی (ع)

ص: 377

ما جاءنا من البَيِّنَات

از این که ساحران، از مشاهدات خود با تعبیر «بَيِّنَات» (جمع «بَيِّنَة») یاد کردند، به دست می آید که آنچه دیدند، معجزات متعددی در ضمن یک معجزه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 33 - 2

2- ید بیضا، دومین معجزه موسی (ع) و دلیل صدق رسالت وی

و نزع یده فاذا هی بیضاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 36 - 3

3 - معجزات ارائه شده از سوی موسی (ع)، دلایلی روشن و غیر قابل انکار بر رسالت الهی وی

فلما جاءهم موسی بآیتنا بیئت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 23 - 2

2- رسالت موسی (ع)، همراه با نشانه های الهی و حجت و برهان روشن و روشنگر بود.

و لقد أرسلنا موسی بآیتنا و سلطن مبین

«سلطان» در این آیه به معنای حجت است و «مبین» در معنای «روشن» و «روشنگر» به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 19 - 5,8

5- موسی (ع)، ارائه دهنده برهانی آشکار، بر صدق خویش در دعوی رسالت

إتیءاتیکم بسلطن مبین

8- معجزات و دلایل نیرومند موسی (ع)، پشتوانه آن حضرت در برخورد مقتدرانه با فرعونیان

أَنْ أَدُّوا... وَأَنْ لَا تَعْلُوا... إِيَّائِكُمْ بِسُلْطَنٍ مَبِينٍ

تعبیر «إِيَّ...» در مقام تعلیل است؛ یعنی، موسی (ع) به دلیل بهره مندی از «سلطان مبین»، به فرعونیان فرمان «أَنْ أَدُّوا» و «أَنْ لَا تَعْلُوا» می دهد.

76- دلایل نبوت نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 1

1- نوح (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن، بر پیامبری خویش

قال يقوم أراءيتم إن كنت على بينة

قابل ذکر است که «أراءيتم» به معنای «أخبرونی» است و مفعول آن جمله «أُنزل مكموها» است و این هر دو به منزله جواب

ص: 378

شرط «إن كنت . . .» می باشد و تقدیر جمله چنین است «إن كنت علی بیّنه . . . فاخبرونی أنلزمكموها»

77- دلایل نبوت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 3

3 - موسی و هارون (ع) برای اثبات نبوت خود، دارای معجزات متعددی بودند .

ثم بعثنا . . . موسی و هرون . . . بأیتنا

با توجه به جمله «قالوا إن هذا لسحر مبین» در آیه بعد، استفاده می شود که مراد از «آیات» در این جا عبارت از کارهایی است که بشر بر انجام آن توانایی ندارد؛ بلکه به طور یقین فعل خداست که به دست انسانی انجام گرفته است.

78- دلایل نبوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 19، 3

3 - یوسف (ع) ارائه دهنده دلایل روشن و بی ابهام، بر رسالت خویش برای مردم مصر

و لقد جاءكم یوسف من قبل بالبیّنات

19 - «عن محمد بن مسلم قال: قلت لأبی جعفر (ع) . . . کان یوسف رسولاً نبیاً؟ قال: نعم أما تسمع قول الله تعالی: «و لقد جاءكم یوسف من قبل بالبیّنات»؛

از محمد بن مسلم نقل شده که گفت: به امام باقر (ع) عرض کردم: . . . آیا یوسف (ع) دارای رسالت و نبوت بود؟ حضرت فرمود: آری آیا نشنیده ای سخن خدای تعالی را [که فرمود]: و لقد جاءكم یوسف من قبل بالبیّنات».

79- دوران نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 1

1 - خداوند، موسی (ع) را پس از نوح، هود، صالح، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در «من بعدهم» پیامبرانی است که داستان‌شان در آیات پیشین مطرح شد.

80- رحمت نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 105 - 12

ص: 379

12 - « روى عن أميرالمؤمنين (ع) وعن ابى جعفر الباقر (ع) ان المراد برحمته هنا النبوه . . . » ؛

از امیرالمؤمنین و امام باقر(ع) درباره «رحمت» در آیه فوق روایت شده که مراد نبوت است . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 74 - 1

1 - نبوت و هدایت ، رحمت خاص خداوند

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم قل ان الهدى هدى الله . . . قل ان الفضل بيد الله ..

جمله «يختص برحمته»، رد پندار يهود است که می پنداشتند پیامبر فقط از میان ایشان مبعوث می شود، بنابراین مقصود از «رحمه» در آیه، پیامبری است.

81- رد نبوت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 13

13- حضرت مریم (س) ، از پیامبران الهی نبوده است .

أولئك . . . من النبيين ... و مّمن هدینا واجتبینا

چنان که «مّمّن هدینا» عطف بر «من النبيین» باشد، باید در بین مذکورین در آیات قبل که به وسیله «أولئك» به آنان اشاره شد، غیر نبی نیز وجود داشته باشد، زیرا عطف، ظهور در تغایر دارد و بدان لحاظ که در آیات قبل به جز در مورد مریم صریحاً و یا با اشاره نبوت مذکورین مطرح گردیده، تنها موردی که برای «من هدینا . . .» باقی می ماند، مریم(س) است.

82- رهبران شرک و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 5

5 - خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أو یلقى إلیه کنز أو تکنون له جنّه یا کل منها

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: «کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد»؛ ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: «پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد».

83- رهبران کفر و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 5

ص: 380

5 - خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جنّه یا کل منها

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: «کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد»؛ ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: «پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد».

84- زمینه نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 25 - 8

8 - نبوت و دریافت وحی ، نیازمند سینه ای فراخ و ظرفیتی گسترده است .

قال ربّ اشرح لی صدري

85- زمینه نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 8 - 6

6 - بعثت پیامبران ، مقتضای ربوبیت خداوند و در راستای تربیت و رشد و کمال انسان ها

و الرسول یدعوکم لتؤمنوا برّبکم

«ربّ»؛ یعنی، تربیت کننده و تربیت ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است، تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب).

86- زمینه نبوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 1 - 18 - 7

7- نقش عبادت و عبودیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در نایل شدن آن حضرت به مقام رسالت و نزول قرآن برایشان

وصف و یاد کردن از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان «بندی خداوند» در بیان نازل کردن قرآن بر او، می تواند این معنا را برساند که: «بنده خدا» بودن و او را بندگی و عبادت کردن، از زمینه های مهم برای تحمّل رسالت و دریافت وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 9 - 4

4 - نقش عبودیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، در دستیابی آن حضرت به مقام نبوت و دریافت پیام وحی از جانب خداوند

ص: 381

تعبیر «عبده» درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) - به جای هر تعبیر دیگر - می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

87- زمینه نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 34,35,40

34 - سختی های زندگی موسی (ع) و آزمون های الهی او، جهت رسیدن به رتبه و شایستگی لازم برای تحمل رسالت الهی بود.

و فتنک فتوناً.. ثم جئت علی قدر یموسی

«قَدَر»؛ یعنی، مبلغ و حد مطلوب. این کلمه با قَدْر و مقدار به یک معنا است (لسان العرب). «علی قدر» حال برای فاعل «جئت» است؛ یعنی، ای موسی! تو در حالی که بر مقدار لازم از شایستگی و استواری رسیدی، به این وادی گام نهادی.

35 - موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با خداوند در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشیدن سختی ها، عبور کرد و شایستگی لازم را به دست آورده بود.

و فتنک فتوناً.. ثم جئت علی قدر یموسی

40 - زندگانی طولانی موسی (ع) در مدین، دارای نقشی به سزا در رسیدن او به شایستگی لازم برای رسالت بود.

فلبث سنین فی أهل مدین ثم جئت علی قدر یموسی

«ثم» برای تراخی است و دلالت می کند که آمدن موسی (ع) به کوه طور، با گذشت زمان قابل توجهی از آغاز سکونت در مدین همراه بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 21 - 3,5

3 - جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعون، زمینه اعطای رسالت و سرپرستی بنی اسرائیل به وی از جانب خداوند

ففررت منکم.. فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تفریع «وهب» بر «ففررت» اشاره به تأثیر جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعون در شایستگی وی برای دریافت حکم و رسالت داشته باشد. گفتنی است که در برداشت فوق واژه «حکم» به معنای ولایت و سرپرستی گرفته شد و مراد از آن سرپرستی بر بنی اسرائیل و هجرت دادن آنان از سرزمین مصر می باشد.

5- اعطای حکمت و دانش به موسی (ع)، زمینه ساز نایل آمدن او به مقام رسالت

فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

جدا بودن «وهب» و «جعل» و مقدم آمدن اعطای حکمت، نشان دهنده تمایز میان آن دو و قرار داشتن «جعل رسالت» در طول اعطای حکمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 2

2- آتش طور، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلما أتيتها نودی . . . یموسی إنی أنا الله رب العلمین

ص: 382

88- زمینه نبوت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 32 - 4

4- موسی (ع) در اعطای مقام نبوت به هارون (ع)، وساطت کرد.

و أشركه في أمري

89- سختی نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 3 - 4

4- رسالت و پیامبری، مسؤولیتی بس سنگین و خطیر

وإنّ لك لأجرًا غير ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که اجر و پاداش ها، در قبال مسؤولیت ها است و به هر میزان که مسؤولیت سنگین تر و پرزحمت تر باشد، اجر و پاداش آن نیز بزرگ تر و بیشتر خواهد بود. بنابراین اجر بزرگ، نشانگر مسؤولیت بزرگ و خطیر است.

90- سختی نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 28 - 10

10- نوید الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شرایط سخت رسالت، درباره جهانی شدن پیام و قوانین مکتب آن حضرت

هو الذی أرسل رسوله بالهدی . . . لیظهره

با توجه به این که آیه شریفه در شرایطی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده که مشرکان مکه، مانع ورود مسلمانان به مسجد الحرام بودند؛ برداشت بالا قابل استفاده است.

91- سختیهای نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 19 - 7

7- پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور در خواست کمک از خداوند، برای زدایش سختی ها و پیامد های سنگین رسالت *

و استغفر لذنبک

برداشت بالا بنا بر این نکته است که واژه «استغفر» در معنای طلب ایجاد مصونیت و «ذنب» در معنای پیامدها، به کار رفته

ص: 383

باشد؛ یعنی، رسالت پیامبر(صلی الله علیه و آله) سختی هایی را برای خود آن حضرت و مؤمنان واقعی (از قبیل هجرت، جهاد و..) به دنبال داشته و حضرت برای کاهش این دشواری ها، باید از خداوند استمداد کند.

92- سرزنش شک در نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 8

8 - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

93- سنگینی نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 6

6 - رسالت و پیامبری ، باری سنگین و مسؤولیت ی خطیر بر دوش رسولان و پیامبران

قل أطيعوا الله .. فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمّل

برداشت یاد شده، از تعبیر «حمّل» استفاده گردید؛ زیرا «حمل» به معنای اشیای سنگین وزن است؛ مثل حمل بچه در شکم مادر (مفردات راغب).

94- سهولت نبوت ملانکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 2

2 - انتخاب پیامبران از میان فرشتگان ، امری آسان برای خداوند

و لو نشاء لجعلنا منکم ملنکه فی الأرض

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیه شریفه پاسخی باشد به انتظار مشرکان مکه که توقع فرشته بودن پیامبر را داشتند.

95- شرایط ادعای نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- ادعای نبوت و رسالت ، باید همراه با ارائه معجزه و دلیل روشن باشد . *

ص: 384

«بيته» به معنای دلیل و حجت روشن است و مراد از آن در آیه شریفه معجزه می باشد. قوم هود مدعی آنند که وی معجزه ای ارائه نکرده است و این سخن از ناحیه او رد نمی شود و بیان نمی کند که اثبات پیامبری نیازمند معجزه نیست. گویا این معنا که پیامبران باید معجزه داشته باشند، مورد تأیید قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 19 - 6

6- ادعای رسالت ، باید همراه با دلایل روشن و قانع کننده باشد .

إني لكم رسول أمين... إني آتاكم بسلطان مبين

96- شرایط نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 19

19 - برخی از مردم عصر بعثت پیامبری و نبوت را مستلزم آگاهی به امور غیبی می پنداشتند .

لو كنت أعلم الغيب لاستكثرت من الخير .. إن أنا إلا نذير

حصر در جمله «إن أنا ..» ناظر به پندارهایی است که مردم درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشتند که از جمله آنها عالم بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امور غیبی است. جمله «إن أنا ...» بیان می دارد که او تنها نذیر و بشیر است ; یعنی عالم به غیب بودن، لازمه پیامبری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 4,3

3- در اختیار داشتن همه نعمت های الهی و توان دسترسی به گنجینه های هستی و دانستن غیب ، از لوازم و شرایط پیامبری نیست .

و لأقول لكم عندي خزائن الله و لأعلم الغيب

4- فرشته بودن ، از شرایط احراز مقام نبوت و پیامبری نیست .

و لأقول إني ملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 7

7- رسیدن به مقام نبوت ، مشروط به داشتن زمینه و صلاحیت است .

و لما بلغ أشده آتینه حکماً و علماً و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 13

13- توانایی به ارائه هر گونه معجزه و در هر زمان ، از شرایط پیامبری در دیدگاه ناصواب مردم عصر بعثت

ص: 385

و لقد أرسلنا رسلاً... و ما كان لرسول أن يأتي بأية إلا يأذن الله لكل أجل كتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 7

7- مشرکان مکه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . *

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت

به قرینه آیات قبل - که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود - احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد؛ یعنی، منظور از «یبعث» برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 43 - 7

7- پیامبری ، مسؤولیتی است الهی که تنها بر عهده مردان گذاشته شده است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 66 - 15

15- برخوردارى از تمام مراتب علم و نیز کمال نهایی ، شرط نبوت نیست .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 7,8,9

7- دارا شدن مقام نبوت و کتاب آسمانی ، به سن و سال خاصی مقید نیست .

كيف نكلم من كان في المهد... قال إني عبدالله ءاتيني الكتب و جعلني نبياً

8- طهارت مولد از جمله شرایط احراز مقام نبوت است .

قال... و جعلني نبياً

گرچه سخن گفتن عیسی(ع) خود معجزه ای برای اثبات طهارت مریم(س) بود؛ ولی در مفاد جملات نیز نوعی استدلال وجود دارد و آن این که من پیامبرم و متولد از حرام نمی تواند پیامبر باشد، پس من طهارت مولد دارم.

9- احراز مقام نبوت بر تربیت های عملی و کسب زمینه ها و قابلیت ها ، وابسته نیست .

قال إني عبد الله أتيني الكتب و جعلني نبياً

حضرت عیسی(ع) در گهواره خود را پیامبر و دارای کتاب می داند؛ از این موضوع می توان دریافت که مقام نبوت بر کسب زمینه های قبلی و تلاش های شخصی افراد متکی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 41 - 10

10- صداقت ، شرط رسیدن به مقام نبوت است .

إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

تقدیم «صِدِّيقًا» بر «نَبِيًّا» به نکته یاد شده اشاره دارد.

ص: 386

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 56 - 8

8- صداقت ، شرط رسیدن به مقام نبوت است .

إِنَّهٗ كَانَ صَدِّيقًا نَبِيًّا

تقدیم «صدیقاً» بر «نبیاً» حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 37

37 - نبوت و رسالت الهی ، ویژه کسانی است که شایستگی لازم را کسب کرده باشند .

ثُمَّ جِئْتِ عَلٰی قَدْرِ مَوْسٰی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 41 - 6

6 - شایستگی برای رسالت و نبوت ، وابسته به اخلاص کامل برای خداوند است .

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

این آیه، تفسیر آخرین بخش آیه قبل است و بیانگر قدر و میزانی است که پیامبران باید دارای آن باشند و موسی(ع) با رسیدن به آن رتبه و مقام به کوه طور آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 7 - 6

6- دریافت وحی الهی ، لازمه منصب رسالت

و ما أرسلنا .. نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 72 - 4

4- استغنا از مردم، شرط لازم نبوت و درخواست کمترین مزد از آنان، نشانه عدم صداقت مدعی پیامبری است.

أم تسألهم خرجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 2

2- منوط دانستن نبوت و رسالت، به اشرافیت و توانمندی های مادی، امری نامعقول

لولا نزل... أهم یقسمون رحمت ربک

از استفهام توییخی «أهم» استفاده می شود که هیچ نوع ارتباطی بین دستیابی به مقام نبوت و برخورداری از امکانات مادی، وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 387

2- از نگاه کافران عصر نزول ، مقام رسالت شایسته موجودی آسمانی و فرابشری است .

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

97- شعیب (ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 4

4- شعیب (ع) حتی پیش از رسیدن به مقام رسالت ، فردی دلسوز و دوستدار مردم مدین بود .

وإلی مدین آخاهم شعیبًا

98- شک در نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 7

7 - منافقان ، گرفتار شک و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید ، نبوت ، معاد ، قرآن و . . .)

قالوا بلی و لکنکم . . . ارتبتم

99- شک در نبوت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 154 - 7

7 - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن «إن» - که در موارد تردید به کار می رود - استفاده می شود.

100- شک در نبوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- شك و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف (ع) تا پایان عمر ایشان (علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت).

لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت فما زلتم في شك مما جاءكم به

ص: 388

101- شگفتی نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 41 - 4

4- رسالت مداری انسان از سوی خداوند ، امری شگفت آور و غیر قابل قبول از دیدگاه مشرکان

أهذا الذي بعث الله رسولا

استفهام در «أهذا» انکاری و برای اظهار تعجب و شگفتی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 8 - 1

1 - برگزیده شدن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیر منطقی و ناممکن در نظر کافران و مشرکان

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

102- صالح (ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 4

4- صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثت به پیامبری

وإلى ثمود أخاهم صالحًا

مراد از اخوت صالح (ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 62 - 1

1- صالح (ع) ، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا يصر-لح قد كنت فينا مرجوا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله «قوم ثمود به تو امیدها داشتند» - که مضمون جمله «قدکنت ..» است - حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه «هذا» ادعای نبوت صالح(ع) و اعلام توحید و لزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

103- عظمت نبوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 4 - 2

2 - فضل الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) (فضل نبوت) ، بس بزرگ و ارجمند

ص: 389

ذلك فضل الله

به کارگیری «ذلك» (اشاره بعید) می تواند به خاطر بلندی درجه و فضلی باشد که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عطا کرده است (فضل نبوت و رسالات).

104- عوامل تکذیب نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 1, 2, 4

1 - کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

2 - انکار وحی و رسالت یافتن بشر، معلول نقصان معرفت آدمی به خداوند است.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

4 - یهود به سبب انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

105- عوامل تکذیب نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 69 - 2

2 - قوم عاد به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر، رسالت هود را انکار کردند.

إننا لنریک فی سفاهه .. أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

106- فترت در نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 19 - 8

8 - وجود فاصله ای طولانی بین بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رسولان گذشته

«فتره» به معنای سکون و انقطاع است. بنابراین «فتره من الرسل» به معنای انقطاع پیامبری است. نکره آوردن «فتره» دلالت می کند بر اینکه آن انقطاع به طول انجامیده بود.

107- فرعون و نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 390

5- ادعای رسالت الهی و درخواست آزاد گذاشتن بنی اسرائیل برای خروج از سرزمین مصر از سوی موسی (ع)، دور از انتظار فرعون و عملی جسورانه در نظر وی بود.

فقولا إنا رسول ربّ العلمین . أن أرسل معنا بنی إسرئیل . قال ألم نرّبک ... و لبث

برداشت یاد شده از به رخ کشیدن دوران کودکی و بخشی از عمر موسی (ع) پس از اظهاراتش درباره رسالت الهی و آزاد سازی بنی اسرائیل، به دست می آید.

108- فضیلت مقام نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 52 - 2

2- فضیلت و برتری مقام رسالت بر نبوت

و ما أرسلنا من قبلك من رسول و لانیّ

با توجه به تقدیم «رسول» بر «نبی»، مطلب فوق را به دست می آید.

109- فضیلت نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 69 - 7

7- پیامبری، صدیق، شاهد و صالح بودن، مقامی رفیع و نعمتی بزرگ*

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین ... و الصّالحین

بنابراین احتمال که مراد از نعمت در «انعم الله علیهم»، همان مقام نبوت و ... باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 70 - 4

4- نبوت، صداقت کامل، گواه بودن بر اعمال بندگان و صالح شدن، تفضل خاص الهی

فاولئک ... ذلک الفضل من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 59 - 5

5 - نبوت ، مرتبتی والا و از نعمت های ارجمند خدادادی است .

إن هو إلا عبد أنعمنا عليه

مراد از نعمت در «أنعمنا» ممکن است خصوص نبوت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 29 - 3

ص: 391

3 - نبوت ، نمود فضل و فزون بخشی خداوند است .

أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ

مراد از «شئیء من فضل الله» فضل نبوت است.

110- فلسفه نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 19 - 10

10 - بعثت پیامبران ، اتمام حجت خداوند بر مردم

ان تقولوا ما جاءنا من بشير ولا نذير

اگر چه خطاب آیه متوجه اهل کتاب است، ولی قطعاً در اتمام حجت به سبب پیامبر(صلی الله علیه و آله) بین اهل کتاب و سایر مردم تفاوتی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 49 - 5

5 - بعثت پیامبران و تعالیم ادیان ، در جهت تأمین منافع و مصالح انسان ها است .

إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ

به کارگیری «لام» انتفاع در «لکم» می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 24 - 3

3 - وحی و رسالت ، در راستای رشد و تکامل انسان ؛ و نه برآوردن تمنیات هواپرستانه او *

و لقد جاءهم من ربهم الهدى . أم للإنسن ما تمنى

برداشت یاد شده بدان احتمال است که: الف) مراد از «الهدی» در آیه پیش، وحی و رسالت باشد. ب) آیه «أم للإنسان...» با «ولقد جاءهم من ربهم...» مرتبط باشد؛ یعنی، انسان نباید انتظار آن را داشته باشد که آمال هواپرستانه اش، در شریعت ارضا شود.

111- فلسفه نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 10 - 2

2- فرستادن انبیا از جانب خداوند ، برای جوامع و امتهاست نه افراد . *

و لقد أرسلنا من قبلك فی شیع الأولین

ذکر «شیع» در جمله، در حالی که بدون آن هم معنا تمام بود، مشعر به نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 392

1 - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

و لو آتاهم بآياتنا لقلوا ربنا لولا أرسلت

مراد از ضمیر در «من قبله» - به قرینه «لولا- أرسلت» - رسول است و ممکن است مربوط به کلمه «بیّنه» (در آیه قبل) باشد گرچه کلمه «بیّنه» مؤنث است؛ ولی به اعتبار این که به معنای برهان است، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 107 - 2

2- مورد لطف و مرحمت قرار گرفتن انسان ، فلسفه دین و حکمت فرستاده رسولان

و ما أرسلنک إلاّ رحمہ للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 6

6 - یکسان سازی سرنوشت انسان ها در قیامت ، ناهماهنگی با فلسفه نزول وحی و بعثت پیامبران

و کذلک أوحینا .. لتندر ... و لو شاء الله لجعلهم أمه وحده

از آنجا که آیه شریفه در ادامه آیات مربوط به وحی می باشد، می توان استفاده کرد که نزول وحی با یکسان ساختن انسان ها، از نظر کفر و ایمان و در نتیجه وحدت سرنوشت آنان ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 5

5 - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و ...) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صالحین

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت «عبدصالح» - در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان - گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 15 - 5

5 - مشترک بودن فلسفه بعثت پیامبران

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا... كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا

112- فلسفه نبوت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 5

5 - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و ...) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صالحین

ص: 393

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت «عبد صالح» - در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان - گویای مطلب یاد شده است.

113- فلسفه نبوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 19 - 6

6 - تبیین و تشریح راه های سعادت و شقاوت ، از اهداف رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قد جاءكم رسولنا یبین لكم

مفعول «یبین» می تواند مفهومی باشد که از «بشیر» و «نذیر» به دست می آید، یعنی سعادت و شقاوت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 30 - 4

4- تلاوت قرآن بر مردم ، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از هدف های ارسال او به پیامبری

أرسلناک .. لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک

«تلاوت» (مصدر تتلوا) به معنای خواندن است و «لتتلوا» متعلق به «أرسلناک» می باشد و بیانگر وظیفه پیامبر و هدف ارسال او به پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 1 - 25 - 11

11 - انذار و اخطار به همه انسان ها در تمام گیتی ، از اهداف قرآن و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

نزل الفرقان علی عبده لیكون للعلمین نذیراً

ضمیر در «لیكون» ممکن است به دو چیز بازگردد: 1- «فرقان» 2- «عبده» (پیامبر اسلام).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 47 - 1

1 - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارتسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف

و لولا أن تصيبهم مصيبه بما قدّمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولا

جواب «لولا» در «لولا أن تصيبهم مصيبه..» حذف شده و تقدیر آن چنین است: «لولا أن تصيبهم مصيبه... لَمَا أرسلناك إليهم». گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تنبّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگر از هدف های رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 4

4 - هدف آغازین بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، انذار مردم مکه و نواحی آن بوده است .

لتنذر أمّ القری و من حولها

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از «حولها» فقط حاشیه مکه باشد و با توجه به این که دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) همگانی بوده - و نه مخصوص مردم مکه و اطراف آن - در این برداشت قید آغازین افزوده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 8 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فرستاده الهی برای گواهی بر خلق و بشارت و انذار آنان

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 9 - 1

1 - ایمان به خدا و رسول او ، یاری دین و تعظیم و تقدیس پیوسته ذات الهی ، هدف عالی و نهایی رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ ... لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 28 - 2

2- هدایت خلق در مسیر بایسته زندگی و ارائه قوانین حق ، دو هدف مهم رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أَرْسَلْنَا رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 9 - 7

7 - هدایت انسان ها و بیرون آوردن آنان از ورطه گمراهی ، هدف الهی در بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نازل کردن قرآن

هُوَ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ ... لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

واژه «ظلمات»، استعاره از گمراهی و واژه «نور» استعاره از هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - برانگیخته شدن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از میان غیر اهل کتاب، برای هدایت خلق از سوی خداوند، جلوه ای از عزّت و حکمت خداوند

العزیز الحکیم . هو الذی بعث فی الأمّین رسولاً منهم

کلمه «أمّین» در قرآن، در مقابل اهل کتاب نیز به کار رفته است. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

10 - هدف بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هدایت مردم و بیرون آوردن آنان از گمراهی ها است .

یتلوا علیهم . . . و إن كانوا من قبل لفی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 23 - 2

2 - رساندن پیام های خداوند به انسان ها، از اهداف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ص: 395

إلّا بلغاً من الله ورسول-ته

114- فلسفه نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 5

5 - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و . . .) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صالحین

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت «عبدصالح» - در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان - گویای مطلب یاد شده است.

115- قوم ثمود و نبوت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 24 - 2

2 - رسالت الهی ، مرتبتی غیر قابل دستیابی برای بشر در دیدگاه قوم ثمود

فقالوا أبشراً منّا وحداً نتّبعه

برداشت یاد شده در صورتی است که گفتار قوم ثمود و انکار آنان، صرفاً جنبه بهانه جویی نداشته؛ بلکه ریشه در باورهای آنان داشته باشد.

116- قوم ثمود و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 19

19 - قوم ثمود ، بر خلاف قوم نوح و هود ، منکر وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر نبودند .

وإلی ثمود أخاهم صلحاً

نیامدن جمله ای همانند «أوعجبتم أن جاءكم . . .» در داستان صالح، به خلاف ذکر آن جمله در داستان نوح و هود (آیه 63 و 69) دلالت بر این دارد که قوم صالح، وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر را امری مستبعد نمی شمردند و آن را انکار نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- قوم ثمود، پیامبری و بعثت انسانهایی را از جانب خدا ناممکن نمی شمردند.

إن كنت من المرسلين

جمع آوردن کلمه «المرسلین»، اشاره به آن دارد که قوم ثمود پذیرفته بودند که انسانهایی از جانب خدا به پیامبری مبعوث

ص: 396

می شوند، ولی درباره رسالت حضرت صالح(ع) شک و تردید می کردند.

117- قوم ثمود و نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 11

11 - تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح ، تلاشی بی ثمر بود .

قالوا إنا بما أرسل به مؤمنون

118- قوم عاد و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 69 - 1,2

1 - بعثت فردی از بشر برای رسالت ، شگفت آور و نامعقول در دیدگاه قوم هود

أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

2 - قوم عاد به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت هود را انکار کردند .

إنا لنرى في سفاهة... أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 19

19 - قوم ثمود ، بر خلاف قوم نوح و هود ، منکر وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر نبودند .

وإلى ثمود أخاهم صلحاً

نیامدن جمله ای همانند «أو عجبتم أن جاءكم...» در داستان صالح، به خلاف ذکر آن جمله در داستان نوح و هود (آیه 63 و 69) دلالت بر این دارد که قوم صالح، وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر را امری مستبعد نمی شمردند و آن را انکار نمی کردند.

119- قوم عاد و نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 69 - 3

3 - ادعای پیامبری از سوی هود (ع) ، نشانه سفاهت وی در پندار قوم عاد

إننا لنرىك في سفاهه . . . أو عجبتهم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 2

ص: 397

2- قوم عاد ، رسالت هود را از سوی خداوند ، برای دعوت به توحید و مبارزه با شرک باور نداشتند .

أَجْتَنَّا لِنُعْبِدَ اللَّهَ وَحْدَهُ

استفهام در جمله «أَجْتَنَّا . . .» استفهام انکاری ابطالی است. یعنی دلالت می کند که آنچه مورد استفهام واقع شده (مأموریت هود برای دعوت به یکتاپرستی)، بی اساس است و مدعی آن (حضرت هود) دروغگوست.

120- قوم نوح و ادعای نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 63 - 5

5- ادعای پیامبری ، نشانه گمراهی نوح در پندار ناصواب قوم وی

يقوم ليس بي ضلله . . . أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

جمله «أو عجبتم . . .» عطف بر «ليس بي ضلله» است.

121- قوم نوح و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 19

19- قوم ثمود ، بر خلاف قوم نوح و هود ، منکر وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر نبودند .

وإلى ثمود أخاهم صلحاً

نیامدن جمله ای همانند «أو عجبتم أن جاءكم . . .» در داستان صالح، به خلاف ذکر آن جمله در داستان نوح و هود (آیه 63 و 69) دلالت بر این دارد که قوم صالح، وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر را امری مستبعد نمی شمردند و آن را انکار نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 3

3- بشر بودن نوح (ع) ، بهانه و دستاویز کفرپیشگان برای انکار پیامبری و رسالت آن حضرت

فقال المأء . . . ما نريك إلا بشراً مثلنا

122- قوم نوح و نبوت نوح(ع)

6 - نبوت حضرت نوح (ع) و نزول آیات الهی بر او برای قومش امری دشوار و باور نکردنی بود .

يقوم إن كان كبر عليكم مقامی و تذكیری بأيت الله

جمله «فكذبوه» در دو آیه بعد (73) دلالت می کند بر اینکه موضوع مورد بحث، نبوت و رسالت حضرت نوح (ع) است و

حضرت در مقام تحدی و اثبات این ادعاست.

123- کافران مکه و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 6 - 5

5- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یاایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون

124- کافران و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 4

4 - داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم ، و تأمین شدن نیاز های مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر ،

نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جنة یأکل منها

125- کافران و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 4

4 - کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

126- کافران و نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 11

11 - کافران به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا عليهم ما يلبسون

«يلبسون»، فعل مضارع و بيانگر استمرار تلبس كافرين است.

ص: 399

127- کافران و نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 4

4 - کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

128- کفر به نبوت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 77 - 5

5 - قوم ثمود، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن كنت من المرسلین

129- کیفر ادعای دروغین نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 47 - 2

2 - مرگ و نابودی، کیفر قطعی و رهایی ناپذیر گناه دروغ بستن بر خدا و ادعای دروغین نبوت

فما منکم من أحد عنہ حجزین

130- گواهان نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 27، 5

5 - خداوند، بزرگترین گواه رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در برابر منکران است.

قل أي شیء أكبر شهده قل الله شهید بینی و بینکم

با توجه به این حقیقت که نزاع بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشرکان، نزاع شخصی نبوده، بلکه اختلاف بر سر درستی ادعای

پیامبر(صلی الله علیه و آله) به نزول وحی بر ایشان بوده است.

27 - عن أبي جعفر(ع) فی قوله: «قل أى شیء أكبر شهادة قل الله شهید بینى و بینکم» و ذلك ان مشرکى أهل مکة قالوا: یا محمد ما وجد الله رسولا یرسله غیرک؟ ما نرى أحداً یصدقک بالذی تقول . . . قتاأینا من یشهد إنک رسول الله؟ قال رسول الله(صلی الله علیه و آله): «الله شهید بینى و بینکم ...».

از امام باقر(ع) درباره آیه «قل أى شیء أكبر شهادة . . .» روایت شده است که مشرکان مکة به حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) گفتند: خداوند رسولى غیر از تو نیافت که بفرستد؟ کسی را نمی بینیم درباره آنچه می گویی تو را تصدیق کند ... پس کسی که به رسالت تو گواهی دهد، برای ما می آوری؟ رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند بین من و شما گواه است ...

ص: 400

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 4

4 - لجاجت پیشگان، حتی در صورت سخن گفتن مردگان با ایشان و شهادت بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایمان نمی آورند.

و لو أننا... و كلمهم الموتى... ما كانوا ليؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 38 - 4

4 - قرآن، معجزه جاودان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم يقولون افتريه قل فأتوا بسوره مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 5

5 - خداوند خود گواهی دهنده به حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و الهی بودن بعثت او

كفى بالله شهيداً بينى وبينكم

«بالله» فاعل برای «کفی» است و حرف «باء» در آن به اصطلاح زایده و دلالت بر تأکید انتساب فعل به فاعل دارد. قابل ذکر است که گواهی های خداوند بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار است و آن آیات گوناگون و متعددی است که در آنها تصریح شده که او فرستاده ای از ناحیه خداوند است. و چون قرآن معجزه است و الهی بودن آن برای حق جویان امری روشن می باشد، شهادت خداوند به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ثابت می شود و جمله «کفی بالله...» برهانی تام خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 52 - 8

8 - احاطه علمی خداوند بر موجودات جهان، دلیل کفایت گواهی او برای حقانیت نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

قل كفى بالله بينى وبينكم شهيداً يعلم ما فى السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 1 - 7

7- گواهی اکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

والله يعلم إتك لرسوله

131- مدت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 14 - 3،13

3- نوح (ع) به مدت نهصد و پنجاه سال ، در میان قوم خود ، عهده دار پیامبری بود .

و لقد أرسلنا نوحًا . . . فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عامًا

13 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : « عاش نوح ألفي سنة و ثلاث مائه سنة . منها ثمانمائه و خمسين سنة ، قبل أن يبعث و

ص: 401

ألف سنه إلاّ خمسين عاماً و هو في قومه يدعوهم و خمس مائه عام بعد ما نزل من السفينه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که نوح(ع)، دو هزار و سیصد سال عمر کرد. که هشتصد و پنجاه سال آن، پیش از بعثت او بود و نهصد و پنجاه سال، دورانی بود که در میان قوم خود مشغول دعوت آنها بود و پانصد سال نیز، بعد از آنکه از کشتی پیاده شد، (زندگانی کرد)...»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 15 - 5

5 - مدت رسالت نهصد و پنجاه ساله نوح (ع) در میان قوم اش، تنها، مربوط به زمان قبل از طوفان است.

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه فلبث فيهم .. فأخذهم الطوفان ... فأنجینه

132- مدعیان دروغین نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 9، 5

5 - مدعیان دروغی نزول وحی بر خود (متنبیان) ظالمترین مردمانند.

و من أظلم .. أو قال أوحى إلى و لم یوح إليه شیء

9 - ادعای عدم نزول وحی، به دروغ مدعی نبوت شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، از روشهای مخالفان برای مبارزه با اسلام و پیامبر(صلی الله علیه و آله) بود.

ما أنزل الله علی بشر .. افتری علی الله کذباً أو قال أوحى إلى ... سأنزل مثل ما

133- مردم صدر اسلام و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 13

13- توانایی به ارائه هر گونه معجزه و در هر زمان، از شرایط پیامبری در دیدگاه ناصواب مردم عصر بعثت

و لقد أرسلنا رسلاً .. و ما کان لرسول أن یأتی بأیه إلاّ یاذن الله لکل أجل کتاب

134- مردم صدر اسلام و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 7

7- مردم عصر بعثت ، پیامبری فردی از افراد بشر را امری بعید می شمردند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك و جعلنا لهم أزواجاً و ذریه

ص: 402

135- مشرکان مکه و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 7

7- مشرکان مکه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . *

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لايبعث الله من يموت

به قرینه آیات قبل - که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود - احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد؛ یعنی، منظور از «بیعت» برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

136- مشرکان مکه و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 43 - 5

5- مشرکان مکه ، نزول وحی به انسان را قبول نداشتند .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم

آیه درصدد تعریض به مشرکان و جواب گویی به آنان است که طبق قرینه ها و آیات دیگر قرآن کریم (سوره یونس ، آیه 2) آنها مبعوث شدن انسان را از جانب خداوند برای پیامبری قبول نداشتند. فعل «نوحی» در آیه قرینه و نشانه ای است بر نکته فوق.

137- مشرکان و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 94 - 9

9- اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بین مشرکان

أبعث الله بشراً رسولاً

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل رسالت به استبعاد نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت برای آنان، امری محرز بود.

138- مغالطه در نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 12

12 - خداوند حق پوشان و مغالطه کاران در رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در گمراهی رها می کند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

ص: 403

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 124 - 8

8 - امامت ، مقامی برتر از نبوت *

و إذ ابتلی ابرهیم ربه بکلمت فاتمهن قال إنی جاعلک للناس إماماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 8، 5، 4

4 - کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

5 - خداوند، جز از جنس بشر، پیامبری برای آدمیان قرار نخواهد داد.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

8 - خداوند، فرشتگان را برای آدمیان به پیامبری برنمی گزیند.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

حرف «لو» در مواردی به کار می رود که شرط، امری ممتنع و غیرعملی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 5

5 - خداوند عطا کننده کتاب و منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 13

13 - امامت و پیشوایی بر امت ها ، منصبی غیر از نبوت و رسالت است .

وقال موسى لأخيه هرون اخلفني في قومي

جمله «اخلفني في قومي» می رساند که موسی(ع) رسماً هارون را به امامت و رهبری بنی اسرائیل منصوب کرد. اگر پیامبری با امامت و رهبری تفاوتی نداشت نیازی نبود که موسی(ع) هارون را - که از پیامبران بود - به امامت منصوب کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 5

5- بشر ، شایسته دستیابی به مقام رسالت و پیامبری است .

و لأقول إني ملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 7

7- مقام نبوت ، رحمت خاص خداوند به پیامبران است .

وءاتني منه رحمه

ص: 404

نکره آوردن «رحمه» دلالت بر عظمت آن دارد که در برداشت از آن به رحمت خاص تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 11 - 5

5- انبیای الهی، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری، نعمتی بزرگ از سوی او بر خود می دانستند.

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 7

7- نبوت، مقامی انتصابی از ناحیه خداوند

و کلاً جعلنا نبیاً

140- مقام نبوت و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 10 - 3

3- درخواست علامت از خدا برای اطمینان فزون تر، با مقام پیامبری سازگار است.

قال رب اجعل لی آیه قال ۛایتک ألا تکلم الناس

141- مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 105 - 4

4- قوم نوح، منکر حقیقتی به نام رسالت

كذّبت قوم نوح المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمع آمدن واژه «المرسلین» از آن جهت باشد که قوم نوح، اصولاً حقیقتی به عنوان رسالت را قبول نداشتند و این به معنای انکار همه رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 123 - 4

4 - قوم عاد ، منکر حقیقتی به نام رسالت

کذبت عاد المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که قوم عاد اصولاً حقیقتی به عنوان رسالت را قبول نداشتند. بدیهی است که این امر، به منزله انکار همه پیامبران الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 405

13 - شعراء - 26 - 141 - 4

4 - ثمودیان ، منکر حقیقتی به نام رسالت

کذبت ثمود المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که نسبت دادن تکذیب همه فرستادگان الهی به ثمود، از آن جهت باشد که آنان اصولاً حقیقتی به نام «رسالت» را قبول نداشتند و این به منزله انکار همه رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 160 - 4

4 - قوم لوط ، منکر حقیقتی به نام رسالت

کذبت قوم لوط المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمع آمدن واژه «المرسلین» از آن جهت باشد که قوم لوط، اصولاً حقیقتی به نام رسالت را قبول نداشتند و این به منزله انکار همه رسولان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 176 - 4

4 - اصحاب ایکه ، منکر حقیقتی به نام رسالت

کذب أصحاب لیکه المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که نسبت دادن تکذیب همه رسولان به اصحاب ایکه، از آن جهت باشد که آنان اصولاً حقیقتی به عنوان «رسالت» را قبول نداشتند و این امر به منزله انکار همه رسولان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 36 - 6,7

6 - فرعونیان ، مدعی بی سابقه بودن مسأله نبوت در تاریخ گذشته آنان

و ما سمعنا بهذا فیء ابائنا الاولین

7 - دیرینه نداشتن موضوع نبوت در تاریخ گذشته مصر ، دستاویز فرعونیان برای انکار رسالت موسی (ع)

و ما سمعنا بهذا في ابائنا الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 9 - 1

1 - قوم نوح ، نمونه ای عبرت انگیز از اقوام تکذیب کننده وحی و رسالت در طول تاریخ

من الأنبياء ما فيه مزدجر . . . كذبت قبلهم قوم نوح

با توجه به ارتباط این آیه با آیه «من أنبياء ما فيه مزدجر»، استفاده می شود که بیان کفر قوم نوح، از جمله اخبار هشداردهنده قرآن است.

ص: 406

142- مکذبان نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 23، 6، 1

1 - کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر

6 - گفتار یهود زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی (ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

23 - نزول تورات دلیلی بر امکان نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و گواهی بر بطلان پندار منکران نزول وحی بر بشر است.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر .. قل من أنزل الكتب ... قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 2

2- سران کفر پیشه قوم نوح ، بشر را شایسته رسالت نمی پنداشتند .

فقال المألأ .. ما نريك إلا بشراً مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 7

7- مشرکان مکه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . *

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت

به قرینه آیات قبل - که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود - احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد؛ یعنی، منظور از «یبعث» برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- مشرکان مکه ، برگزیده شدن نوع بشر برای پیامبری را منکر بودند و آن را امری امکان ناپذیر و ناشدنی تلقی می کردند .

و ما منع الناس . . . إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

«ال» در «الناس» عهد است و با توجه به آیات سابق مراد از آن، مشرکان مکه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 3 - 10

10- ناسازگاری بشر بودن با دستیابی به مقام نبوت ، از دیدگاه مشرکان

هل هذا إلا بشر مثلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 7 - 2

2- منافات داشتن پیامبری با بشر بودن ، پندار باطل مشرکان

ص: 407

هل هذا الإِبشَر مثلکم . . . ما أرسلنا قبلك إلا رَجالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 7

7 - اعتقاد اشراف قوم نوح ، به عدم صلاحیت بشر برای رسالت الهی

فقال الملوأ . . . ما هذا إلا بشر مثلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 1

1 - فرعون و اشراف دربار او ، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

همزه در «أنؤمن» برای استفهام انکاری است. «قوم» به معنای طایفه و «عباده» (مصدر «عابدون») در این آیه، به معنای خدمت گذاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 7 - 4

4 - در پندار مشرکان ، بشر بودن و همچون مردم عادی زیستن ، ناسازگار با رسیدن به مقام نبوت و دریافت وحی از جانب خداوند

مالِ هذا الرسول يأكل الطعام و یمشی فی الأسواق

برداشت فوق، از اسم استفهام «ما» - که در این جا برای اظهار تعجب است - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 186 - 2

2 - بشر بودن ، مانع رسالت و پیامبری در دید مردم آیکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - مردم انطاکیه ، مسؤولیت پیامبری را در شأن انسان نمی دانستند و او را شایسته تلقی وحی از جانب خداوند نمی انگاشتند .

قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام بیان علل و انگیزه های تکذیب رسولان الهی از جانب مردم است؛ همان طور که به این نکته در ذیل آیه تصریح شده است: «ما أنزل الرحمان من شیء إن أنتم إلا تكذبون».

3 - انسان بودن ، دلیل رد رسالت رسولان و نادرستی ادعا های آنان ، در دیدگاه مردم انطاکیه

قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا

ص: 408

143- مکذبان نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 9

9- مشرکان مکه ، نسبت به آسمانی بودن قرآن و رسالت الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بی اعتقاد بودند .

أو ترقی فی السماء و لن نؤمن لرقیبک حتی تنزل علینا کتبًا نقرؤه

از اینکه آنان، نامه و کتابی را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستند که خود از آسمان آورده باشد، حکایت از آن دارد که: قرآن را - که به صورت وحی بر آن حضرت نازل می شده است - قبول نداشتند.

144- مکذبان نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 56 - 2,3

2- فرعون ، معجزات ارائه شده از جانب موسی (ع) را تکذیب کرد و منکر دلالت آنها بر رسالت او شد .

و لقد أربنه ءآیتنا کلها فکذب

3- فرعون ، علی رغم مشاهده تمامی معجزات و آیات موسی (ع) ، از پذیرفتن رسالت او امتناع کرد .

و لقد أربنه ءآیتنا کلها فکذب و أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 61 - 2

2- شرک و سحر خواندن معجزات موسی و ادعای آوردن همانند برای آن و تکذیب رسالت الهی آن حضرت ، از جمله افترا های فرعونیان به خداوند بود .

لا تفتروا علی الله کذبًا

با توجه به آیات پیشین که مشتمل بر بیان توحید از زبان موسی (ع) و نیز ارائه معجزات، و عکس العمل فرعون در سحر خواندن آنها بود، می توان به مواردی از افتراهای فرعونیان اشاره کرد.

145- ملاک نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 91 - 2

2- توانایی مادی و امکانات سرشار دنیوی ، ملاک پیامبری و پیشوایی در دید مشرکان مکه

لن تؤمن لک حتی ... تکون لک جنّه من نخیل و عنب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که خواسته مشرکان مکه، داشتن مال، مکنّت و باغ بوده است نه معجزه اقتراحی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 95 - 4

4- در نظر مشرکان تنها ملائکه ، شایسته رسالت و پیامبری بودند .

ص: 409

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل لو كان في الأرض ملئكة ... لنزلنا عليهم من الس

از پاسخ خداوند در قبال اعجاب مشرکان و از گفته آنان (أبعث الله بشراً رسولاً) استفاده می شود که آنان، توقع داشتند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از جنس ملائکه باشد نه از جنس بشر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 24 - 2

2- رسالت الهی ، مرتبتی غیر قابل دستیابی برای بشر در دیدگاه قوم ثمود

فقالوا أبشراً منا وحدداً نتبعه

برداشت یاد شده در صورتی است که گفتار قوم ثمود و انکار آنان، صرفاً جنبه بهانه جویی نداشته؛ بلکه ریشه در باورهای آنان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 25 - 3

3- قوم ثمود ، براساس ملاک های مادی خود ، معتقد به وجود افرادی شایسته تر از صالح (ع) برای پیامبری

ألقى الذكر عليه من بيننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 29 - 2

2- اهل کتاب ، بر این باور بودند که آنان تنها قوم صاحب فضیلت و شایسته نبوت اند .

لئلا يعلم أهل الكتب ألا يقدرن على شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 5

5- در بینش کافران ، بشر شایسته مقام پیامبری ، واسطه ارتباط میان خدا و خلق و هادی برای انسان ها نیست .

فقالوا أبشراً يهدوننا فكفروا وتولوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 4

4- فرشته بودن ، از شرایط احراز مقام نبوت و پیامبری نیست .

و لا أقول إني ملك

147- منشأ نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 410

9- ابراهیم - 14 - 11 - 6

6- رسیدن به مقام نبوت منوط به مشیت الهی است .

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 6

6- اعطای کتاب آسمانی و مقام نبوت ، به دست خداوند است .

ءاتینی الکتب و جعلنی نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 7

7- نبوت ، مقامی انتصابی از ناحیه خداوند

و کلاً جعلنا نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 16 - 5

5- فرستادن رسولان ، برخاسته از مقام ربوبیت و پروردگاری خداوند

فقولا إنا رسول ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 21 - 6

6 - دریافت حکمت الهی و نیل به مقام رسالت ، موهبتی خدا دادی است ، نه اکتسابی .

فوهب لی ربّی حکماً و جعلنی من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 9 - 2,5

2 - مقام نبوت ، موهبت خداوند و جلوه ای از رحمت او است .

أم عندهم خزائن رحمة ربّك

مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، درصدد پاسخ گفتن به کافران معترض به انتخاب پیامبر اسلام برای رسالت است. از این رو مقصود از «رحمت» می تواند مقام نبوت و رسالت باشد.

5 - برگزیدن انسانی از میان توده های مردم برای دریافت وحی و رسیدن به پیامبری ، مقتضای ربوبیت خداوند است .

أم عندهم خزائن رحمة ربّك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 15

15 - نبوت و رسالت ، تبلور رحمت الهی بر انسان ها

لولا نزل... أهم يقسمون رحمت ربّك... ورحمت ربّك خير ممّا يجمعون

ص: 411

از آن جا که آیات پیشین در مورد رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است، معلوم می شود که مراد از «رحمت ربّک» نبوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 8

8 - نبوت و رسالت ، امری برخاسته از مشیت و اراده خداوند است .

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 50 - 3

3 - برگزیدن افرادی از میان مردم به رسالت و پیامبری ، مقتضای ربوبیت خداوند است .

فاجتبیه ربّه

148- منشأ نبوت ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 18 - 9

9 - حضرت ابراهیم (ع) ، پیامبری از جانب خداوند بود .

و ما علی الرسول إلاّ البلغ المبین

149- منشأ نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 90 - 10

10 - خداوند ، بر اساس مشیت خویش ، پیامبران را به پیامبری بر می گزیند و انتخاب می کند .

أن ینزل الله من فضله علی من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 9

9- امور طبیعی ، مجرای عملی شدن اراده خداوند در باره اعطای رسالت به پیامبران است .

إذ رءا نارًا .. لعلی ءاتیکم منها بقبس

کشاندن موسی(ع) به کوه طور - که از آیات بعد استفاده می شود - با فراهم آوردن مقدماتی طبیعی (از قبیل گم کردن راه، احساس نیاز به آتش و ..)، گویای نکته مذکور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 134 - 9

9- اتمام حجت و فرستادن پیامبران برای ابلاغ آیات الهی ، مقتضای ربوبیت الهی است .

ص: 412

رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 28 - 13

13 - ربوبیت الهی ، مقتضای فرستادن رسول و ارائه دین به بشر ، همراه با دلیل و برهان روشن و اثباتگر

و قد جاءكم بالبينت من ربكم

برداشت یاد شده از آمدن قید «من ربکم» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 4 - 2

2 - وحی و بعثت پیامبران ، مقتضای مالکیت و ربوبیت بی شریک خدا بر جهان و انسان

كذلك يوحى إليك .. له ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 7 - 1

1- فرستنده قرآن و رسولان ، همان پروردگار یگانه آسمان ها و زمین و موجودات است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ ... رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 37 - 2

2 - یگانه مالک گنجینه های وجود ، دارای اختیار در اعطای رسالت به برگزیدگان خود

أم عندهم خزائن ربك

از ارتباط آیات - که در زمینه اثبات حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رد منکران آن است - مطلب بالا استفاده می شود.

150- منشأ نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - انتخاب پیامبران از میان انسان ها و با ویژگی های انسانی ، برخاسته از بصیرت و بینایی همه جانبه خداوند بر احوال و نیاز های انسان ها

و ما أرسلنا قبلك من المرسلين إلاّ أنهم ليأكلون الطعام . . . و كان ربك بصيراً

151- منشأ نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 17

ص: 413

17 - دستیابی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به منصب رسالت در پرتو برخورداری آن حضرت از ربوبیت ویژه الهی

و رحمت ربّک خیر ممّا یجمعون

اضافه «ربّ» به کاف خطاب گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 28 - 1

1- خداوند ، فرستنده رسول خویش (محمد (صلی الله علیه و آله)) ، با دو ارمان هدایت و دین حق

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ

152- منکران نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 2

2- قوم عاد ، رسالت هود را از سوی خداوند ، برای دعوت به توحید و مبارزه با شرک باور نداشتند .

أجئتنا لنعبد الله وحده

استفهام در جمله «أجئتنا ..» استفهام انکاری ابطالی است. یعنی دلالت می کند که آنچه مورد استفهام واقع شده (مأموریت هود برای دعوت به یکتاپرستی)، بی اساس است و مدعی آن (حضرت هود) دروغگوست.

153- موانع شک به نبوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 48 - 4

4- در صورتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانش خواندن و نوشتن داشت ، باطل اندیشان ، درباره نبوت او ، به تردید می افتادند .

و ما کنت تتلوا من قبله .. إذا لآرتاب المبطلون

154- موانع قبول ادعای نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- مشخص نبودن پیشینه زندگی شخص ، مانع از پذیرش ادعای او در رابطه با نبوت و وحی

ألم يعرفوا رسولهم فهم له منكرون

ص: 414

155- موجبات نبوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 10

10- نیکوکاری یوسف (ع)، مایه رسیدن او به مقام نبوت بود.

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزي المحسنين

156- موسی (ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 14 - 5

5- موسی (ع) پیش از نبوت و دریافت وحی نیز، عارف به خداوند و پذیرای ربوبیت او بود.

إِنِّي أَنَا رَبِّكَ .. إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

دو جمله «إِنِّي أَنَا رَبِّكَ» و «إِنِّي أَنَا اللَّهُ» حکایت از آن دارد که موسی (ع) قبلاً این نام ها را می شناخته و بدان اعتقاد داشته است و در کوه طور به تطبیق «رَبِّ» و «اللَّهِ» بر صاحب صدا پی برد.

157- نبوت آل عمران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 35 - 8

8- نذر مخلصانه همسر عمران، زمینه برگزیدن آل عمران برای نبوت از سوی خداوند

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى .. آل عمران ... اذ قالت امرات عمران ربّ ائني نذرت لك

«اذ» متعلّق به «اصطفی» است؛ یعنی آنگاه خداوند آل عمران را برگزید که همسر عمران، نذری مخلصانه کرد. و اخلاص، از «لك» استفاده شده است.

158- نبوت ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 124 - 7

7- رسیدن ابراهیم (ع) به مقام امامت ، پس از احراز مقام نبوت بوده است .

قال إني جاعلك للناس إماماً

«من ذریتی» دلالت می کند که: ابراهیم(ع) آن هنگام که به مقام امامت رسید، دارای فرزند بوده است و قطعاً ابراهیم(ع) پیش از آن که دارای فرزند شود، به مقام نبوت رسیده بود. بنابراین، نبوت او پیش از امامتش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 84 - 2

ص: 415

2- ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندانش ، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . . . و الاسباط

چون «الاسباط» - به معنای نوه ها - پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 4

4- ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی ابرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 89 - 2

2- نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

«أولئک» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 38 - 6

6- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

و اتبعت مله ءاباء ای ابرهیم و إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 41 - 5

5- حضرت ابراهیم (ع) از صدیقان و از پیامبران الهی بود .

واذکر فی الکتب ابرہیم إنه کان صدیقاً نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 4

4- گفت وگویی ابراهیم (ع) با آزر، در زمان نبوت آن حضرت بوده است. *

إنه کان صدیقاً نبیاً . إذ قال لأبيه

در باره «إذ قال ..» چندین احتمال ادبی وجود دارد. 1- بدل برای «ابراهیم» باشد که در این صورت حکم مفعول به برای «اذکر» در آیه قبل را دارد. 2- ظرف برای «کان» و یا «نبیاً» باشد. برداشت فوق بر احتمال دوم مبتنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 73 - 10

10- ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد.

ص: 416

و أوحينا إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 43 - 1

1 - ابراهیم و لوط (ع) ، از پیامبران الهی

و قوم ابرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 35 - 20

20- « سماعه بن مهران قال : قلت لأبي عبد الله (ع) قول الله عزَّ وجلَّ « فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل » فقال : نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و محمد (صلى الله عليه و آله) . . . » ;

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق(ع) درباره آیه «فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل» سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد(صلی الله علیه و آله) هستند. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 26 - 1,2

1 - نوح و ابراهیم (ع) ، از رسولان الهی

و لقد أرسلنا نوحًا و ابرهیم

2 - حضرت نوح (ع) ، پیش از حضرت ابراهیم (ع) می زیسته است .

و لقد أرسلنا نوحًا و ابرهیم

تقدیم ذکری نوح(ع) در آیه شریفه، می تواند برای بیان تقدم زمانی آن حضرت بر حضرت ابراهیم(ع) باشد.

159- نبوت ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 56 - 3

3- حضرت ادريس (ع)، از صدیقان و دارای مقام نبوت بود.

إنه كان صدیقاً نبیاً

160- نبوت اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 84 - 2

2- ابرهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندانش، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . . . و الاسباط

چون «الاسباط» - به معنای نوه ها - پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

ص: 417

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 4

4 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، داوود ، یوسف ، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

«أولئک» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 5,6

5- اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

و اتبعت مله ءاباءِی ابرهیم و إسحق و یعقوب

6- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

و اتبعت مله ءاباءِی ابرهیم و إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 5

5- اسحاق و یعقوب (ع) ، فرزندان ابراهیم و از پیامبران الهی بودند .

و هبنا له إسحق و یعقوب و کلاً جعلنا نبیاً

اسحاق(ع)، فرزند ابراهیم(ع) بود، ولی یعقوب(ع) به دلیل آیه بیست و هفتم سوره هود (و من وراء إسحاق يعقوب) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 73 - 10

10- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحينا إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 27 - 3

3 - اسحاق و یعقوب (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و وهبنا له إسحق و يعقوب و جعلنا في ذرّيته النبوة

ص: 418

از مصداق های اتم و اکمل ذریه ابراهیم، اسحاق و یعقوب اند که خداوند به آنها، نبوت و کتاب عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 112 - 2

2- اسحاق (ع) (فرزند ابراهیم (ع))، از پیامبران الهی

و بشرنه یاسحق نبیاً

161- نبوت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 84 - 2

2- ابرهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندانش، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . . . و الاسباط

چون «الاسباط» - به معنای نوه ها - پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 163 - 4

4- ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب

وحی

و أوحینا إلی ابرهیم . . . و سلیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 89 - 3

3- زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام

نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 54 - 5

5- صداقت در وعده ، رسالت و نبوت اسماعیل (ع) ، علت گرامی داشت یاد و نام او در قرآن

واذکر فی الکتب إسمعیل إنه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً

162- نبوت الیاس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

ص: 419

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 123 - 1

1 - الیاس (ع)، از رسولان الهی

و إنّ الیاس لمن المرسلین

163- نبوت الیسع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

164- نبوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 33 - 8

8 - خداوند با اعطای علم، ایمان، اسم اکبر، میراث علم و آثار علم نبوت به انبیا، آنان را برگزیده است.

انّ الله اصطفی ادم و نوحاً

امام باقر(ع): ... یا محمّد ... فاتّی لم اقطع العلم و الايمان و الاسم الاکبر و میراث العلم و آثار علم النبوه ... من بیوتات الانبیاء الذین کانوا بینک و بین ابیک آدم و ذلک قول الله تبارک و تعالی: «انّ الله اصطفی ادم و ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 49 - 7

7 - معجزه ، وسیله ایجاد و باور به صدق نبوت پیامبران در انسانها

قد جئتکم بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 79 - 9

9 - ناسازگاری مقام نبوت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ص: 420

ما كان لبشر .. ثم يقول للناس كونوا عباداً لي من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 56 - 2

2 - كتب آسماني ، نبوت و حكومت پيامبران ، از آيات خداوند

فقد اتينا ال ابرهيم الكتب و الحكمه و اتيناهم ملكاً عظيماً .. انّ الذين كفروا با

با توجه به آيه 54 مي توان گفت: كتاب، حكمت و ملك عظيم از مصاديق «آياتنا» است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 164 - 1

1 - حضرت محمد (صلى الله عليه و آله) پيامبر و فرستاده اى از جانب خدا همانند ديگر پيامبران و فرستادگان خدا

و رسلا قد قصصنهم عليك من قبل و رسلا لم نقصصهم عليك

«رسلا» مفعول براى «ارسلنا»ى مقدر مى باشد، يعنى و ارسلنا رسلا و اين جمله عطف شده به «اوحينا الى ..» بنا بر اين در تشبيه با آن شريك است. با اين تفاوت كه لازمه معنای مشابه (انا اوحينا اليك) كه رسالت باشد، اراده شده است ; يعنى اى پيامبر تو رسول ما هستى چنانچه پيامبران پيشين عهده دار رسالت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 165 - 10

10 - فرستادن پيامبران مقتضای عزتمندى و حكمت خداوند

رسلا مبشرين و مندرين .. و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 89 - 5

5 - خداوند عطا كننده كتاب و منصب قضاوت و نبوت به پيامبران است.

أولئك الذين آتيناهم الكتب و الحكم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 6

6- مقام نبوت ، رحمت خاص خداوند به پیامبران

و ءاتنی رحمه من عنده

نکره آوردن «رحمه» دلالت بر عظمت دارد و توصیفش به «من عنده» حاکی از ارجمندی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 10

10- مقام نبوت ، روزی خاص و نیکوی خداوند به پیامبران است .

ورزقنی منه رزقاً حسناً

ص: 421

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 2

2- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و سایر پیامبران ، از ناحیه خداوند به رسالت برانگیخته شدند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 44 - 2

2- تفاوت انبیا با سایر انسان ها ، در دریافت وحی از خدا ، داشتن مقام نبوت و کتاب آسمانی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحي إليهم .. بالبينت و الزبر

برداشت فوق، بنابراین نکته است که آیه در ادامه معرفی انبیا باشد بدین صورت که: آنان از جنس بشر هستند (و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحي إليهم ..) و به آنان وحی می شود و....

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 71 - 13

13 - فرستادگان الهی ، با در دست داشتن وحی الهی در قالب عبارت های قابل تلاوت در میان مردم ، مبعوث می شدند .

الم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم آيات ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 1

1 - خداوند ، پیش از بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، رسولانی بسیار فرستاده است .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك

تنکیر «رسلاً» برای بیان تکثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 83 - 1

1 - جوامع و امت های پیشین ، برخوردار از فرستادگان الهی ، با پیام ها و دلایل روشن

فلما جاءتهم رسلهم بالبينات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 51 - 7

7 - بعثت رسولان و پیامبران ، یکی از راه های گفتوگوی خداوند با انسان ها

أو يرسل رسولا

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که فرستادن رسول غیر از وساطت فرشتگان در ابلاغ وحی بوده و «فیوحی» نظر به ابلاغ وحی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 6 - 2

ص: 422

2- رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، در ادامه سنت الهی بر بعثت پیامبران

و کم أرسلنا من نبی

165- نبوت برادران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 89 - 4

4- برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و... بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

166- نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 63 - 3,4

3- بعثت فردی از بشر برای رسالت، شگفت آور و نامعقول در دیدگاه قوم نوح

أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

4- اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر، رسالت وی را انکار کردند.

إننا لنریک فی ضلل مبین .. أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 31 - 5

5- بشر، شایسته دستیابی به مقام رسالت و پیامبری است.

و لأقول إنی ملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 10 - 18

18- کافران معتقد بودند که آدمیان توان نیل به مقام رسالت را ندارند .

إِن أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا

کافران، در پاسخ دعوت انبیا به ایمان، می گفتند: «إِن أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا»، و این جواب، حاکی از آن است که آنان به این معتقد بودند که بشر، نمی تواند پیامبر شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 11 - 1

1- انبیا در مقابل اقوام کافر که بشر بودن را با مقام پیامبری منافی می دانستند، بر بشر بودن خود تأکید می کردند و عدم تنافی آن را با مقام نبوت اعلام می داشتند .

ص: 423

قالوا إن أنتم إلا بشر مثلنا . . . قالت لهم رسالهم إن نحن إلا بشر مثلكم ولكننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 11

11 - بعثت رسولی از میان نسل بشر ، پدیده ای نو و بی سابقه در نظر قوم نوح

ما سمعنا بهذا فی ابائنا الأولین

کلمه «هذا» به قرینه «و لو شاء الله لأنزل ملائکه» اشاره دارد به موضوع بعثت رسولی از میان نسل بشر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 21 - 7

7 - طرح موضوع پیشینه داشتن خط رسالت و بی سابقه نبودن رسالت بشری ، از سوی موسی (ع) برای فرعون

و جعلنی من المرسلین

تعبیر «و جعلنی من المرسلین» (مرا از پیامبران قرارداد) به جای «جعلنی رسولاً» (مرا پیامبر قرار داد) می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

167- نبوت پدران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 4

4 - برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و . . .) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ابائهم و ذریتهم و إخونهم . . . أولئك الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

168- نبوت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 6

6- حصرت خضر ، دارای مقام نبوت بود . *

بدان احتمال که مراد از «رحمة من عندنا» نبوت باشد. آوردن ضمیر جمع در «عندنا» که حاکی از نقش وسایط در رحمت مورد نظر است و نیز اطلاق «رحمت» بر «نبوت» در برخی آیات دیگر، این احتمال را تأیید می کند.

169- نبوت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 424

4 - برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و... بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

170- نبوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 14

14 - حضرت داود (ع) از پیامبران پس از نوح (ع) و دارای کتابی از جانب خدا به نام زبور

و ءاتینا داود زبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 8

8 - حضرت داود (ع) و عیسی (ع) از پیامبران بنی اسرائیل می باشند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

«أولئک» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 5

5- داوود (ع)، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

171- نبوت در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 16 - 1

1 - اعطای کتاب آسمانی، حکومت و نبوت به بنی اسرائیل از سوی خداوند

ءاتینا بنی إسرئیل الکتب و الحکم و النبوءه

ص: 425

172- نبوت در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 68 - 12

12 - وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم یأت اباہم الاوّلین

173- نبوت در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 6

6- یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوت نایل گردید .

ولما بلغ أشدّه ءاتینہ حکمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که «حکم» را به مقام نبوت و «علم» را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

174- نبوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 15 - 12

12- یوسف (ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحینا إلیہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 14

14- «علی بن اسباط قال : رأیت أبا جعفر (ع) . . . فقال یا علی إنّ اللّٰه إحتج فی الإمامہ بمثل ما احتجّ به فی النبوّ فقال : « و آتیناه الحکم صبیًا » . . . فقد یجوز أن یؤتی الحکمہ و هو صبی . . . »

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . . . به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: «و آتیناه الحکم صبیًا» . . . پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 4,10,11

4- حضرت عیسی (ع) در خردسالی ، خود را بنده خدا ، صاحب کتاب آسمانی و پیامبری الهی معرفی کرد .

قال إني عبد الله أتيني الكتب و جعلني نبياً

ص: 426

10- « عن يزيد الكناسي قال : سألت أبا جعفر (ع) أكان عيسى بن مريم حين تكلم في المهدي حجه الله على أهل زمانه ؟ فقال : كان يومئذ نبياً حجه الله غير مرسل ، أما تسمع لقوله حين قال : « إني عبد الله آتاني الكتاب و جعلني نبياً » . . . فلما بلغ عيسى سبع سنين تكلم بالنبوه والرساله حين أوحى الله تعالى إليه ؛

از يزيد كناسي نقل شده كه گفت: از امام باقر(ع) سؤال كردم آيا عيسى بن مريم(ع) آن گاه كه در گهواره بود حجت خدا بر اهل زمانش بود؟ فرمود: (عيسى(ع)) در آن زمان پيامبر و حجت خدا بود، اما مأموريت رسالت نداشت، آيا سخن او را نمي شنوي آن گاه كه گفت: «. . . و جعلني نبياً» . . . پس آن گاه كه به هفت سالگي رسيد، ابراز نبوت و رسالت كرد، همان هنگام كه خدا به او وحى كرد.».

11- « عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) : . . . وهذا عيسى بن مريم (ع) . . . حين أشارت إليه . . . قال : إني عبد الله آتاني الكتاب « . . . أعطى كتاب النبوه وأوصى بالصلاه والزكاه في ثلاثه أيام من مولده و كلمهم في اليوم الثاني من مولده . . . ؛

از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) روايت شده كه فرمود: . . . و اين عيسى بن مريم(ع) است كه وقتي مريم به او اشاره كرد گفت: «إني عبد الله آتاني الكتاب» . . . كتاب نبوت به او داده شد و به نماز و زكات سفارش گرديد (و اين همه) ظرف سه روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...».

175- نبوت در نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صفات - 37 - 77 - 4

4- « عن أبي جعفر (ع) في قوله : « و جعلنا ذريته هم الباقين » يقول : بالحقّ و النبوه و الكتاب و الإيمان في عقبه ، و ليس كلّ من في الأرض من بني آدم من ولد نوح (ع) . . . ؛

از امام باقر(ع) [درباره سخن خداوند كه مي فرمايد: «و جعلنا ذريته هم الباقين»] روايت شده است: خدا مي فرمايد: ذريه او را با حق و نبوت و كتاب و ايمان باقى قرار داديم و آن طور نيست كه تمام فرزندان آدم - كه در روي زمين زندگي مي كنند - از فرزندان نوح(ع) باشند. . .».

176- نبوت در نوزادي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 30 - 3

3- حضرت عيسى (ع) در دوران نوزادي ، داراي كتاب الهى و مقام نبوت بوده است .

ءاتيني الكتب و جعلني نبياً

177- نبوت ذوالقرنين

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 83 - 9

9- « عن أبي جعفر (ع) قال: إنَّ ذا القرنين لم يكن نبياً و لكنّه كان عبداً صالحاً أحبّ الله فأحبّه الله و ناصح لله فناصحه

ص: 427

اللّه . أمر قومه بتقوى الله فضربوه على قرنه ، فغاب عنهم زماناً ، ثم رجع إليهم ، فضربوه على قرنه آخر و فيكم من هو على سنته ؛

از امام باقر(ع) روایت شده: ذی القرنین، پیامبر نبود و لکن بنده صالحی بود که خدا را دوست داشت، پس خدا نیز او را دوست داشت؛ برای خدا خالصانه عمل می کرد، پس خدا هم خیر او را خواست. او قوم خود را به تقوای خدا امر کرد، آن قوم ضربتی بر قرن او (یعنی یک طرف سر او) وارد کردند، پس، مدّت زمانی را از آن ها پنهان شد، سپس به سوی آنان بازگشت، پس ضربتی به قرن دیگرش (یعنی طرف دیگر سرش) وارد کردند و در میان شما [نیز] کسی وجود دارد که همانگونه خواهد شد.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 84 - 9

9- « عن الأصبغ بن نباته ، عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال : سئل عن ذی القرنین قال : . . . و جعل عزّ ملكه و آیه نبوّته فی قرنه . . . و آتاه الله من كلّ شيء علماً يعرف به الحقّ و الباطل . . . و أوحى الله إليه . . . فقد طويت لك البلاد و ذلّت لك العباد فأرهبتهم منك . . . فلم يبلغ مغرب الشمس حتّى دان له أهل المشرق و المغرب قال : و ذلك قول الله : « إنا مكّنا له فی الأرض و آتیناه من كلّ شيء سبباً » ؛

از اصبغ بن نباته، روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) در پاسخ سؤال از ذی القرنین فرمود: . . . (خداوند) قدرت پادشاهی و نشانه نبوت او را در شاخ اش قرار داد . . . و از هر چیزی، خداوند، به او دانشی عطا کرد تا به وسیله آن، حق و باطل را بشناسد . . . و خدا به او وحی فرمود: . . . شهرها را در اختیار تو قرار دادم و بندگان را برای تو رام و دل آنان را از بیم تو پر کردم . . . پس هنوز به محل غروب خورشید نرسیده بود که اهل شرق و غرب عالم، تسلیم او شدند. سپس (امیرالمؤمنین) فرمود: و این سخن خداوند است که می فرماید: إنا مكّنا له فی الأرض و آتیناه من كلّ شيء سبباً.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 11

11- ذوالقرنین از پیامبران بود و به مقام دریافت سخن های خداوند نایل شده بود . *

قلنا یذا القرنین

ظاهر کلمه «قلنا» خطاب مستقیم است، گرچه احتمال الهام و یا رساندن پیام به وسیله پیامبری دیگر نیز وجود دارد.

178- نبوت زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتاهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 7 - 3

3- زكريا (ع) از مقام نبوت و تلقى وحى ، برخوردار بود .

ص: 428

یزکریا إنا نبشرك بغلم

ظاهر آیه این است که زکریا، خود پیام الهی را دریافت کرده است، نه این که پیام خداوند را پیامبری دیگری دریافت کرده و به زکریا رسانده باشد.

179- نبوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 1

1 - حضرت سلیمان ، پیامبری دارای سلطنت و حکومت

علی ملک سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 4

4 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 9

9 - افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

مراد از «ما آتان الله» حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است؛ چرا که اولاً دربار سبباً نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای «خیر» باید می فرمود «ما آتانی الله أكثر ممّا آتاکم».

180- نبوت شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 1

1 - شعيب از انبيا و فرستادگان الهی

و إلى مدین أخواهم شعیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 93 - 5,7

5 - شعيب (ع)، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

لقد أبلغتكم رسالت ربي

7 - شعيب (ع)، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

ص: 429

و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 1

1 - خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در «من بعدهم» پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 1

1- شعیب (ع) ، از انبیا و فرستادگان الهی است .

و إلى مدین أھام شعیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 8

8- خداوند ، شعیب (ع) را از روزی و نعمت خاص و نیکوی خویش بهره مند ساخت و او را به مقام نبوت رسانید .

أرءیتم إن . . . رزقنی منه رزقاً حسناً

مقصود از «رزقاً حسناً» به مناسبت مورد ، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 44 - 1

1 - موسی و شعیب (ع) ، از پیامبران الهی

فقد کذبت . . . و أصحاب مدین و کذب موسی

اصحاب مدین، قوم شعیب بودند؛ همان طور که در آیه 8 سوره «اعراف» آمده است: «و إلى مدین أھام شعیباً . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - شعيب (ع) از پیامبران الهی بود که به شهر مدین فرستاده شد .

و لقد أرسلنا نوحًا و... و إلى مدین أخاهم شعيبًا

181- نبوت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 1

1 - صالح (ع) ، از انبیا و فرستادگان الهی

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

ص: 430

«إلى ثمود» عطف بر «إلى قومه» و «أخاهم» عطف بر «نوحاً» در آیه 59 است، یعنی: أرسلنا إلى ثمود أخاهم صالحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 6, 8, 1

1 - صالح (ع)، از پیامبران الهی

أتعلمون أن صالحاً مرسل من ربه

6 - اشراف کفرپیشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند.

قال الملاء .. أتعلمون أن صالحاً مرسل من ربه

8 - مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند.

أتعلمون .. قالوا إنا بما أرسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 1

1 - خداوند، موسی (ع) را پس از نوح، هود، صالح، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد.

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در «من بعدهم» پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 1

1 - صالح (ع)، از پیامبران و رسولان الهی بود.

ولقد أرسلنا .. و إلى ثمود أخاهم صالحاً

«إلى ثمود» عطف بر «إلى قومه» و «أخاهم» عطف بر «نوحاً» در آیه بیست و پنجم است؛ یعنی: لقد أرسلنا إلى ثمود أخاهم صالحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 6

6- خداوند، صالح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید.

و ائتی منه رحمه

مقصود از «رحمه»، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 42 - 4

4- نوح، هود و صالح (ع)، از پیامبران الهی

فقد کذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 431

13 - نمل - 27 - 45 - 1

1 - صالح (ع) ، رسول و فرستاده خدا به سوی قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلى ثمود .. صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 25 - 3

3 - قوم ثمود ، براساس ملاک های مادی خود ، معتقد به وجود افرادی شایسته تر از صالح (ع) برای پیامبری

ألقى الذكر عليه من بيننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 13 - 1

1 - حضرت صالح (ع) ، رسول خدا و پیامبر قوم ثمود بود .

فقال لهم رسول الله

ذكر وصف «رسالت» به جای نام صالح(ع) تأکید بر الهی بودن گفته های آن حضرت است.

182- نبوت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 39 - 14، 10

10 - یحیی ، تصدیق کننده و مبلغ رسالت و نبوت عیسی بن مریم (س)

مصدقاً بكلمه من الله

«كلمه الله»، عیسی بن مریم است؛ به دلیل آیه چهل و پنجم از سوره آل عمران.

14 - اعتقاد به نبوت عیسی (ع) ، ارزشی برای یحیی

مصدقاً بكلمه من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - احتجاج بحق نصارا، با يهود، درباره اثبات نبوت حضرت عيسى (ع)

حاججتم فيما لكم به علم

احتجاج نصارا در موردی که علم داشتند، عبارت بود از نبوت حضرت عيسى (ع) که این احتجاج، حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 84 - 3

3 - موسى و عيسى از انبيای الهی و دارای کتاب

و ما أوتى موسى و عيسى

ظاهراً مراد از «ما أوتى»، کتاب است.

ص: 432

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 157 - 5

5 - حضرت عیسی (ع)، فرزند مریم (ع) و رسولی از جانب خداست .

و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 4

4 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 8

8 - حضرت عیسی (ع)، فرزند مریم و پیامبر خداست .

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 46 - 1

1 - حضرت عیسی (ع)، فرستاده ای از جانب خدا پس از پیامبران یهود

و قفینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم

«قفینا» از مصدر «تقفیه» به معنای چیزی را به دنبال چیزی دیگر آوردن است و ضمیر «ءاثرهم» به «النیین» بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 8

8 - حضرت داود (ع) و عیسی (ع) از پیامبران بنی اسرائیل می باشند .

لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داود وعيسى ابن مريم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زكريا، يحيى، عيسى، الياس، اسماعيل، اليسع، يونس و لوط(ع)، بهره مند از تعاليم آسماني (كتاب) و داراي منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 30 - 11، 4، 3

ص: 433

3- حضرت عیسی (ع) در دوران نوزادی، دارای کتاب الهی و مقام نبوت بوده است.

ءاتینی الکتب و جعلنی نبیاً

4- حضرت عیسی (ع) در خردسالی، خود را بنده خدا، صاحب کتاب آسمانی و پیامبری الهی معرفی کرد.

قال إني عبد الله ءاتيني الکتب و جعلني نبياً

11- «عن رسول الله (صلى الله عليه وآله): ... وهذا عيسى بن مريم (ع) ... حين أشارت إليه ... قال: إني عبد الله آتاني الكتاب»
... أعطى كتاب النبوه وأوصى بالصلاه والزكاه في ثلاثه أيام من مولده و كلمهم في اليوم الثاني من مولده ... ;

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روایت شده که فرمود: ... و این عیسی بن مریم (ع) است که وقتی مریم به او اشاره کرد گفت: «إني عبد الله آتاني الكتاب» ... کتاب نبوت به او داده شد و به نماز و زکات سفارش گردید (و این همه) ظرف سه روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 59 - 12، 7

7 - تنها امتیاز عیسی (ع) بر سایر بنی اسرائیل، برخورداری آن حضرت از نعمت خدادادی نبوت بود.

إن هو إلا عبد أنعمنا عليه

12 - عیسی (ع)، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل*

و جعلنه مثلاً لبني إسرائيل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر «مثلاً لبني اسرائيل» از این باب باشد که عیسی (ع) تنها برای بنی اسرائیل مبعوث شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 35 - 20

20- «سماعه بن مهران قال: قلت لأبي عبد الله (ع) قول الله عزّوجلّ «فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل» فقال: نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و محمد (صلى الله عليه وآله) ... ;

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه «فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل» سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد (صلى الله عليه وآله) هستند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 4،6

4- عیسی (ع)، از پیامبران الهی

وَقَفَّینَا بِعِیْسَى

6- بعثت عیسی (ع)، پس از موسی (ع) و پیامبران بعد از او بوده است .

ثُمَّ قَفَّینَا عَلَیْهِمْ بَرَسَلْنَا وَقَفَّینَا بِعِیْسَى ابْنِ مَرْیَمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 2

2- عیسی (ع)، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل

بِیْنِیْ اِسْرَءِیْلَ اِنِّیْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَیْکُمْ

ص: 434

183- نبوت فرزندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 4

4 - برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و... بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

184- نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 1

1 - لوط، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطا إذ قال لقومه

کلمه «لوط» می تواند عطف بر «نوحاً» در آیه 59 باشد؛ یعنی «و أرسلنا لوطاً». و نیز می تواند مفعول به برای فعل مقدر «اذکر» باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 1

1 - خداوند، موسی(ع) را پس از نوح، هود، صالح، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد.

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در «من بعدهم» پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 43 - 1

1 - ابراهیم و لوط (ع)، از پیامبران الهی

و قوم ابرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 435

1 - لوط (ع)، از پیامبران الهی و ادامه دهنده خط رسالت

و لقد أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحاً . . . و لوطاً

کلمه «لوطاً» می تواند عطف به «صالحاً» و به تقدیر «و أرسلنا لوطاً» باشد. هم چنین می تواند مفعول برای فعل محذوف و به تقدیر «و اذکر لوطاً» باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 1

1 - حضرت لوط (ع)، پیامبری فرستاده شده از جانب خداوند

و لقد أرسلنا نوحاً . . . و إبرهیم . . . و لوطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 133 - 1

1 - لوط (ع)، از رسولان الهی

و إنَّ لوطاً لمن المرسلین

185- نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 90 - 11

11 - یهودیان، به خاطر نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رسالت آن حضرت، بر او حسادت میورزیدند .

بغیاً أن ينزل الله من فضله علی من یشاء من عباده

عبارت «أن ينزل الله . . .» به تقدیر «لام» بیانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای «أن یکفروا . . . من عباده» چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به قرآن کافر شدند و منشأ حسادتشان این بود که خدا محمد (صلی الله علیه و آله) - که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « انا دعوه ابراهيم قال و هو يرفع القواعد من البيت ربنا و ابعث فيهم رسولا منهم . . . »

من اجابت شده دعای ابراهیم(ع) هستم. ابراهیم در حالی که پایه های خانه کعبه را بالا می برد، گفت: پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان مبعوث کن ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - اصبغ بن نباته از علی (ع) روایت کرده که آن حضرت درباره آیه « الحق من ربك . . . » فرمود: « . . . الحق من ربك (انك الرسول إليهم) فلا تكونن من الممترین . . . »

ص: 436

... تو رسول به سوی آنان هستی، پس هیچ گونه شکی در آن نداشته باش ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 187 - 20

20 - بیان و اظهار نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) توسط اهل کتاب پس از بعثت ایشان، پیمان خداوند از آنان

و اذ اخذ الله میثاق الذین اتوا الکتب لتبیینته للناس و لا تکتُمونه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ الله اخذ میثاق الذین اتوا الکتب فی محمّد (صلی الله علیه و آله) «لتبیینته للناس» اذا خرج و لا یکتُمونه ...

تفسیر قمی، ج 1، ص 128؛ بحار الانوار، ج 9، ص 192، ح 35.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 1

1 - خداوند به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) وحی کرد و وی را به پیامبری برانگیخت .

إنا أوحینا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 164 - 1

1 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر و فرستاده ای از جانب خدا همانند دیگر پیامبران و فرستادگان خدا

و رسلا قد قصصنهم علیک من قبل و رسلا لم نقصصهم علیک

«رسلا» مفعول برای «ارسلنا»ی مقدر می باشد، یعنی و ارسلنا رسلا و این جمله عطف شده به «اوحینا الی ...» بنابراین در تشبیه با آن شریک است. با این تفاوت که لازمه معنای مشبه (انا اوحینا الیک) که رسالت باشد، اراده شده است؛ یعنی ای پیامبر تو رسول ما هستی چنانچه پیامبران پیشین عهده دار رسالت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاده ای از جانب خدا به همراه رسالت و معارفی سراسر حق

قد جاءکم الرسول بالحق

در برداشت فوق «باء» در «بالحق» به معنای مصاحبت گرفته شده است و مراد از آن می تواند تعالیم و معارف الهی که همان رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 15 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فرستاده خداوند

قد جاءکم رسولنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 437

8 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، دارای کتاب و مقام حکم و قضاوت و نبوت از جانب خداوند است.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوہ فإن یکفر بها هؤلاء

گر چه در این آیه نام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به صراحت نیامده، ولی یاد انبیای گذشته و اشاره به مقامات آنان و همچنین سخن از کفر مردم مکه، با لطافتی تمام، اشاره به این دارد که خداوند همان مقامات را به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نیز عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 6,9

6 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرستاده ای از جانب خدا که هرگز نوشتن را آموزش ندید .

الرسول النبی الأمی

«امی» به کسی گفته می شود که نوشتن را نیاموخته است. برخی از اهل لغت نخواندن کتاب را نیز در معنای امی ذکر کرده اند.

9 - تصریح تورات و انجیل به برخوردار بودن پیامبر موعود از مقام رسالت علاوه بر مقام نبوت

الرسول النبی الأمی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوریه و الإنجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 2 - 1

1 - ادعای نبوت از سوی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) امری شگفت و باور نکردنی برای مردم عصر بعثت

أکان للناس عجباً أن أوحینا إلی رجل منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 3

3 - بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن، از مقتضیات ربوبیت خدا بر انسان ها و در راستای تربیت و رشد آنان است .

أکان للناس عجباً أن أوحینا إلی رجل منهم .. إن ربکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 2 - 7

7- محمد (صلی الله علیه و آله) ، پیامبری از ناحیه خداوند

إننی لکم منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 30 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاده و رسولی از ناحیه خداوند در میان مردم

أرسلنک فی أمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 2

ص: 438

2- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و سایر پیامبران ، از ناحیه خداوند به رسالت برانگیخته شدند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاده و رسولی از ناحیه خداوند

و يقول الذين كفروا لست مرسلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 86 - 2

2- پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، شخصیتی که از جانب خداوند به او وحی می شد .

و لئن شئنا لنذهبن بالذی أوحینا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 14

14- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، انسانی همانند دیگر انسان ها و امتیاز و ویژگی او تنها به رسالت و پیامبری است .

قل سبحان ربی هل کنت إلا بشراً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 218 - 4

4 - « عن أبی جعفر (ع) قال « الذی یراک حین تقوم فی النبوه . . . » ;

از امام باقر(ع) درباره «الذی یراک حین تقوم» روایت شده که فرمود: [مراد از قیام، قیام] در مسأله نبوت است.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 5

5 - برخوردارى پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدایت های قرآن و مقام رسالت ، مقتضی سپاس گزاری او به درگاه الهی و ستایش ذات

خدای یگانه در همه حال

وَأَنْ أتلُوا الْقُرْآنَ .. الْمُنذِرِينَ . وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

آیات پیشین، در زمینه رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود و نیز آن حضرت مأموریت یافت که بر طریق تلاوت قرآن استوار بماند؛ بنابراین آمدن عبارت "قل الحمد لله" در پی تلاوت آن، مطلب یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 45 - 8

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاده ای از جانب خداوند

و ما كنت ثاوياً في أهل مدين .. و لکنّا کتّا مرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 439

6 - محمد (صلی الله علیه و آله)، پیامبری از جانب خداوند برای مردم است .

ولکن رسول الله

9 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، دارای مقام رسالت (پیامرسان خدا به مردم) و نبوت (آورنده اخبار غیبی درباره شریعت) بود .

ولکن رسول الله و خاتم النبیین

در تفاوت میان مقام رسالت و نبوت، آمده است: «رسول»، صاحب کتاب است و «نبی»، از خداوند خبر می دهد. و «رسالت» به خداوند اضافه می شود در حالی که «نبوت» چنین نیست. «رسول»، پیام آور و «نبی»، انجام دهنده امر رسالت است (معجم الفروق اللغویه).

13 - آنچه را که خداوند درباره نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ختم آن بیان کرده، براساس علم و آگاهی همه جانبه او است .

ولکن رسول الله و خاتم النبیین و كان الله بكلّ شیء علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 44 - 6

6 - خداوند، برای مشرکان مکه قبل از رسول گرامی اسلام، پیامبری مبعوث نکرده بود .

و ما أرسلنا إليهم قبلک من نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 3 - 4

4 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، از رسولان الهی است .

إنک لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 52 - 7

7 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، پیش از نزول وحی با کتاب های آسمانی و مفاهیم قرآن هیچ آشنا نبود .

ما کنت تدری ما الکتب ولا الإیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 3

3 - بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، تحقق اراده الهی به استمرار آیین توحیدی در نسل ابراهیم (ع)

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه . . . حتّی جاءهم الحقّ و رسول مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 35 - 20

20 - « سماعه بن مهران قال : قلت لأبی عبداللّه (ع) قول اللّٰه عزّوجلّ « فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل » فقال : نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (صلی الله علیه و آله) . . . » ;

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه «فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل» سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد (صلی الله علیه و آله) هستند. . .».

ص: 440

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 3

3 - وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان فرستاده خدا در میان امت ، مقتضی تبعیت مردم از آن حضرت و نه تحمیل آرای عمومی بر ایشان

واعلموا أنّ فیکم رسول اللّٰه لو یطیعکم . . . لعنتّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 7 - 2

2 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ، رسول و فرستاده خداوند است .

ءامنوا باللّٰه ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 8 - 4

4 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ، رسول و فرستاده خداوند است .

و الرسول یدعوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 9 - 16

16 - بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن ، جلوه ای از رأفت و رحمت خداوند بر خلق

هو الذی ینزل . . . و إنّ اللّٰه بکم لرءوف رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 28 - 2

2 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ، رسول خدا و پیام آور او است .

اتّقوا اللّٰه وءامنوا برسوله

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

18 - مجادلہ - 58 - 9 - 4

4 - حضرت محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ) ، رسول خدا و پیام آور از جانب او

و معصیت الرسول

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

18 - مجادلہ - 58 - 12 - 2

2 - حضرت محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ) ، رسول خدا و پیام آور از جانب او بود .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ

ص: 441

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 13 - 11

11 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ، رسول خدا و پیام آور از جانب او

و أطیعوا الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 20 - 3

3 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ، رسول و پیام آور از جانب خداوند

یحادّون الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 7

7 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ، رسول و پیام آور از جانب خداوند

من حادّ الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 11 - 4

4 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ، رسول خدا و پیام آور از جانب او

تؤمنون بالله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 2 - 4

4 - تجلی عزّت و حکمت خداوند در بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

العزیز الحکیم . هو الذی بعث فی الأمّین رسولاً منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بعثت پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ) و برگزیدہ شدن آن حضرت از جانب خداوند به نبوت و رسالت ، فضل الہی به ایشان

ذلک فضل اللہ

در مشارالیه «ذلک» چند احتمال وجود دارد برداشت یاد شده بدان احتمال است کہ «ذلک» اشارہ به بعثت پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ) داشته باشد.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

19 - منافقون - 63 - 1 - 6

6 - حضرت محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ) ، رسول خدا و پیام آور از جانب او

واللہ یعلم إنک لرسولہ

ص: 442

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 5 - 4

4 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) رسول خدا و پیام آور از جانب او

یستغفر لکم رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 7

7 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) رسول خدا و پیام آور از جانب او

علی من عند رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 15 - 4

4 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و موسی (ع) ، از رسولان الهی

إنا أرسلنا إليکم رسولاً .. . كما أرسلنا إلى فرعون رسولاً

186- نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 1,8

1 - خداوند بر فرض انتخاب فرشتگان برای پیامبری، آنان را به صورت بشر قرار می داد.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

8 - خداوند، فرشتگان را برای آدمیان به پیامبری بر نمی گزیند.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

حرف «لو» در مواردی به کار می رود که شرط، امری ممتنع و غیرعملی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- در نظر مشرکان تنها ملائکه ، شایسته رسالت و پیامبری بودند .

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل لو كان في الأرض ملئكة ... لنزلنا عليهم من الس

از پاسخ خداوند در قبال اعجاب مشرکان و از گفته آنان (أبعث الله بشراً رسولاً) استفاده می شود که آنان، توقع داشتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جنس ملائکه باشد نه از جنس بشر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 9

9 - تنها فرشتگان ، شایسته رسالت الهی در بینش اشراف کافر قوم نوح

ولو شاء الله لأنزل ملائكة

ص: 443

«مشیه» (مصدر «شاء») به معنای خواستن و اراده کردن و «إنزال» (مصدر «أنزل») به معنای فرو فرستادن است. «ملائکه»، جمع «ملک» (فرشتگان) می باشد؛ یعنی: «اگر خدا می خواست، قطعاً فرشتگانی فرو می فرستاد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 11، 9

9 - پندار باطل قوم عاد و ثمود، مبنی بر لزوم فرشته بودن رسولان الهی

قالوا لو شاء ربنا لأنزل ملئکه

11 - فرشتگان - در دید قوم عاد و ثمود - موجوداتی برتر از آدمیان و شایسته تر برای رسالت از جانب خداوند

قالوا لو شاء ربنا لأنزل ملئکه

از این که قوم عاد و ثمود، پیامبران خویش را به واسطه بشر بودن انکار می کردند و نبوت را فقط لایق فرشتگان می دانستند، مطلب بالا استفاده می شود.

187 - نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 53 - 1

1 - موسی (ع) از پیامبران دارای کتاب و شریعت

و إنا آتینا موسی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 108 - 5

5 - موسی (ع)، پیامبری مبعوث شده پیش از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

كما سئل موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 84 - 3

3 - موسی و عیسی از انبیای الهی و دارای کتاب

و ما أوتی موسی و عیسی

ظاهراً مراد از «ما أوتی»، کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوه

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

ص: 444

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 5

5 - موسی (ع) پیامبری از جانب خداوند برای ارشاد و هدایت فرعون زمان خویش و بزرگان دربار وی

إلی فرعون و ملایه

کلمه «فرعون» عنوان و لقب پادشاهان و حاکمان بزرگ مصر در عصرهای گذشته بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 104 - 1

1 - موسی پس از بعثت به نبوت با حضور در برابر فرعون و گفتگو با وی، رسالت الهی خویش را به او اعلان کرد.

وقال موسی یفرعون إنی رسول من رب العلمین

کلمه «واو» در «وقال ..» بیانگر این است که در قبل از بیان رسالت سخنانی بین موسی و فرعون مبادله شده بود که به سبب دخالت نداشتن آنها در موضوع بحث، بیان نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 122 - 6

6 - هارون همراه و همگام موسی (ع) در ابلاغ رسالت های الهی

رب موسی و هرون

هدف ساحران از یاد کردن «هارون» در کنار موسی می تواند بدان جهت باشد که وی نیز در ارشاد آنان نقشی بسزا داشته و یا بدان جهت بوده که مبادا فرعون چنین وانمود کند که منظور ساحران از رب موسی، فرعون است. زیرا همگان می دانستند که او برای مدتی سرپرستی موسی (ع) را به عهده گرفته بود. چنانچه گفته است: «الم نربک فینا ولیداً» (شعرا، 18). بنابراین ساحران با یادکردن از هارون در صدد دفع این توهم بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 12

12 - موسی (ع)، علاوه بر مقام نبوت، منصب امامت و رهبری سیاسی بنی اسرائیل را نیز عهده دار بود.

وقال موسى لأخيه هرون اخلفني في قومي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 96 - 1

1- موسى (ع) از پیامبران الهی است .

و لقد أرسلنا موسى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 110 - 1

1- موسى (ع) از پیامبران دارای کتاب آسمانی است .

و لقد آتينا موسى الكتب

ص: 445

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 5 - 1

1- حضرت موسی (ع) ، همراه با آیات و معجزات متعدد از سوی خداوند برای مردم عصر خویش مبعوث شد .

و لقد أرسلنا موسی بآیتنا أن أخرج قومک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 2 - 3

3- موسی (ع) از پیامبران دارای شریعت بود .

و آتینا موسی الکتب

اعطای کتاب مستقل به موسی(ع) نشانگر تعالیمی جدید و شریعتی جدا از شریعتهای سابق است و این حکایت از آن دارد که موسی(ع) دارای شریعت مستقل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 51 - 6

6- حضرت موسی (ع) برگزیده خداوند و دارای مقام رسالت و نبوت بود .

إنّه کان مخلصاً و کان رسولاً نبیاً

فرق «رسول» و «نبی» این است که هر کس رسالت الهی دارد «نبی» نیز می باشد، زیرا «نبی» یعنی دارای خبر، ولی ممکن است کسی نبی باشد، اما به سوی شخصی یا قومی ارسال نشده و حامل رسالت الهی نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 13 - 4,5 - 1

1 - خداوند ، موسی (ع) را به پیامبری برگزید و در وادی طوی او را از انتخاب شدن به رسالت ، آگاه ساخت .

و أنا اخترتک فاستمع لما یوحی

به قرینه «لما یوحی»، اختیار شدن موسی(ع) به معنای گزینش او برای پیامبری و تحمل وحی الهی است.

4- خداوند ، موسی (ع) را پس از برگزیدن به پیامبری ، به گوش فرادادن و دریافت وحی فرمان داد .

و أنا اخترتك فاستمع لما یوحی

5- سخن خداوند با موسی (ع) در وادی طوی (پای کوه طور) ، به صورت وحی بوده است .

فاستمع لما یوحی

جمله «إِنِّي أَنَا اللَّهُ» (در آیه بعد) بدل برای «ما یوحی» است. بنابراین آنچه در پایین کوه طور با موسی (ع) گفته شده بود، وحی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 36

36- سپری شدن سال هایی از عمر موسی (ع) در مدین و پیدا کردن شایستگی های لازم برای رسالت ، از جمله نعمت های خداوند به موسی (ع) بود .

و لقد مننا علیک مرّه آخری .. إذ تمشی أختک

ص: 446

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 71 - 2

2- ساحران فرعون، موسی و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند.

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، «آمَّنَّا رَبَّ هَارُونَ وَمُوسَى» بود؛ ولی فرعون در توبیخ خود، آنان را مؤمن به موسی (ع) معرفی کرد. گفتنی است که این نکته گویای تلازم ایمان به «رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ» با ایمان به رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 48 - 1,5

1- حضرت موسی و هارون (ع)، دو پیامبر دارای کتاب آسمانی و رسالت مشترک

و لقد آتینا موسی و هرون الفرقان و ضیاء و ذکرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «الفرقان» کتاب آسمانی تورات باشد. بر این اساس دادن کتاب آسمانی به هارون در کنار حضرت موسی (ع)، بیانگر این است که او نیز مانند موسی (ع) در نبوت و دریافت کتاب آسمانی شریک و برابر بود.

5- حضرت موسی و هارون (ع)، دو پیامبر برخوردار از حجت و برهان الهی

و لقد آتینا موسی و هرون الفرقان

یکی از معانی لغوی «فرقان» حجت و برهان است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 44 - 1

1 - موسی و شعیب (ع)، از پیامبران الهی

فقد کذبت .. و أصحاب مدین و کذب موسی

اصحاب مدین، قوم شعیب بودند؛ همان طور که در آیه 8 سوره «اعراف» آمده است: «وإلی مدین أخواهم شعیباً...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 45 - 1

1 - موسی و هارون (ع)، دو پیام آور الهی

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون بآیتنا و سلطن مبین

«آیه» (مفرد «آیات») به معنای نشانه است و «سلطان» مرادف حجت و «مبین» (از «ایانه») به معنای روشن و آشکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 35 - 1

1 - موسی (ع)، از پیامبران دارای کتاب (تورات) و شریعت مستقل از جانب خداوند

و لقد آتینا موسی الکتب

ص: 447

دریافت کتاب آسمانی، حاکی از دریافت شریعت مستقل و جدا از شریعت سابق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 20 - 2

2- قتل مرد قبطی، قبل از رسیدن موسی (ع) به مقام رسالت بود.

قال فعلتها إذا و أنا من الضالین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد موسی از «و أنا من الضالین» این باشد که او در آن زمان رسول نبوده است. این احتمال با توجه به این که فرعون برای ردّ رسالت او آن را یادآوری کرده است، تقویت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 10 - 8

8 - اعطای مقام رسالت از جانب خداوند به موسی (ع) در وادی طور

یموسی لا تخف إني لا يخاف لدي المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 12

12 - خداوند، پناه و پشتیبان موسی (ع) از مرحله شیرخوارگی تا رسیدن به مقام رسالت

إن فرعون... يذبح أبناءهم... و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعیه... إنا رادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 39 - 3

3 - موسی (ع)، پیامبری از جانب خداوند، با بینات و آیات روشن بود.

و لقد جاءهم موسی بالبیئت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 23 - 1

1 - حضرت موسی (ع) از رسولان الهی بود .

و لقد أرسلنا موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 35 - 20

20- « سماعه بن مهران قال : قلت لأبي عبد الله (ع) قول الله عز وجل « فاصبر كما صبر أولو العزم من الرسل » فقال : نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و محمد (صلى الله عليه و آله) . . . » ;

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه «فاصبر كما صبر أولو العزم من الرسل» سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد (صلی الله علیه و آله) هستند. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 448

1 - سرگذشت موسی (ع) و رسالت او در هدایت فرعون، آیتی الهی و درس آموز

و فی موسی إذ أرسلنه إلى فرعون

عبارت «و فی موسی» عطف بر جمله «ترکنا فیها آیه» است؛ یعنی، «و فی قصه موسی آیه».

2 - موسی (ع)، رسول الهی

و فی موسی إذ أرسلنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 1

1 - بعثت موسی (ع)، آغاز مرحله ای جدید از بعثت پیامبران

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم .. ثم قفینا علی ءاثرهم برسلنا

«ثم» در «ثم قفینا..» - چنان که برخی مفسران گفته اند - برای تراخی رتبی است؛ نه زمانی. بر این اساس تعبیر «ثم قفینا»، بیانگر شروع مرحله ای جدید از بعثت پیامبران است و با مراحل قبلی (مرحله نوح(ع) تا ابراهیم(ع) و مرحله ابراهیم(ع) به بعد) از نظر اهمیت، متفاوت است. این مرحله - با توجه به این که قبل از بعثت حضرت عیسی(ع) و بعد از بعثت نوح و ابراهیم(ع) قرار گرفته - باید مرحله ای باشد که با بعثت حضرت موسی آغاز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 5 - 4

4 - موسی (ع)، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل

وقد تعلمون أننی رسول الله إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 15 - 4

4 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و موسی (ع)، از رسولان الهی

إنا أرسلنا إلیکم رسولاً .. كما أرسلنا إلى فرعون رسولاً

188- نبوت نسل ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 27 - 6,7

6 - اعطای اسحاق و یعقوب (ع) به ابراهیم (ع) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم (ع) از سوی خداوند بود .

ووهبنا له إسحق . . . و جعلنا فی ذرّيته النبوه... وءاتينه أجره فی الدنيا

7 - ذریه ابراهیم (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و جعلنا فی ذرّيته النبوه و الکتب

ص: 449

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 26 - 3,4

3 - تداوم یافتن بعثت پیامبران ، در نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع)

و جعلنا فی ذرّیتهما النبوه

4 - پیامبران مبعوث شده پس از نوح (ع) از ذریه حضرت نوح و پیامبران مبعوث شده پس از ابراهیم (ع) از ذریه حضرت ابراهیم (ع) بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّیتهما النبوه

189- نبوت نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 26 - 3,4

3 - تداوم یافتن بعثت پیامبران ، در نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع)

و جعلنا فی ذرّیتهما النبوه

4 - پیامبران مبعوث شده پس از نوح (ع) از ذریه حضرت نوح و پیامبران مبعوث شده پس از ابراهیم (ع) از ذریه حضرت ابراهیم (ع) بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّیتهما النبوه

190- نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 2,4

2 - خداوند نوح (ع) را به پیامبری برانگیخت و به وی وحی کرد .

كما أوحینا إلی نوح

4 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحينا إلى إبراهيم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 450

6 - اعراف - 7 - 59 - 1

1 - نوح (ع)، از رسولان الهی است .

لقد أرسلنا نوحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 61 - 2

2 - نوح (ع)، رسولی از جانب خداوند بود .

ولكنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 62 - 1,5

1 - نوح (ع)، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

أبلغکم رسلت ربی

5 - نوح (ع)، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

وأنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 64 - 7

7 - پیامبری نوح (ع) و معارف ارائه شده از سوی وی، از آیات خداوند

فكذبوه... و أغرقنا الذین كذبوا بآیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 1

1 - خداوند، موسی (ع) را پس از نوح، هود، صالح، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در «من بعدهم» پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 72 - 3

3 - حضرت نوح (ع) خود را فرستاده خداوند دانسته و اجر و مزد خود را نیز تنها بر عهده او اعلام کرد .

إن كان كبر عليكم مقامى و تذكيرى بأيت الله . . . فإن توليتم فما سألتكم من أجر إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 25 - 1

1- نوح (ع)، از پیامبران و رسولان الهی است .

و لقد أرسلنا نوحًا

ص: 451

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 5

5- خداوند، نوح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید.

ءاتى رحمه من عنده

مقصود از «رحمه»، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 42 - 4

4- نوح، هود و صالح (ع)، از پیامبران الهی

فقد کذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 23 - 1

1- نوح (ع)، از رسولان الهی بود.

و لقد أرسلنا نوحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 106 - 1

1- نوح (ع)، پیامبری از نژاد قوم خویش و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم نوح

قید «أخوهم» هم می تواند بیانگر پیوند خویشاوندی نوح(ع) با قومش باشد و هم تعبیر کنایی از اشفاق و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 79 - 2

سلم علی نوح فی العلمین

برداشت یاد شده از قید «فی العالمین» برای سلام به دست می آید؛ زیرا در این سوره خداوند سلام و تحیت خود را نسبت به چند پیامبر بزرگ (همچون ابراهیم، موسی و هارون علیهم السلام) نقل فرموده، ولی بدون این قید آورده است؛ مانند: آیه 109 (سلام علی ابراهیم) و آیه 120 (سلام علی موسی و هارون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 35 - 20

20- «سماعه بن مهران قال: قلت لأبي عبد الله (ع) قول الله عز وجل «فاصبر كما صبر أولو العزم من الرسل» فقال: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (صلی الله علیه و آله) . . .»

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه «فاصبر كما صبر أولو العزم من الرسل» سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد (صلی الله علیه و آله) هستند. . .».

ص: 452

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 26 - 1

1 - نوح و ابراهیم (ع) ، از رسولان الهی

و لقد أرسلنا نوحًا وإبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 1 - 1

1 - حضرت نوح (ع) ، از رسولان الهی

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا

191- نبوت و اشرافیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 2

2- منوط دانستن نبوت و رسالت ، به اشرافیت و توانمندی های مادی ، امری نامعقول

لولا نَزْلُ . . . أهم یقسمون رحمت ربِّک

از استفهام توییخی «أهم» استفاده می شود که هیچ نوع ارتباطی بین دستیابی به مقام نبوت و برخورداری از امکانات مادی، وجود ندارد.

192- نبوت و امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 3

3- در اختیار داشتن همه نعمت های الهی و توان دسترسی به گنجینه های هستی و دانستن غیب ، از لوازم و شرایط پیامبری نیست .

و لا أقول لكم عندی خزائن الله و لا أعلم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 16

16 - عدم تنافی شکوه و قدرت و امکانات مادی با مقام نبوت و مراتب عالی معنوی

قال إنه صرح ممرّد من قواریر

تعبیر «صرح ممرّد من قواریر» بیان گوشه ای از برخورداری ها و حشمت و شوکت سلیمان(ع) است. این در حالی است که او پیامبری بزرگ و دارای جایگاهی ارجمند در مقامات معنوی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 453

2 - منوط دانستن نبوت و رسالت ، به اشرافیت و توانمندی های مادی ، امری نامعقول

لولا نزل . . . أهم یقسمون رحمت ربک

از استفهام توییخی «أهم» استفاده می شود که هیچ نوع ارتباطی بین دستیابی به مقام نبوت و برخورداری از امکانات مادی، وجود ندارد.

193- نبوت و اندوه بر فراق محبوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 8

8- گریستن و اندوهگین شدن در فراق عزیزان و تأسف خوردن بر دوری آنان ، با مقام نبوت ناسازگار نیست .

قال یأسفی علی یوسف وایبضت عیناه من الحزن

194- نبوت و ترس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 28 - 4

4 - عدم منافات ترس از چیز های هراسناک ، با مقام نبوت *

فأوجس منهم خیفه قالوا لا تخف

195- نبوت و جهل به مقدرات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 87 - 10

10- عدم تنافی مقام نبوت با آگاهی نداشتن از مقدرات الهی نسبت به خویش

فظرّ أن لن نقدر علیه

196- نبوت و عزت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - عدم تنافی شکوه و قدرت و امکانات مادی با مقام نبوت و مراتب عالی معنوی

قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

تعبیر «صرح ممرّد من قواریر» بیان گوشه ای از برخورداری ها و حشمت و شوکت سلیمان(ع) است. این در حالی است که او

ص: 454

پیامبری بزرگ و دارای جایگاهی ارجمند در مقامات معنوی بود.

197- نبوت و علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 3

3- در اختیار داشتن همه نعمت های الهی و توان دسترسی به گنجینه های هستی و دانستن غیب ، از لوازم و شرایط پیامبری نیست .

و لا أقول لكم عندي خزائن الله و لا أعلم الغيب

198- نبوت و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 19 - 5

5 - قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دورفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتك التي فعلت و أنت من الكافرين

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد - که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد - مؤید برداشت یاد شده است.

199- نبوت و قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 16

16 - عدم تنافی شکوه و قدرت و امکانات مادی با مقام نبوت و مراتب عالی معنوی

قال إنه صرح ممرّد من قوارير

تعبیر «صرح ممرّد من قوارير» بیان گوشه ای از برخورداری ها و حشمت و شوکت سلیمان(ع) است. این در حالی است که او پیامبری بزرگ و دارای جایگاهی ارجمند در مقامات معنوی بود.

200- نبوت و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 19 - 5

5 - قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

ص: 455

و فعلت فعلتک التي فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد - که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد - مؤید برداشت یاد شده است.

201- نبوت و گریه بر فراق محبوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 8

8- گریستن و اندوهگین شدن در فراق عزیزان و تأسف خوردن بر دوری آنان ، با مقام نبوت ناسازگار نیست .

قال یأسفی علی یوسف وایبضت عیناه من الحزن

202- نبوت و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 13

13- توانایی به ارائه هر گونه معجزه و در هر زمان ، از شرایط پیامبری در دیدگاه ناصواب مردم عصر بعثت

و لقد أرسلنا رسلاً .. و ما کان لرسول أن یأتی بأیه إلاّ یاذن الله لکل أجل کتاب

203- نبوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 4

4- ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم .. و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 456

1- برانگیخته شدن هارون (ع) به نبوت، موهبت خداوند و پرتوی از رحمت او به موسی (ع) بود.

ووهبنا له من رحمتنا أخاه هرون نبياً

4- هارون، برادر موسی (ع)، و دارای مقام رفیع نبوت

أخاه هرون نبياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 32 - 5

5- اصالت موسی (ع) در رسالت نسبت به هارون (ع)

وَأشركه فی أمری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 36 - 6

6- هارون (ع) در وادی طوی به مقام نبوت و رسالت برگزیده شد.

هرون أخی... و أشركه فی أمری... قد أتیت سؤلک

چنانچه مراد از «أشركه فی أمری» درخواست نبوت و رسالت برای هارون(ع) باشد، اجابت آن در وادی طوی انجام پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 71 - 2

2- ساحران فرعون، موسی و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند.

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، «آمنا برّ هارون و موسی» بود؛ ولی فرعون در توییح خود، آنان را مؤمن به موسی(ع) معرفی کرد. گفتنی است که این نکته گویای تلازم ایمان به «رّب موسی و هارون» با ایمان به رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- هارون (ع) در عین دارا بودن مقام نبوت، موظف به پیروی از موسی (ع) و فرمان های او بود.

ما منعك .. ألا تتبعن أفعصيت أمري

«ألا تتبعن» خطاب به هارون(ع) و دال براین نکته است که او در عین نبوت، موظف به پیروی از فرمان های موسی(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 48 - 1,5

1- حضرت موسی و هارون (ع)، دو پیامبر دارای کتاب آسمانی و رسالت مشترک

و لقد آتینا موسی و هرون الفرقان و ضیاء و ذکرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «الفرقان» کتاب آسمانی تورات باشد. بر این اساس دادن کتاب آسمانی به

ص: 457

هارون در کنار حضرت موسی(ع)، بیانگر این است که او نیز مانند موسی(ع) در نبوت و دریافت کتاب آسمانی شریک و برابر بود.

5- حضرت موسی و هارون (ع)، دو پیامبر برخوردار از حجت و برهان الهی

و لقد آتینا موسی و هرون الفرقان

یکی از معانی لغوی «فرقان» حجت و برهان است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 45 - 1

1 - موسی و هارون (ع)، دو پیام آور الهی

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون بآیتنا و سلطن مبین

«آیه» (مفرد «آیات») به معنای نشانه است و «سلطان» مرادف حجت و «مبین» (از «ایانه») به معنای روشن و آشکار است.

204- نبوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 65 - 1

1 - هود، از انبیا و فرستادگان الهی است.

لقد أرسلنا ... و إلی عاد أخاهم هوداً

«إلی عاد» عطف بر «إلی قومه» و «أخاهم» عطف بر «نوحاً» در آیه 59 است، یعنی: أرسلنا إلی عاد أخاهم هوداً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 67 - 2,3

2 - هود، رسولی از جانب خدا

و لکنی رسول من رب العلمین

3 - هود با استناد به رسالت الهی خود، خویشتن را از هر گونه سفاهت و کم خردی میرا دانست.

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 3

3 - هود ، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

أبلغکم رسلت ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 1

1 - خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ص: 458

ثم بعثنا من بعدهم موسى

مراد از ضمیر در «من بعدهم» پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 50 - 1

1- هود (ع)، از پیامبران و رسولان الهی است.

و لقد أرسلنا .. و إلی عاد أخاهم هودًا

«إلی عاد» عطف بر «إلی قومه» و «أخاهم» عطف بر «نوحاً» در آیه 25 است؛ یعنی: و لقد أرسلنا إلی عاد أخاهم هودًا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 42 - 4

4- نوح، هود و صالح (ع)، از پیامبران الهی

فقد کذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 124 - 1

1 - هود (ع)، پیامبری از نژاد قوم عاد و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم هود

قید «أخوهم» می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی هود(ع) با قومش و یا تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

205- نبوت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام

نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 12 - 2

2- يحيى (ع) دریافت کننده وحی و دارای شخصیتی ممتاز در پیشگاه خداوند بود .

يحيى خذ الكتب بقوة

در باره این که ندای «یا یحیی» گفته چه کسی بود، دو احتمال وجود دارد: 1- از جانب خداوند و توسط فرشته وحی؛ 2- توصیه زکریا به فرزندش یحیی. ظاهر آیه مؤید احتمال اول است. برداشت یاد شده نیز بر همین اساس است.

ص: 459

206- نبوت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 84 - 2

2- ابرهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندانش، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . . . و الاسباط

چون «الاسباط» - به معنای نوه ها - پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 4

4- ابرهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب

وحی

و أوحینا إلی ابرهیم . . . و سلیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2- نوح، ابرهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام

نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

«أولئک» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 5,6

5- اسحاق و یعقوب (ع)، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابرهیم (ع)

واتبعته مله اباہی ابرهیم و إسحق و یعقوب

6- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 5

5- اسحاق و یعقوب (ع) ، فرزندان ابراهیم و از پیامبران الهی بودند .

وهبنا له اسحق و یعقوب و کلاً جعلنا نبیاً

اسحاق(ع)، فرزند ابراهیم(ع) بود، ولی یعقوب(ع) به دلیل آیه بیست و هفتم سوره هود (و من وراء اسحاق یعقوب) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 460

10- ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد.

و أوحینا إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 27 - 3

3 - اسحاق و یعقوب (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی، برخوردار بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب و جعلنا فی ذرّیته النبوه

از مصداق های اتم و اکمل ذریه ابراهیم، اسحاق و یعقوب اند که خداوند به آنها، نبوت و کتاب عطا کرده است.

207- نبوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2- نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

«أولئک» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 15 - 12

12- یوسف (ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 6

6- یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد، به مقام نبوت نایل گردید.

ولما بلغ أشدهً آتینه حکماً وعلماً

برداشت فوق، بر اساس نظر برخی از مفسران است که «حکم» را به مقام نبوت و «علم» را به دانش شریعت، تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 15

15- «عن الصادق (ع) [فی البرهان الذی رأی یوسف] : انه النبوه المانعه من ارتکاب الفواحش والحکمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده] روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و

ص: 461

حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 2

2- یوسف (ع)، پیامبر مردم مصر پیش از حضرت موسی (ع)

و لقد جاءكم يوسف من قبل

208- نبوت یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 4

4- ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب

وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3- زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام

نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 139 - 1

1 - یونس (ع)، از رسولان الهی

و إنَّ یونس لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 147 - 5

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 148 - 1

1 - تمامی قوم یونس ، پس از رسالت و مأموریت مجدد آن حضرت به سوی آنان ایمان آوردند .

و أرسلنه . . . فـامنوا فمتّعنهم إلى حین

ص: 462

209- نشانه های نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 6

6 - از دیدگاه برخی مردم در اختیار داشتن خزاین الهی و آگاهی به غیب و فرشته بودن، نشانه پیامبری است.

قل لا أقول لكم عندی خزائن الله و لأعلم الغیب و لأقول لكم إنی ملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 86 - 10

10 - دشمنی با کفرپیشگان حق ستیز و پرهیز از تقویت آنان، نشانه پیامبری و لازم جدایی ناپذیر آن

و ما كنت ترجوا أن یلقى إلیک الکتب... فلا تكوننّ ظهیرًا للکفرین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع «لا تكوننّ...» بر صدر آیه به دست می آید.

210- نشانه های نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 20

20 - برداشتن تکالیف شاق، گسستن زنجیرهای جهل و خرافه و زدودن بدعت های دینی از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) در

انجام رسالت خویش

و یضع عنهم إصرهم و الأغلل الّتی كانت علیهم

«إصر» به معنای عهد و پیمان سنگین و نیز به هر چیز دشوار و طاقت شکن گفته می شود. در آیه شریفه بدین مناسبت که در مقام بین

تشریح احکام از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، مراد از آن تکالیف مشقتباری است که امتهای گذشته بدانها پایبند بوده اند. غُلّ

(مفرد اغلال) به معنای طوق و زنجیری است که به گردن و یا دستها بسته می شود و مراد از آن جهل و خرافه و بدعت و مانند اینهاست.

211- نعمت نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 16، 17، 19

16 - پایداری در دین و حرکت در مسیر انبیای الهی ، شکر نعمتِ هدایت و رسالت انبیاست .

افاین مات او قتل انقلبتم . . . و سیجزی الله الشاکرین

مراد از «الشاکرین» در این آیه، یا خصوص کسانی است که هرگز مرتد نمی شوند و همچنان پایبند دین الهی هستند، و یا مؤمنان پادار، مصداق مورد نظر برای «الشاکرین» هستند.

17 - واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمتِ رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ینقلب علی عقبیه . . . و سیجزی الله الشاکرین

مفهوم جمله «و سیجزی الله الشاکرین» این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

ص: 463

19 - استقامت پیشگان و پایمردان پیکار احد ، شاکران نعمت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

انقلبتم علی اعقابکم . . . و سيجزى الله الشاکرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 164 - 15، 5، 2، 1

1 - بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، نعمتی بزرگ برای مؤمنان

لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا

فعل «منّ» از مصدر «منّه» به معنای نعمت بزرگ است.

2 - بهره جستن از نعمت بزرگ بعثت انبیا ، در گرو ایمان به آنهاست .

لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا

بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نعمتی بزرگ برای همه انسانهاست ؛ بنابراین ذکر خصوص مؤمنان بدان جهت است که بهره گیری از آن نعمت بزرگ، مشروط به ایمان به اوست.

5 - برخاستن انبیا از میان مردم و از جنس آنان بودن ، نعمتی برای انسانها

لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم

جمله «منّ الله» علاوه بر بیان نعمت بودن اصل بعثت، بر نعمت بودن هر یک از قیده‌های مذکور در آیه نیز دلالت دارد که از جمله آنها، از میان مردم و از جنس آنان بودن است.

15 - یادآوری وضعیّت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجّه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لقد منّ الله . . . و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

جمله «ان كانوا . . .» به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 11 - 7، 5

5- انبیای الهی، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری، نعمتی بزرگ از سوی او بر خود می دانستند.

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

7- مقام پیامبری، موهبت و نعمتی بزرگ از سوی خداوند برای بندگانی خاص است.

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 43 - 6

6- پیامبری، موهبتی است الهی که خداوند، به پیامبران اعطا کرده است.

و ما أرسلنا من قبلك إلاّ رجالاً نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 9 - 2

2 - مقام نبوت، موهبت خداوند و جلوه ای از رحمت او است.

ص: 464

أم عندهم خزائن رحمہ ربّک

مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، درصدد پاسخ گفتن به کافران معترض به انتخاب پیامبر اسلام برای رسالت است. از این رو مقصود از «رحمت» می تواند مقام نبوت و رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 59 - 5,7

5 - نبوت ، مرتبتی والا و از نعمت های ارجمند خدادادی است .

إن هو إلا عبد أنعمنا علیه

مراد از نعمت در «أنعمنا» ممکن است خصوص نبوت باشد.

7 - تنها امتیاز عیسی (ع) بر سایر بنی اسرائیل ، برخورداری آن حضرت از نعمت خدادادی نبوت بود .

إن هو إلا عبد أنعمنا علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 16 - 6

6 - برخورداری از حکومت الهی ، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

ولقد آتینا بنی اسرائیل الکتب و الحکم و النبؤه

در صورتی که «الحکم» نظر به حکومت داشته باشد؛ از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 2 - 3

3 - برخورداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از نعمت نبوت و عقل

ما أنت بنعمه ربّک بمجنون

واژه «جنون»، قرینه است بر این که نعمت اعطایی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) «عقل» است و برخی از مفسران آن را نعمت «نبوت» دانسته اند؛ چنان که در آیه 164 سوره «آل عمران» بدان اشاره شده است: «لقد منّ الله علی المؤمنین إذ بعث فیهم رسولاً من أنفسهم.

212- نعمت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 14 - 4

4- بعثت نوح (ع) ، نعمت الهی برای قومش

لمن کان کفر

از اینکه تکذیب نوح(ع) از سوی قومش کفران خوانده شده برداشت بالا استفاده می شود.

ص: 465

213- نفرت از نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 42 - 8

8 - نفرت شدید مشرکان از بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ، به رغم سوگند مؤکد قبلی خود مبنی بر ایمان به پیامبر برخاسته از میان نژاد آنان

و أقسموا بالله .. فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورًا

214- نقش نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 15

15 - وحی و رسالت ، برنامه کامل هدایت و در راستای رشد و تعالی بشر

و لقد جاءهم من ربهم الهدى

بنابراین که «الهدی» اشاره به وحی و رسالت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

215- وحی و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 7 - 6

6- دریافت وحی الهی ، لازمه منصب رسالت

و ما أرسلنا .. نوحی إليهم

216- وضوح دلایل نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 19 - 6

6- ادعای رسالت ، باید همراه با دلایل روشن و قانع کننده باشد .

اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اٰمِيْنٌ . . . اِنِّي ءَاتِيكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

217- وضوح دلايل نبوت موسى (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 72 - 2

2- ساحران مؤمن ، برتری دادن فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلايل روشن موسى (ع) را ، به کلی

ص: 466

منتقی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نُؤثرك على ما جاءنا من البیت والذی فطرنا

218- وضوح نبوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 2 - 8

8- رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از پیام های متقن ، روشن و اساسی قرآن

کتبُ أحکمت آیته ثم فصلت .. . إني لكم منه نذير و بشير

جمله «إني لكم منه .. .» نیز همانند «لاتعبدوا...» تفسیر «كتابُ أحکمت ...» می باشد؛ یعنی ، از پیامهای این کتاب ، رسالت و نبوت پیامبر(صلی الله علیه و آله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 12 - 7

7 - پیامبری محمد (صلی الله علیه و آله) ، امری شناخته شده برای همه مردم در مدینه بود .

و إذ يقول المنفقون .. هذا ما وعدنا الله و رسوله

219- وعده نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 11

11 - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی .. و جاعلوه من المرسلین

220- ویژگیهای نبوت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 63 - 1

1- رسالت عیسی (ع)، متکی به ادله و براهین آشکار

ولما جاء عیسی بالبینات

«بینات» (جمع «بینه») به معنای دلایل و حجت های روشن و آشکار است.

ص: 467

221- یهود و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 4,6

4 - یهود به سبب انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء

6 - گفتار یهود زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی (ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

222- یهود و نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 89 - 5

5 - یهودیان، پیش از بعثت، به نازل شدن قرآن و مبعوث شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) آگاهی داشتند.

وكانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 90 - 13

13 - یهودیان، معترض به خداوند به خاطر گزینش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به پیامبری و نازل کردن وحی بر آن حضرت

بغياً أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

از اینکه قرآن در بیان ریشه حسادت یهود (آن ينزل ..) به دو چیز اشاره کرده است (پیامبری رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و اینکه خدا این مقام را به او عطا کرده) می توان چنین نتیجه گرفت که یهودیان علاوه بر حسادتشان بر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به خداوند نیز به سبب اعطای این مقام، معترض بودند.

223- یهود و نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - گفتار یهود زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی (ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

ص: 468

22- نبی

1- آخرین نبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 40 - 7

7 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خاتم پیامبران است .

ولکن رسول الله و خاتم النبیین

2- اولین نبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 23 - 2

2- نوح ، نخستین فرستاده خدا به سوی جامعه بشری

و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه

با توجه به این که در آیات پیشین، بحث با چگونگی خلقت انسان شروع شده بود و در ادامه آن، به اسرار نهفته در موجودات طبیعت اشاره گشته بود، ذکر حضرت نوح(ع) به عنوان فرستاده خدا به سوی خلق، می تواند رساننده مطلب بالا باشد.

3- اولین نبی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 44 - 6

6 - خداوند ، برای مشرکان مکه قبل از رسول گرامی اسلام ، پیامبری مبعوث نکرده بود .

و ما أرسلنا إلیهم قبلک من نذیر

4- اولین نبی سرزمین مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 8

8 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، نخستین پیامبر مبعوث شده در سرزمین مکه

ص: 469

لتنذر قومًا ما أتاهم من نذير من قبلك

مراد از «قوماً» مردم سرزمین مکه است و «ما» در «ما أتاهم» نافییه می باشد؛ یعنی، مردمی که پیش از تو برای آنان هشدار دهنده ای مبعوث نشده است.

5- مراد از نبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 54 - 13

13- «عن زراره قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله - عز وجل - : «وكان رسولا نبياً» ما الرسول و ما النبيّ؟ قال : النبيّ الذي يرى في منامه و يسمع الصوت و لا يعاين الملك و الرسول الذي يسمع الصوت و يرى في المنام و يعاين الملك ;

مشاهده می کند».

ص: 470

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

